اطلاعات

چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸ - ۴ محرم ۱۴۴۱ - ۴ سپتامبر ۲۰۱۹ - سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۷۱ - ۱۲ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - تک شماره ۱۰۰۰ تومان

یارانه ۳ دهک پردرآمد از پایان شهریور حذف می‌شود

* وزیر تعاون: دولت شناسایی دهک‌های پردرآمد را با دقت و وسواس بیشتری انجام می‌دهد
* قرار است استانداران برای شناسایی اقشار با درآمد بالا همکاری کنند

صفحه ۴

گروه‌های مقاومت عراق: آماده جنگ با رژیم صهیونیستی در کنار حزب‌الله لبنان هستیم

* جنبش حزب‌الله الاوفیاء: رویارویی با رژیم صهیونیستی در لبنان و عراق را یک عرصه می‌دانیم
* سیدحسن نصرالله: خط قرمز اسرائیل را در هم شکستیم
* سوریه: به عملیات حزب‌الله علیه رژیم صهیونیستی افتخار می‌کنیم

صفحه ۱۲

رئیس‌جمهوری در مجلس:

هرگز دروازه دیپلماسی را نخواهیم بست

هیچ تصمیمی برای مذاکره دو جانبه با آمریکا نداریم و نداشتیم

* سیاست دولت در دولت یازدهم و دوازدهم، تعامل سازنده با جهان بوده و این راه را ادامه خواهیم داد
* اگر ۱+۴ بتواند به بخشی از تعهدات مهم خود عمل کند ممکن است ما هم در بحث کاهش تعهدات تجدیدنظر کنیم
* اگر نفت ما را به صورت نقد یا نسیه پیش خرید کنند شرایط برای پایبندی به تعهداتمان تسهیل می‌شود
* اگر تا فردا در مذاکرات به نتیجه نهایی نرسیم، مرحله سوم را در کاهش تعهدات اعلام خواهیم کرد
* اگر آمریکا کل تحریم خودش را بردارد، باز هم امکانپذیر است در جلسه ۱+۵ مثل قدیم حضور پیدا کند
* آمریکا فهمید که ملت ایران با فشار حداکثری به زانو در نمی‌آید

رأی اعتماد مجلس به وزرای آموزش و پرورش و میراث فرهنگی

* علی اصغر مونسان برای وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و محسن حاجی‌میرزایی برای وزارت آموزش و پرورش به ترتیب ۱۶۶ و ۲۰۰ رأی موافق نمایندگان را کسب کردند

علی اصغر مونسان

محسن‌حاجی‌میرزایی

صفحه ۲

در گفتگو با شبکه راشاتودی

ظریف: اروپا آماده ریسک برای حفظ برجام نبوده است

* برجام یک دستاورد مهم در دیپلماسی بود و خیلی زود است که درباره از بین رفتن آن صحبت کنیم
* آینده‌مان را چه با برجام و چه بدون آن می‌سازیم
* هیچ وقت در برابر آمریکا زودباور نخواهیم بود
* آزادی کشتیرانی و امنیت انرژی باید برای همگان باشد
* معاهده عدم تجاوز برای تمامی همسایگان ما در خلیج‌فارس از جمله عربستان سعودی مطرح بوده است
* خواهان حذف عربستان سعودی از منطقه نیستیم ولی آنها به دفعات در پی حذف ایران از منطقه بوده‌اند

محمدجواد ظریف در گفتگو با شبکه راشاتودی درباره وضع برجام و این که آیا این توافق از بین رفته است گفت: نه این طور نیست چراکه باور دارم برجام یک دستاورد مهم در دیپلماسی بود و خیلی زود است که درباره از بین رفتن آن صحبت کنیم.

به گزارش ایسنا، وزیرخارجه همچنین در این باره گفت که متاسفانه کشورهای اروپایی نتوانسته‌اند پولشان را در جایی هزینه‌کنند که حرف آن را می‌زنند. آنها حمایتشان از برجام را اعلام کرده‌اند اما آماده ریسک کردن

بقیه در صفحه ۲

لودریان: ایجاد خط اعتباری فروش نفت ایران منوط به اعطای مجدد معافیت توسط آمریکاست

* وزیر خارجه فرانسه: ایجاد یک خط اعتباری نفتی در ازای برگشت ایران به برجام، حفظ امنیت خلیج فارس و بازشدن درهای مذاکره پیرامون برنامه هسته‌ای ایران را پیشنهاد کرده‌ایم
* وزیر دارایی فرانسه دیروز به واشنگتن سفر کرد تا درباره ایران با آمریکا رایزنی کند

صفحه ۲

ژاپن از پیوستن به ائتلاف ضدایرانی آمریکا امتناع کرد

* توکیو: حضور ناوگان دریایی ژاپن در خلیج‌فارس و تنگه هرمز منوط به موافقت ایران است

صفحه ۱۲

یادداشت

جمعیت مطلوب، جمعیت پایدار

دکترمحمدمیرزایی*

در دوره بعد از انقلاب صنعتی یعنی اندکی بیش از دو قرن اخیر، تغییر و تحولات شگرفی در شئون مختلف زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جوامع شکل گرفته که تحت تاثیر پیشرفت‌های فزاینده تکنولوژی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بوده است. دو بال بنیادین توسعه را می‌توان تعمیم و توسعه «آموزش» و «بهداشت» دانست.

جمعیت و جمعیت‌شناسی هم از این تغییر و تحولات بی‌نصیب نبوده است. گسترش و تعمیم آموزش و بهداشت منجر به افزایش شتابان و فزاینده احتمال بقای نوزادان و اطفال شد. برای اینکه مقایسی به خوانندگان بدهم؛ دو قرن پیش از این، از هر هزار نوزاد بیش از ۳۰۰ نوزاد تا یک سالگی و حدود ۵۰۰ نوزاد تا ۵ سالگی فوت می‌کردند. درحال حاضر بحمدا... این رقم برای کمتر از یکساله‌ها در ایران به کمتر از ۲۰ درهزار، در کشورهای پیشرفته صنعتی کمتر از ۱۰ درهزار و در ژاپن و چند کشور دیگر به کمتر از ۵ درهزار نفر رسیده‌است.

وقتی مرگ و میر نوزادان و اطفال با چنین شتابی پائین می‌آید چنانچه باروری و زاد و ولد در سطح طبیعی قبلی باقی بماند، رشد جمعیت تصاعدی و نهایتاً انفجاری خواهدشد. اتفاقی که در اروپا و کشورهای صنعتی در نیمه دوم قرن ۱۹ میلادی و در کشورهای در حال توسعه در نیمه دوم قرن بیستم افتاد و منجر به جهش تعداد جمعیت دنیا از کمتر از یک میلیارد نفر به بیش از ۷ میلیارد نفر در دو قرن اخیر شد. (البته سهم افزایش جمعیت کشورهای صنعتی در قرن ۱۹ به خاطر اینکه جمعیت پایه کمتری داشتند، بسیار کمتر از افزایش جمعیت کشورهای غیر صنعتی در قرن بیستم بود) شمار جمعیت کشور ما نیز از حدود ۱۰ میلیون نفر در سال ۱۳۰۰ هجری شمسی، به ۸۳ میلیون نفر رسیده و در کمتر از یک قرن حدود ۸/۵ برابر شده است. درچنین وضعیتی، و البته در بستر توسعه، جوامع و کشورها در سطح خرد (خانواده) و در سطح کلان (دولت)، برای حفظ روند توسعه به محدود کردن سطح زاد و ولد می‌پردازند تا به مانند قرون و اعصار گذشته به رشد بطئی و متعادلی از جمعیت برسند و عموماً چنین هم شده‌است (مراحل انتقال جمعیتی). در چنین تحولاتی باید مراقب بود که باروری به کمتر از سطح جانشینی، که حدود ۲/۱ فرزند است، نرسد.

از نظر روند تاریخی، طبعا همواره اصل بر تشویق ازدواج و فرزندآوری بوده و خواهدبود. فقط در مرحله انتقال (گذار) جمعیتی است که جوامع و کشورها برای گریز از رشد تصاعدی و انفجاری جمعیت برای چند دهه ناگزیر از تحدید موالید و نیل به الگو و پارادایم جدیدی از باروری می‌شوند. در ایران این اتفاق، هرچند از اواسط دهه ۱۳۴۰ شروع شد ولی شتاب نیل به باروری کنترل شده در فاصله اواسط دهه ۱۳۶۰ تا دهه ۱۳۸۰ بوده‌است.

نگرانی‌های حاصل از رشد انفجاری جمعیت سبب می‌شود که عموماً کشورهایی که در مرحله انتقال جمعیتی قرار می‌گیرند، ترمزی که برای گریز از رشد انفجاری جمعیت می‌گیرند محکم بوده و منجر به نیل باروری به زیر سطح جانشینی شود. در کشور ما هم نرخ باروری کل به اندکی کمتر از سطح جانشینی در دهه ۱۳۸۰ رسید. شایان ذکراست که انجمن جمعیت‌شناسی ایران اولین سخنرانی ماهانه خود در سال ۱۳۷۹ را در مورد قریب‌الوقوع بودن رسیدن باروری در ایران به زیر سطح جانشینی اختصاص داده بود اما در آن زمان برای خیلی از مدعیان امروز، باور آن مشکل بود و جدی گرفته نشد. در دهه ۱۳۸۰ میزان باروری کل به زیر سطح جانشینی و رقم ۱/۸ رسید که رشد منفی اقتصادی و بالا رفتن سن ازدواج از عوامل مؤثر آن بوده‌است. براساس گزارش‌های مرکز آمار ایران، روند دهه ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که باروری به بالاتر از میانگین ۲ فرزند رسیده و به سطح جانشینی بسیار نزدیک شده‌است.

در یک جمله می‌توان گفت در مراحل اولیه توسعه، رشد جمعیت به سبب توسعه بهداشت شتاب می‌گیرد. در مرحله بعد از گریز از رشد انفجاری جمعیت، به‌منظور حفظ روند و دستاوردهای توسعه، منجر به کاهش باروری و تعدیل رشد جمعیت می‌شود. پس از آن همان روند تاریخی سیاستهای تشویق باروری استمرار می‌یابد. همانطور که در ابتدا گفته شد، از نقطه‌نظر روند تاریخی؛ اصل بر تشویق ازدواج و باروری بوده و خواهدبود. در تعادل جمعیتی قبل از مرحله انتقال جمعیتی، باروری و مرگ و میر هردو بالا و رشد جمعیت بطئی و ناچیز است و در تعادل جمعیتی بعد از انتقال جمعیتی باروری و مرگ و میر هردو پایین و رشد جمعیت بطئی است.

پیامد انتقال باروری از سطح طبیعی به باروری کنترل شده، انتقال ساختار سنی جمعیت از جوانی به سالخوردگی است. در اینجا سالخوردگی جمعیت همانند جوانی جمعیت یک مفهوم آماری است و با مفهوم فردی و بیولوژیک کاملا متفاوت است. هنگامی که بیش از ۱۵ درصد جمعیت در سنین بالای ۶۵ سال قرار بگیرد، اصطلاحاً آن جمعیت را سالخورده می‌گویند. (متاسفانه در ادبیات عامیانه مفهوم سالخوردگی جمعیت مترادف با پیری مردمان گرفته می‌شود و همین سوء تفاهم گاه تا سطوح مدیریتی و تصمیم‌گیری هم سرایت می‌کند) کشورهای پیشرفته صنعتی از اواسط قرن بیستم یعنی در حدود هفتاد سال است که دارای ساختار سنی سالخورده هستند. بقیه کشورهای دنیا هم در این مسیر قرار گرفته و تا نیمه دوم قرن بیست و یکم تمام کشورها ساختار سنی سالخورده خواهند داشت. هریک از مراحل ساختار سنی جمعیت (جوانی، دوره انتقال و پنجره جمعیتی و در نهایت سالخوردگی) چالشها و مشکلات خاص خود را دارد. مهم این است که در مسیر روندها و تغییر و تحولات جمعیتی، برای چالش‌های مربوط به هر مقطع چگونه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و مدیریت صورت می‌گیرد.

درحال حاضر کشور ما در مرحله انتقال ساختار سنی جمعیت قرار دارد. در این مرحله میزان رشد سالانه گروههای مختلف سنی متفاوت از میزان رشد کل جمعیت است. در مقطع زمانی فعلی، سالمندان کشورمان در گروههای سنی‌ای قرار دارند که رشد انفجاری قبل از دهه ۱۳۷۰ را تجربه می‌کنند؛ بنابراین، این روند کاملا طبیعی است. مضافاً آنکه افزایش شاخص امید زندگی نیز به نوبه خود میزان رشد سالمندان را تشدید کرده‌است. به همین سبب در حالی که میزان رشد سالانه کل جمعیت ۱/۲۴ درصد است، میزان رشد سالمندان رقمی بیش از ۳ درصد را نشان می‌دهد. شایان ذکر است که میزان رشد سالانه ۱/۲۴ درصد، هرچند انفجاری نیست ولی کماکان تصاعدی محسوب می‌شود و بر خلاف آنچه پاره‌ای افراد نامطلع ترویج می‌کنند ما نه تنها دچار سقوط جمعیت نشده‌ایم بلکه کماکان از رشد تصاعدی جمعیت برخورداریم. وقتی میزان رشد سالانه جمعیت به ارقام اعشاری (کمتر از ۱ درصد) برسد به تدریج از رشد تصاعدی فاصله می‌گیریم. بنابراین مهمترین کار این دوران، توانمندسازی جوانان، کارآفرینی و تسهیل ازدواج است تا در شرایط پایدار جمعیتی قرار گیریم. ان شاء الله

*استاد ممتازجمعیت شناسی دانشگاه تهران

برنامه عزاداری شهادت حضرت اباعبدالله الحسین(ع) با حضور رهبر معظم انقلاب

مراسم عزاداری شهادت سرور و سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله‌الحسین علیه‌السلام از شب هفتم تا دوازدهم محرم (جمعه ۱۵ تا چهارشنبه ۲۰ شهریور) با حضور رهبر معظم انقلاب و اقشار مختلف مردم در حسینیه امام خمینی(ره) برگزار می‌شود.

به گزارش حوزه امام و رهبری خبرگزاری فارس،جزئیات این مراسم به این شرح است:

جمعه (۱۵ شهریور/ ۶ محرم):
قاری: کریم منصوری- روضه پیش از منبر: حجت‌الاسلام جعفر اسلامی‌فر- سخنران: حجت‌الاسلام کاظم صدیقی و مدّاح: حاج منصور ارضی، سیّد مجید بنی‌فاطمه

شنبه (۱۶ شهریور/ ۷ محرم):
روضه پیش از منبر: جعفر واضحی - سخنران: حجت‌الاسلام مسعود عالی و مدّاح: مهدی سلحشور

یکشنبه (۱۷ شهریور/ ۸ محرم):
روضه پیش از منبر: حجت‌الاسلام هادی محمّدپور - سخنران: حجت‌الاسلام مسعود عالی و مدّاح: میثم مطیعی

دوشنبه (۱۸ شهریور/ ۹ محرم):
روضه پیش از منبر: حجت‌الاسلام محسن آتشکار - سخنران: حجت‌الاسلام ناصر رفیعی و مدّاح: محمّدرضا طاهری

سه‌شنبه (۱۹ شهریور/ ۱۰ محرم):
روضه پیش از منبر: مهدی سماواتی - سخنران: حجت‌الاسلام ناصر رفیعی و مدّاح: محمود کریمی

چهارشنبه (۲۰ شهریور/ ۱۱ محرم):
روضه پیش از منبر: مرتضی طاهری - سخنران: حجت‌الاسلام سیّد احمد خاتمی و مدّاح: سعید حدادیان

گفتنی است هر شب قبل از نماز مغرب و عشاء، احکام بیان می‌شود.

لودریان: ایجاد خط اعتباری فروش نفت ایران منوط به اعطای مجدد معافیت توسط آمریکاست

وزیر امور خارجه فرانسه با اعلام این که مذاکرات با ایران برای ایجاد خط اعتباری به منظور تضمین سود فروش نفت جمهوری اسلامی ادامه دارد، تصریح کرد که اجرای این طرح منوط به اعطای مجدد معافیت‌های نفتی به ایران است.

به گزارش ایسنا، به نقل از رویترز، ژان ایو لودریان دیروز در جمع خبرنگاران گفت: پیشنهاد ما این است که یک خط اعتباری نفتی ایجاد کنیم و در ازای آن ایران به برجام برگردد، امنیت خلیج فارس حفظ و درهای مذاکره پیرامون امنیت منطقه‌ای و برنامه هسته‌ای ایران پس از سال ۲۰۲۵گشوده شود.وی در ادامه تصریح کرد: تمامی این مسائل منوط به اعمال مجدد معافیت‌های نفتی از سوی ترامپ است.به گزارش ایسنا، برخی منابع غربی به تازگی اطلاع داده‌اند که فرانسه برای پایبند ماندن ایران به تعهدات برجامی خود، می‌خواهد موضع آمریکا نسبت به طرح ایجاد یک خط اعتباری به ارزش ۱۵ میلیارد دلار تا پایان سال جاری به تهران را بررسی کند.

رویترز به نقل از منابع مطلع خبر داده‌است: فرانسه پیشنهاد را مطرح کرده اما ایران همچنان در حال مذاکره بر سر این مساله است. این که ایران بتواند آزادانه هر زمان که بخواهد به این مقدار پول دسترسی پیدا کند، باید تضمین شود و جمهوری اسلامی همچنین باید بتواند نفت خود را بفروشد و به پول حاصل از فروش نفت، به راحتی دست یابد.

یک منبع دیگر گفته است: با این که اروپایی‌ها خصوصا فرانسه عزم خود را به خوبی جزم کرده‌اند، باید آمریکا را وادار به همکاری کنند. اگر این اتفاق نیفتد، ایران در کاهش تعهدات برجامی خود تعلل نخواهد کرد. اگر برجام برای ایران سودی نداشته باشد، پایبندی به آن منطقی نخواهد بود.

برونو لمیر، وزیر دارایی فرانسه دیروز به واشنگتن سفر کرد تا درباره ایران با آمریکا رایزنی کند.

حناچی فهرست محرمانه بدهی‌های شهرداری تهران را به شورای شهر داد

سخنگوی شورای شهر تهران، در باره سرقت مجسمه‌ها، ساختمان پلاسکو، بدهی‌های شهرداری و... توضیحاتی ارائه داد.

به گزارش مهر، علی اعطا در نشست خبری، در پاسخ به سئوالی درباره آخرین وضع مجسمه دزدیده شده قیصر امین‌پور، افزود: دزدیده شدن مجسمه اتفاق خوشایندی نبود. در شهرداری تهران مجموعه‌ای به نام یگان حفاظت وجود دارد که مأموریت‌هایشان از طرف ستاد کل به آنها ابلاغ می‌شود و یکی از مأموریت‌ها حفاظت از اموال منقول و غیرمنقول شهرداری است، اما محافظت اموالی که در فضای شهری وجود دارند بر عهده یگان حفاظت شهرداری نیست.

وی با اشاره به این که اخیراً سازمان زیباسازی شهر تهران با پلیس آگاهی جلسه‌ای را در این رابطه برگزار کرده است، تصریح کرد: همچنین در شورای شهر طرحی تحت عنوان «حریم آثار هنری» تقدیم هیأت رئیسه شده است. اگرچه در این طرح، مشخصاً به بحث سرقت پرداخته نشده، اما به شیوه ای یک نوع حفاظت به شکل نرم است که بر اساس آن می‌توانیم برای حفاظت از آثار هنری از دوربین بهره ببریم تا کنترل دقیقتری صورت گیرد.

وی با بیان این که این طرح در کمیسیون مشترک حقوقی، شهرسازی، فرهنگی و اجتماعی شورا تهیه و به هیأت رئیسه تقدیم شده است، گفت: در همین رابطه روز گذشته تماسی با معاون اجتماعی پلیس تهران برقرار کردم و این نشان می‌داد که این موضوع در پلیس هم در دست پیگیری است تا به سرنخ‌هایی دست پیدا کنند.

اعطا در پاسخ به سئوال دیگری درباره آخرین وضع احداث ساختمان پلاسکو بیان کرد: برای ایجاد یک ساختمان باید حتماً از شهرداری پروانه دریافت شود و این موضوع شامل حال پلاسکو هم می‌شود. همچنین وقتی تصمیم بر ساختن بنایی وجود دارد باید مشخص شود که چه نوع کاربری برای آن در نظر گرفته شده است؛ البته در طراحی ساختمان، طراح و مهندس ناظر باید مسئولیت‌های مربوط به ساخت ساختمان را بپذیرند. با کمی تسامح می‌توان گفت در منطقه فعلی که قبلاً ساختمان پلاسکو وجود داشت گودی وجود دارد و شهرداری با ضریب صفر- صفر اجازه ساخت‌وساز در این قسمت را ارائه کرده است.

به گفته سخنگوی شورای شهر تهران، برای ساختمانی که قرار است به جای پلاسکو ساخته شود باید ۴۰۰ واحد پارکینگ هم تأمین و بر اساس توافق‌های پیشین یک طبقه از ساختمان هم به فضایی برای گرامیداشت یاد شهدای آتش‌نشان پلاسکو در نظر گرفته شود.

اعطا در ادامه در پاسخ به سئوالی درباره آخرین سند ارائه شده در مورد میزان بدهی‌های شهرداری تهران توضیح داد: آقای حناچی در خرداد ۹۸، نامه محرمانه‌ای را به شورای شهر تهران ارسال کرد که لیست بدهی‌های شهرداری تهران را نشان می‌داد. این نامه طبقه‌بندی محرمانه دارد به همین دلیل امکان آن را ندارم که اطلاعات ریز نامه را اعلام کنم، اما صرفاً به یک آیتم اشاره می‌کنم و آن میزان دیون و تعهدات بانکی و اوراق مشارکت‌هاست.

بقیه در صفحه ۴

ظریف: اروپا آماده ریسک برای حفظ برجام نبوده است

بقیه از صفحه اول

و سرمایه‌گذاری برای حفظ یک دستاورد مهم دیپلماسی نبودند. ما[فقط] درباره اروپا حرف می‌زنیم چون روابط خوبی با روسیه و چین [به عنوان شرکای برجام] داریم. البته آمریکا بر این دو کشور هم اثر گذاشته است. تحریم‌های آمریکا که نه، بلکه اقداماتی غیرقانونی که من به آن جنگ اقتصادی علیه ایران می‌گویم، بر این دو کشور اثر گذاشته است. اما اروپایی‌ها علیرغم اظهارات کلی در حمایت از برجام، آماده سرمایه‌گذاری برای آن نبوده‌اند. این که آنها به تعهداتشان عمل کنند، اهمیت دارد.

ظریف در ادامه با اشاره به مذاکرات اخیر هیات‌های دیپلماتیک ایران و فرانسه گفت که هدف از این مذاکرات این بوده است که آنها[فرانسه]ببینند که چطور می‌توانند به تعهدات خودشان عمل کنند و مذاکره دوباره‌ای بر سر توافق برجام و تجدید نظر در آن مطرح نیست بلکه موضوع فقط اجرای آن است.

وزیر امور خارجه ایران در پاسخ به این که آیا توصیه او به اروپایی‌ها در چند وقت اخیر برای نپذیرفتن سلطه آمریکا و احترام به قوانین بین‌المللی، تاثیری داشته است، گفت که او کسی را موعظه نکرده و فقط درباه واقعیت‌ها صحبت می‌کند، اما اروپایی‌ها باید بدانند که میل آمریکایی‌ها برای نقض قوانین بین‌المللی، در هرجا و هر زمانی که بخواهند، با [نقض] برجام متوقف نخواهد شد.

وی سپس درباره این که آیا اروپا تمایل آن را دارد و خواهد توانست در برابر خواست آمریکا درباره برجام بایستد، اظهارنظر کرد: فقط می‌توانم این را بگویم که این همان کاری است که باید انجام بدهند. این که چگونه می‌خواهند این کار را انجام بدهند، با آمریکایی‌ها مقابله کنند یا متقاعدشان کنند، تصمیم خودشان است. من فکر می‌کنم آمریکایی‌ها متقاعد نخواهند شد، مگر این که با عزم سراسر جهان برای تائید اصول قوانین بین‌المللی مواجه شوند. میل یک زورگو[برای زورگویی] در صورت عدم مواجه شدن با واکنش، تقویت خواهد شد. بستگی دارد ما در نوع تعامل اروپایی‌ها با آمریکا مداخله نمی‌کنیم.

رئیس دستگاه دیپلماسی کشورمان به علاوه درباره این که آیا انتظار دارد اروپایی‌ها شرکت‌های خودشان را وادار به تجارت با ایران کنند گفت که نه آنها نمی‌توانند این کار را انجام دهند، اما می‌توانند به قوانین خودشان عمل کنند.

وی با اشاره به این که با دقت درباره توافق هسته‌ای مذاکره شده است، گفت که آینده ایران به برجام بستگی ندارد و «ما آینده‌مان را با چه با برجام و چه بدون آن می‌سازیم».

ظریف به تلاش موفقیت‌آمیز ایران در احیای اقتصاد و ارزش پول ملی اشاره کرد و گفت: باور داریم برجام دستاورد مهمی است که نباید از بین برود اما از بین رفتن آن، ضربه‌ای به دیپلماسی خواهد بود، نه ایران. ما می‌خواهیم شاهد نجات یافتن این دستاورد باشیم، اما اگر اروپایی‌ها نتوانند سهم خودشان[از توافق] را انجام بدهند، همه ما از جمله آمریکا زیان خواهیم کرد.

وزیر امور خارجه ایران سپس درباره اجرای اینستکس توضیح داد: من هیچ موردی را نمی‌شناسم و برایم مهم نیست چرا که اینستکس یک سازوکار اروپایی و تلاش اروپا برای دور زدن تحریم‌هاست. برای اروپایی‌ها این سازوکار پیش‌نیازی برای عمل کردن به ۱۱ تعهد پس از زمان خروج آمریکا از برجام است. این تعهدات با علم بر این شکل گرفته‌اند که آمریکا در آن همکاری نخواهد کردو اینها تعهداتی هستند که باید به آن عمل کنند و ما بر سر آن مذاکره می‌کنیم. اگر می‌خواهند با آمریکا [در این باره] رایزنی کنند، این به خودشان ارتباط دارد.

وی سپس با اشاره به این که ایران ۴۰ سال است که بدون رابطه با آمریکا پابرجاست گفت که «ما هیچ‌وقت در برابر آمریکا زودباور نخواهیم بود».

ظریف در بخشی دیگر از این گفتگو با اشاره به این که منافع اقتصادی یکی از اصول برجام است گفت که این توافق بر دو رکن عدم اشاعه تسلیحات هسته‌ای و عادی‌سازی روابط اقتصادی ایران استوار است.

او در پاسخ به این سئوال که آیا ایران به منافع اقتصادی توافق هسته‌ای دست پیدا خواهد کرد، گفت: ممکن است به تمام منافع اقتصادی دست پیدا نکنیم، اما فکر می‌کنم جامعه بین‌المللی باید سر عقل بیاید و ببیند که اگر این جریان متوقف نشود، قربانیان بعدی در راه خواهند بود.

وزیر امور خارجه ادامه داد: ایران کمترین وابستگی را به خارج داشته و اقتصاد آن توانسته است در برابر فشارهای آمریکا دوام بیاورد. کشورهای جهان تحت قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متعهد هستند که روابط اقتصادی ایران با جهان را عادی‌سازی کنند.

ظریف افزود: این که آمریکا بر تبدیل اقتصاد و دلارشان به نوعی سلاح برای برپا کردن جنگ علیه دیگران اصرار می‌ورزند، به نابودی آن منجر خواهد شد. استفاده افراطی از هرگونه قدرتی، سرانجام به از بین رفتن آن منجر خواهد شد. حالا ما شاهد آن هستیم که آمریکا از این اقدامات علیه چین و روسیه استفاده می‌کند و این در نهایت به انحطاط بازار اقتصاد آمریکا منجر خواهد شد.

حفظ امنیت خلیج فارس

وزیر امور خارجه همچنین درباره حفظ امنیت خلیج فارس و تلاش آمریکا برای تشکیل ائتلافی با ادعای حفاظت از کشتیرانی در تنگه هرمز گفت که افزایش حضور نظامی در این مسیرهای آبی باریک، امنیت آن را افزایش نخواهد داد و فقط موجب ناامنی آن خواهد شد.

وی در ادامه با توجه به خط ساحلی ایران در خلیج فارس و دریای عمان گفت که تامین امنیت این منطقه بدون ایران ممکن نیست و آوردن کشورهای دیگر به این منطقه برای تهدید ایران یا حمله به آن، فقط موجب تنش و افزایش ناامنی خواهد شد.

ظریف راجع به این که آیا این اقدام آمریکا در خلیج فارس می‌تواند از سوی این کشور به‌عنوان سازوکاری برای به اجرا درآمدن تحریم‌هایش به کار گرفته شود و آیا با توجه به باریک بودن این آبراه بین‌المللی امکان مسدود ساختن فیزیکی آن وجود دارد یا نه، گفت: نه ما به طور فیزیکی مسدود نخواهیم شد، چرا که اگر کار به اینجا برسد ما بیشترین قدرت را در منطقه داریم و کشوری ساحلی هستیم؛ هر میزان قدرت خارجی که به این منطقه وارد شود نمی‌تواند در این تغییری ایجاد کند و فقط موجب افزایش ناامنی خواهد شد. ماهم آنها را به مسدود ساختن تهدید نمی‌کنیم. مشکل این است که آزادی کشتیرانی و امنیت انرژی باید برای همگان باشد و نمی‌توان دستچین کرد که چه کسی می‌تواند یا نمی‌تواند از آنها بهره‌مند شود.وزیر امور خارجه درباره این که آیا دریای جنوبی چین بخشی از آب‌های جهانی به حساب می‌آید هم گفت: ما به موضع چین احترام می‌گذاریم و همیشه خواهان ثبات و آرامش در دریای جنوبی چین بوده‌ایم، اما باور داریم که نمی‌توان ثبات و آرامش در این منطقه را با زیان دیدن چین برقرار کرد، همان طور که ثبات و آرامش خلیج فارس و دریای عمان با متضرر شدن ایران برقرارنمی‌شود.

وی در ادامه درباره توقیف اخیر نفتکش‌ها در خلیج‌فارس گفت: من این را تلاش آمریکا برای یکطرفه کردن آزادی کشتیرانی و منع ایران از آن[آزادی کشتیرانی] می دانم. من توقیف کشتیمان در جبل‌الطارق را یک نمونه بارز راهزنی دریایی می‌دانم. ما به وضوح گفته‌ایم که اگر آمریکا از نفوذ اقتصادی خود بر کشوری استفاده کند تا مانع فروش نفت ایران به صورت شفاف و رسمی شود، ما از تمامی روش‌هایی که داریم برای فروش نفتمان استفاده خواهیم کرد. قطعنامه شورای امنیت کشورهای دیگر را ملزم می‌کند که روابط اقتصادی با ایران را عادی‌سازی کنند و آمریکا در این میان فقط یک زورگوست.

رئیس دستگاه دیپلماسی ایران در بخش دیگری از این گفتگو درباره این که آیا ممکن است دونالد ترامپ، رئیس جمهوری آمریکا به روش خود رفتاری سازنده از خود نشان بدهد که نتیجه آن به نفع ایران باشد، توضیح داد: به عنوان یک دیپلمات نمی‌توانم دیپلماسی را نادیده بگیرم و وظیفه من این است که برای[دستیابی به] راهکارهای دیپلماتیک فعالیت کنم و به تلاشم ادامه خواهم داد، اما ما یک میز مذاکره داشتیم که آمریکا آن را ترک کرد.

وی افزود:ما هیچ‌گاه تحت فشار و با دانستن این که نتیجه فقط برای مدت یک دوره ریاست جمهوری دوام خواهد آورد، مذاکره نخواهیم کرد.

ظریف در توضیح این که برخی اخبار حاکی از آن هستند که وی در سفر اخیرش به کویت، همراه با طرح پیشنهادی‌عدم‌تجاوز، پیشنهادی برای عربستان سعودی داشته است گفت: معاهده عدم تجاوز برای تمامی همسایگان ما در خلیج فارس از جمله عربستان سعودی مطرح بوده است.

وی در پاسخ به این سئوال که آیا شما با آنها[عربستان سعودی] مذاکره خواهید کرد و این که آیا این مذاکرات دربرگیرنده عاملان غیر دولتی که تاکنون تقابل هایی با یکدیگر داشته‌اند خواهد بود، گفت: بله بدون تردید. ما هیچ مشکلی با مذاکره بر سر امنیت منطقه‌مان با سعودی‌ها نداریم و این در برگیرنده هر ائتلافی علیه یکدیگر خواهد بود. یعنی عربستان سعودی عضو ائتلافی علیه ایران نخواهد بود و ایران هم عضو ائتلافی بر ضد عربستان سعودی نخواهد بود و اقدامات متجاوزانه‌ای علیه یکدیگر نخواهیم داشت. آنها نباید از سازمان‌های تروریستی حمایت کنند که متاسفانه از بسیاری از سازمان‌های تروریستی و تجزیه‌طلب حمایت می‌کنند. ما باید مشکلاتمان را به طور صلح‌آمیز حل و به یکدیگر در حل مشکلات منطقه کمک کنیم.

وزیر امور خارجه همچنین با مطرح کردن این که ایران شش سال پیش درباره حل بحران سوریه به طور صلح‌آمیز و حل مشکل یمن با راهکارهای سیاسی پیشنهادهایی به عربستان سعودی داد اما متاسفانه این کشور کاملا به آمریکا وابسته بوده و فکر می‌کند که می‌تواند تا آخرین سرباز آمریکایی جنگ‌هایش علیه‌ایران را انجام بدهد که این کارساز نخواهد بود، گفت: هیچ کسی خواهان سلطه بر منطقه نیست و نمی‌توان امنیت را از خارج خرید.

ظریف افزود: این شامل ایران هم می‌شود اما ما خواهان حذف عربستان سعودی از منطقه نیستیم و این عربستان سعودی بوده است که به دفعات در پی حذف ایران از منطقه بوده است و این اتفاق نخواهد افتاد.

هرچه زودتر همسایگان سعودی ما متوجه این بشوند که باید همیشه در منطقه در کنار همسایگانشان زندگی کنند، ما زودتر به یک گفتمان خوب، موفق و منطقی می‌رسیم.

اقدامات آمریکا ضربه به قوانین بین‌المللی است

وزیر امور خارجه در گفتگو با شبکه روسیه ۲۴هم به تاثیر کارشکنی‌های آمریکا بر مواردی ازجمله برجام، قانون بین‌المللی و فعالیت روند صلح آستانه اشاره کرد.

ظریف گفت: اقدامات آمریکا ضربه‌ای به کل چارچوب قوانین بین‌المللی است. به همین دلیل اگر راهی برای عمل متقابل در برابر آمریکا پیدا نکنیم، برجام فقط خسارت[ما] نخواهد بود؛ از همین رو، با روسیه دیدگاه مشترکی درباره این مساله داریم.

وزیر امور خارجه در پایان سفر خود به روسیه در جمع خبرنگاران در تشریح نتایج این سفر تاکید کرد:انجام این سفر در این مقطع بسیار ضروری و مهم بود.

ظریف تصریح کرد: در جریان دیداری که با آقای لاوروف داشتیم در ارتباط با روابط دوجانبه ایران و روسیه و گسترش این روابط و همچنین مساله افغانستان با توجه به تحرکات آمریکا در این کشور و آخرین تحولات در یمن و خلیج فارس رایزنی و گفتگو کردیم.

این دیپلمات عالی‌رتبه کشورمان با بیان این که انجام این سفر در این مقطع بسیار ضروری و مهم بود، خاطرنشان کرد: ایران و روسیه در بسیاری از زمینه‌ها دارای دیدگاه‌های مشترک هستند و به انجام کار مشترک نیاز دارند.

ظریف تاکید کرد: معتقدم مجموعه رایزنی‌ها و هماهنگی‌هایی که در این سفر در حوزه برجام و روابط منطقه‌ای انجام شد به نفع صلح و امنیت دو کشور و منطقه خواهد بود.

دیدار ظریف ونماینده ویژه سازمان‌ملل

«گیر او پترسون» نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور سوریه با ظریف در تهران دیدار و درباره آخرین تحولات سوریه و زمینه‌های همکاری در این زمینه گفتگوکرد.

در این دیدار دو طرف با مرور بر تحولات سیاسی سوریه و تلاش‌های سازمان ملل و کشورهای ضامن روند آستانه، درباره تشکیل و شروع به کار کمیته قانون اساسی سوریه بحث و تبادل نظر به عمل آوردند.

ظریف در این دیدار با اشاره به تلاش‌های ایران در مبارزه با تروریسم و افراط‌گرایی و همچنین در چارچوب روند سیاسی از جمله تشکیل کمیته قانون اساسی در همکاری با ضامنان روند آستانه و نمایندگان دبیرکل، فشارهای دولت آمریکا که مانع تشکیل و شروع به کار کمیته قانون اساسی شده بود را یادآوری کرد.وزیر امور خارجه با تاکید بر عزم ایران برای حل و فصل بحران سوریه از طریق سیاسی، از هرگونه تعامل مثبت دمشق و سازمان ملل حمایت کرد و اظهار داشت: تهران همواره مشوق تماس‌های طرفین بوده است.

نماینده ویژه دبیرکل سازمان ملل متحد در امور سوریه هم در این دیدار آخرین تلاش‌های به عمل آمده از سوی وی در مشورت‌های صورت گرفته با برخی کشورها را تشریح کرد.

دیدار دکتر ظریف با نماینده ویژه سازمان ملل

یادداشت

رسانه‌های مستقل و مبارزه با فساد ـ ۳

سید مسعود رضوی

وضع رسانه‌ها در کشورمان خوب نیست. مطبوعات شرایط مساعدی ندارند و بی‌رمق‌تر از گذشته به دفع روزها و هفته‌ها می‌پردازند و برای جذب مخاطب و جلب مشتری، نمی‌توانند نوآوری و بازاریابی خاصی را در مطالب و صفحات و تصویرهایشان به کار گیرند. گرانی ملزومات چاپ و نشر و گسترش شبکه‌های مجازی هم مزید بر علت‌اند. از سوی دیگر و بدون مجامله باید به فقدان استقلال برخی جراید و وابستگی قطعی اغلب روزنامه‌ها و مجلّات مهم به نهادهای حکومتی، دستگاه‌های دولتی یا شرکت‌ها و افراد ذینفوذ، که ما عنوان «خصولتی» را مناسب آنها می‌دانیم، متصل‌اند و به جای رعایت منافع ملی و مقاصد مردم و آرزوهای نسل‌های نوپدید، به تبلیغ یا ملاحظات ویژه برای کارفرمایان مذکور و شرکت‌ها و دستگاه‌های مزبور مبادرت می‌ورزند.

مسئله تهدید قضایی و حقوقی یا شبه حقوقی یا فراحقوقی جراید مستقل و دستگیری و بازپرسی و محبوس کردن تعدادی از خبرنگاران و روزنامه‌نویسان و عکاسان نیز به دلایلی که چندان معقول و مستدل و مستند به قانون نیست، یکی دیگر از دغدغه‌های روزنامه‌نگاری و کار رسانه‌ای در وطن ماست. در شرایطی که شکوفایی و آگاهی ملّی و نیاز به شفافیت و نقد برای مبارزه با مفاسد و مفسدان بیش از هر زمان دیگری ضرورت دارد، این پرونده‌ها و این محبوسان و این تهدیدهای ظاهرا قانونی چه وجهی دارد؟ آیا مستقیماً دولت و حکومت یا دستگاه قضایی با تفسیر استصوابی از قوانین رسانه‌ای، این عده را به دادگاه‌ها کشیده و حتی چنان که یکی از نمایندگان مجلس که بانویی شجاع و مستقل است، مسئله مورد بحث را در صحن علنی مجلس شورای اسلامی مطرح کرد و خطاب به ریاست قوه‌قضائیه و بزرگان نظام جمهوری اسلامی ایران، از حبس و تعزیر و تهدید برخی خبرنگاران و عکاسان جوان و سنوات طولانی زندان که برای آنها در نظر گرفته شده اظهار شگفتی کرده بود، اما بیان منتقدانه یک نماینده شجاع کافی نیست و دستگاه قضایی و ریاست محترم قوه‌قضا آیت‌الله رئیسی باید خود پیشگام دفاع از آزادی و مهابت روزنامه‌ها و قدرت انتقادی روزنامه نگاران باشند. رسانه‌ها و خبرنگاران، چشم و گوش مردم و ملت و رایزن خدوم حکومت و دولت‌اند. روا نیست زبان بریده به کنجی فکنده، صُمٌّ بُکم، به خطای ناکرده و حتی تخطی‌های قابل اغماض اسیر باشند.

آخرین سخن در این باب، ورود برخی دستگاه‌های موازی به حریم امن رسانه‌ای و تحدید جراید و تهدید مخبران است که غالباً از سوی آنان صورت می‌گیرد. برخی از دستگاه‌هایی که نوعاً چه بسا به پشتوانه پادگانی هم مستظهر باشند، چون تلقی فرهنگی و آزادمنشانه‌ای از عرصه رسانه و آزادی فرهنگی ندارند، تصور می‌کنند در اینجا هم می‌شود سلسله مراتب و فرمانبرداری بی‌چون و چرا را رواج داد! حاشا و کلاّ که چشم و گوش بسته، گزارشگر یا خبرنگاری مطیع اوامر ارباب قدرت و شوکت و اصحاب باور باشند، این یک اصل اساسی در جهان ماست که چشم باز و گوش شنوای روزنامه‌نگاران و آزادی و نشاط رسانه‌ها، موجب دوام و قوام یک جامعه و تعالی یک ملت و اقتدار و سلامت نظام‌های حکومتی بوده و همواره خواهد بود. موضوع ثانوی که نباید فراموش کنیم، تعامل و صدور جواز برای دیدارهای متقابل میان مقامات و مطبوعات است. به نظرم نباید این امر مهم را تنها از طریق مدیران و کارمندان و روابط عمومی دنبال کرد و یا با گماشتن معاونتی به نام معاونت مطبوعاتی که معمولاً در سنوات و دهه‌های اخیر بر آمار این معاونت در دستگاه‌های سه‌گانه و ادارات مملکت افزوده شده، تصور کرد که مشکل یا مسایل مربوط به رسانه‌ها و مطبوعات حل خواهد شد.

این نوع نظام‌بندی از رابطه سیستم با رسانه‌ها و این کیفیت ایستا از صورتبندی میان رسانه و خبر با دولت و دستگاه‌های موجود در کشور، بر مبنای نگرشی یک سویه و حکومت محور شکل گرفته و طبعاً رسانه و خبرنگار را مطیع و مُنقاد می‌طلبد. حال آن که اصل و اصالت کار خبرنگاری، بر شفافیت و آزادی است و آزادی و شکوفایی اجتماعی نیز روزنامه‌نگاران را آگاه و نقاد می‌طلبند. حال که رئیس قوه قضائیه، مبارزات همه‌جانبه با فساد را کلید زده و خود نیز در تمام خطاب‌ها و خطابه‌های اخیر بر محور همین موضوع سخن گفته و عمل کرده است، فرصتی عالی برای حضور مخبران و ورود جراید به این عرصه و زمینه‌سازی برای تجربه‌ای منحصر به‌فرد در مبارزه با فساد و رانت و سوءاستفاده‌های دولتی و خصولتی به دست آمده است. این فرصت را نباید به سادگی سوزاند و از کف داد، چنان که شاعر حکیم میهن فرمود: خوش بود گر محک تجربه‌اید به میان...

وزیر اطلاعات: به متهمان ترور دانشمندان هسته‌ای پس از برائت ۴میلیارد تومان پرداخت شد

وزیر اطلاعات دیروز برای پاسخگویی به سئوال محمود صادقی نماینده مردم تهران در مجلس ، درباره پرونده ترور دانشمندان هسته‌ای و ادعای اخیر آقای مازیار ابراهیمی که پیش از این اعترافاتش در صدا و سیما به عنوان عامل این ترورها اعلام شده بود، در کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی حاضر شد.

به گزارش خبرنگار پارلمانی خبرگزاری فارس، محمودصادقی در همین باره در حساب توییتر خود نوشت: وزیر اطلاعات امروز(دیروز) طبق برنامه همراه با بعضی از مدیران و کارشناسان ذیربط با حضور در کمیسیون امنیت ملی به سئوالات اینجانب درباره ترور کارشناسان هسته‌ای پاسخ داد. پرسش و پاسخ‌ها بیش از ۴۰دقیقه طول کشید. به‌علت کمبود وقت قرار شد توضیحات تکمیلی ظرف یک ماه آینده به اینجانب ارائه شود.

بنابر اظهار علوی، کارشناسان واجا درباره دخالت متهمان در ترورها اختلاف داشته‌اند که پس از بررسی کارشناسی معاون حفاظت واجا عدم انتساب اتهام به آنها محرز شده است. به‌گفته او متهمان ۵۳نفر بوده‌اند و پس از احراز بی‌گناهی آنها ۴میلیارد تومان بابت جبران خسارت به آنها پرداخت شده است.

طبق گفته وزیر اطلاعات در کمیسیون امنیت ملی، عامل ترور شهید مسعود علیمحمدی، مجید جمالی فشی بوده و ارتکاب ترور توسط او محرز و به همین دلیل او محکوم به اعدام شده و حکم اعدام او اجرا شده است.

طبق گفته وزیر اطلاعات، مبلغ ۱۳۰میلیون تومان بابت جبران خسارت به مازیار ابراهیمی پرداخت شده است. پاسخ وزیر درباره مسئولیت واجا در جبران کامل خسارات مادی، روحی و حیثیتی وارده به نامبرده، ازجمله خسارات ناشی از عدم اجرای قراردادهای مربوط به صدا و سیما، قانع‌کننده نبود.

رئیس جمهوری: هرگز دروازه دیپلماسی را نخواهیم بست

جلسه علنی دیروز مجلس با دستور کار بررسی صلاحیت علی اصغر مونسان برای وزارت میراث فرهنگی و گردشگری و محسن حاجی‌میرزایی برای وزارت آموزش و پرورش تشکیل شد که در نهایت هر دو وزیر پیشنهادی به ترتیب با ۱۶۶ و ۲۰۰ رای موافق از ۲۵۵ رای نمایندگان ملت رای اعتماد گرفتند.

رئیس جمهوری که به منظور دفاع از وزرای پیشنهادی در مجلس حضور یافته بود، در سخنانی به تحلیل شرایط کشور پرداخت و گفت: نگاه جهان و آمریکا به ایران بعد از مقاومت ۱۶ماهه اخیر عوض شده است و آمریکا فهمید که ملت ایران با فشار حداکثری به زانو درنمی‌آید.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی ریاست جمهوری، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی افزود : دشمنان می‌دانند که این جنگ تحمیلی اقتصادی هم مانند جنگ تحمیلی نظامی ۳۰ سال قبل که هیچ نتیجه‌ای نداد، نتیجه نخواهد داشت.

روحانی تاکید کرد: راهبردی که نظام ما در آغاز در برابر توطئه آمریکا اتخاذ کرد،صبر انقلابی و تدبیر عقلانی بود و با صبر و تدبیر عقلانی نگذاشتیم ایران تنها بماند و توانستیم آمریکا را در انزوا قرار دهیم. رئیس جمهوری با بیان این که از لحاظ سیاسی و حقوقی در مجامع حقوقی بین‌المللی و در دادگاه بین‌المللی ملت ایران در برابر آمریکایی‌ها پیروز صحنه بوده است، تصریح کرد: از زمان شروع ابرقدرتی آمریکا برای اولین بار در تاریخ جهان است که وقتی علیه یک ملت و کشور برنامه‌ریزی و توطئه می‌کنند، دنیا به آنها روی خوش نشان نمی‌دهد.

روحانی، مقاومت داخلی و دیپلماسی فعال را دو پایه استراتژی ایران دانست و گفت: بدون مقاومت داخلی راه به جایی نمی‌بریم. بدون دیپلماسی فعال هم مسیر ما دشوار خواهد بود؛ بنابراین پایه اصلی استراتژی ما این بود که ملت ایران روی پای خود بایستد. امروز باید مجلس، دولت و قوه قضائیه و همه ارکان نظام دست به دست هم دهند تا بتوانیم از معضلات و مشکلات اقتصادی که مردم را تحت فشار قرار داده است، بکاهیم.رئیس جمهوری با بیان این که نمایندگان مجلس حامیان اصلی دولت هستند، اظهارداشت: با کمک شما بوده که دولت تشکیل شده و با کمک شما ست که دولت می‌تواند در مسیر قانونی خود قدم بردارد و با کمک شما ست که در روزهای سخت با وحدت، اتحاد و یگانگی می‌توانیم از این مشکل عبور کنیم .رئیس قوه مجریه با اشاره به مقاومت ملت ایران در برابر فشارها و تحریم‌ها گفت:امروز آمار و ارقام اقتصادی و شاخص‌ها نشان می‌دهد که در دوسه ماه اخیر وضع ما از ماه‌های پیش بهتر است و تقریباً همه شاخص‌ها این را می‌گوید.

رئیس جمهوری افزود: قیمت ارز از ثبات نسبی در یکی دو ماه اخیر برخوردار شده است؛ بازار سرمایه امیدوارکننده است؛ شاخص‌های صنعتی نسبت به پارسال، رشد ۱۸ تا ۲۰ درصدی داشته است و ما در آغاز امسال ، کلید ساخت ۱۱۰ هزار مسکن شهری و روستایی را زدیم و قرار است در بخش مسکن شاهد ترمیم و ساخت ۹۰۰ هزار واحد مسکونی باشیم که به معنای حرکت مثبت اقتصادی جامعه ماست. البته دولت در زمینه خانه سازی فقط تسهیلات لازم را فراهم می‌کند .

روحانی با بیان این که ایجاد منطقه آزاد تجاری و برقراری روابط آزاد تجاری با جمع اوراسیا، عملیاتی شده و در آبان امسال اجرا می‌شود، خاطرنشان کرد: برای اولین بار بعد از پیروزی انقلاب است که ایران عملاً وارد یک پیمان اقتصادی منطقه‌ای می شود که می‌تواند راه را برای صادرات و واردات آسان‌تر کند؛ همچنین این که امروز با چند کشور بزرگ جهان توافق کردیم تا مبادلات ما با پول ملی باشد، به معنای ضربه بر دلار و توطئه‌های آمریکا نسبت به برنامه‌های اقتصادی کشور ما ست.

هیچگاه دروازه دیپلماسی را نخواهیم بست

رئیس قوه مجریه با تاکید بر این که هیچگاه دروازه دیپلماسی را نبسته و نخواهیم بست، گفت: سیاست دولت در دولت یازدهم و دوازدهم، تعامل سازنده با جهان بوده و این راه را ادامه خواهیم داد. معتقد نیستیم که از این دو ابزار دیپلماسی و مقاومت فقط باید از یکی استفاده کنیم. معتقد نیستیم که مقاومت ملی با دیپلماسی فعال در تضاد است؛ این دو را مکمل همدیگر می‌دانیم .

رئیس جمهوری خطاب به بعضی از رسانه‌های جمعی با تاکید بر این که در این زمینه تضاد و تقابل و دوگانگی در کشور درست نکنند، اظهارداشت: شرایط امروز شرایط دوگانگی نیست، بلکه شرایط وحدت و صدای واحد است. نباید صدای دشمن را از حنجره ولو گروه مخالف دولت‌بشنویم.

رئیس قوه مجریه با تاکید بر این که امروز باید متحد و کنار هم باشیم، گفت: با اتحاد می‌توانیم از این مشکل راحت‌تر عبور کنیم و بدون وحدت و یکپارچگی شاید عبور از مشکل فعلی بسیار سخت باشد.

روحانی با بیان این که بعد از یک سال صبر راهبردی، سیاست تقابل کاهش تعهد را آغاز کردیم، ادامه داد: اولین مرحله را با ۲ ماه فرصت آغاز کردیم که به نتیجه ملموس نرسیدیم ،بنابراین قدم دوم در کاهش تعهدات را برداشتیم که این زمان هم روزهای پایانی خود را طی می‌کند؛ در هر دو مرحله مذاکرات بسیاری با کشورهای مختلف انجام شد؛ اساس صحبت بر این است که اگر ۱+۴ بتواند به بخشی از تعهدات مهم خود عمل کند، ممکن است ما هم در بحث کاهش تعهدات تجدیدنظر کنیم؛ اما اگر آنها کار مهمی انجام ندهند، حتماً قدم سوم را در روزهای آینده برخواهیم داشت .

رئیس جمهوری ادامه داد: البته هر چه قدم به پیش بگذاریم، شاید به نوعی حل مسأله مشکل‌تر شود، اما گام‌های ما به گونه‌ای است که هر زمان اراده کنیم به نقطه اول برگردیم و این کار خیلی زمانبر نیست.

تسهیل شرایط با پیش فروش نفت

روحانی اظهار داشت: اگر دیگر کشورها بتوانند نفت ما را به صورت نقد یا نسیه پیش خرید کنند و پولش را در اختیار ما بگذارند، شرایط برای این که بتوانیم گام‌هایی برای پایبندی تعهداتمان برداریم تسهیل می شود. بحث ما چند ماهه و تا پایان سال میلادی است، هنوز به توافق نهایی نرسیدیم ،اما در عین حال مذاکرات همچنان ادامه دارد.

وی با تاکید بر این که اگر تا فردا در این مذاکرات به نتیجه نهایی نرسیم، مرحله سوم را در کاهش تعهدات اعلام خواهیم کرد، گفت: حالا که روشن شده است سیاست غلط آمریکا جواب نمی‌دهد ، امیدواریم به عقلانیت و مسیر درست و مسیر تعهدات برگردند، آن وقت شرایط دیگری را شاهد خواهیم بود.رئیس جمهوری با بیان این که ممکن است از تعبیرها سوء برداشت شود، تاکید کرد: بارها گفتیم و باز هم می‌گوییم؛ ما هیچ تصمیمی برای مذاکره دو جانبه با آمریکا نداریم و نداشتیم؛ البته پیشنهادهایی از طرف خیلی‌ها مطرح شده ولی پاسخ ما همیشه منفی بوده و پاسخ دیگری نداریم.

رئیس قوه مجریه با تاکید بر این که بازگشت یا عدم بازگشت آمریکا به برجام خیلی برای ما مهم نیست، گفت: مهم تحریم است و اگر آمریکا کل تحریم خودش را بردارد، باز هم امکانپذیر است در جلسه ۱+۵ مثل قدیم حضور پیدا کند، اما این مشروط به آن است که کل تحریم را بردارد.رئیس جمهوری با اشاره به اشتباه مترجمان در ترجمه سخنان تصریح کرد: کاری به آنها نداریم، حرف ما کاملاً واضح و روشن است. در این کشور اصول سیاست‌های کلی نظام از سوی رهبر معظم انقلاب تعیین و ترسیم می‌شود و همه ما مسیر واحدی را طی می‌کنیم.

دفاع از وزرای پیشنهادی

رئیس جمهوری سپس با اشاره به روند معرفی وزرای جدید، به اهمیت میراث فرهنگی اشاره کرد و گفت: داشتن میراث فرهنگی با قدمت ۷۰۰ تا ۱۰۰۰ ساله و معرفی آنها به دنیا و عرضه کردن به مردم داخلی و خارجی وظیفه ملی، فرهنگی و انقلابی همه ما ست و برای این کار آقای مونسان به عنوان یک عنصر فعال، با نشاط، پرکار، خوشفکر و تحصیلکرده که از قبل در همین سمت در دولت فعالیت می‌کرد معرفی شده است و آمادگی دارد بار مسئولیت را بردوش بگیرد.

روحانی همچنین به اخلاق خوب حاجی میرزایی وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش اشاره کرد و گفت: ایشان از لحاظ خلق و خوی، اخلاق، ادب، نحوه برخورد یک انسان فوق‌العاده‌ای است که در این ۶ سال عصبانیت ایشان را ندیده و تجربه نکرده‌ایم.

رئیس جمهوری تاکید کرد: حاجی میرزایی به لحاظ تحصیلات علوم اجتماعی و تجربه ۲۰ سال فعالیت در آموزش و پرورش، این توان را دارد و کاملاً برای این کار مهیاست ؛ البته بطحایی سکاندار قبلی آموزش و پرورش، وزیر خوب و فعالی بود و در دولت هیچ مشکلی بین ما نبود.

در ادامه جلسه، وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش به دفاع از برنامه‌های خود پرداخت و وعده داد که مطالبات معلمان حق‌التدریسی و خرید خدمتی را محقق می‌کند و آیین نامه قانون مصوبه مجلس برای استخدام در آموزش و پرورش را هم تا پیش از پایان مهر در دولت تصویب و ابلاغ کند. محسن حاجی میرزایی همچنین با تاکید بر ضرورت توسعه مهارت آموزی افزود: ظرفیت سازمان فنی و حرفه‌ای را در کنار آموزش و پرورش قرار خواهم داد تا در کنار آموزش و پرورش اقدامات اساسی برای توسعه مهارت‌های دانش آموزان از پیش دبستانی تا پایان دوره متوسطه انجام شود.

وی با بیان این که توسعه عدالت آموزشی و برابری فرصت‌های یادگیری، رکن کلیدی در کاهش نابرابری‌های اجتماعی است، گفت: همه نابرابری‌هایی که در سطوح قدرت شکل می گیرد، ریشه در فرصت‌های کیفی یادگیری ایجاد می کند.

او ادامه داد: دسترسی به فرصت‌های برابر و باکیفیت حق همه شهروندان است، از این رو توسعه مدارس دولتی را جزو سیاست‌های اصلی خود می دانم. البته با مدارس غیردولتی مخالفتی ندارم، اما به عنوان عضوی از دولت وظیفه دارم نسبت به ارتقای کیفی مدارس دولتی تلاش کنم.

حاجی میرزایی با بیان این که معلم، کارمند نیست، گفت: معلم مهم‌ترین رکن تعلیم و تربیت و جانشین همه نداشتن‌هاست. از این رو با دولت هماهنگ کرده ایم تا به کمک نمایندگان لایحه خاص معلمان با هدف ارتقای جایگاه و منزلت آنها تدوین شود.

وی افزود: آموزش و پرورش از زنان توانمندی برخوردار است و باید نسبت مدیران زن به همین نسبت افزایش یابد تا ظرافت‌های تعلیم و تربیت دختران را مادرانه در مدارس اجرا کنند.

حاجی میرزایی با اشاره به این که توجه به حقوق اقوام و اقلیت‌ها امری مهم محسوب می‌شود، گفت: باید به سمتی گام برداریم که ضمن حفظ میراث فرهنگی و بومی و محلی، تسلط بر زبان فارسی در حد مطلوب برای افراد در این مناطق ایجاد شود.

وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش گفت: برای حل مشکل معلمان برنامه داریم و همچنین برای افزایش برخورداری این قشر از جامعه از مسکن با همکاری وزارت راه و شهرسازی و استفاده از ظرفیت صندوق ذخیره فرهنگیان اقداماتی در دستور کار قرار خواهد گرفت.وی با تاکید بر این که آموزش و پرورش باید از آموزش فضای مجازی اختصاصی به صورت رایگان استفاده کند و امکان استفاده از فن‌آوری‌های نوین آموزشی در همه مناطق را فراهم کند، اضافه کرد: امروز به مدد تکنولوژی‌های جدید می‌توانیم دانش آموزان مناطق محروم را هم از توانمندی برخوردار کنیم.وی مقابله با بازماندگی از تحصیل دانش‌آموزان را هم از دغدغه‌های خود دانست و خاطرنشان کرد: اگر مدرسه خانه دوم دانش آموزان است خانواده هم مدرسه اول است و باید این دیوار حائل بین مدرسه و خانواده از بین برود.

وزیر پیشنهادی میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری هم در دفاع از برنامه‌های خود با تاکید بر این که تعامل مجلس و دولت بسیار راه گشا است، گفت: صنعت گردشگری با اندک سرمایه گذاری می‌تواند بسیاری از مشکلات اشتغال را در کشور حل کند.

علی اصغر مونسان با بیان این که وزارت میراث فرهنگی، نقش موثری در اقتصاد و فرهنگ کشور دارد، افزود: این وزارتخانه می‌تواند نقش مهمی در افزایش تولید ملی و اشتغال برای امروز و آینده فرزندانمان داشته باشد. در آینده‌ای نه چندان دور نرم‌افزارها صنایع را کنار می‌زنند و بسیاری از دارایی‌ها به نرم افزار تبدیل می‌شوند.

وی با بیان این که صنایع دستی هم دارای ابعاد اقتصادی است، گفت: ایران دارای بیش از ۶۰۰موزه فعال و ظرفیت‌های طبیعی و تنوع آب و هوایی است که جزو ۱۰کشور دارای ظرفیت گردشگری محسوب می‌شود. علی رغم مشکلات موجود بر سر راه گردشگران به واسطه تحریم‌ها همچون کاهش پروازهای مستقیم و تراکم ارزی با اقداماتی همچون لغو روادید با کشورهای هدف میزان گردشگر را افزایش دادیم که نمونه آن افزایش گردشگران عمانی بعد از لغو روادید بوده است. اخیرا با چین هم لغو روادید داشتیم. هدفگذاری ما در مرحله اول ورود یک میلیون گردشگر چینی و بعد رساندن آن به ۲میلیون گردشگر چینی است.

وی با بیان این که صنایع دستی توانسته از طیف گردشگران خارجی ۶۰۰میلیون دلار به اقتصاد کشور کمک کند، افزود: در حوزه میراث فرهنگی هم در ایجاد اشتغال کمک کردیم. نمونه آن انجام بیش از ۴۰۰۰پروژه مرمت در دو سال گذشته است.

مونسان ثبت ۵ اثر در فهرست جهانی با رویکرد زنجیره‌ای را از دیگر اقدامات خود در دو سال گذشته در سازمان میراث فرهنگی دانست و اظهار داشت: ما نمایشگاه‌های مشترکی با کشورهای دنیا برگزار کردیم؛ نمونه آن در نوروز ۹۷ نمایشگاه مشترک با موزه لوور در تهران بود. نمایشگاه ایران در هلند برگزار شد و اکنون در حال اجرا در کشور اسپانیا است. وی در پایان گفت که تلاش می کند با حرکت جهادی برنامه‌های اعلام شده‌اش را اجرایی کند.

مخالفان و موافقان وزرای پیشنهادی

مخالفان وزیر پیشنهادی آموزش و پرورش ، نداشتن تجربه عالی و برجسته حاجی میرزایی در این وزارتخانه، نداشتن برنامه برای رفع دغدغه‌های فرهنگیان، واقعی نبودن برنامه و هزینه کردن از جیب والدین را از دلایل اصلی مخالفت خود اعلام کردند، اما موافقان معتقد بودند وزیر پیشنهادی، وعده تحقق مطالبات فرهنگیان را داده است، با سابقه طولانی در نظام آموزشی با دولت همکاری داشته است، برنامه‌هایش می‌تواند اشتباهات گذشته را جبران کند و این که بر اجرای سند تحول بنیادین تاکید دارد که از نکات مثبت برنامه‌های وی محسوب می شود.

مخالفان وزیر پیشنهادی میراث فرهنگی هم در اظهارات خود گفتند که در زمان مدیریت مونسان برخی آثار باستانی به مرغداری تبدیل شدند، تلاشی برای برگرداندن برخی آثاری که از کشور خارج شده ، نشده است. عدم طبقه‌بندی و اولویت‌بندی آثار و عدم هدف‌گذاری جزء مشکلات اساسی بوده است.

جلسات استان‌ها، جلساتی غیرهدفمند و غیر موثر است، وزیر پیشنهادی از آمار استفاده نابجا می کند و برخورد نامناسب با منتقدان دارد، اما موافقان ، شایسته و توانمند بودن مونسان، تعهد، تخصص و تجربه وی و منطبق بودن برنامه‌هایش با اسناد بالادستی را از مزایای انتخاب مونسان برای این سمت دانستند.

آمادگی کمیته ملی حافظه جهانی ایران در ثبت آثار مشترک منطقه



رئیس کمیته ملی حافظه جهانی ایران با بیان این‌که میراث مستند، سرمایه معنوی مکتوب بشریت است گفت: کمیته ملی حافظه جهانی ایران، آمادگی دارد در کنار کشورهای منطقه به رایزنی در شناسایی، معرفی و ثبت آثار مشترک بپردازد.

به گزارش سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، نشست منطقه‌ای شناسایی و تبادل میراث مستند (برنامه حافظه جهانی) صبح روز گذشته، با حضور اشرف بروجردی، رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران و رئیس کمیته ملی حافظه جهانی، حجت الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو و سوتان ست‌کوفسکی ، سرپرست دفتر منطقه‌ای یونسکو در تهران حضور برگزار شد.

بروجردی در ابتدا ضمن خیرمقدم گفت: در شرایطی که بخش‌های مختلف جهان درگیر بحران‌های متعدد زیست‌محیطی، فرهنگی و تنش‌های قدرت‌طلبی‌اند، ایجاد امکان‌های گفتگوی میان فرهنگی،کنش بسیار پویا و فعالانه‌ای در تأکید بر نیاز کشورها و جوامع به تساهل و همگرایی با یکدیگر است.

وی افزود: کشف و شناسایی میراث مشترک فرهنگ‌ها، یادآور تاریخچه نه چندان دور زیست و تعامل سازنده و صلح‌مدار ملت‌ها است و بازگشت به دوران تبادل میان فرهنگی، مهم‌ترین اهرم مقابله با خشونت و جنگ‌طلبی است.

رئیس سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران یادآور شد: کشورهای منطقه از ایران، افغانستان، پاکستان، هندوستان تا آذربایجان، ازبکستان، قزاقستان، تاجیکستان و ترکیه در دوره‌های مختلف تاریخی به شکل‌های گوناگون در دوستی و اتحاد با یکدیگر بوده‌اند و از قبل همین دوستی میراث بسیار گرانبهایی در زبان، دانش و هنر به اشتراک گذاشته‌اند.

بروجردی تصریح کرد: گذرگاه تجاری جاده ابریشم، نمونه برجسته‌ای از تعامل دیرینه کشورهای منطقه با یکدیگر است که در مسیر مبادلات تجاری، بخش زیادی از عناصر میراثی خود را با یکدیگر سهیم شده‌اند یا به هم منتقل کرده‌اند.

رئیس کمیته ملی حافظه جهانی ایران تأکید کرد: برگزاری نشست شناسایی و تبادل میراث مستند، فضای مثبتی برای گشودن مجراهای تنفس فرهنگی ما است تا با مبادله و اشتراک عناصر مستند فرهنگ خود و شناسایی و معرفی این میراث به سایر اقوام و ملل، علاوه بر معرفی ظرفیت‌های پایدار و جامع خود، نقش و توان فرهنگیمان در حفظ و پاسداشت میراث بشر را با دیگران به اشتراک بگذاریم.

بروجردی یادآور شد: جمهوری اسلامی ایران تاکنون آثار مکتوب ارزشمندی را از طریق ثبت در برنامه حافظه جهانی، به جهانیان معرفی کرده است. این آثار به دلیل بیان مضامین والای انسانی، میراث بشریت محسوب می‌شوند، از جمله کلیات سعدی که سرشار از پیام برابری، امید، صلح و الگویی برای زیستی مسالمت‌جویانه است؛ شاهنامه فردوسی که با ستایش خرد آغاز می‌شود و منادی اعتدال، امید، تساوی است.

وی تصریح کرد: پنج گنج نظامی که مشتمل بر پنج مثنوی عاشقانه، غنایی و اخلاقی است و وقفنامه ربع رشیدی که نشان از حکمرانی عدالت‌محور و برابری خواهانه قانونگذاران است. مضامین این دست آثار، فقط متعلق به ایرانیان نیست؛ بلکه به همه انسان‌ها در هر زمان و مکانی تعلق دارد.

سوتان‌ست‌کوفسکی،سرپرست دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران، درافتتاحیه نشست منطقه‌ای شناسایی و تبادل میراث مستند، به اهمیت میراث مستند پرداخت و اظهار کرد: به طور مثال در آتش‌سوزی موزه ملی برزیل به عنوان یکی از بزرگ‌ترین موزه‌های تاریخ طبیعی انسان‌شناسی قاره آمریکا بیش از ۲۰ میلیون قطعه که تاریخ و فرهنگ برزیل بود، از بین رفت.

وی با اشاره به اینکه نمی‌توان ارزش میراث مستند را با عدد و ارقام برشمرد، افزود: مثلاً در جنگ بوسنی در سارایوو، از مهم‌ترین آسیب‌ها به کتابخانه‌ها وارد شد طوری‌که ۴۳ کتابخانه کاملاً از بین رفتند.

ست‌کوفسکی ادامه داد: در این راستا از سال ۱۹۹۲ یونسکو برای حفظ میراث مستند در دنیا برنامه حافظه جهانی را شروع کرد و این برنامه صرفا به ثبت خلاصه نمی‌شود بلکه در راستای حفظ برای انتقال به آیندگان برای ترویج آرامش و صلح خواهد بود.

سرپرست دفتر منطقه‌ای یونسکو در ایران تصریح کرد: این شبکه عظیم چیزهای ارزشمندی در خود دارد که می‌توان به مشترکات فرهنگی کشورهای جاده ابریشم پرداخت که شامل کشورهای ایران، افغانستان، هند، پاکستان، تاجیکستان، ترکیه، آذربایجان و ... می‌شود.

ست‌کوفسکی گفت: نشست منطقه‌ای شناسایی و تبادل میراث مستند امروز نیز در راستای اهداف و نشست سال ۲۰۱۷ با محوریت کتابخانه ملی ایران برگزار شده است.

حجت‌الله ایوبی، دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو نیز با تأکید بر ضرورت توجه و شناخت به میراث ملموس و تاریخ کشورها گفت: صلح و گفتگو بدون شناخت و دانش امکان پذیر نیست و لازمه شناخت توجه به پیشینه ملموس و ناملموس معنوی، مستند و تاریخ است.

ایوبی گفت: به واسطه فعالیت‌ها و مدیریت مناسب، می‌توان گفت که امروز کمیته ملی حافظه جهانی ایران یکی از بهترین و فعال‌ترین کمیته‌ها در یونسکو است.

وی با تأکید بر اینکه جنگ و خشونت نتیجه ناآگاهی است، افزود: هرگامی که برای شناخت یکدیگر بر می‌داریم به صلح جهانی کمک می‌کند.

دبیرکل کمیسیون ملی یونسکو با بیان این‌که در منطقه میراث گرانبهای فراوانی وجود دارد ادامه داد: باید قدر این میراث دانسته شود، همچنان که بسیاری از کشورها علاقه‌مند هستند این میراث را بهتر و بیشتر بشناسند.

بر اساس این گزارش از موضوعاتی که در این نشست مطرح و مورد بررسی و ارزیابی قرار خواهد گرفت می‌توان به «همکاری‌های بین المللی برای شناسایی، حفظ و دسترسی به میراث مستند از طریق توصیه‌های یونسکو»، «روند نامزدی و شرح معیارها و مطالعات موردی از نامزدهای مشترک از جمله نامزدی مشترک المسالک و الممالک»، «مقدمه‌ای بر موضوع جاده ابریشم برای نامزدهای مشترک»، «حفاظت و دسترسی به میراث دیجیتال» و «بحث در مورد یک استراتژی برای کتابخانه دیجیتالی منطقه‌ای» اشاره کرد.

این مراسم با حضور نمایندگانی از برنامه حافظه جهانی یونسکو از کشورهای استرالیا، تاجیکستان، افغانستان، آذربایجان، قزاقستان،هند، ترکیه، پاکستان و ازبکستان برگزار خواهد شد. گفتنی است که اختتامیه نشست منطقه‌ای برای شناسایی و تبادل میراث مستند، امروز چهارشنبه (۱۳ شهریور) برگزار می‌شود.

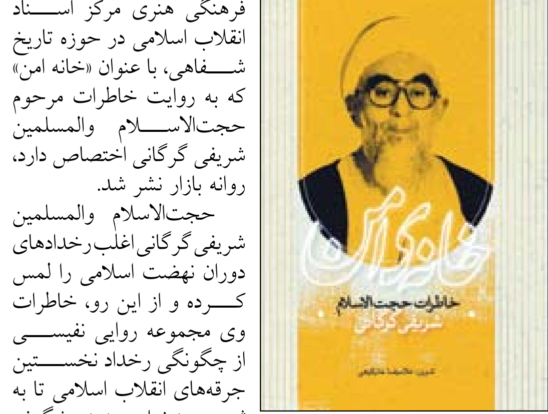
جاده ابریشم، مسیری برای تبادل فکر و اندیشه

همچنین ایوبی در نشست ششمین کنفرانس ثبت‌های زنجیره‌ای در مسیر جاده ابریشم با رویکرد توسعه گردشگری که در مهرماه، به میزبانی همدان برگزار خواهدشد، طی سخنانی گفت: ما خودمان را موظف می‌دانیم از تمام ظرفیت‌های موجود استفاده کنیم تا این فرهنگ باشکوه ایرانی را به جهان منتقل کنیم. یونسکو سازمان بسیار خوش‌نامی است که بیش از ۷۰ سال سابقه دارد. یونسکو بعد از جنگ جهانی و برای مقابله با خشونت تأسیس شد و یکی از سازمان‌هایی است که پرچم علم و فرهنگ و هنر را بلند کرده و می‌خواهد صدای همه ملت‌ها را به گوش جهان برساند.

وی ادامه داد: بنای یونسکو بر عدم مداخله در امور دولت ها است و حق ندارد حریم استقلال کشورها را نقض کند. این حریم، حریم فرهنگی، علمی و بویژه آموزشی است. اساس یونسکو بر آن است که کشورها بسته‌های آموزشی مستقل خود را داشته باشند و حریم آموزشی آنها نقض نشود.

ایوبی افزود: امروز، شعار یونسکو در آموزش، «آموزش اخلاق‌مدار» است. ما در این حوزه حرف‌های زیادی داریم. نظام آموزشی ما اخلاق‌مدار و مبتنی بر رابطه استاد و شاگردی بوده است. این فرصتی است تا دنیا با نظام آموزشی و اخلاقی ما آشنا شود و متوجه شود افرادی مثل ابن‌سینا، در چه فضای آموزشی‌ای تربیت شدند. ما هزاران سال پیش، حتی درباره حقوق حیوانات و محیطزیست و آلوده نکردن آب‌ها هم تعالیم زیادی داشتیم.

«خانه امن» منتشر شد



تازه‌ترین اثر مؤسسه فرهنگی هنری مرکز اسناد انقلاب اسلامی در حوزه تاریخ شفاهی، با عنوان «خانه امن» که به روایت خاطرات مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین شریفی گرگانی اختصاص دارد، روانه بازار نشر شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین شریفی گرگانی اغلب رخدادهای دوران نهضت اسلامی را لمس کرده و از این رو، خاطرات وی مجموعه روایی نفیسی از چگونگی رخداد نخستین جرقه‌های انقلاب اسلامی تا به ثمر رسیدن این پدیده شگرف به شمار می‌رود و راوی در کلیه حوادث، همانند یک نقاش ماهر با نگاهی دقیق، سوژه هنری خود را با جزئیات کامل ترسیم می‌کند که این ویژگی منحصر به فرد این کتاب است و چنان‌که در مقدمه اثر آمده: «نوع مبارزه مخفی راوی در دوران نهضت اسلامی و فعالیت‌های محوری در سیستم چاپ و توزیع نشریات و اعلامیه‌ها، کتاب حاضر را سرشار از خاطراتی بکر و ناگفته‌هایی بدیع کرده است.»

این کتاب مشتمل بر ۱۲ فصل از کودتای رضاخان در سوم اسفند ۱۲۹۹ تا سال‌های بعد از پیروزی انقلاب اسلامی است. از مهم‌ترین بخش‌های خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شریفی گرگانی، ماجرای چاپ و انتشار نشریه بعثت، نحوه روند چاپ و توزیع و تأمین هزینه‌ها، چگونگی مدیریت و سازماندهی امور مربوط به نشریه، مشکلات انتشار بعث و ... است.

انحرافات سازمان مجاهدین خلق در دهه ۵۰ و نحوه تعامل منافقین با رژیم پهلوی هم از جمله بخش‌های برجسته خاطرات حجت‌الاسلام والمسلمین شریفی گرگانی است که در آن، شواهدی از ارتباط و همکاری سازمان منافقین با ساواک مطرح می‌شود.

گفتنی است، «خانه امن» توسط غلامرضا خارکوهی تدوین شده و در ۵۰۰ نسخه و با قیمت ۳۳ هزار تومان در اختیار همگان قرار گرفته است.

جزئیات سند اجرایی حجاب و عفاف در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد

شورای عالی انقلاب فرهنگی جزئیات سند اجرایی حجاب و عفاف را به عنوان متمم مصوبات قبلی تصویب کرد.

اعضای این شورا در جلسه عصر سه شنبه خود که به ریاست حجت الاسلام و المسلمین دکتر حسن روحانی تشکیل شد؛ جزئیات سند اجرایی حجاب و عفاف را به عنوان متمم مصوبات قبلی در ۶ماده شامل اهداف، تصریح بر اصالت مصوبات قبلی، راهبردها، ناظر بر وظایف دستگاه ها، ناظر بر وظایف عمومی دستگاه ها و ماده مربوط بر نظارت، ارزیابی و پایش مقررات حجاب و عفاف به تصویب رساندند.

کلیات این سند در جلسه قبلی شورا به تصویب رسیده بود.

اعضای شورای انقلاب فرهنگی همچنین در این جلسه انتخاب ۸تن از روسای جدید دانشگاه‌های کشور را تصویب کردند.

براساس مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی، آقایان دکتر سید مهدی ابطحی برای دانشگاه صنعتی اصفهان ، دکتر حمید رضا رضایی آشتیانی برای ریاست دانشگاه صنعتی اراک، دکتر منصور زراء نژاد برای دانشگاه علوم و فنون دریایی خرمشهر ، دکتر کوروش نوذری برای دانشگاه مازندران، دکتر محمد کریمیان برای دانشگاه علوم پزشکی ایلام، دکتر سید محمد جمالیان برای دانشگاه علوم پزشکی اراک، دکتر حسین فرشیدی برای دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان و دکتر رشید حیدری مقدم برای ریاست دانشگاه علوم پزشکی همدان انتخاب شدند.

دکتر حسن روحانی در این جلسه همچنین به محسن حاجی میرزایی به عنوان وزیر جدید آموزش و پرورش و عضو جدید شورا خیر مقدم گفت و از دکتر حسینی به خاطر حضور فعال در جلسات شورا در مدت سرپرستی این وزارتخانه قدردانی کرد.

کشف پیکرک‌های گلی دوران مفرغ در سرعین

کاوش‌های فصل نخست کول تپه (آناهیتا) سرعین به کشف سازه معماری منحصر به فردی که به اعتقاد باستان‌شناسان احتمالا کارکرد آیینی از دوران فرهنگی کورا - ارس دارد منجر شد.

به گزارش ایلنا، محمد علیزاده سولا (سرپرست هیأت باستان‌شناسی) با اعلام خبر کشف سازه‌ای منحصر به فرد در سرعین، گفت: کول تپه سرعین یا تپه آناهیتا در منتهی‌الیه شمال غربی بافت شهری سرعین و به اختلاف ارتفاع ۱۰متر از زمین‌های اطراف قرار گرفته است.

وی با بیان اینکه کول تپه سرعین در ۳۵کیلومتری اردبیل واقع شده و بافت مسکونی شهر توریستی سرعین آن را کاملا در برگرفته افزود: در سمت مغرب این محوطه چشمه‌ای با آب گوارا به نام «تپه چشمه سی» قرار دارد که می‌توان شکل‌گیری و دوام استقرارهای هزاره‌های پیشین را به سبب وجود همین چشمه خنک در کنار چشمه‌های آبگرم و جوشان منطقه سرعین دانست.

این باستان‌شناس با اشاره به اینکه کاوش در تپه باستانی کول تپه سرعین با دو هدف اصلی برنامه‌ریزی و با نتایج مطلوبی از کاوش در این محوطه به سرانجام رسیده، تصریح کرد: نخست جهت تعیین عرصه و تنظیم ضوابط حریم این محوطه در بافت شهری و پرتکاپوی سرعین، در گرداگرد محوطه و در نقاطی که امکان مطالعه را میسر و آسان می‌ساخت گمانه‌های متعددی ایجاد شد .

علیزاده اظهار داشت: با توجه به نتایج حاصل از تعیین عرصه این محوطه به نظر می‌رسد خاکبرداری‌هایی که در طی سالیان دراز توسط اهالی این منطقه از جبهه‌های مختلف تپه صورت گرفته دامنه آن را محدودتر ساخته است، به گونه‌ای که حدود گستردگی این محوطه امروزه از آنچه که به صورت بصری قابل مشاهده است، گسترش نمی‌یابد.

این باستان‌شناس گفت: وجود فعالیت‌های ساختمانی که در طی دهه‌های گذشته در قسمت‌های جنوبی و شرقی این محوطه انجام یافته عرصه این محوطه را به‌طور کامل تخریب و منظر این محوطه را از این قسمت‌ها محدود و مسدود ساخته است.

سرپرست هیأت باستان‌شناسی افزود: برای مطالعه دوران‌های باستان شناختی در کول تپه سرعین، کاوش در یک ترانشه اصلی به منظور لایه‌نگاری محوطه و دو ترانشه کمکی دیگر به صورت محدود برای تکمیل اطلاعات لایه‌نگاری از ابتدا و انتهای استقرارهای این محوطه در طی سه ماه به اجرا درآمد.

او با بیان این که کاوش به منظور مطالعه توالی دوره‌های فرهنگی این محوطه در لبه شرقی آن جایی که خاکبرداری‌ها در حجم گسترده دامنه تپه را به شکل یک دیوار بلند تراش داده انجام شد، افزود: در ترانشه لایه‌نگاری، ترانشه I، ۲۳۴واحد لایه‌نگاری از دوران میانه اسلام تا اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفت.

به گفته این باستان‌شناس، با توجه به مطالعات اولیه و سرمیدانی در طی اواخر هزاره چهارم/اوایل هزاره سوم پیش از میلاد اولین استقرارها در شهر سرعین توسط مردمان کورا - ارس در کنار برکه‌ای کوچک شکل گرفته است.

او از ویژگی‌های فرهنگی مردمان ساکن در این محوطه به سفال‌های سیاه و خاکستری یا قرمز - سیاه با تزیینات کنده و داغدار و دسته‌های شاخص معروف به نوع دسته نخجوانی اشاره کرد و خاطرنشان ساخت: همچنین وجود پیکرک‌های گلی به شکل انسان و حیوانات مختلف از دیگر ویژگی‌های فرهنگی دوران مفرغ قدیم این محوطه است که قابل مقایسه با سایر محوطه‌ها و استقرارهای دوره فرهنگی کورا - ارس است .

وی گفت: علاوه بر آثار دوران مفرغ قدیم در کاوش‌های کول تپه سرعین آثاری از دوران مفرغ جدید و آهن نیز کشف و مورد مطالعه قرار گرفت.

سرپرست هیأت باستان‌شناسی گفت: وجود سازه‌های عظیم با استفاده از سنگ‌های بزرگ و حجیم در این محوطه شکل‌گیری دژی از دوران مفرغ جدید تا عصر آهن را در این محوطه بازگو می‌کند.

او افزود: حائز اهمیت است که پس از استقرارهای عصرآهن نیز تداوم استقرار در این محوطه تا دوران موسوم به فرهنگ سفالی سبک اردبیل ادامه یافته و تداوم استقرارها پس از این دوره قطع تا در نهایت مجددا در دوران میانه اسلامی این محوطه مسکون می‌شود.

وی تصریح کرد: وجود گورستانی از دروان میانه اسلامی با سنگ قبرهای متعدد و در اشکال و طرح‌های مختلف حضور اقوام و طیف‌های مختلف مذهبی را در کنار این محوطه بازگو می‌سازد.

همچنین با توجه شواهدی که از بررسی‌های میدانی به‌دست آمد احتمالاً در کنار این محوطه و در محدوده گورستان بنایی قابل مقایسه با مقابر برجی شکل و یا سایر مقابر موجود در منطقه بنا شده بود که امروزه تخریب و تنها به صورت تلی از آوار و خاک در آمده که در میان مردم محلی منطقه به «قبرستان تپه سی» معروف است.

سرپرست هیأت باستان شناسی در تشریح نتایج این پروژه گفت: آنچه از کاوش در کول تپه سرعین در مراحل اولیه مطالعه آن به‌دست می‌آید این محوطه در مقاطع مختلف باستانی و تاریخی از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد تا دوران میانه اسلامی مسکون بوده است.

وی تصریح کرد: کشف ابزارهای سنگی از گمانه‌های ایجاد شده در حاشیه برکه چشمه تپه سی در ضلع غربی و جنوبی محوطه حضور انسان و جوامع انسانی را بسیار قدیمی‌تر از هزاره چهارم پیش از میلاد در این منطقه و محوطه نشان می‌دهد که لازمه تأیید قطعیت آن ادامه روند کاوش‌ها و مطالعات باستان‌شناختی در این محوطه است.

او در پایان یادآوری کرد: کاوش در این محوطه با مجوز پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری و همکاری مدیرکل میراث فرهنگی استان اردبیل و شهرداری شهر سرعین انجام شد.

تعزیه «تکیه دولت» در ماه صفر برگزار خواهد شد

یک تعزیه‌خوان قدیمی با اشاره به اینکه در تهران حمایتی از تعزیه نمی‌شود، ابراز امیدواری کرد تا درخواست علی نصیریان که مدتی قبل در جشنواره نمایش‌هایی آیینی و سنتی مبنی بر اختصاص مکانی به این نوع نمایش‌ها مطرح کرد، محقق شود.

علاءالدین قاسمی در خانواده‌ای تعزیه‌خوان بزرگ شده و در کنار پدربزرگ و دایی‌های خود این هنر را آموخته است.

این هنرمند که بیش از ۶۰سال است تعزیه‌خوانی می‌کند و موافق‌خوان است، در گفتگویی با ایسنا، درباره فعالیت خود در ایام محرم گفت: امسال برای تعزیه‌خوانی دهه محرم به سیرجان آمده‌ایم و این دومین حضور من در این شهر است و اولین تعزیه‌خوانی من در سیرجان مربوط به بیست سال پیش است. سال‌های گذشته بیشتر ایام محرم را در تهران تعزیه می‌خواندم.

او افزود: همچنین برای ماه صفر با یکی از دوستانم که تعزیه‌خوان است و در شهرداری کار می‌کند مراسمی به نام «تکیه دولت» در تهران ترتیب داده‌ایم.

قاسمی درباره وضعیت تعزیه بیان کرد: در تمامی سال‌هایی که من مشغول تعزیه‌خوانی هستم به این هنر توجهی نشده است، حتی بعد از اینکه به ثبت جهانی رسید وضعیت آن تغییری نکرد. تعزیه بیشتر در شهرستان‌ها حمایت می‌شود و در تهران حمایت چندانی از آن وجود ندارد و هیچ جایی برای اجرای تعزیه در طول سال نداریم آن هم با وجود درخواست‌های زیادی که در این باره شده است.

این هنرمند که اجراهای متعدد تعزیه را در دیگر کشورهای جهان هم تجربه کرده است، ادامه داد: همین اواخر هم آقای نصیریان در جشنواره آیینی و سنتی اختصاص مکانی برای تعزیه را درخواست کردند و امیدوارم این اتفاق هر چه سریع‌تر رخ دهد.

نوبخت: لایحه بودجه سال آینده ۱۵ آذر تقدیم مجلس می‌شود

هشتمین جلسه ستاد تهیه و تدوین لایحه بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور به ریاست معاون رئیس جمهوری و رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور و با حضور معاونان و مدیران و روسای سازمان‌های وابسته برگزار شد.

به گزارش روابط عمومی و امور بین‌الملل سازمان برنامه و بودجه کشور، دکترمحمدباقر نوبخت در این جلسه اظهار داشت: آنچه که در ماده ۱۸۲ قانون آیین‌نامه داخلی مجلس شورای اسلامی در مورد بودجه شرکت‌های دولتی بیان شده، روشن و واضح است و سازمان برنامه و بودجه کشور اطلاعات مربوط را قبل از تقدیم لایحه بودجه در اختیار مجلس می گذارد تا نمایندگان مجلس با زمان و فراغت بیشتری بررسی‌های خود را انجام دهند.

وی با بیان اینکه در این صورت مجلس شورای اسلامی و دیوان محاسبات یک ماه فرصت خواهند داشت تا بودجه شرکت‌های دولتی را بررسی کنند، تأکید کرد: در سازمان برنامه و بودجه و در میان اعضای ستاد تهیه و تدوین بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور مباحث به صورت جدی، کارشناسی و تخصصی بحث و دنبال می‌شود و در عین حال که دیدگاه‌ها شاید در برخی از حوزه‌ها متفاوت باشد، اما در تحلیل نهایی، اجماع ستاد تعیین کننده خواهد بود.

رئیس سازمان برنامه و بودجه اظهار داشت: در هر صورت، لایحه بودجه ۱۳۹۹ کل کشور را در موعد مقرر قانونی یعنی پانزدهم آذر سال جاری تقدیم مجلس شورای اسلامی خواهیم کرد.

بر پایه این گزارش، دکتر سیدحمید پورمحمدی معاون اقتصادی و هماهنگی برنامه و بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور هم در مورد وظایف و مأموریت‌های کمیته بازنگری و بازبینی هزینه‌ها اظهار داشت: این کمیته دو وظیفه و رسالت مهم دارد. یک وظیفه، کاستن حداقل ۵۰ هزار میلیارد تومان از هزینه‌ها است و ناگزیر هستیم که چنین کاهشی را در بودجه سال آتی اعمال کنیم و وظیفه و رسالت دیگر این کمیته، اصلاحات ساختاری شامل ادغام، انحلال، واگذاری و برون‌سپاری است و در این موارد باید با مجلس شورای اسلامی به تفاهم و تعامل برسیم و در نهایت حاصل این اجماع، راحت‌تر مورد قبول سران قرار خواهد گرفت.

در این جلسه، آرا افلاکی معاون بودجه هزینه‌ای امور هماهنگی و تلفیق بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور، گزارشی در مورد سند بودجه ارایه کرد و گفت: سند بودجه همان موافقت‌نامه است که این سازمان با دستگاه سیاست‌گذار و دستگاه مجری امضا می‌کند و این مرحله بعد از اعمال تغییرات مجلس در بودجه برای اجرا ابلاغ می‌شود.

حمید محبوب خلجانی معاون بودجه تملک دارایی های سرمایه‌ای و مالی و نظارت سامانه‌های بودجه سازمان برنامه و بودجه کشور هم گزارشی در مورد برنامه زمانی تدوین بودجه ارایه کرد و گفت: اصلاحات ساختاری که باید در لایحه بودجه منعکس شود، حداکثر باید تا پانزدهم شهریور سال جاری نهایی شده و در عین حال گزارش عملکرد برنامه ششم توسعه هم باید تا همین تاریخ مهیا شود.

به گفته وی، پیش‌نویس بخشنامه بودجه سال ۱۳۹۹ هم باید تا ۲۳ شهریور تدوین و تا اول مهر امسال به دستگاه‌ها ابلاغ شود.

حناچی فهرست محرمانه بدهی‌های...

بقیه از صفحه ۲

مدیران شهری در دوره پیشین مدعی شده‌اند که ۱۶ هزار میلیارد تومان بدهی دارند؛ این در حالی است که دیون و تعهدات بانک‌ها و اوراق مشارکت تا آن مقطعی که در دفاتر حساب ثبت شده است و قطعی تلقی می‌شود، ۲۹۵۰۰ میلیارد تومان است.

وی اضافه کرد: اگر معاونت مالی و دکتر حناچی مناسب بدانند توضیحات بیشتری در این باره ارائه خواهم کرد.

سخنگوی شورای شهر تهران درباره وارد شدن اطلاعات نادرست به سامانه شفافیت شهرداری تهران گفت: سامانه شفافیت راه‌اندازی شد تا به صورت تدریجی و گام به گام مجموعه اطلاعات شهرداری تهران در دسترس عموم قرار گیرد.

اعطا تأکید کرد: شورا این امکان را ندارد که اطلاعات مربوط به ۶۸ هزار نیرو را مورد بررسی قرار دهد، اما رسانه‌ها و مردم تحت نظارت همگانی و معاونت منابع انسانی می‌توانند این اقدام را انجام دهند.

سخنگوی شورای شهر تهران در ادامه در باره وضع ساماندهی دستفروشان و فیلمی که اخیراً در فضای مجازی منتشر شده و در آن نفر نخست آزمون کارشناسی ارشد هم به دستفروشی مشغول است، گفت: بهمن ماه سال گذشته شهرداری مصوبه‌ای در باره ساماندهی مشاغل بی کانون داشت که به شورای شهر هم ابلاغ شد اما شهرداری برای عمل به این مصوبه دیر اقدام کرد و آن طور که انتظار می‌رفت بر اساس این مصوبه ساماندهی این نوع مشاغل انجام نشد.

وی در باره اقدامات مدیریت شهری پس از واکنش‌هایی که به موضوع سگ‌کشی توسط پیمانکاران شهرداری انجام شده بود، افزود: چهار جلسه ویژه در این زمینه تشکیل شد. قرار است در دو هفته آینده دستورالعملی در زمینه چگونگی نظارت بر کار پیمانکاران تهیه شود. همچنین شکایتی در دادسرا از سوی شرکت ساماندهی تهیه شده است که از سوی نهادهای قضایی هم این موضوع پیگیری خواهد شد.

موافقت رهبری برای استفاده از صندوق توسعه در ساخت راه آهن چابهار – زاهدان

مقام معظم رهبری با برداشت وام از صندوق توسعه ملی به منظور احداث راه آهن چابهار به زاهدان موافقت فرمودند.

این مطلب را مهندس محمد اسلامی وزیر راه و شهرسازی دیروز در حاشیه مراسم بهره برداری از ۲۱۳ واگن جدید در ناوگان ریلی به خبرنگاران گفت و افزود: با تسریع در ساخت راه آهن چابهار به زاهدان، این خط ریلی تا پایان سال ۱۴۰۰ به بهره برداری خواهد رسید.

به گفته وی، این خط مهم ریلی نقش بسزایی در توسعه محور شرق کشور و افزایش حجم ترانزیت کالا در مسیر جنوب آسیا به اروپا دارد و از طرف دیگر با تکمیل خط ریلی رشت–انزلی–آستارا کریدور ریلی شمال–جنوب فعال خواهد شد و شاهد رونق عبور و مرور بار ترانزیتی در این محور خواهیم بود.

وزیر راه و شهرسازی با اشاره به آغاز بهره برداری از ۲۱۳ واگن ریلی ساخت داخل گفت: ما در شرایط تحریم با همت بالا و باور توانستیم رونق تولید را معنا کنیم. زیرا ایران دارای نیروهای با استعداد بسیار زیادی است و می‌توانیم هر آنچه که نیاز داریم در داخل تولید کنیم.

وی با اشاره به اینکه در صنعت حمل و نقل ریلی باید سهم بالایی در بازار جهانی داشته باشیم و با استفاده از آن بتوانیم اشتغال و ظرفیت تولید را گسترش دهیم، افزود: منطقه غرب آسیا که ۶۰ درصد از جمعیت جهان را در خود جای داده است ظرفیت خوبی برای توسعه دارد و ایران باید با استفاده از ظرفیت‌هایی که در خود دارد و تولیدکنندگان باتحویل به موقع تعهدات و سفارشات خود باید ظرفیت‌ها را افزایش دهیم.

اسلامی ادامه داد: اصلاح مسیرها، افزایش ظرفیت خطوط، ایجاد خطوط موازی، اتصال جدید به استان‌ها و مراکز بار از استراتژی‌های ما است که باید در برنامه ششم توسعه به آن دست یابیم و این یکی از سیاست‌های کلی نظام بوده و همواره اجرای آن مورد تأکید بوده است.

وی گفت: با توسعه زیرساخت‌ها، روان سازی خدمات، کاهش بروکراسی و همچنین کاهش زمان توقف بار باید بتوانیم رقابت را بین حوزه‌های حمل و نقلی ایجاد کنیم.

وزیر راه و شهرسازی گفت: باید سهم خود را از ۱۰۰ میلیون تن بار اطراف خزر افزایش دهیم که این امر موجب افزایش اشتغال و همچنین تولید پایدار می‌شود.

گزارش خبرنگار ما حاکیست: اسلامی دیروز در مراسمی با حضور مقامات ریلی در ایستگاه راه آهن تهران از ۵ دستگاه لوکوموتیو، ۱۵ دستگاه واگن مسافری و ۱۹۳ دستگاه واگن باری که توسط شرکت مپنا الکترونیک، شرکت قطارهای پلور سبز و شرکت واگن پارس اراک در داخل کشور ساخته شده اند، رونمایی کرد. برای ساخت این تعداد تجهیزات ریلی در داخل کشور بالغ بر ۳۶۶۲ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان سرمایه گذاری شده است.وی همچنین به خبرنگاران گفت: برای توسعه صنعت ریلی و استفاده از توان داخلی در زمینه ساخت تجهیزات این حوزه حدود ۲ هزار میلیارد تومان تفاهمنامه با سازمان برنامه و بودجه امضا کردیم. همچنین ۹ شرکت تولیدی و ۱۶ شرکت بهره‌بردار هم در این حوزه قرارداد منعقد کردند.

به گفته وزیر راه و شهرسازی، تمامی کارخانجات ریلی که سال های قبل خط تولید آنها متوقف شده بود، اکنون همگی فعال شده اند و امیدواریم قراردادهای جدید به سرانجام برسد که سهم ریل در جابجایی بار و مسافر افزایش یابد.

وی درباره تاخیر صورت گرفته در بهره‌برداری از قطعه یک آزاد راه تهران – شمال گفت: قبلا وعده داده بودیم که تا پایان تابستان عملیات احداث و عمرانی منطقه یک به پایان می‌رسد، اکنون هم عملیات اجرایی در این محور جاده ای به سرعت ادامه دارد و ۳ هزار نفر آنجا فعال هستند.

اسلامی افزود: قطعه یک آزادراه تهران – شمال هم اینک در مرحله ایجاد سیستم مدیریت بهره‌برداری و آزمایش نهایی است و با خاتمه این مراحل، مسیر تردد از این آزادراه را برای مردم باز می‌کنیم.

وی با بیان اینکه عملیات عمرانی در منطقه یک در حال اتمام است،گفت: به شرکت‌های پیمانکار گفته‌ایم به منطقه ۲ مهاجرت کنند و تلاش می‌کنیم تا قبل از پایان کار دولت، بخش عمده‌ای از این آزاد راه به پایان برسد.

وزیر راه و شهرسازی افزود: برای اتصال به جاده چالوس نیازمندیم که این جاده را تا ۱۳ کیلومتر در بخش اتصال به آزاد راه افزایش دهیم، بنیاد مستضعفان تقاضا کرد که جاده چالوس را ببندیم تا این کار با سرعت انجام شود، اما به دلیل آنکه ایام تابستان است و تقاضای سفر در این محور بالا است، برنامه‌ریزی کردیم با همکاری پلیس راه در روزهای وسط هفته این جاده را ببندیم و عملیات را به سرعت انجام دهیم.

دکتر سعید رسولی معاون وزیر راه و شهرسازی و مدیرعامل راه آهن جمهوری اسلامی ایران هم به خبرنگاران گفت: با توجه به تفاهمنامه‌ای که سال گذشته با رئیس سازمان برنامه و بودجه به امضا رسید تا پایان سال آینده ۹۷۴ دستگاه انواع لکوموتیو با استفاده از منابع داخلی به شبکه حمل و نقل ریلی اضافه خواهد شد.

وی درباره تامین مالی طرح‌های راه آهن گفت: منابع متنوعی برای تامین مالی وجود دارد که منابع ۲۲ طرح از محل اجرای ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید تامین شده و ۱۷۹۱ دستگاه انواع واگن و لکوموتیو به ارزش ۲ هزار میلیارد تومان ساخته می‌شود.

مدیرعامل راه آهن با اشاره به اینکه به واسطه حمایت رهبری، استفاده از منابع صندوق توسعه ملی هم برای تکمیل طرح‌ها فراهم شده است، افزود: تا پایان سال ۳۷ دستگاه واگن مسافری،۳۰ دستگاه لکوموتیو و ۲۱۷ دستگاه انواع واگن‌های باری به شبکه ریلی اضافه می‌شود.وی عمر متوسط واگن‌های باری و مسافری را ۲۴ سال ذکر کرد که با ورود این واگن های جدید عمر ناوگان ریلی کاهش می‌یابد و افزود: با تلاش متخصصان داخلی میزان وابستگی به خارج برای تأمین تجهیزات ریلی به حداقل رسیده و هم اینک تولید قطعه مرکزی سوزن ریلی و چرخ که جزو قطعات مهم صنعت ریلی هستند، در کشور آغاز شده است.

رسولی با اظهار اینکه در سیستم سیگنالینگ هم ما جزو ۸ کشوری هستیم که به این فناوری تسلط داریم، از برداشتن گام‌های بلندی در تولید لوکوموتیو خبر داد و اضافه کرد: در حال حاضر واگن‌های باری، مسافری، مترو و خودکشش در داخل ساخته می‌شود و البته نظیر کشورهای دیگر جهان برخی قطعات از کشورهای دیگر می‌آید.

وی ادامه داد: امسال هم همانند سالهای قبل ستاد سفرهای اربعین در راه آهن تشکیل شده است و برای جابجایی زائران به مرزهای عراق برنامه‌ریزی کرده‌ایم تا در این ایام قطارهای ویژه ای به مقصد کرمانشاه، شلمچه و چزابه اعزام کنیم.

معاون وزیر راه و شهرسازی گفت: طراحی ساخت خط آهن سریع‌السیر تهران ـ قم ـ اصفهان به دستور وزیر راه و شهرسازی مورد بازنگری قرار گرفته تا سرعت تردد قطارها در این مسیر به ۳۰۰ کیلومتر در ساعت افزایش یابد. هم اینک پیشرفت فیزیکی کل مسیر کمتر از ۱۰ درصد است، اما در عملیات خاکی و زیرسازی بین قم تا اصفهان بیش از ۶۰ درصد رشد فیزیکی داریم. همچنین در بخش تهران تا قم هم اقداماتی انجام شده است.

وزیر راه و شهرسازی: راه‌آهن چابهار به زاهدان تا پایان سال ۱۴۰۰ به بهره‌برداری می‌رسد

تفاهمنامه ایران و سوریه برای راه‌اندازی بانک مشترک

ایجاد بانک مشترک ایران و سوریه و اجرای مفاد تفاهمنامه بانک‌های مرکزی ایران و سوریه در دیدار نمایندگان بانک‌های دو کشور مورد بررسی قرار گرفت.

به گزارش روابط عمومی بانک مرکزی، مهمترین توافقات رئیس‌کل بانک مرکزی با همتای سوری شامل توسعه روابط کارگزاری بانکی ایران و سوریه، گسترش تبادلات بازرگانان و تجار دو کشور، راه‌اندازی بانک مشترک ایران و سوریه، راه‌اندازی سیستم سپام بین بانک‌های دو کشور و تشکیل کمیته مشترک بانکی برای پیگیری امور بوده است.

بر اساس این گزارش، عبدالناصر همتی در نشست مشترک با رئیس کل بانک مرکزی سوریه با اشاره به توافقات صورت گرفته بین بانک‌های مرکزی ایران و سوریه ابراز امیدواری کرد که اقدامات عملیاتی بین بانک‌های دو کشور در راستای گسترش همکاری‌های اقتصادی به سرعت اجرا شود.

رئیس کل بانک مرکزی همچنین حمایت همه جانبه این بانک را از توسعه روابط بانک های دو کشور اعلام کرد و افزود: روابط اقتصادی ایران و سوریه وارد مرحله جدیدی شده و توافقات بانکی اخیر حاوی پیامی مهم برای شرکت ها و گامی جدی برای گسترش تبادلات بازرگانان و تجار دو کشور است.

همتی همچنین با مرور مقررات بانکی دو کشور در خصوص راه‌اندازی بانک مشترک، تسریع در راه‌اندازی بانک مشترک ایران و سوریه با توجه به مفاد تفاهمنامه را خواستار شد و از طرف مقابل خواست تا موانع موجود در این مسیر را حل و فصل کند.

نمایندگان بانک‌های ایرانی حاضر در این جلسه هم با مرور تعاملات بانکی گذشته با بانک های سوری و اعلام آمادگی برای افزایش روابط بانکی با بانک های این کشور، به راه اندازی سیستم سپام بین بانک های دو کشور اشاره کردند و پیشنهادات اجرایی خود را در مورد موضوعاتی از جمله ایجاد بانک مشترک ایران و سوریه، استفاده از ارزهای ملی در مبادلات تجاری دو کشور، تقویت خطوط اعتباری، رفع مشکلات ضمانت های بانکی طرفین، راه اندازی سیستم کارت های پرداخت مشترک بین شهروندان دو کشور و سایر موارد را مطرح کردند.

در این دیدار همچنین رئیس کل بانک مرکزی سوریه با بیان اینکه در گذشته مشکلاتی در روابط بانکی دو کشور وجود داشته است، گفت: خوشبختانه در حال حاضر این روابط در مسیر صحیح قرار گرفته و آرزوی گسترش روابط بانکی بین ایران و سوریه در حال تحقق است.وی با تاکید بر اینکه نتایج حاصل از این مذاکرات، بانک ها و شرکت های ایران و سوریه را به همکاری بیشتر ترغیب خواهد کرد، افزود: تمام تلاشمان را برای اجرای دقیق و سریع تفاهمنامه امضا شده به کار خواهیم گرفت.

آخرین فرصت بهره‌مندی از بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرایم مالیاتی امسال است

آخرین فرصت بهره مندی از بخشودگی ۱۰۰ درصدی جرایم قابل بخشش، امسال است و در صورت عدم پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده و برخورداری از تسهیلات یاد شده تا پایان امسال، این امکان در سال آینده فراهم نخواهد بود.

به گزارش رسانه مالیاتی ایران، دکتر امید علی پارسا رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور ضمن اعلام این مطلب خاطرنشان کرد: این بخشودگی صرفا به منظور حمایت از فعالان اقتصادی در سال رونق تولید و با توجه به شرایط خاص اقتصادی کشور صادر شده و در سال‌های آتی، بدین منوال شاهد بخشودگی جرایم مالیاتی نخواهیم بود؛ لذا لازم است فعالان اقتصادی به ویژه فعالان عرصه تولید، از تسهیلات قانونی مذکور نهایت استفاده را ببرند.

وی ضمن رد این شائبه که بخشودگی ۹۰ تا ۱۰۰ درصدی جرایم مالیاتی هر ساله تکرار خواهد شد، گفت: قطعا حمایت دولت از بخش غیردولتی همواره باید محدود، مشروط، کاهنده و تضمین دار باشد. البته با صدور بخشنامه‌ای و به منظور رفع این شائبه، اعلام کردیم که در سال ۱۳۹۹ هم سطح اختیارات ادارات کل امور مالیاتی در مورد بخشودگی جرایم مالیاتی محدود خواهد شد و هم احراز شرایط خوش حسابی باید با مستندات کامل صورت گیرد. در واقع صرفه و صلاح این است که فعالان اقتصادی از فرصت استثنایی امسال استفاده کنند و ضمن اکتساب عنوان خوش حسابی، با سهل‌ترین شکل ممکن و با عزت و احترام از بار سنگین جرایم مالیاتی رهایی یابند و قاعدتاً هیچ مودی هوشمندی ۱۰۰ تومان بخشودگی سهل و آسان و با عزت و احترام امسال را با ۷۰ تومان بخشودگی احتمالی و سخت در سال بعد عوض نمی‌کند.

پارسا در توضیح نحوه محدود شدن سطح اختیارات مدیران در سال آینده گفت: با رعایت مفاد ماده ۱۹۱ قانون مالیات‌های مستقیم و سایر مقررات مربوط، در مورد بدهی‌های قطعی شده از ابتدای سال آینده به بعد حداکثر بخشودگی جرایم قابل بخشش برای مودیان واحدهای تولیدی دارای پروانه بهره برداری یا پروانه کسب تولیدی از مراجع ذیربط ۷۰ درصد و برای سایر مودیان ۵۰ درصد برای هر منبع مالیاتی در هر سال یا دوره به مدیران کل امور مالیاتی تفویض می شود.

وی بار دیگر بر استفاده از این ظرفیت قانونی از سوی فعالان اقتصادی تاکید کرد و گفت: مودیان در صورت عدم پرداخت بدهی مالیاتی قطعی شده تا پایان امسال به عنوان مودی خوش حساب تلقی نشده و جرایم متعلق قابل بخشودگی نخواهد بود.

نفت ، طلا ، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۵۳/۲۶ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۵۷/۵۴ دلار
متوسط سبد نفت کشورهای اوپک	۵۸/۷۶ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۵۲۰/۵۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۴۰۶۰۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۴۱۲۰۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶گرم)	۲۱۰۳۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۱۳۰۴۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۹۱۱۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۴۱۳۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۲۰۰ تومان
دلار آمریکا(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۱۳۰۷/۹ تومان
دلار آمریکا(نرخ صرافی)	۱۱۴۰۰ تومان
یورو(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۴۵۹۳/۶ تومان
یورو(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۲۴۷۱/۶ تومان
یورو(نرخ صرافی)	۱۲۶۰۰ تومان
پوند انگلستان(نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۵۰۵۴/۹ تومان
پوند انگلستان(سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۱۳۷۸۰/۹ تومان
پوند انگلستان(نرخ صرافی)	۱۳۹۰۰ تومان
درهم امارات (نرخ سیستم بانکی برای کالاهای اساسی)	۱۱۴۳/۷ تومان
درهم امارات (سامانه سنا - میانگین بازار ثانویه و بازار آزاد)	۳۰۷۸/۳ تومان
درهم امارات (نرخ صرافی)	۳۱۷۰ تومان

یارانه ۳ دهک پردرآمد از پایان شهریور حذف می‌شود

دولت شناسایی دهک‌های پردرآمد را با دقت و وسواس بیشتری انجام می‌دهد و تلاش می‌کنیم که حذف یارانه سه دهک را از پایان شهریور آغاز کنیم.

به گزارش ایرنا، محمد شریعتمداری وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی دیروز در حاشیه نشست تخصصی بررسی نقش و جایگاه تعاونی های زنان در توسعه اقتصادی اجتماعی در سالن تلاش در جمع خبرنگاران درباره حذف یارانه دهک‌های پردرآمد افزود: مهلت یک ماهه مندرج در آیین نامه اجرایی مصوب دولت که مقرر کرده بود ظرف یک ماه دستورالعمل اجرایی ابلاغ شود به پایان رسیده است. وی افزود: اما در آن آیین نامه اشاره شده وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی با همکاری وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات، سازمان برنامه و بودجه و وزارت کشور اقدام به انتشار دستورالعمل کند. وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی ادامه داد: قرار است استانداران در سطح کشور برای شناسایی اقشار با درآمد بالا همکاری کنند و از شبکه استانداری‌ها، فرمانداری‌ها و شهرداری‌ها و شورای‌ها شهر برای کسب اطلاعات و تکمیل بانک اطلاعات استان ها کمک بگیریم و چون اشتراک مساعی در تنظیم این مقررات بیش از یک ماه زمان برده هنوز ابلاغ به استانداران صورت نگرفته و به محض اینکه تمام شود، دولت ابلاغ می‌کند. وی با اشاره به اینکه همه دستگاه‌ها نظرات خود را به طور کامل نداده‌اند و تلاش می‌کنیم تا هفته آینده به پایان برسد و نتیجه به استانداران ابلاغ شود، گفت: حذف دهک‌های پردرآمد با مشارکت استانداران سراسر کشور خواهد بود و هر میزان از سه دهک اول را که با کمترین خطا شناسایی شده باشند حذف می‌کنیم.

شریعتمداری تاکید کرد: انتخاب سه دهک در شرایط اقتصادی حاضر سخت است و ما هم نمی‌خواهیم به جامعه‌ای که جزو طبقات متوسط است، فشار بیاوریم؛ بنابراین دولت با دقت و وسواس بیشتر این کار را انجام می‌دهد.

به گزارش مهر به نقل از وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، شریعتمداری همچنین در جلسه بررسی نقش و جایگاه تعاونی‌های زنان در توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور با اشاره به افزایش ۵۰۰میلیون تومانی مبلغ ضمانت نامه معاملات به بانوان تعاونگر، گفت: ۵۰۰فقره تسهیلات ۱۰۰میلیون ریالی ارزان قیمت در اختیار تعاونی های بانوان قرار می گیرد.

وزیر تعاون گفت: صدور ضمانت نامه بانکی بدون وثیقه ملکی تا سقف ۵۰۰میلیون تومان یکی از تسهیلات صندوق ضمانت سرمایه گذاری برای تعاونی‌ها است و همچنین بانک توسعه تعاون هم تسهیلات زیر ۱۰درصد را برای زنان کارآفرین در نظر گرفته است. در عین حال ۲۰میلیارد تومان تسهیلات در قالب عقد قرار داد مرابحه به ۴۰۰نفر از بانوان تعاون گر با نرخ ۱۵درصد پرداخت می شود.

امکانات جدید به همراه بانک پاسارگاد افزوده شد

در راستای توسعه امکانات خدمات بانکداری‌الکترونیک و رفاه حال مشتریان، امکانات جدید به سامانه همراه بانک پاسارگاد (موبایل بانک) افزوده شد.

به گزارش روابط‌عمومی بانک‌پاسارگاد، امکاناتی از قبیل ثبت مبلغ چک، پرداخت قبض مستمر همراه اول، امکان شارژ مستقیم و دریافت رمز دوعاملی در خدمات سپرده همراه بانک افزوده شد.

بر اساس این خبر، پیش از این نیز از طریق همراه بانک‌پاسارگاد، در بخش خدمات سپرده امکاناتی از قبیل مشاهده فهرست و جزئیات سپرده‌ها (موجودی، شماره شبا و...)، مشاهده صورت‌حساب سپرده‌ها به همراه نمودار گردش سپرده، امکان یادداشت‌گذاری بر روی گردش سپرده، انتقال وجه داخلی و بین بانکی (پایا و ساتنا)، انتقال وجه مستمر (دوره‌ای) داخل بانکی و بین بانکی و پرداخت قبض با سپرده ارایه می‌شد.

همچنین در بخش خدمات کارت، مشاهده موجودی کارت (کلیه کارت‌های بانک پاسارگاد(،انتقال وجه کارت به کارت (کارت‌های پاسارگاد وبرخی بانک‌های عضو شبکه شتاب طرف قرار داد)، پرداخت قبض (با امکان اسکن بارکد قبض برای گوشی‌های اندروید و آی او اس)، خرید شارژ تلفن همراه (ایرانسل، همراه اول و رایتل)، مسدود کردن کارت (کارت‌های بانک پاسارگاد)، دریافت ده گردش آخر کارت (کارت‌های بانک‌پاسارگاد) و امکان دریافت موجودی کارت (کارت‌های بانک‌پاسارگاد) امکان‌پذیر است. مشاهده فهرست تسهیلات و جزئیات آنها و پرداخت قسط از جمله خدماتی است که در بخش خدمات تسهیلات همراه‌بانک پاسارگاد قابل دریافت است. امکان دریافت رمز یکبار مصرف کارت، امکان تبدیل شماره کارت به سپرده و شبا (تبدیل شبا، سپرده، کارت)، امکان دریافت فایل اکسل و پی دی اف گردش سپرده و ... از دیگر امکانات این برنامه است.

مشتریان می‌توانند ابتدا با مراجعه به نزدیک‌ترین شعبه بانک‌پاسارگاد، نسبت به دریافت رمز همراه بانک اقدام کنند و پس از دریافت برنامه همراه بانک پاسارگاد از طریق سایت بانک‌پاسارگاد به نشانی www.bpi.ir/mobilebank، با وارد کردن شماره مشتری به‌عنوان نام کاربری و رمز دریافت شده از شعبه، وارد این برنامه شوند.

مشتریان می‌توانند برای اطلاع از سایر خدمات متنوع ارایه شده در همراه بانک پاسارگاد به سایت این بانک مراجعه و یا با مرکز مشاوره و اطلاع‌رسانی به شماره ۸۲۸۹۰ تماس حاصل کنند.

تبدیل شماره‌های اعتباری همراه اول به دائمی ممکن شد

امکان تبدیل سیم کارت های اعتباری همراه اول به دائمی فراهم شد.

به گزارش اداره کل ارتباطات شرکت ارتباطات سیارایران،تبدیل شماره های تلفن همراه از اعتباری به دائمی در اپراتور اول تلفن همراه کشورممکن شد.

این سرویس که مختص مشترکان اعتباری است، از ۱۱ شهریور فعال شده تا مشترکان اعتباری نیزبا تبدیل سیم کارت خود قادر به دریافت صورتحساب، مانند مشترکان دائمی در پایان هر ماه باشند و ازسرویس ها و مزایای سیمکارت های دائمی برخوردارشوند.

تمامی مالکان سیمکارت های اعتباری همراه اول می توانند بدون خریدسیم کارت‌جدید و تنهابا در دست داشتن کارت ملی و سیم کارت فعال به فروشگاه ها، مراکز تلفن ثابت و نمایندگی های این اپراتور مراجعه کرده و نسبت به تبدیل سیمکارت خود باهزینه یکصد هزار تومان که ۳۶ هزار تومان آن بابت تضمین پرداخت است، اقدام کنند.

مشترکانی که علاقه مند به تبدیل سیم کارت خود هستند، بایدهزینه مذکور را به عنوان اعتبار اصلی در حساب سیم کارت اعتباری شان داشته باشند؛ در صورتی که اعتبار موجود در سیم کارت اعتباری بیش از هزینه تبدیل شماره تلفن همراه باشد، مبلغ مازاد در نخستین دوره صورتحساب به حساب بستانکاری مشترک انتقال خواهدیافت.

گفتنی است در صورت وجود هرگونه بسته مصرفی فعال با مدت زمان باقیمانده (در حالتی که حجم مصرفی هم به پایان نرسیده است) روی سیمکارت اعتباری مشترک، در صورتی که آن بسته برای سیم کارت های دائمی نیز قابل ارائه باشد، پس از تبدیل، به شماره دائمی متقاضی منتقل می شود ولی اعتبار هدیه انواع شارژ اعم از شارژ فوق العاده، جوانان و بانوان و همچنین سرویس چتر اضطراری، جمعه های رویایی و بسته های ترکیبی دلخواه به شماره تلفن همراه دائمی منتقل نخواهد شد.

یکی از شرایط لحاظ شده برای استفاده از این سرویس (تبدیل شماره های اعتباری به دائمی)، این است که حداقل می بایست شش ماه از زمان فعالسازی شماره تلفن همراه سپری شده باشدو ازسوی دیگرمشترکی که اقدام به تبدیل شماره کرده است، حداقل مدت شش ماه نمی تواند شماره تلفن همراه دائمی خود را نقل و انتقال دهد.

همچنین پس از تبدیل شماره تلفن همراه‌اعتباری به دائمی،امکان تبدیل مجدد به هیچ وجه وجود نخواهد داشت و پس از آن تمامی مفاد قرارداد اشتراک تلفن های همراه دائمی دارای تضمین پرداخت بر روابط مابین شرکت ارتباطات سیارایران و مشترکان حاکم خواهد بود.

مروری بر عملیات پیروزمندانه کربلای ۵

عملیاتی برای تمرین عبور از آبراه‌ها

عملیات کربلای ۵ که یکی از بزرگترین عملیات‌های رزمندگان در طول جنگ تحمیلی بود، در تاریخ ۱۹ دی‌ماه سال ۱۳۶۵ با رمز مبارک یازهرا(ع) در منطقه شلمچه و شرق بصره آغاز شد؛ عملیاتی که با غافلگیر کردن صدام و سربازانش، سرآغاز یک پیروزی دیگر در کارنامه رزمندگان ایرانی بود و از آن به عنوان پیچیده‌ترین عملیات دفاع مقدس یاد می شود.

شرایط دشوار پس از عملیات کربلای ۴ ضرورت انجام عملیات دیگری را ایجاب می‌کرد. عملیاتی که پیروزی آن تضمین شده باشد و از جنبه نظامی و سیاسی هم بسیار ارزشمند باشد تا آثار نامطلوب ناموفق شدن در کربلای ۴ را جبران کند.

فرماندهان و رزمندگان ایرانی در میانه تردید و امید، ۱۹ دی ماه ۱۳۶۵ به خط شلمچه زدند و عراقی‌ها در جشن پیروزی‌شان در کربلای ۴ حسابی غافلگیر شدند.

حمدانی از فرماندهان گارد ریاست جمهوری عراق می‌گوید: «حمله (کربلای۴) ایران به کلی شکست خورد و رقابتی میان فرماندهان سپاه سوم و هفتم عراق که همیشه موفق بودند، پدید آمد. فرمانده سپاه سوم، طالی الدوری برای اینکه نشان دهد ایران را شکست داده است، آمار و ارقامی از تلفات فوق العاده سنگین نیروهای ایرانی ارائه داد که غیرمنطقی به نظر می‌رسید. ماهر عبدالرشید، فرمانده سپاه هفتم هم می‌دانست که باید مطابق میل صدام رفتار کند. او هم آمارهای غیر واقعی داد. آمارهایی که تقریبا خنده‌دار یود. اما صدام رضایت داشت چون پس از فاو، این دروغگویی‌ها تسکینش می‌داد. فرماندهان می‌گفتند با تلفات سنگینی که به ایرانی‌ها وارد شده، می‌توانیم همه نفس راحتی بکشیم. فرماندهانی که مدت‌ها در جبهه بودند به مرخصی رفتند و آماده‌باش لغو شد. مردم در جامعه هم آمارها را باور کردند و می گفتند تا ایرانی‌ها عملیات دیگری شروع کنند حداقل ۶ ماه زمان می‌خواهند. اما ایرانی‌ها کمتر از ۲ هفته بعد حمله کردند و دروغ‌ها برملا شد. معلوم شد فرماندهان تلفات ایرانی را ۱۰ برابر بیشتر اعلام کرده‌اند.»

اهداف عملیات

منطقه شلمچه به لحاظ اهمیت سیاسی و نظامی‌آن، به عنوان یکی از معابر وصولی شهر بصره، همواره در زمره اهداف قوای نظامی جمهوری اسلامی‌ایران قرار داشت. در صورت تسلط بر این منطقه، جمهوری اسلامی می‌توانست برتری خود در جنگ را به اثبات برساند. منطقه عملیاتی شلمچه که در جنوب شرقی شهر مهم بصره قرار گرفته و تقریبا نزدیک‌تری محور وصولی به این شهر به شمار می‌آید، از تعداد زیادی نهر، کانال، خاکریز، جاده و... تشکیل شده که همه آن‌ها در بخش شمالی اروند قرار دارند. همچنین، آب گرفتگی‌های متعددی در این منطقه وجود دارند که از سوی ارتش عراق به عنوان موانعی در مقابل هر گونه نفوذ قوای جمهوری اسلامی‌ایجاد شده اند.

منطقه عملیاتی در حوزه پدافندی سپاه سوم عراق بود و ۳ لشکر ۱۱ پیاده، ۵ مکانیزه و ۳ زرهی در این منطقه مستقر بودند. رزمندگان ایرانی هم براساس موجودی ۲۰۰ گردان نیرو وارد این عملیات شدند و توانستند با عبور از موانع نفوذ ناپذیر دشمن در شرق بصره و در حومه این شهر حضور یابند. اهمیت این اقدام به حدی بود که پس از آن، موقعیت سیاسی و نظامی‌عراق تضعیف شد و در نتیجه حملات گسترده این کشور به مراکز اقتصادی، صنعتی و مسکونی ایران بار دیگر آغاز شد. اوضاع جبهه‌های نبرد هم به سود قوای نظامی‌ایران تثبیت شد و سپاه پاسداران یکی از ارزنده‌ترین تجارب نظامی‌خود را کسب کرد.

علاوه بر این، تلاش‌های بین‌المللی برای پایان دادن به جنگ افزایش یافت و به تصویب قطعنامه ۵۹۸، که در آن برای اولین بار تا حدودی نظریات جمهوری اسلامی‌ایران لحاظ شده بود، در شورای امنیت سازمان ملل انجامید. در پی این موفقیت های ایران، امریکا و متحدینش در خلیج فارس حضور گسترده نظامی پیدا کردند و مدتی بعد، یکی از هواپیماهای مسافربری ایران توسط ناوگان امریکا ساقط شد و تعدادی از حجاج بی‌دفاع ایران نیز توسط رژیم سعودی به شهادت رسیدند.

دشمن در عملیات کربلای ۵ بیش از ۸۰ فروند هواپیما، ۷۰۰ دستگاه تانک و نفربر، ۲۵۰ قبضه توپ صحرایی و ضد هوایی، صدها قبضه انواع ادوات نیمه سنگین، ۱۵۰۰ دستگاه خودرو، ۴۰۰ دستگاه انواع ادوات مهندسی و رزمی و مقدار زیادی سلاح سبک و مهمات از دست داد. همچنین در این عملیات ۸۱ تیپ و گردان مستقل دشمن منهدم و ۲۴ تیپ و گردان مستقل نیز آسیب کلی دیدند و تعداد ۴۰ هزار نفر کشته یا زخمی‌و ۲۷۰ نفر نیز اسیر شدند.

غافلگیری در شرق بصره

عراقی‌ها سراسیمه نیروهای بسیاری را به منطقه شلمچه آوردند تا ایرانی‌ها را عقب بزنند. قرار بود عملیات ساعت ۲ نیمه شب آغاز شود که خبر رسید شاید عملیات لو رفته باشد. پس ساعت شروع عملیات را پیش انداختند و ساعت ۱ و ۳۵ دقیقه بامداد رمز عملیات اعلام شد. ۲ ساعت از عملیات گذشت و پیشروی امیدوار کننده بود. عراقی ها غافلگیر شدند و رزمندگان ایرانی پاسگاه بوبیان عراق را گرفتند. ارتش عراق روز دوم عملیات بیشتر از ۲۰ بار پاتک کرد که همه ناموفق بود و مجبور شد عقب نشینی کند. توپخانه دشمن و تیر مستقیم تانک‌ها تنها پل ارتباطی را بی‌وقفه زیر آتش گرفته بود و ارتباط کاملا قطع شده بود. آتش دشمن الحاق برخی گروه‌ها را هم قطع کرده بود.

انتقال مهمات، غذا و مجروح به هیچ عنوان مقدور نبود. و همه چیز توسط افراد حمل می‌شد. فشار دشمن در عصر روز دوم عملیات به کارگیری هوانیروز و نیروی هوایی را ضروری کرد. نبرد شبانه روزی کربلای ۵ ادامه داشت و نیروهای ایرانی با سرعت محدود پیش می‌رفتند. رزمندگان، شب دهم تلاش کردند در غرب نهر جاسم سرپل را بگیرند و شب یازدهم سرپل را گرفتند و بعد از فرار عراقی ها، در غرب نهرجاسم عملیات را ادامه دادند.

دشمن که زمین داده بود تا نیروهایش را حفظ کند و تا غرب نهرجاسم عقب نشسته بود، در چهارراه شلمچه مقاومت می‌کرد. عملیات در غرب نهر جاسم تا شب نوزدهم عملیات (۷ بهمن ۱۳۶۵) ادامه داشت. عراق برای سد کردن پیش روی رزمندگان اسلام به کلیه سپاه‌های خود اعلام کرد یگان‌های کیفی و عملیاتی خود را به شلمچه اعزام کنند. خیلی سریع بیش از ۱۰۰ یگان عراق به منطقه آمدند. در این مدت فقط ۲۵ یگان سپاه در برابر دشمن صف‌آرایی کردند و بارها با سازمان و جذب نیروی جدید، عملیات را ادامه دادند.

روایت عملیات از زبان سردار سلیمانی

سردار قاسم سلیمانی که از حاضران در این عملیات بود، کربلای ۵ را اینطور روایت می کند:

«ارزشمندترین منطقه موجود شلمچه بود که دشمن در آن مستحکم‌ترین مواضع و موانع را داشت، به طوری که عبور از آن‌ها غیرممکن می‌نمود و با توجه به اصول نظامی شناخته شده و محاسبات کمی، ضریب موفقیت بسیار ناچیز بود و بالطبع تضمین پیروزی از سوی فرماندهان عملیات را غیر ممکن می‌ساخت؛ ولی ضرورت غیرقابل انکار ادامه جنگ در آن موقعیت و لزوم تسریع در تصمیم‌گیری پس از عملیات کربلای ۴ سبب شد که صرفا برای انجام تکلیف و با امید به نصرت الهی، تمامی نیروهای خودی اعم از رزمنده و فرمانده برای عملیات بزرگ کربلای ۵ آماده شوند.

هنگام انتخاب منطقه عملیات کربلای ۵، آنچه اوضاع را پیچیده‌تر می‌کرد، این بود که تنها انجام یک عملیات نمی‌توانست موثر باشد. به علاوه عملیات باید با پیروزی توام باشد. همچنین سرعت عمل نیز نقش تعیین کننده‌ای در این عملیات داشت.

دشمن با توجه به اهمیت منطقه، زمین شرق بصره را مسلح به انواع موانع و استحکامات کرده بود و با رها کردن آب در منطقه، انجام هرگونه عملیاتی را غیر ممکن ساخته و فضای امنی را برای خود به وجود آورده بود تا بتواند حرکت هر نیروی مهاجم را قبل از دستیابی به خط اول خود سرکوب کند.

اولین خط دفاعی دشمن دژی بود که در یک سمت آن سنگرهای بتونی برای استراحت نیرو و در سمت مقابل، سنگرهای دیدبانی و تیربار با مهمات آماده و سنگرهای تانک احداث شده بود. این دژ، دشمن را از موقعیت ممتازی برای اشراف و تسلط کامل بر منطقه برخوردار می‌کرد. در پشت خط اول چند موضع هلالی شکل احداث، که قطر هر یک به ۳۰۰ الی ۴۰۰ متر و ارتفاع آن به ۵ تا ۶ متر می‌رسید.

در پشت مواقع هلالی، برای تردد و استقرار تانک، جاده ساخته شده بود و به این وسیله تانک می‌توانست با استقرار روی مواضع مشخص شده، کل منطقه درگیری را زیر پوشش گلوله مستقیم و تیربار قرار دهد.

دومین خط دشمن به فاصله صد متر از خط اول و به موازات آن احداث و سیل‌بندی بود به عرض ۲۰۵ و ارتفاع ۴ متر که دارای موضع پیاده، کانال مواصلاتی و مواضع تانک بود. این سیل بند از جنوب جاده شروع می‌شد و به سمت اروند ادامه داشت.

سومین خط دشمن، خاکریزی بود به موازات خط دوم و دارای مواضع پیاده و تانک که در جلوی آن کانال متروکه‌ای به عرض ۴ و عمق ۲ متر احداث شده بود. چهارمین رده دشمن در پشت نهر دوعیجی قرار داشت و شامل نهر، دژ و چندین موضع هلالی پی در پی، که بر توانایی دشمن برای مقابله و دفاع می‌افزود.

پنجمین رده دشمن در پشت نهر جاسم قرار داشت. ضمن آن که در حد فاصل خط چهارم و پنجم، قرارگاه دشمن، خصوصا قرارگاه تاکتیکی سپاه سوم (مقر فرماندهی لشکر۱۱)، دارای مواضع مستحکمی‌بود و پدافند مستقل داشت. پس از خط جاسم تا کانال زوجی، مرکز توپخانه، لجستیک و عقبه لشکر ۱۱ قرار گرفته بود و رده ششم و هفتم دشمن شامل کانال زوجی و مثلثی‌های غرب کانال زوجی بود. در منطقه شلمچه، دشمن زمین را به شکل پنج ضلعی درآورده بود. که از استحکامات بسیار پیچیده‌ای برخوردار بود.»

روزهای خونین

شاید بتوان گفت شدیدترین و گسترده‌ترین عملیات در میان ۹۰ عملیات دفاع مقدس، کربلای ۵ بوده است. جبهه ایران و عراق به خونین‌ترین روزهایش رسیده بود و تمام قدرت دو طرف در زمین محدود شلمچه به میدان آمده بود. عراق حدود دو سوم استعداد ارتش خود یعنی ۱۸۰ تیپ را وارد منطقه نبرد کرده بود. مقدار گازهای ناشی از پرتاب گلوله ها در فضای جبهه به حد زیادی بود و تنفس را برای رزمندگان مشکل می‌کرد. در این عملیات، ۳۰ هزار نفر به شهادت رسیده یا مجروح شدند.

حمدانی از فرماندهان عراقی می‌گوید: «بیش از ۵ هزار توپ و تانک در این منطقه بر روی هم آتش ریختند. نمی‌توانستیم ۱۰ متر جا پیدا کنیم که بمباران نشده باشد. وضعیتی که من دیدم را فقط در فیلم‌ها دیده بودم.»

در پایان نبرد کربلای ۵، ایران موضع برتر را داشت و توانسته بود خط دفاعی شلمچه را بشکنند. آمریکا برای جلوگیری از شکست عراق و سقوط بصره، ناو هواپیمابر جان اف کندی را به خلیج فارس فرستاد. فروریختن دژ شلمچه، در خطر قرار گرفتن بصره، شرایط سیاسی و نظامی و تاثیرات مهم کربلای ۵ بر جنگ، آن را از مهم‌ترین عملیات‌های جنگ کرده است.

بازتاب عملیات کربلای ۵

شکستن خطوط و استحکامات و پیشروی در شرق بصره، توانایی‌ها و قابلیت‌های نظامی‌عراق را بار دیگر، زیر سؤال برد، چنان که روزنامه آبزرور چاپ پاریس به نقل از کارشناسان غربی نوشت: «برای اولین بارَ ازَ آغاز جنگ تاکنون، ناظران و کارشناسان غربی در مورد امکانات دفاعی عراق دچار تردید شده اند.»

همچنین تاکید بر توانایی نظامی ایران، بخشی دیگری از تحلیل‌های ارایه شده در رسانه‌های خبری بود، چنان که رادیو بی‌بی‌سی در تحلیلی، با توجه به تجربه سپاه در عملیات فاو و عبور از رودخانه اروند، ضمن اشاره به عبور از منطقه آب‌گرفتگی و کانال پرورش ماهی در عملیات کربلای ۵ گفت: «موفقیت ایران در عبور از دریاچه ماهی، یک بار دیگر توانایی ایران در عبور از آبراه‌ها را نشان می‌دهد.»

هفته‌نامه نیوزویک هم با تاکید بر پیروزی ایران در عملیات کربلای ۵، بر شرایط پیروزی ایران بر عراق اشاره کرد: «تهاجم ایرانی‌ها در نزدیکی بصره، حداقل یک چیز را در خصوص جنگ ایران و عراق تغییر داده و آن این مساله است که برای اولین بار طی چند سال گذشته، این احتمال را که یک طرف حقیقتاً بر دیگری پیروز شود، مطرح ساخته است.»

برگرفته از: مشرق

یادداشت

جای خالی روز «شهدای سرباز وظیفه» در تقویم ملی کشور

سربازان وظیفه در دوران دفاع مقدس و پس از آن در دوران رشد و شکوفایی نظام مقدس اسلامی و به طور کلی، در تمامی صحنه‌های دفاع از این آب و خاک در خط مقدم جهاد بوده و هستند. جوانانی بی‌ادعا و به دور از تکلف که برای حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی حتی پس از پایان دوره ضرورت سربازی با همان لباس خدمت، در دوران دفاع مقدس حاضر شدند و از هیچ ایثاری فرو گذار نکردند. حضور بیش از دو میلیون و ۶۴۰ هزار سرباز در جنگ تحمیلی و تقدیم بیش از ۳۹ هزار شهید از بین جوانان این سرزمین خود گواهی بر این مدعا است.

به نظر می‌رسد در تقویم این ملت بزرگوار و سلحشور باید جایی برای ادای احترام به مقام این دلاوران عرصه‌های مختلف دفاع که مخلصانه به دور از تعلقات قومی و نژادی در برابر دشمنان ایستادند قرار داده شود تا ضمن مرور حماسه‌های این عزیزان بتوانیم در گام دوم انقلاب، تصویری زیبا از جوان مؤمن ایران اسلامی را برای جوانان امروز ترسیم کینم.

یاد سرباز ارتش اسلام، ستوان یکم وظیفه انشایی افتادم. زمانی که در منطقه نبرد به عنوان دیده‌بان گرای دشمن را می‌داد و توپخانه اجرای آتش می‌کرد، به ناگاه فرمانده متوجه می‌شود گرای داده شده در منطقه دیده‌بانی انشایی است. از او سؤال می‌کند اینجا مختصات خودت است، در پاسخ می‌گوید دیگر نیست، دشمن به اینجا رسیده، اگر حجم آتش را زیاد نکنید منطقه سقوط خواهد کرد...

چند دقیقه‌ای سکوت در بی‌سیم نفس همه را گرفت. ناگهان دوباره صدای انشایی شنیده شد... فرمانده از قول من به امام و مادرم بگویید شیاکوه لرزید ولی انشایی نلرزید... و دیگر صدایی شنیده نشد. او چنان جانانه ارتفاعات شیاکوه را در آغوش گرفته بود که دشمن هم زبان تحسین برای او گشود...

و در سرزمین من از این دست سربازان وظیفه قهرمان کم نیستند که برای ذره ذره خاک وطنشان جان‌های پاک خویش را نثار کردند.

تلاش کردیم تا روزی را به نام این عزیزان یعنی «شهدای سرباز وظیفه» نام گذاری کنیم اما نشد. می‌گویند تقویم ملی کشور محدودیت دارد. نمی‌دانم چرا تقویم جایی برای روز زکریای رازی، صنایع کوچک، ادبیات کودک و نوجوان، تشکل‌های اجتماعی، کار آفرینی، شهرداری‌ها، بهره‌وری و بسیاری از این دست دارد ولی جایی برای بیش از ۳۹هزار جوان این مرز و بوم وجود ندارد. شاید زبانم لال، ارزش این روز از روز بهزیستی کمتر است.

سربازی دیگر در یادم زمزمه می‌کند. وقتی که در کانال خط مقدم، همه همرزمانش به شهادت رسیده‌اند و تنها او مانده است. از او می خواهند به عقب برگردد. در جواب می‌گوید: برای نجات جانم حاضر نیستم پا روی همرزمانم بگذارم... و یا سرباز شهید یوسف حیدری، دلاور آذری زبان که یک تنه در برابر تانک‌های متجاوزین مقاومت کرد تا به مقصود خود یعنی شهادت رسید. در این نوشتار کوتاه با تاکید بر دلاورمردی‌های سربازان وظیفه، چه در جنگ تحمیلی و چه در حال حاضر که امنیت ما را تامین می کنند، از مسئولان محترم در شورای انقلاب فرهنگی و شورای فرهنگ عمومی به ویژه ریاست محترم جمهور و وزیر محترم ارشاد اسلامی تقاضا می‌کنم روزی را در تقویم رسمی این نظام پرافتخار، به رسم تکریم و تعظیم به مقام شامخ بیش از ۳۹هزار شهید گلگون‌کفن سرباز و نیز بیش از ۲میلیون و ۶۴۰هزار سرباز ایثارگر دوران دفاع مقدس به نام «شهدای سرباز وظیفه» قرار دهند.

انشاءالله که در دنیا و آخرت شرمنده ایثارگری‌ها و حماسه‌های شهدا و رزمندگان از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون نباشیم.

داود الیاسی، کارشناس دفاع مقدس

جدول ۲۳۷۶۳

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

۱- بزرگی سراسر به گفتار نیست، دو صد گفته ....
۲- پر حسد - مجال - نقطه سیاه پوست
۳- اثر رطوبت - کتاب ثبت رکوردها - رشته کوه یونان که در قدیم آن را بارگاه زئوس می دانستند - پیشوند نفی
۴- جزم اندیش - تیم فوتبال انگلیسی - اتوبوس فضایی
۵- بخشی از انگلیس - جمع نیت، مقاصد - شاگرد مغازه
۶- زیبا چهره - سرما - درخت گردو
۷- مهربان و بخشاینده - انیمیشن ساز آمریکایی سازنده تام و جری - خرقه
۸- یار سوزن - نوعی سرماخوردگی - گناهکار - خداوند
۹- وسیله درو - سؤال - از روی لغزش و خطا
۱۰- دارای حشمت و شکوه - مرکز فراری - موجودی خیالی، ترسناک و بسیار بزرگ
۱۱- محل فعالیت سفیر - فرزندان، پسران - سمت چپ
۱۲- چاشنی صبحانه - غرق‌شده - رودست‌خوردن، فنی در کشتی
۱۳- ضمیر خارجی - شادمانی - کفیل - لنگه
۱۴- حسد - از حبوب آشی - آرسنیک
۱۵- اولین روزنامه فارسی زبان، کاغذ اخبار به همت او چاپ شد

عمودی:

۱- اثری از علی اکبر دهخدا - شهری در اصفهان
۲- امیر ایرانی سلسله زیاریان - حراج منابع خدادادی است
۳- منقار کوتاه - با نمک - ابر - آب شرعی
۴- عیب و عار - محصل درس خوان - خانه های ریز عکس
۵- عقیم و نازا - جوجه تیغی - مجلس اعیان
۶- پوشیده و پنهان - پدر جد رستم - آزاد شده
۷- اندازه - پشت سر - کمربند فرضی زمین
۸- تاقچه بالا - پیک کاغذی - نوشیدنی مهمانی ها - قلب
۹- درس آموختن - کلام تنفر - تیره
۱۰- مقابل فرعی - از صنایع شعری - ..... سهم قلبی است که در تصرف خداست
۱۱- رشته و نخ - رویارویی - نوعی کبوتر
۱۲- کنایه از پول بی ارزش - در سطح قرار دارد - امر به نگریستن
۱۳- آب منجمد - نام کامو نویسنده فرانسوی طاعون - تیم فرانسوی - ضمیر اجتماعی
۱۴- از بنادر اسپانیا - قند شیر
۱۵- درخشندگی - متصدی قهوه خانه

حل جدول ۲۳۷۶۲

سنت و سنت گرایی

دکتر انشاءالله رحمتی

بخش سوم

رودولف اوتو (۱۸۹۶ـ ۱۹۳۷)، دین‌شناس برجسته معاصر، معتقد است که آنچه موجب می‌شود تا دو عارف به حقیقت «معاصر» باشند، این نیست که آن دو از قضای روزگار در دهۀ واحد زاده شده‌اند، بلکه آنچه موجب معاصر بودنشان با هم می‌شود، این است که آن سنت پاینده، در هر یک از آنها احیا شده است. خود اوتو در پرتو چنین دیدگاهی، در کتاب «عرفان شرق و غرب» می‌کوشد تا نشان دهد که شنکره (عارف هندی حدود ۸۰۰م) و اکهارت، عارف مسیحی (زادۀ ۱۲۵۰م)، هم‌روزگار بوده‌اند و حتی افزون بر این، بر وجود چنین نسبتی میان شنکره و فیخته (۱۷۶۲ـ۱۸۱۴)، فیلسوف آلمانی، تأکید می‌ورزد.

کربن برای شیخ شهاب‌الدین سهروردی اهمیت بسیار قائل است و سخت دلداده اوست. حتی اثری را که در حکم زندگینامه خود نوشت اوست، «از هایدگر تا سهروردی» نامیده است. و اما اینکه سهروردی این‌گونه در نظر وی «قدر می‌بیند و بر صدر می‌نشیند»، به دلیل همان پایمردی است که او در راه احیای حکمت ایران باستان به خرج داده است. در حقیقت سهروردی در مسیر فهم حکمت خسروانی تا بدانجا پیش رفته است که با حکیمان آن دوران، معاصر شده است. سهروردی صرفا راوی یا شارح آن حکمت نیست. اگر کسی تحقیق سهروردی را از منظر تاریخ فلسفه در نظر بگیرد، چیز چندانی عایدش نخواهد شد. سهروردی تنها روایتگر یا ادامه‌دهنده آن به معنای متداول کلمه نیست. در حقیقت سهروردی فعلیت آن حکمت است. تلقی کربن از تحقیق سهروردی، همین است. در تمامی مباحث مبسوط جلد دوم «اسلام ایرانی»، با عنوان فرعی «سهروردی و افلاطونیان پارس»، آرمان سهروردی در مقام «حکیم محیی/ احیاگر» را تشریح کرده است. خود سهروردی در کلمه‌التصوف می‌نویسد: «در میان پارسیان [باستان] بودند جماعتی که خداوند هدایتشان کرده بود و از همین روی به حق داوری می‌کردند [در طریق حق قدم می‌زدند]، حکیمان و فاضلانی بودند بی‌هیچ شباهتی به مجوس و من حکمت نوری شریفشان را که ذوق عرفانی افلاطون و حکیمان پیش از وی بر آن گواهی می‌دهد، در کتابم به نام «حکمه‌الاشراق» احیا کردم و در این مورد کسی را بر من فضل تقدم نیست.»

طرح عظیم سهروردی بنا به تفسیر کربن، از جنس آرمان «حکیم مؤسس» نیست، بلکه از جنس آرمان «حکیم محیی» است؛ اما این را نباید صرفاً بدین معنا گرفت که در آن زمان حکمت ایران باستان به فراموشی سپرده شده و رو به افول بود؛ در آن روزگار دین زردشتی در ایران حیات داشت، همان‌طور که امروز نیز کماکان حیات دارد. به علاوه دلیلی نداشت که سهروردی مسلمان و موحد، دل در گرو چیزی داشته باشد که صرفاً از آن آیین زردشتی است. این‌که سهروردی می‌گوید در این مورد «کسی را بر من فضل تقدم نیست»، معنایش آن نیست که کسی تا آن زمان به حکمت ایران باستان نیندیشیده و در ترویجش نکوشیده است. معنایش این است که آن حکمت در سهروردی حیات دوباره‌ای یافته و به‌راستی سهروردی فعلیت آن سنت معنوی است که حکمت ایران باستان، از بارزترین جلوه‌های آن بوده است. به هر حال در نمونه سهروردی آنچه در نسبت وی با حکمت ایران باستان اهمیت اساسی دارد، مواجهه وجود وی با این حکمت است.

مواجهۀ وجودی با روایات

در خصوص اخباری‌گری دو پرسش اساسی مطرح می‌شود: یکی این است که چگونه می‌توان به صحت و وثاقت احادیث و اخبار یقین داشت؟ بسیار است احادیث و روایاتی که با انگیزه‌های مختلف جعل شده و به معصومین(ع) نسبت داده شده‌اند؛ بنابراین برای تعیین حدیث و روایت معتبر از غیر معتبر، باید معیارهایی، بیرون از خود آنها در اختیار داشت. منطقا به دو شیوه می‌توان در این باره تحقیق و تأمل کرد: یکی اینکه بررسی‌های تاریخی دربارۀ راویان انجام شود و در پرتو علم به صداقت و امانتداری تک‌تک راویان بتوان به صدور روایت از معصوم یقین پیدا کرد. دیگر اینکه در فحوای احادیث و اخبار تأمل شود، اعتبار احادیث بر مبنای نوع بصیرت‌هایی که در آنها بیان می‌شود و انطباق آن بصیرت‌ها با اصول پذیرفته عقل سلیم، محرز گردد. و این هر دو تلاش نیازمند بهره‌گیری از علوم بشری، مستقل از احادیث و روایات است. در شیوه نخست باید به مطالعات تاریخی یا چیزی از این جنس روی آورد و در شیوۀ دوم نیز باید دست به دامان علومی چون منطق، فلسفه و حتی عرفان شد. این هر دو با اخباری‌گری منافات دارد. و اگر اخباری‌گری چنین تحقیقاتی را به حوزه تأملات خویش برای بهره‌گیری از احادیث و روایات راه ندهد، باید گفت هیچ مبنایی جز تعبد نخواهد داشت. چنین مشکلی در صورتی پیش می‌آید که مواجهه با احادیث و روایات، مواجهۀ ظاهری و بیرونی صرف در نظر گرفته شود؛ یعنی تصور بر این باشد که احادیث و اخبار چیزی شبیه گزاره‌های علمی و فلسفی است و همه افراد آدمیان و جامعه بشری به یکسان مخاطب آنهاست. هرچند چنین جایگاهی را نمی‌توان از احادیث و روایات سلب کرد، ولی آنها غایتی بسیار فراتر از این دارند. هدف از اظهار احادیث و اخبار این است، که آدمیان مواجهه‌ای باطنی با آنها داشته باشند.

ادامه دارد

به مناسبت ایام محرم و روز بزرگداشت ابوریحان بیرونی در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

ابوریحان و عاشورا

دکتر حسن بلخاری ـ رئیس انجمن آثار و مفاخر فرهنگی

عاشورا در آثارالباقیه عن القرون الخالیۀ بیرونی

الف) از جمله ادله شیعی بودن (و نه اسماعیلی یا زیدی بودن زیرا در فصل پنجم آثارالباقیه، انتقاداتی جدی بر آنان دارد) ابوریحان بیرونی (۳۶۲ـ۴۴۰ق) نوع روایت این دانشمند بزرگ ایرانی در باب عاشورا و واقعه غدیر و نیز نام بردن ائمه شیعه در فصل بیستم آثارالباقیه است. «آثارالباقیه عن القرون الخالیه» به معنی «آثار بازمانده از سده‌های گذشته»، اثری است که در جوانی ابوریحان و محتمل در سالهای ۳۹۰ یا ۳۹۱ هجری نگاشته شده است. این کتاب به قابوس بن وشمگیر زیاری تقدیم شده و البته بیرونی در سال ۴۲۷ یعنی اواخر عمر خویش ضمن نگارش رساله‌ای در بیان آثار محمدبن زکریای رازی، به بیان تألیفات خویش نیز پرداخته و این اثر و برخی آثار دیگر همچون قانون مسعودی را نیازمند تکمیل و اضافه کردن تعلیقات و نوعی تحریر ثانوی دانسته است. عین کلام بیرونی در این باب چنین است: «...فکان [عمری] قد فنی و لم یبق منه غیر الجره و القصعه الا لشئ واحد و هو اتمام ما علی للید من النواقص و تبیض المسود من التعالیق کالقانون المسعودی و کالاثار الباقیه من القرون الخالیه و...»: گویی عمر من به پایان رسیده و جز کاسه و کوزه‌ای از آن چیزی به جای نمانده و آن را هم فقط برای این می‌خواهم که کارهای ناتمامی را که در دست دارم، به پایان رسانم و تعلیقاتی را که هنوز به صورت مسوده است، بازنویسی کنم؛ مانند: قانون مسعودی و آثارالباقیه...[1]

کتاب آثارالباقیه دارای بیست و یک گفتار (القول) است که در ترجمه مرحوم داناسرشت به «فصل» ترجمه شده است. بیرونی در مقدمه این کتاب و با عنوان «سبب تألیف کتاب» علت نگارش آن را درخواست ادیبی می‌داند که از او خواسته بود در باب تواریخی که ملل و تمدن‌های مختلف به کار می‌برند و در آن اعیاد و ایام مشهور خود را نقل می‌کنند، کتابی بنویسم.[2] فصل اول کتاب با بحث در باب حقیقت شب و روز آغاز می‌شود و با مباحثی چون مبدأ سال و ماه، حقیقت تاریخ و اختلاف امم، حقیقت ذی‌القرنین، چگونگی ماهها، استخراج تواریخ از هم، ادوار سالهای یهود، در تاریخ کسانی که پیغمبری به خود بستند (متنبئین)، اعیاد ایرانیان، اعیاد سُغدیان، اعیاد اهل خوارزم، خوارزمشاه، ماههای رومی، ماههای یهود، اعمال نصارا در ماههای سریانی، روزه ترسایان و اعیاد متصل به آن، اعیاد نصارای نستوری، اعیاد مجوس اقدمین (پیش از زردشت) و روزهای صابئان، روزهای معروف اعراب جاهلی، روزهای مهم مسلمین و نهایت منازل ماه و طلوع و غروب آن ادامه می یابد.

ب) چنان‌که گفتیم یکی از فصول کتاب آثارالباقیه (فصل بیستم) با عنوان «القول علی ما یستعمله المسلمون فی شهور العرب» اختصاص به روزهای مهم تقویم مسلمانان دارد. وی در ابتدای این فصل و پس از بحث درباب ماههای حرام و فلسفه آن، به نخستین ماه مهم در تقویم مسلمانان می‌پردازد یعنی محرم.

بیرونی در باب تعظیم محرم نزد مسلمانان می‌گوید: روز اول این ماه برای مسلمانان روز بزرگی است؛ زیرا سال جدید با آن آغاز می‌شود. ماهی که روز نهم آن را «تاسوعا» و دهم آن را «عاشورا» می‌نامند؛ به تعبیر و روایت بیرونی: «پارسایان شیعه (الزّهاد من الشیعه) روز تاسوعا را روزه می‌گیرند.» سپس بیرونی به عاشورا می‌پردازد و ابتدا عظمت آن را با روایتی از پیامبر اکرم(ص) چنین بازگو می‌کند که حضرت در شأن این روز فرمود: «**ایها الناس سارعوا الی الخیرات فی هذا الیوم فانّه یوم عظیم مبارک قد بارک الله فیه علی آدم**».[3] بیرونی معتقد است بر بنیاد روایت فوق، عاشورا نزد مسلمانان معظم بوده است تا اینکه «قتل حسین بن علی بن ابی طالب در این روز اتفاق افتاد و او و یارانش را از راه بستن آب بر آنان، گذراندن از دم شمشیر، آتش در خیام حرم، به نیزه کردن سرها، اسب دوانیدن بر اجساد که در هیچ امتی با اشرار خلق چنین نکرده‌اند، از میان بردند. و از این تاریخ مسلمانان عاشورا را شوم دانستند.»[4]

عملکرد بنی‌امیه در عاشورا

بیرونی سپس به بیان عملکرد بنی‌امیه در این روز می‌پردازد: «ولی بنی‌امیه در این روز لباس نو پوشیدند و زیب و زیور کردند و سرمه به چشم خود کشیدند و این روز را عید گرفتند و عطرها استعمال کردند و میهمانی‌ها و ولیمه‌ها دادند و تا زمانی که ایشان بودند، این رسم در توده مردم پایدار بود!»[5] مرحوم داناسرشت پس از بیان جمله فوق، در پاورقی، عبارت «یومٌ قد تبرّکت به بنوامیه» مذکور در زیارت عاشورا را مرتبط با همین عملکرد بنی‌امیه می‌داند.

به روایت بیرونی در حالی که بنی‌امیه چنین می‌کردند، شیعیان از راه سوگ و اسف بر قتل سیدالشهدا(ع) در مدینه و دیگر شهرها نوحه‌سرایی و گریه می‌کنند و تربت مسعود حضرت را در کربلا زیارت می‌نمایند. تأمل بیرونی بر این واقعه و استفاده از کلماتی چون «سیدالشهداء» و «تربت مسعود کربلا»، رویکرد شیعی او را نشان می‌دهد به‌ویژه با ذکر روایتی از دختر عقیل بن ابی‌طالب که چون خبر شهادت حضرت امام‌حسین(ع) و یارانش به مدینه رسید، این مؤمنه پارسا، اشعاری چنین سرود:

ما ذا تقولون ان قال النبیُ لکُم
ما ذا فعلتُم و أنتُم آخرُ الأُمم؟
بعترتی و بأهلی بعد مُفتقدی
نصفُ أُساری و نصْفٌ ضُرجُوا بدمٍ
ما کان هذا جزائی إذ نصحْتُ لکُمُ
انْ تُخْلُفُونی بسوء فی ذوی رحمی

یعنی:

ـ چه می‌گویید اگر پیامبر از شما بپرسد: چه کردید [با خاندان من] در حالی که شما آخرین امت بودید؟

ـ چه کردید با عترت و خاندان من به هنگام نبودنم؟ نیمی از آنان را به اسارت بردید و نیمی را به خون آلودید!

ـ این پاداش من نبود؛ چه، من شما را اندرز دادم که مبادا پس از من با خویشانم به بدی رفتار کنید!

سپس بیرونی به بیان اتفاقات مهم دیگری می‌پردازد که به روایت برخی در عاشورا واقع شده است؛ مانند پذیرش توبه آدم توسط خداوند در این روز یا بر جودی نشستن کشتی نوح و... از دیدگاه مؤلف آثارالباقیه ممکن است برخی این روایات ساختگی باشد (گرچه وقوع آنها امکان عقلی دارد)؛ زیرا مسلمانان می‌خواسته‌اند با اهل کتاب مسالمت نمایند.

سپس بیرونی به مفهوم‌شناسی کلمه «عاشورا» پرداخته و اصل آن را عبرانی می‌داند. به تعبیر بیرونی کلمه عاشور روز دهم ماه تشری یهود است: «کبور، دهم روز است از تشری، وزین جهت گاه گاه او را عاشور خواندند.»[6] یهودیان روز دهم نخستین ماه سال نو خود را که تشری می‌نامند، روز کبور نامیده، مقدس داشته و روزه می‌گیرند. به تعبیر بیرونی در سالهای اول هجرت در میان مسلمین نیز گرفتن روزه در این روز واجب بود تا حکم روزه ماه رمضان آمد. مرحوم همایی در تعلیقه خود بر کلام بیرونی در ریشه‌شناسی عاشور می‌آورد: تلفظ اصل عبری‌اش به طوری که نگارنده از علمای یهود تحقیق کرد، «عاسور» (به سین مهمله) است که با عاشور و عاشوراء و عشرۀ عربی یک ریشه دارد.[7]

بیرونی در همین فصل روایات دیگری نیز در باب عاشورا و واقعه کربلا دارد؛ چون بعد از بیان وقایع محرم به ماه صفر می‌رسد، روز اول آن را روزی می‌داند که سر امام‌حسین(ع) را به شام وارد کردند. روایت بیرونی چنین است: «شهر صفر فی الیوم الاول، اُدخل رأس الحسین علیه‌السلام مدینه دمشق، فوضعه یزید لعنه‌الله [در نسخه دانشگاه ادینبورگ که به تاریخ ۷۰۷ق نگاشته شده و به خط ابن الکتبی است، کاتب غیر شیعی، اسم یزید و لعنت خدا بر او باد را حذف کرده است] بین یدیه و نقر ثنایا بقضیب کان فی یده و یقول:

لست من خندف، إن لم أنتقم
من بنی أحمد، ما کان فعل
لیت أشیاخی ببدر، شهدوا
جزع الخزرج من وقع الأسل
فأهلوا و استهلوا فرحا
ثم قالوا: یا یزید لا تشل
قد قتلنا القرن من أشیاخهم
و عدلناه ببدر، فاعتدل

یعنی:

ـ از اخلاف خندف نباشم اگر کین خود را از فرزندان احمد [منظور پیامبر اکرم است] بدانچه کرد، نگیرم!

ـ ای کاش شیوخ و بزرگان من که در جنگ بدر گواه درد و رنج خزرج از زخمه پیکان‌ها بودند،

ـ اینک خوشحال می‌شدند و چهره‌هایشان را از شادی درخشان می‌کردند و می‌گفتند: ای یزید، از کار نمانی!

ـ همانا ما همتای بزرگان ایشان را کشتیم و داد خود را از وی در بدر، ستاندیم و حال برابر شدیم.

مرحوم داناسرشت در ترجمه آثارالباقیه و ذیل این ابیات، سرودن آنها را به واقعه حرّه که در آن یزید، مدینه را قتل عام و دستور تجاوز به نوامیس مسلمانان را صادر کرد، می‌داند. بیرونی این واقعه را که نوع بیان آن خود دلیل دیگری بر تشیع اوست، چنین بیان می‌کند: «در روز بیست و نهم وقعه حرّه اتفاق افتاد و در این جنگ بنی‌امیه اهل مدینه را قتل عام و هستی آنان را به یغما بردند و به زنان مهاجر و انصار دست‌درازی کردند و بسیار بی‌ناموسی نمودند و هر آن کس را که پیغمبر از این اوباش که اعمال قبیحه را در مدینه کردند لعنت کرد، خداوند نیز لعنت کناد و ما را در شمار مردمی گرداناد که به اعمال فساد رضایت نمی‌دهند و او بهترین توفیق‌دهنده و یار است و سپاس بی‌نهایت بر او باد!»[8]

دلایل دیگر بر شیعی بودن بیرونی، بیان اسامی ائمه از امام هشتم به قبل، دقیقا بر بنیاد سلسله امامان شیعی است: «و فی الیوم الحادی و العشرین [من رمضان] قبض امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام؛ و فیه اتفق وفاه علی الرضا بن موسی الکاظم بن جعفر الصادق بن محمد الباقر بن علی السجاد زین‌العابدین بن‌الحسین سیدالشهداء ابن امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام.»[9]

و نیز اشاره به میلاد امام حسین(ع) در ماه شعبان: شهر شعبان: «فی الیوم الثالث، ولد الحسین بن علی بن ابی طالب. و فی الخامس، ولد الحسن بن علی، علی ما ذکر السلامی.»[10] و نیز اشاره به انتقام‌گیری مختار از قتله سیدالشهداء و یارانش: «و فی الیوم الثالث عشر من هذا الشهر، وثب المختار بن ابی عبید الثقفی، علی قتله الحسین بالکوفه، للانتقام منهم و فی الرابع عشر، موت یزید بن معاویه لعنه الله.»[11]

و مهمتر روایتی که از واقعه غدیر دارد: «در روز هفدهم عثمان بن عفان رضی الله عنه کشته شد و روز هیجدهم عید غدیر خم می‌باشد و آن نام منزلی است که پیغمبر(ص) پس از حجه‌الوداع در آنجا فرود آمد و جهاز شتران را جمع کرد و بازوی علی بن ابیطالب را گرفت و از آن جهازها بالا رفت و فرمود: «ای مردم، آیا من از خود شما به شما اولی نیستم؟» گفتند: آری، فرمود: «بر هرکس که من مولی باشم علی مولای اوست. خداوندا، دوستدار علی را دوست بدار و با دشمنانش دشمنی کن و آنان که علی را یاری می‌کنند، ایشان را یاری نما و آنان که می‌خواهند او را خوار و زبون کنند، تو ایشان را خوار و ذلیل کن و از هر راهی که علی می‌رود، حق و حقیقت را با او بگردان». روایت کرده‌اند که پس از این گفتار، سر مبارک خود را به سوی آسمان بلند کرد و سه مرتبه گفت: «خداوندا، آیا مأموریت خود را رسانیدم؟ و در روز بیست و چهارم این ماه امیرالمؤمنین در حال رکوع، انگشتر خویش را به سائل بخشید. و در روز بیست و پنجم عمربن‌خطاب کشته شد و سوره «هل اتی» در این روز نازل شد و در روز بیست و ششم استغفار به داوود نازل گشت.»[12]

*** دلایل متعددی اشعار می‌دارند ابوریحان شیعه بوده و از فرق شیعی نیز بنا به نقد و ردی که از آرای زیدیه و اسماعیلیه در فصل پنجم آثارالباقیه دارد، محتمل شیعه امامی بوده است. یکی از دلایل نوع روایت این دانشمند بزرگ ایرانی در باب عاشورا و واقعه غدیر و نیز نام بردن ائمه شیعه است**

ادله فوق، اشعار می‌دارند ابوریحان شیعه مذهب بوده و از فرق شیعی نیز بنا به نقد و ردی که از آرای زیدیه و اسماعیلیه در فصل پنجم آثارالباقیه دارد، محتمل شیعه اثنی‌عشری بوده است.

پی‌نوشت‌ها:

۱ـ فهرست کتاب‌های رازی و نامهای کتاب‌های بیرونی، ص۳۸ و۷۲.

۲ـ آثارالباقیه، ترجمه داناسرشت، ص۳۵

۳ـ همان، ص۵۲۴ و۴۲۰؛ متن عربی. ای مردم، در این روز به سوی نیکی‌ها بشتابید که روزی بزرگ و خجسته است و خداوند در آن بر آدم برکت داد.

۴ـ همان، ص۵۲۴.

۵ـ همان.

۶ـ التفهیم، ص۲۴۴.

۷ـ التفهیم ص۲۴۴.

۸ـ آثارالباقیه، ص۵۳۷.

۹ـ آثارالباقیه، متن عربی، ص۴۲۶.

۱۰ـ همان، ص۴۲۵.

۱۱ـ همان ۴۲۴.

۱۲ـ آثارالباقیه، ترجمه داناسرشت، ص۵۳۷.

ادامه در صفحه ۷

کارت سوخت؛ کلید ساماندهی بنزین

مصرف سوخت را پایش کنیم

آنچه در پی آمده است کنکاشی است پیرامون لزوم استفاده از کارت سوخت به عنوان اهرمی برای پایش و در نهایت مدیریت مصرف بنزین که بخش اول آن را دیروز ملاحظه کردید و اینک بخش دوم را می خوانید:

***

نوفرستی ادامه داد: اما اگر تغییرات سال‌های بعد را نگاه کنید وقتی کارت سوخت را حذف کردند رشد فروش بنزین تغییر کرد به طوریکه در سال ۹۵ حدود ۵ درصد و در سال ۹۶ حدود ۸ درصد و در نیمه اول سال ۹۷ به ۱۱ درصد می رسد. یعنی اگر با همان استدلال درست آقای زنگنه در مجلس در سال ۹۵ رشد تا ۲ درصد را قبول می کردیم، فروش بنزین در سال ۹۷ روزانه باید به حدود ۷۸ میلیون لیتر می رسید، در حالی که طبق آمار رسمی خود وزارت نفت در نیمه اول سال ۹۷ چیزی حدود ۹۱ میلیون لیتر بنزین مصرف می کردیم.

این عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا ادامه داد: این مابه التفاوت قطعا بخشی از آن تشویق افزایش مصرف بوده است که براساس همین آمار و مستندات، تابستان سال گذشته دولت و وزارت نفت اعلام کردند که ۱۰ میلیون لیتر قاچاق بنزین داریم..

وی تصریح کرد: در سال ۸۵ یعنی قبل از اینکه سامانه کارت سوخت اجرا شود، فروش روزانه بنزین طبق آمار و مستنداتی که خود دولت ارائه می دهد حدود ۷۳ میلیون لیتر بوده است اما ۹ تیر یعنی بعد از گذشت ۱۰۰ روز از سال که سامانه کارت سوخت اجرا می شود، میانگین فروش روزانه بنزین در سال ۸۶ به ۶۴ میلیون لیترمی رسد و حتی در ایامی به ۵۲ میلیون لیتر هم رسید. این کارشناس خاطرنشان کرد: همه متفق القول هستند سامانه کارت سوخت به خاطر کارکردی که دارد فروش روزانه را ۱۰ میلیون لیتر کاهش داد و خیلی جالب است که این ۶۴ میلیون لیتر فروش روزانه بنزین در سال ۸۶ بعد از ۸ سال که کارت سوخت وجود داشت یعنی در سال ۹۴ تازه رسیده به ۷۴ میلیون لیتر. یعنی بعد از گذشت ۸ سال فقط ۸ میلیون لیتر به مصرف افزوده شده است.

وی ادامه داد: اما نقش کارت سوخت چه بود؟ آیا غیر از همان نظارت و شفافیت است که این را حذف کردیم؟ در سال های گذشته بارها در مناظره های گوناگون به گوش مسئولان مختلف رساندیم که باید این کار انجام شود اما همه فکر می کردند که کارت سوخت یعنی دو نرخی کردن و سهمیه بندی. البته لزوما احیای کارت سوخت به معنی سهمیه بندی نیست. یعنی شما ملزم هستید که با کارت سوخت شخصی بنزین بزنید بدون سهمیه بندی و با همین نرخ ۱۰۰۰ تومان اما مشخص است که این پایش می شود و من باز تاکید می کنم که کارت سوخت جایگاه هم باید حذف شود.

نوفرستی ادامه داد: نکته مهمی وجود دارد اینکه بخش عمده قاچاق بعد از جایگاه نیست و عمده قاچاق برای قبل از جایگاه است. پس اینجا نقش کارت سوخت چیست؟ که باید پاسخ داد کارت سوخت سامانه نظارتی است که امکان کنترل و پایش ورود و خروج بنزین به جایگاه را با خروجی مراکز تولید مثل پالایشگاه ها در اختیار نهاد ناظر قرار می دهد.

وی ادامه داد: وقتی ما کارت سوخت را حذف می کنیم دیگر چه چیزی را با چه چیزی می خواهیم مقایسه کنیم؟ وقتی تانکر سوخت از مبدا یعنی از پالایشگاه بارنامه به نام جایگاه سوخت خیابان فلان از شهر فلان می شود، چون نظارتی وجود ندارد و کارت سوختی نیست و قرار نیست به کسی گزارش دهند وسط راه مسیر عوض می شود و سوخت به جای دیگری می رود. اما این کارت سوخت وقتی احیا و درست اجرا شود میدانیم که این تانکر به کجا رفته و سوختش چه شده است.

نامبرده ادامه داد: اگر این کار درست انجام شود باید شاهد فروکش کردن مصرف بنزین باشیم و حداقل ۱۰ میلیون لیتر این مصرف باید در یک بازه زمانی کاهش یابد.

وی گفت: یک باک ۶۰ لیتری بنزین امروز معادل ۲۰۰ هزار تومان در ۴ یا ۵ سال قبل است و این یعنی قیمت بنزین را ارزان کردیم اما می‌شد متناسب با تورم و پله به پله این افزایش قیمت را اعمال کرد. همان زمان توصیه کردیم که کارت سوخت را احیا کنید البته هنوز این تحریم های جدید و این جهش نرخ ارز اتفاق نیفتاده بود، اما این جهش نرخ ارز در سال ۹۷ و سقوط ارزش پول ملی باعث شد که جامعه دیگر تحمل شوک جدید قیمت را نداشته باشد.

این عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا ادامه داد: دستگاه های کنترلی و نظارتی دولتی توان و اراده مدیریت بازار و تورم را ندارند؛ اگرچه مرکز پژوهش های مجلس اعلام کرده است اگر قیمت بنزین ۲ برابر هم شود تورم واقعی که ایجاد می کند در حد ۲ یا ۳ درصد است؛ اما تورم انتظاری در محاسبات هم دیده نمی شود و قابل محاسبه کردن هم نیست.وی افزود: با درک شرایط امروز جامعه تنها راه کاری که می توان انجام داد و ۷ دهک جامعه زیر فشار اقتصادی نروند، این است که کارت سوخت احیا شود و حداقل جلوی قاچاق ۱۰ میلیون لیتر بنزین در روز گرفته شود که این منافعش به طور شفاف وارد بودجه شود.

نوفرستی تصریح کرد: من در اینجا دولت را تحسین می کنم که با درک شرایط روز جامعه حاضر است کارت سوخت را بدون افزایش قیمت احیا کند زیرا جامعه دیگر تحمل شوک جدید قیمتی را نداشت؛ البته ما می پذیریم که قیمت بنزین اشکال دارد و به اشتباه در ۴ سال گذشته ثابت نگه داشته شد اما سال ۹۷ این شرایط اصلا وجود نداشت و نمی توانستیم قیمت ها را تغییر دهیم.

به گفته وی، حتی دو نرخی کردن قیمت بنزین در سال ۹۷ و ۹۸ شوک قیمتی را خواهد داشت که کنترل پیامدهایش از عهده دولت خارج است و به همین دلیل فکر می کنم تصمیم درستی گرفتند که فعلا با سامانه کارت سوخت به عنوان گام اول جلوی قاچاق را بگیریم و مقداری هم اعتماد سازی کنیم و به مردم بگوییم هدف اصلی ما در گام نخست این است که جلوی قاچاق روزانه ۱۰ میلیون لیتر را بگیریم.

این کارشناس انرژی گفت: وقتی که زمینه رانت و فساد را ایجاد می کنیم باید از منبع این زمینه قطع شود و نمی توان با قوانین بازدارنده و نیروی انتظامی جلویش را گرفت و رفت سراغ استان های مرزی. الان بنزین از مرکزی ترین استان های کشور مانند تهران، اصفهان و غیره ۱۰۰ لیتر بنزین را می برند لب مرز و انجا ۱۰۰ هزار تومان را به میزان یک میلیون تومان می فروشند.

وی ادامه داد: ما لب مرزهای مان که جاهایی صعب العبور و خطرناک است چه مقدار می خواهیم متر به متر دوربین بگذاریم، سرباز و پایگاه بگذاریم و شهید بدهیم و هزینه کنیم که می خواهیم یک فساد را جلویش را بگیریم .بخش عمده افزایش تصادفات رانندگی در دو استان سیستان و بلوچستان و کرمان عمدتا به خاطر حمل قاچاق سوخت بوده است که در ۴ ماه امسال هم اتفاق افتاده است. چه مقدار برخورد خودرو ها و سوختن انسان ها را دیده ایم.

وی ادامه داد: الان هنوز خیلی ها کارت سوخت ندارند و خیلی ها هم باورندارند که این کار اجرایی شود اما انتظار من این است که مردم کمک کنند تا این طرح اجرایی شود زیرا امروز روزانه ۱۰ میلیون لیتر بنزین از جیب تک تک ایرانی ها هدر می رود و قاچاق می شود و منافعش تنها به جیب یک عده ای می رود و مردم باید مطالبه کنند تا یک سامانه ای راه اندازی کنند که این بنزین دیگر قاچاق نشود و این منافع ۱۰ میلیون لیتر می تواند بخش قابل توجهی از این کسری بودجه را جبران کند.

عضو هیات علمی دانشگاه الزهرا گفت: در مورد سی ان جی هم همین گونه است به طوری که ما اوایل دهه ۹۰ با اتخاذ سیاست های اشتباه جلوی رشد صنعت سی ان جی را گرفتیم. این سیاست ها اگر درست اجرا شود دوباره صنعت سی ان جی می تواند به سمت افزایش مصرف گام بردارد وامروز ۲۰ میلیون متر مکعب سی ان جی که جایگزین ۲۰ میلیون لیتر بنزین شده است، در یک پروسه دو ساله می تواند به ظرفیت ۴۰ میلیون متر مکعب برسد. این یعنی جایگزین کردن ۲۰ میلیون متر مکعب سی ان جی با ۲۰ میلیون لیتر بنزین که درآمد بیشتری برای دولت خواهد داشت. اگر حتی هزینه بنزین و سی ان جی آزاد شود هم در آینده ای دور استفاده از یک متر مکعب سی ان جی صرفه اقتصادی دارد تا استفاده از یک لیتر بنزین. زیرا سی ان جی یک سوم قیمت بنزین است.

وی اظهار کرد: دولت یازدهم دو تصمیم درست گرفت یکی اینکه سهمیه خودروهای عمومی را مدیریت کردند و ۶ میلیون کارت سوخت غیر واقعی ابطال شد و دیگری سهمیه براساس پیمایش بود که برای خودروهای گازوئیل سوز صورت گرفت که این کار را می توانند برای تاکسی ها و خودروهای مسافرکش هم انجام داده و براساس پیمایش سوخت بدهند. مالک شریعتی هم کارشناس دیگر حوزه انرژی در این نشست اظهار داشت: اول باید این اقدام دولت یعنی احیای کارت سوخت را قدر بدانیم و با هر تحلیل و نظر سیاسی که داریم از آن استقبال کنیم؛ اخیرا جلسه شورای هماهنگی سران قوا با حضور وزیر نفت تشکیل شده است و آقای رئیس جمهوری هم تاکید کرده اند نظام پرداخت یارانه ها عادلانه نیست و باید به سمت عادلانه شدن حرکت کنیم.

ادامه دارد

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
پارس‌سویچ	۱۷۹۱۹	۱۶۲۹	ماشین‌سازی‌اراک	۲۱۴۴	۴۱	زامیاد	۱۳۸۷	-۶
دشت‌مرغاب	۷۹۶۹۸	۳۷۹۵	گروه‌صنعتی‌بوتان	۲۱۱۰۱	۱۴۸	کیمیدارو	۹۳۲۵	۳۵
نوش‌مازندران	۱۴۱۴۰	۶۷۳	سرمایه‌گذاری‌ساپیا	۱۳۳۱	۷	همکاران سیستم	۷۱۴۹	۴
تولیدی‌کاشی‌تکسرام	۸۳۴۱	۳۹۷	سیمان خوزستان	۳۵۹۰	۶۲	سیمان آرتااردبیل	۱۵۱۰۰	۴۰۱
نیروترانس	۱۵۵۵۵	۷۴۰	بانک‌کارآفرین	۲۵۴۸	۷۵	سرمایه گذاری اعتبارایران	۳۵۴۹	۲۷
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۳۲۹۲	۱۵۶	فولادخراسان	۱۵۳۵۰	-۵۳۹	تامین سرمایه امید	۲۰۵۹	۲۹
حفاری شمال	۴۷۷۱	۲۲۷	گسترش نفت وگازپارسیان	۶۳۳۰	۱۲۱	آسان پرداخت پرشین	۱۴۴۰۵	-۱۰۵
آلومراد	۲۵۵۴۹	۱۲۱۶	تجارت الکترونیک پارسیان	۳۸۸۰	۶۹	تامین سرمایه نوین	۲۹۴۷	-۳۹
کاشی‌سعدی	۹۴۸۹	۴۵۱	شهدایران	۱۲۸۹۵	۱۲۹	قندنیشابور	۱۲۹۱۱	-۱۸۰
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۷۰۴۹	۲۷۶	داروسازی زاگرس فارمدپارس	۷۵۹۸	۱۷۵	سیمان‌بجنورد	۱۱۱۱۱	-۳۰
سرمایه‌گذاری‌صنعت‌بیمه	۶۹۷۵	۳۳۲	صنعتی‌بهشهر	۸۴۴۰	۱۴۳	لیزینگرایان‌ساپیا	۱۵۸۴	-۱۶
سیمان فارس نو	۱۲۸۲۳	۶۱۰	عمران‌وتوسعه‌فارس	۱۲۶۱	۵۰	معدنی وصنعتی گلگهر	۶۹۲۰	-۴۶
پست بانک ایران	۴۷۴۲	۲۲۵	پارس‌الکتریک	۱۳۲۵۰	۲۶۵	ایران‌ترانسفو	۸۹۰۰	-۲۳
سیمان‌صوفیان	۳۶۴۰	۱۷۳	فراورده‌های‌نسوزایران	۲۲۹۰۹	۱۰۳۸	داروسازی‌کوثر	۵۷۰۰	-۱۱
تراکتورسازی‌ایران	۱۱۷۱۱	۵۵۷	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۶۰۸۳	۷۶	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۱۶۱۹۵	-۲
معدنی‌دماوند	۵۶۷۵۱	۲۷۰۲	فنرسازی‌زر	۴۱۶۰	۱۱۳	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۳۰۱۸	-۶۴
شیشه‌همدان	۸۰۷۴	۳۸۴	شیشه‌وگاز	۱۲۹۷۰	۲۱۳	پالایش نفت تبریز	۳۰۲۸۰	-۶۸
خوراک‌دام‌پارس	۴۱۷۷۱	۱۹۸۹	ایرکاپارت صنعت	۳۵۷۳	۳	توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۴۶۵۱	۱۵۲
داروسازی‌ابوریحان	۲۲۳۳۴	۱۰۶۳	سرمایه گذاری پردیس	۲۸۰۰	۱۹	صنعتی آما	۷۱۹۰	-۱۵۴
سیمان‌غرب	۶۳۴۰	۳۰۱	ایران‌دارو	۵۹۱۵	۱۲۳	سیمان‌هرمزگان	۶۲۴۹	-۷۶
فروسیلیس‌ایران	۱۴۷۹۷	۷۰۴	درخشان‌تهران	۳۷۶۵۹	۵۵۷	قندهکمتان	۲۲۳۶۱	۱۱۳
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵۲۱۰۱	۲۴۸۱	س.صنایع‌شیمیایی‌ایران	۱۱۱۰۰	۱۲۸	قندلرستان	۱۰۰۳۰	-۱۷۰
محورسازان‌ایران‌خودرو	۴۰۹۹	۱۹۵	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۴۱۱۰	۳۰	الکتریک‌خودروشرق	۴۰۹۰	-۴۹
داروسازی‌امین	۹۱۵۲	۴۳۵	داروسازی‌جابرابن‌حیان	۸۰۰۰	۱۲۳	کارخانجات‌قندقزوین	۱۳۹۶۷	۳۵
صنایع‌جوشکاب‌یزد	۳۳۷۰۶	۱۶۰۵	س.نفت وگازوپتروشیمی تأمین	۲۷۶۰	۲۴	سیمان‌هرمزگان	۴۴۵۰	-۷۹
ریخته‌گری‌تراکتورسازی‌ایران	۲۰۰۸۵	۹۵۶	ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۴۶۴۰	۷۹	توسعه‌معادن‌روی‌ایران	۶۳۲۶	-۵۲
معادن‌منگنزایران	۲۴۵۵۵	۱۱۶۹	ایران‌خودرو	۵۹۸۹	۵۲	سرمایه‌گذاری‌مسکن	۱۶۲۰	-۸
دوده‌صنعتی‌پارس	۶۵۴۰	۳۱۱	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ)	۲۷۴۰	۳	کالسیمین	۱۲۰۵۰	-۳۳
سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۳۴۸۲	۱۶۵	ساپیا	۱۶۹۷	-۱	سیمان‌دورود	۲۷۹۰	۳۰
حمل ونقل بین المللی خلیج فارس	۳۵۶۸	۱۶۹	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۱۰۴۰۲	۱۶۴	پارس‌دارو	۲۸۷۰۱	-۵۰۰
سینتا	۷۸۸۶۹	۳۲۵۲	پتروشیمی نوری	۳۳۲۴۲	۲۴۷	پارس‌خودرو	۱۲۶۵	-۱۷
داروسازی‌روزدارو	۵۷۴۵	۲۷۳	سبحان دارو	۷۸۹۷	۲۰۵	گروه توسعه صنعتی ایران	۴۸۶۲	-۳۸
فرآورده‌های‌نسوزپارس	۲۶۹۶۰	۱۱۸۷	سرمایه گذاری صندوق بازنشستگی	۳۴۱۰	۲۸	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۶۱۰۰	-۸۱
حمل‌ونقل‌توکا	۱۸۲۳۸	۸۶۸	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۲۱۳۰	۵	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۴۵۴	-۱۳
بانک‌پارسیان	۲۷۹۴	۱۳۳	کابل‌البرز	۸۵۲۰	۳۲۱	پرداخت الکترونیک سامان کیش	۱۳۸۵۰	-۲۵۷
نیروکلر	۱۸۳۸۱	۸۷۵	پتروشیمی فجر	۹۳۹۰	۷۴	سیمان کردستان	۲۹۰۰	-۳۲
گروه مپنا(سهامی عام)	۱۰۲۱۴	۴۸۶	سرمایه گذاری نورکوثرایرانیان	۲۰۳۰	۱۶	معدنی‌املاح‌ایران	۳۳۹۹۸	-۴۳۸
لیزینگ ایرانیان	۲۲۲۶	۱۰۶	شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۲۳۷۰۰	۲۶	شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۲۰۶۰۰	۲۷
گروه‌صنعتی‌ملی(هلدینگ)	۶۸۳۲۲	۳۲۵۳	مهندسی‌نصیرماشین	۶۲۹۰	۴۰	پارس‌سرام	۳۰۲۰۳	-۳۱۵
عمران‌وتوسعه‌فارس	۲۳۸۳	۱۱۳	بورس اوراق بهادارتهران	۱۲۳۹۹	۲۵۰	سرمایه گذاری ساختمان ایران	۱۳۷۸۰	-۱۲۸
بانک صادرات ایران	۴۳۹	۱۹	سرماآفرین	۷۳۵۰	-۴۴	آهنگری‌تراکتورسازی‌ایران	۵۰۴۰	-۹۴
سیمان‌ایلام	۸۶۶۶	۴۱۲	پتروشیمی پارس	۴۳۳۰۰	۳۰۸	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱۳۲۷۲	-۳۷۵
لعابیران	۸۵۵۰	۴۰۷	ساپیاآذین	۸۹۲	۱۲	افست	۱۱۹۲۵	۲۹۱
دارویی‌لقمان	۶۲۸۲	۲۹۹	لامیران	۲۸۳۵۵	-۱۲۱	سرمایه‌گذاری‌رنا(هلدینگ)	۱۳۹۰	-۱۱
دارویی‌رازک	۱۹۸۹۳	۹۴۷	گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۱۳۵۱۶	-۸۶	کاشی‌وسرامیک‌حافظ	۲۴۰۸۱	۷۵۱
بیمه پارسیان	۲۵۰۶	۱۱۹	داروپخش(هلدینگ)	۳۳۰۰۰	۵۲	داروسازی‌اسوه	۱۴۳۹۹	۱۷۷
کارت اعتباری ایران کیش	۴۵۵۱	۲۱۴	پتروشیمی جم	۱۲۳۷۵	۵۳	سرمایه‌گذاری‌سپه	۳۱۷۰	-۴۲
تولیدمواداولیه‌داروپخش	۱۸۰۷۴	۸۶۰	تامین سرمایه لوتوس پارسیان	۳۱۵۶	۱۸	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۳۰۴۵	-۸۸
سازه‌پویش	۵۵۳۱۵	۲۶۳۴	کمک‌فنرایندامین	۴۷۵۰	-۳۵	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲۸۰۰	-۵۷
پتروشیمی‌شیراز	۱۰۱۵۵	۴۸۳	سیمان‌بهبهان	۱۳۴۰۵	-۱۶	تکنوتار	۵۱۸۰	۶
پارس‌مینو	۹۴۸۸	۴۵۱	سیمان‌شمال	۳۷۳۹	۱۵۹	فولادآلیاژی ایران	۶۹۰۰	۲۳
گلتاش	۱۹۱۰۸	۹۰۹	توسعه‌صنایع‌بهشهر(هلدینگ)	۳۷۰۰	۱۷	پاکسان	۱۳۲۷۰	۵
فولادمبارکه اصفهان	۴۴۳۰	۲۰۹	فولادخوزستان	۸۶۶۶	۳۰	نیرومحرکه	۵۴۵۵	-۸۷
بورس کالای ایران	۱۱۹۸۳	۵۷۰	فولادکاوه جنوب کیش	۴۸۰۱	۲۷	سیمان‌قائن	۱۶۹۹۹	-۱۶۷
داروسازی‌فارابی	۲۱۸۸۷	۱۰۴۲	بانک پاسارگاد	۱۹۸۵	۲۹	مارگارین	۷۲۵۶	-۱۷۵
داروسازی‌فارابی	۱۷۸۰۵	۵۵۸	تولیدمحورخودرو	۷۶۵۸	۱۲۶	لبنیات‌کالبر	۸۴۷۷	-۱۶۲
ملی‌سرب‌وروی‌ایران	۲۵۸۳۴	۱۲۳۰	لابراتوارداروسازی‌دکترعبیدی	۳۰۶۷۷	-۱۴	تامین‌ماسه‌ریخته‌گری	۱۸۴۸۹	۱۵۸
کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۶۳۷۰	۳۰۰	سرمایه گذاری توسعه صنعت وتجارت	۳۱۵۰	-۳۹	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۳۰۷۰۰	-۱۵۷۰
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۵۶۵۰	۲۶۹	پتروشیمی فناوران	۷۱۰۰۰	۱۴۸۳	صنایع‌لاستیکی‌سهند	۷۸۷۶	-۱۱۵
بیمه آسیا	۴۲۳۵	۲۰۱	پتروشیمی مبین	۹۳۹۰	۳۰	پشم‌شیشه‌ایران	۲۶۵۰۰	۱۷
ایران‌ارقام	۶۰۷۵	۲۸۵	سرمایه‌گذاری‌البرز(هلدینگ)	۳۳۶۰	۲۷	سیمان‌سفیدنی‌ریز	۲۶۰۳۰	-۶۴۷
کشت‌وصنعت‌چین‌چین	۴۳۳۹۶	۲۰۶۶	پارس‌سویچ	۱۷۴۳۷	۸۳۰	گروه‌بهمن	۱۸۱۰	-۵۶
سیمان‌اصفهان	۲۷۸۶۰	۹۵۲	گسترش‌سرمایه‌گذاری‌ایران‌خودرو	۶۲۱۰	۱۲	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲۸۰۰	-۵۷
البرزدارو	۹۲۹۵	۴۴۲	موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۴۱۶۷	۱۹۸	آلومینیوم‌ایران	۵۶۰۱	-۱۱۲
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱۴۲۲۲	۶۷۷	صنایع‌کاغذسازی‌کاوه	۸۱۹۹	۸۶	مهرکام‌پارس	۲۱۵۰	-۵۵
کویرتایر	۶۸۶۰	۲۳۸	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۹۲۷۵	۲۳	بیمه البرز	۲۲۹۰	۴۰
سرمایه گذاری شفادارو	۹۲۵۹	۳۹۲	سیمان‌داراب	۳۷۰۰	۴۵	سیمان‌خاش	۲۲۹۸۹	-۲۴۷
صنایع‌شیمیایی‌سینا	۴۹۷۴۹	۲۲۳۵	خدمات‌انفورماتیک	۱۴۱۲۷	۲۰	سامان‌گستراصفهان	۹۳۶۰	-۲۱۴
قندمرودشت	۱۶۹۰۰	۵۰۰	پتروشیمی شازند	۷۸۰۰	-۴۳	کمباین‌سازی‌ایران	۲۶۷۰	-۳۷
گلوکوزان	۴۱۴۸۰	۱۷۴۵	لبنیات‌پاک	۳۳۹۰	۳۵	بیمه ملت	۴۱۵۰	-۷۵
معادن‌بافق	۵۷۲۹۷	۱۹۸۷	بانک‌اقتصادنوین	۴۱۳۹	-۵	دادهگسترعصرنوین-هایوب	۸۴۶۹	-۸۰
پمپ‌سازی‌ایران	۷۷۸۹	۳۷۰	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۵۱۲۰	-۱۸	سرمایه‌گذاری‌توکافولاد(هلدینگ)	۵۴۰۶	۴
فنرسازی‌خاور	۱۲۶۰۰	۵۹۷	ملی‌صنایع‌مس‌ایران	۴۵۶۱	۰	سیمان‌تهران	۸۶۶۰	-۲۲۶
بیمه پارسیان	۱۴۰۰	۷۶	گروه صنعتی پاکشو	۵۶۵۹۴	۰	جام‌دارو	۱۹۰۰۱	-۲۶۱
مخابرات ایران	۳۸۸۰	۱۲۸	صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۶۳۰۵	۰	صنایع‌کاشی‌وسرامیک‌سینا	۸۰۰۰	-۲۵۵
صنایع‌شیمیایی‌فارس	۵۵۱۰	۱۷۹	پالایش نفتاصفهان	۱۳۲۶۲	۱۲۳	واسپاری ملت	۲۵۶۰	-۳۸
صنایع پتروشیمی خلیج فارس	۶۵۱۰	۲۰۵	نفت‌بهران	۲۰۰۵۸	-۲	شهد	۱۵۹۹۵	-۴۳۵
فرآورده‌های‌تزریقی‌ایران	۱۲۵۶۲	۳۷۶	داروسازی‌زهراوی	۵۴۰۰	-۷۴	سیمان‌خزر	۴۸۱۷	-۱۰۲
پالایش نفت تهران	۵۶۲۰	۱۹۳	سرمایه‌گذاری آتیه‌دماوند	۳۷۳۸	۲۰	صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱۴۴۳	-۴۶
ایران‌تایر	۱۴۶۰۰	۲۷۵	پالایش نفت بندرعباس	۱۶۲۷۷	-۶۰	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۸۴۰۰	-۱۷۶
نوردوقطعات‌فولادی	۲۵۹۰۰	-۳۳۷	سرمایه گذاری توسعه صنایع سیمان	۲۶۲۵	۳۳	کاشی‌الوند	۸۴۷۰	-۶۷
داروسازی‌اکسیر	۳۱۰۰۰	۲۰۵	سیمان خوزستان	۵۰۹۹	۳۵	پارس‌خزر	۴۰۰۹۰	-۲۱۰۹
لامپ‌پارس‌شهاب	۲۰۷۰۰	۳۵۳	حمل ونقل پتروشیمی(سهامی عام)	۲۵۶۳۸	۱۲۲۰	لیزینگ‌خودروغدیر	۳۱۷۰	-۷۱
سرمایه گذاری خوارزمی	۱۶۸۰	۳۲	پتروشیمی خراسان	۱۹۳۱۵	۱۱۵	معدنی‌املاح‌ایران	۳۱۹۴۹	۱۰۰۳
کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۷۳۲۰	۱۹۱	رینگ‌سازی‌مشهد	۴۳۹۹	-۱۰	به پرداخت ملت	۱۶۶۹۰	-۳۰۹
بانک تجارت	۴۲۸	۱۱	سرمایه‌گذاری صنعت‌نفت	۵۱۸۰	-۵۹	شیمی‌داروئی‌داروپخش	۱۲۵۸۹	-۱۵۳
بیمه ما	۳۳۸۹	۱۳۷	سیمان‌ارومیه	۵۳۴۵	۱۱	آبسال	۲۳۲۹۰	-۷۷۶
سیمان‌غرب	۵۳۰۰	۱۱۰	ملی کشت وصنعت ودامپروری پارس	۲۹۰۰۰	-۱۲۱۵	مس‌شهیدباهنر	۱۱۰۴۰	-۱۳۶
کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۱۲۵۸۹	۲۵۵	توسعه معدنی وصنعتی صبانور	۷۱۶۱	-۷۲	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱۸۱۴	-۳۲
سیمان‌شرق	۲۲۰۳	۷۶	فروشگاه های زنجیره ای افق کوروش	۵۹۴۲۴	-۴	ایران‌یاساتایرورابر	۷۵۳۶	-۳۷۸
کشاورزی‌ودامپروری‌مگسال	۱۰۴۶۰	۲۹۶	شرکت ارتباطات سیارایران	۱۲۹۵۰	-۴۰	ذغال‌سنگ‌نگین‌طبس	۱۳۰۲۰	-۳۵۹
موتوژن	۱۹۰۰۰	۵۱۲	باما	۱۵۳۱۹	-۸۳	بین‌المللی‌محصولات‌پارس	۹۲۷۱	-۴۷۴
سیمان‌بهبهان	۱۸۶۴۱	۴۵۸	پتروشیمی پردیس	۲۳۵۵۰	۶	سرمایه‌گذاری‌شاهد	۲۰۹۲	-۴۸
سالمین	۲۵۰۰۱	۱۱۹۰	مدیریت صنعت شوینده ت.ص.بهشهر	۱۲۵۴۹	۱۲۸	لنت‌ترمزایران	۴۰۹۹۷	-۱۲۶۸
سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱۶۱۹	۲۱	گروه صنعتپ اکشو	۵۷۰۰۰	۴۰۶	چرخشگر	۳۴۰۲	-۱۳۸
بانک سینا	۲۳۲۰	۵۳	گروه پتروشیمی س.ایرانیان	۲۵۲۰	-۳۷	تولیدی‌مهرام	۲۸۵۵۵	-۱۳۳۰
کارتن‌ایران	۵۰۶۶۵	۱۵۳۲	لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲۱۲۰	۲۵	سیمان‌هگمتان	۷۲۲۰	-۱۰۸
بیسکویت‌گرجی	۱۹۹۵۰	۳۶۴	داروسازی‌سینا	۱۵۹۰۰	-۴۵	ساپیاشیشه	۵۳۷۱	-۱۸۹
کاشی‌پارس	۱۹۸۰۰	۴۵۷	گروه دارویی سبحان	۵۹۹۹	۶۹	نفت‌پارس	۱۴۹۰۰	-۶۲۴
داده‌پردازی‌ایران	۸۵۰۰	۲۰۷	سرمایه‌گذاری‌ملی‌ایران	۶۰۰۰	۲۰۱	بیمه دانا	۵۷۸۶	-۱۴۳
تولیدی چدن سازان	۹۷۰۰	۲۴۰	بانک خاورمیانه	۳۶۰۰	-۸	قطعات‌اتومبیل‌ایران	۴۶۹۰	-۱۳۲
فیبرایران	۳۷۲۷	۹۲	سرمایه گذاری پارس‌توشه	۶۲۱۰	-۵۹	شکرشاهرود	۱۸۲۰۰	-۷۲۳
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۱۱۱۵۰	۲۴۴	سیمان‌فارس‌وخوزستان	۳۸۱۰	-۳۱	صنایع سیمان دشتستان	۷۵۱۶	-۳۹۲
گروه‌صنعتی‌بارز	۶۰۰۰	۱۰۸	سیمان‌سپاهان	۲۲۲۰	۲۱	گروه دارویی برکت	۳۲۰۵	-۱۳۹
کارخانجات‌داروپخش	۱۷۹۸۶	۸۴۵	فولادامیرکبیرکاشان	۱۴۶۰۰	-۲۰۰	نوردآلومینیوم	۴۴۷۵	-۱۵۷
ساپیاآذین	۲۲۸۰	۳۳	توسعه‌معادن‌وفلزات	۴۴۲۸	۴	رادیاتورایران	۹۳۰۱	-۴۸۹
سیمرغ	۱۱۶۷۹	۱۵۷	صنایع‌آذرآب	۴۶۶۰	۴۳	ایران‌مرینوس	۲۳۵۰۰	-۷۲۰
سیمان‌مازندران	۳۳۱۶	۸۷	سرمایه گذاری دارویی تامین	۱۶۶۱۹	۹۹	کربن‌ایران	۲۲۵۰۲	-۱۰۴۶
صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۲۶۴۰۰	۳۲۰	نوسازی‌وساختمان‌تهران	۲۲۲۲	-۳۰	قندثابت‌خراسان	۱۸۶۱۱	-۹۷۹
سیمان‌کرمان	۴۹۲۲	۵۹	سرمایه گذاری صدرتامین	۲۶۹۰	۲۰	قنداصفهان	۲۹۴۶۰	-۱۵۵۰
پلی پروپیل نجم—جم پیلن	۲۸۶۰۰	۷۸۴	سرمایه گذاری گروه توسعه ملی	۳۵۸۰	-۱۵	بهنوش‌ایران	۱۶۱۰۵	-۸۴۷

بقیه از صفحه ۶

بازار سنتی یزد مرمت می‌شود

یزد- خبرنگار اطلاعات: فرماندار یزد با اشاره به اینکه شرایط امنیت بازار سنتی یزد خوب نیست،افزود: اقدامات خوبی در زمینه ساماندهی و مرمت پشت بام بازار و روشنایی آن با همکاری میراث فرهنگی و دستگاه‌های اجرایی مربوطه در دست اقدام داریم و امیدواریم بتوانیم این موضوع را به بافت تاریخی منطقه نیز سوق دهیم.

سید محمد رستگاری در ادامه گفت: از ابتدای سال و به دنبال وقوع سیل در نقاط مختلف کشور موضوع بازگشایی مسیل مرکزی شهر یزد شامل رفع موانع، آزادسازی ها، جابه‌جایی تأسیسات شهری در مسیر و غیره در دستور کار قرار گرفته و این موضوع با جدیت در جلسات هفتگی به صورت فاز به فاز در حال پیگیری است.

وی یکی دیگر از موضوعات در دستور کار را رسیدگی به مشکلات و مزاحمت‌های پساب تصفیه خانه شهر یزد بیان کرد و افزود: علاوه بر راه اندازی تصفیه خانه تکمیلی و رفع مشکلات آن، انتقال پساب برای آبیاری فضای سبز و رفع مشکلات این حوزه را دنبال می‌کنیم.

وی به مشکل قنات جهانی زارچ نیز اشاره کرد و گفت: متاسفانه تخلیه فاضلاب‌های شهری در این قنات مشکلات عدیده‌ای را برای گردشگری این بخش به دنبال داشته که تاکنون علاوه بر مشکلات فاضلاب بیمارستان گودرز و حفر چاه برای مسجد فورت، رایزنی هایی را با هتل‌های در مسیر در مورد تخلیه فاضلاب آنها در این قنات صورت داده و پیگیر لجن کشی بخش عمده‌ای از مسیر قنات در درون شهر یزد هستیم و آغاز عملیات ساخت پارک موزه قنات زارچ را در دستور کار داریم.

وی به مشکلات ناشی از اتباع بیگانه نیز اشاره کرد و گفت: هرچند دستورالعملی در این رابطه به فرمانداری ارسال شده ولی هنوز به جمع‌بندی نهایی در این رابطه نرسیده‌ایم و در مجموع معتقدیم که اتباع غیرمجاز باید به رغم مشکلاتی که وجود دارد از کشور طرد شوند و اشتغال اتباع مجاز نیز ساماندهی شود چرا جلوگیری از اشتغال اتباع مجاز ساکن در شهر می‌تواند آنها را به سمت مشاغل دیگری که می‌تواند برای یزد آسیب های دیگری را به دنبال داشته باشد، سوق دهد و این مهم نیازمند همکاری تمام دستگاه‌های ذیربط و رسانه‌هاست.

فرماندار یزد وضع برخی فضاهای آموزشی مرکز استان را نیز نامناسب دانست و گفت: خیرین عمدتاً در زمینه ساخت فضاهای آموزشی جدید فعالیت دارند ولی در سطح شهر فضاهای آموزشی قدیمی و فرسوده ای نیز وجود دارد که باید خیرین را به سمت مرمت آنها سوق دهیم.

وی با بیان این که شهر یزد فاقد طرح جامعی در حوزه پسماند است، از پیگیری این موضوع در قالب کارگروه پسماند شهر یزد خبر داد. او از پیگیری در زمینه موضوعات بازآفرینی شهری و مسائل مرتبط با آرد و نان و همچنین رفع مشکلات واحدهای صنفی و صنعتی در شهرستان نیز خبر داد.

محمدحسین پاکدل بخشدار مرکزی شهرستان یزد نیز در این نشست با اشاره به جمعیت ۴۵ هزار نفری بخش مرکزی شهرستان یزد که در حاشیه مرکز شهرستان و استان با ۱۲ دهیاری واقع شده است، گفت: بخش مرکزی دارای پتانسیل‌های بسیار خوبی در بخش‌های مختلف از جمله گردشگری و اقتصادی است.

وی بااشاره به وجود قدیمی ترین مسجد جامع کشور در این بخش، گفت: بخش مرکزی یزد از لحاظ بعد اقتصادی با برخورداری از ۸۵۰ گلخانه رتبه اول شهرستان را به خود اختصاص داده ولی در عین حال با توجه به واقع شدن این شهرستان در حاشیه شهر با مشکلاتی نیز از جمله مسائل مرتبط با غیراستاندارد و سنتی بودن برخی گلخانه‌ها و اشتغال اتباع خارجی در آنها نیز مواجه است.

بخشدار همچنین مشکلات ناشی از کوره های آجرپزی در این بخش نیز اشاره و ابراز امیدواری کرد که با همکاری مسئولان و رسانه ها، گام های مناسبی برای مردم محروم این بخش برداشته شود.

برپایی اجتماع عظیم «لبیک یا حسین» با حضور خانواده شهید حججی

مشهد ـ خبرنگار اطلاعات: اجتماع بزرگ «لبیک یا حسین(ع)» با حضور خانواده شهید حججی و جمعی از عاشقان حسینی در مشهد برگزار شد.

امام جمعه قم در این مراسم گفت: لبیک یا حسین(ع) برای گرفتن پست و مقام نیست بلکه یک ادای تکلیف است، یعنی هر زمان که اسلام به یاری تو نیاز داشت بی‌درنگ حاضر باشید.

آیت‌الله سیدمحمد سعیدی تاکید کرد: حادثه کربلای امام‌حسین(ع) از نظر شخصیت ایشان و از نظر محل اتفاق این جریان یک حادثه منحصر به تاریخ خاص و سرزمین خاصی نبود، این حادثه اگر چه در سال ۶۱ هجری تحقق پیدا کرد اما در همه زمان‌های بعد از آن تاریخ حادثه کربلا قابل تکرار بود.

وی با بیان اینکه دو طایفه پاسخگوی یاری خواستن امام‌حسین(ع) بودند؛ ادامه داد: یک طایفه کسانی بودند که می‌توانستند امام‌حسین(ع) را در کربلا یاری کنند و به هر دلیلی یاری نکردند و بعد از شهادت ایشان ابراز پشیمانی کردند. لذا به عنوان توابین قیام کردند اما این قیام به جهت اینکه آن زمان که امام یاری می‌خواستند ایشان را یاری نکردند، جایگاه والایی نداشت.

او افزود: طایفه دوم کسانی هستند که زمان امام‌حسین(ع) اصلا به دنیا نیامده بودند و بعد از اباعبدالله‌الحسین(ع) وعده یاری به ایشان دادند. این افراد لبیکشان ارزش دارد چرا که آن روز نبودند تا از نزدیک ایشان را یاری کنند.

او به تفسیر لبیک یا حسین(ع) پرداخت و افزود: لبیک یا حسین(ع) زمانی معنا پیدا می‌کند که وقتی دو صف حق و باطل تشکیل شود شما در صف حق قرار بگیرید. لبیک یا حسین(ع) یعنی وقتی احکام و ارزش‌های الهی به خطر می‌افتد شما پای کار باشید، یعنی هر زمان که اسلام به یاری تو نیاز داشت بی‌درنگ حاضر باشید.

تولیت آستان حضرت فاطمه معصومه(س) تاکید کرد: اگر آن روز در کربلا نبودیم تا امام‌حسین(ع) را یاری کنیم امروز ما یاوران مهدی قائم آل‌محمد(ص) هستیم و امروز به نایب بر حق ایشان حضرت آیت‌الله خامنه‌ای لبیک‌می گوئیم.

سخنان همسر شهید حججی

در ادامه این مراسم، همسر شهید حججی با بیان این‌که هر جا در طول تاریخ حرف شهادت باشد همه به این فضا یعنی فضای کربلا متصل است، افزود: شهدا از جان گذشتند تا مردم را به مسیر اصلی هدایت کنند.

وی اظهارداشت: امام‌حسین(ع) در کربلا فریاد «هل من ناصرنی ینصرنی» سردادند و شهدا بسیار خوب صدای هل من ناصرنی ینصرنی را شنیدند و با شهادت خود در راه خدا به این ندا لبیک گفتند.

همچنین در این مراسم شاعر اهل‌بیت(ع) استاد معینی‌پور و حاج صادق آهنگران به مناسبت ایام محرم شعرخوانی و مداحی کردند.

برگزاری سی و سومین سالگرد سردار شهید کاوه در مشهد

بزرگداشت سردار شهید محمود کاوه با حضور جمعی از فرماندهان سپاه و نیروهای نظامی در مشهد برگزار شد.حمید عسکری جانشین معاون حقوقی و امور مجلس وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح در این مراسم، با اشاره به نحوه فرماندهی و فعالیت شهید کاوه در زمان دفاع مقدس، گفت: ما مدیری را مدیر خوب می‌دانیم که تعهد و تخصص داشته باشد و اگر این مدیر از امتیازات بیشتری برخوردار شد اهمیت بیشتری دارد چرا که امتیازات او سر منشأ گرفته از دینمداری و نشاط جوانی است که پیمان آن ولایتمداری است، آنجا که این امر به اقتدار و شجاعت منتهی می‌شود به صمیمیت می‌رسد و این مدیر اهل اقدامات بزرگ است.

مشاور حقوقی وزیر دفاع با بیان اینکه من سال ۶۱ وارد این تیپ و با شهید کاوه آشنا شدم افزود: در آن روزها عملیات آزادسازی جاده آغاز شد، جاده مملو از ضد انقلاب بود، طوری که ضد انقلاب توپخانه به غارت برده را در این مکان مستقر کرده بود.

وی تاکید کرد: نخستین فرمانده عملیات ناصر ناصری بود که در این عملیات به شهادت رسید و در کیلومتر ۴۵ فرمانده دیگری به نام گنجی‌زاده را از دست دادیم، اما شهید کاوه و همرزمانشان ۵۵ کیلومتر بعد از جاده را در طول ۴ ماه باز کردند و بعد از آزادسازی راه مهم و استراتژیک، با امام راحل ملاقات داشتند.

او با اشاره به فرماندهی شهید کاوه در عملیات تاکید کرد: این تیپ ابتدا گردان ویژه بود و سپس با فرماندهان با صلاحیت خود موفق شدند آن را به تیپ تبدیل کنند، اما در زمان شهید کاوه این تیپ به عنوان لشکر و لشکر عملیاتی نمونه انتخاب شد.

عسکری، رمز موفقیت شهید کاوه را در ارزیابی دائمی خود و یگانش دانست و افزود: رمز موفقیت شهید کاوه در این بود که دائما خود و یگانش را ارزیابی و اشکالات را رفع می‌کرد و در پرتو این اقدامات بود که به پیروزی می‌رسید.در سی و سومین سالگرد بزرگداشت شهید محمود کاوه، همرزمان وی از استان‌های کردستان، آذربایجان غربی و همدان هم حضور داشتند.

سردار شهید کاوه ۱۱ شهریور سال ۶۵ در عملیات کربلای ۲ در منطقه حاج‌عمران به شهادت رسید.

قدردانی از ناجی ۲۶ دانش آموز دختر خوزستانی

سرویس شهرستان‌ها: یک مربی پیشتاز از سازمان دانش‌آموزی خوزستان که جان ۲۶ سرنشین دختر یک اتوبوس را در اردوی ملی دانش‌آموزی این استان از مرگ نجات داد، تجلیل شد.

علی داوودی مربی پیشتاز شهرستان ایذه در سازمان دانش‌آموزی خوزستان است که با شجاعت و هوشیاری موفق شد جان ۲۰ دانش آموز دختر، چهار خانم معلم، راننده و کمک راننده را که در یک اتوبوس راهی اردوی ملی سازمان دانش‌آموزی بودند نجات دهد.

این مربی پیشتاز درباره این حادثه گفت: ۱۵ مرداد امسال بود که به عنوان سرپرست همراه تیم اردوی ملی دانش‌آموزان دختر خوزستان عازم تهران شدم. از اهواز تا نزدیک خرم‌آباد کمک‌راننده کار رانندگی اتوبوس را بر عهده داشت و بین راه راننده به ما ملحق شد و پشت فرمان نشست. پنج دقیقه بیشتر از رانندگی وی نمی گذشت که متوجه شدم راننده به سئوالات من و صحبت کردن من توجهی ندارد.

این مربی اضافه کرد: ناگهان اتوبوس با گاردریل کنار جاده برخورد کرد و راننده بی‌حال روی فرمان افتاد آن وقت بود که متوجه شدم راننده دچار عارضه شده است؛ به سرعت هدایت خودرو را در دست گرفتم و با کم کردن سرعت اتوبوس، خودرو را به کنار جاده هدایت کردم تا از تصادف احتمالی و به خطر افتادن جان سرنشینان جلوگیری کنم؛ سپس دانش آموزان را از خودرو خارج کردم تا از وضع ایمنی خودرو به دلیل برخورد با گاردریل مطمئن شوم.

وی گفت: راننده خودرو دچار سکته مغزی شده بود و پس از این که اتوبوس را به کنار جاده هدایت کردم با اورژانس تماس گرفتم و راننده را به امدادگران اورژانس برای درمان تحویل دادم؛ بر اساس آخرین اطلاعاتی که از وضع سلامتی راننده جویا شدم راننده زنده است اما برخی از اعضای بدن وی فلج شده است.

این مربی فداکار افزود: به دلیل این که خودرو دچار آسیب شده بود و با توجه به حساسیت‌هایی که در سازمان دانش‌آموزی برای حفظ ایمنی و سلامت دانش آموزان در اردوها وجوددارد یک اتوبوس و راننده دیگر در خرم‌آباد تهیه شد و دانش آموزان به اردوی ملی در تهران اعزام شدند.

بازداشت ۴ متهم در رابطه با آتش‌سوزی جنگل‌های ارسباران

تبریز- خبرنگار اطلاعات: رئیس کل دادگستری آذربایجان‌شرقی از بازداشت چهار متهم در رابطه با آتش‌سوزی جنگل‌ها و مراتع ارسباران خبر داد.

موسی خلیل اللهی با ابراز تأسف از آتش‌سوزی گسترده در جنگل‌های ارسباران از ورود جدی دستگاه قضایی استان به این موضوع خبر داد و درباره جزئیات این موضوع به خبرنگار «نصر» گفت: دادستان خداآفرین از لحظه اول در منطقه حضور داشت و از نزدیک و در سریع‌ترین زمان ممکن اقدامات لازم در این خصوص را انجام داد.

وی افزود: من در دو محور دستور پیگیری موضوع را به دادستان خداآفرین و معاونت پیشگیری از وقوع جرم داده‌ام.خلیل اللهی در ادامه اظهار داشت: چهار نفر به اتهام آتش‌سوزی جنگل‌های ارسباران بازداشت شده‌اند که سه نفر با قید وثیقه آزاد هستند و یک نفر دیگر برای تکمیل بازجویی و اطلاعات پرونده در اختیار پلیس آگاهی استان قرار دارد.

نشاء دوباره برنج و پرورش رتون در شالیزارهای آمل

ساری- خبرنگار اطلاعات: مدیر جهاد کشاورزی آمل از نشاء مجدد برنج و پرورش رتون در ۳۱ هزار هکتار از شالیزارهای این شهرستان خبر داد.

سید حسین اسلامی افزود: در سال زراعی جاری تاکنون برداشت برنج در کشت اول در ۹۹ درصد از ۳۷ هزار و ۶۷۸ هکتار از اراضی شالیزاری آمل به اتمام رسیده است .وی گفت: برداشت شالی در ۳۵ هزار و ۶۷۸ هکتار از این اراضی به‌صورت مکانیزه و در دو هزار هکتار دیگر به‌صورت سنتی انجام شد.

ساخت دو پردیس سینمایی در آران و بیدگل

کاشان – خبرنگار اطلاعات: بر اساس تفاهمنامه مشترک سازمان امور سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان شهرداری‌ها و دهیاری‌های کشور و مناطق شهرداری، شهرستان آران‌وبیدگل از ۲ پردیس سینمایی برخوردار خواهد شد.

سعید ضابطی رئیس اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان آران‌وبیدگل در این باره اظهار داشت: بر اساس تفاهمنامه، پردیس‌ها در شهرهای ابوزیدآباد و نوش‌آباد ساخته می‌شود که در این راستا نسبت به جانمایی و واگذاری زمین نیز اقدام شده است.

ارتباط هرمزگان با مراجع و مراکز دینی کشور از برکات کنگره امام سجاد(ع) است

بندرعباس – خبرنگار اطلاعات: نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان گفت: اتصال و ارتباط استان هرمزگان با مراجع عظام تقلید و مراکز علمی و دینی کشور از برکات کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) است.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین محمد عبادی در نشست شورای سیاستگذاری کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع)، با تسلیت ایام حزن و اندوه دهه اول محرم، اظهار کرد: کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) با نوع نگاه خدمت مخلصانه به ساحت مقدس اهل بیت(ع) به‌ویژه سیدالساجدین امام‌زین‌العابدین(ع) شکل گرفته و برکات فراوانی را برای استان هرمزگان به همراه داشته است.

وی به دیدار هفته گذشته اعضای شورای سیاستگذاری کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) با مراجع عظام تقلید و علما و انعقاد تفاهم نامه با مراکز علمی و دینی نظیر جامعه المصطفی العالمیه در قم اشاره کرد و افزود: این اتصال و ارتباط استان با مراجع و علما و مراکز علمی و دینی مطرح کشور از برکات ارزشمند این رخداد مهم علمی معنوی است.نماینده ولی فقیه در استان هرمزگان با بیان این که یکی دیگر از اتفاقاتی که موجب متمایز شدن کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) با سایر رخدادهای فرهنگی در کشور شده، این است که به یک روز خاص محدود نمی‌شود، اعلام کرد: اعزام مبلغ به شهرها، بخش‌ها، جزایر و روستاها برای تبیین سیره امام سجاد(ع) و معرفی آثار گرانقدر و ارزشمند آن حضرت و همچنین برپایی کرسی‌های صحیفه خوانی در طول سال در مساجد از جمله این اتفاقات خوب است.

وی برگزاری دوره‌های حفظ صحیفه، بهره‌گیری از ظرفیت مبلغین اعزامی در ماه‌های محرم و رمضان برای معرفی شخصیت نورانی امام سجاد(ع) و ادعیه نجات بخش این امام همام را از دیگر برنامه‌های شاخص کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) ذکر و تاکید کرد: شورای سیاستگذاری باید هرسال شعاع مردمی این رخداد را گسترش دهد.حجت‌الاسلام‌والمسلمین عبادی افزود: عمل به سیره اجتماعی امام سجاد(ع) در دستگیری از نیازمندان و همچنین آزادی زندانیان نیازمند جرائم غیرعمد از دیگر برنامه‌های پربار کنگره است که امسال باید با مشارکت کمیته امداد و ستاد دیه به صورت جدی‌تر اجرا شود.

وی همچنین خواستار تهیه تقویم برنامه هفتگی سال ۹۸ ویژه کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) شد و تاکید کرد: برنامه‌های این تقویم باید به گونه‌ای تدوین و اجرا شود که در طول سال نام امام سجاد(ع)، آموزه‌های آن حضرت و دعاهای صحیفه سجادیه در سراسر استان هرمزگان ساری و جاری باشد.رئیس شورای سیاستگذاری کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) بر تلاش همه اعضای این شورا بر هرچه باشکوه‌تر و پربارتر برگزار شدن نهمین کنگره بین‌المللی امام سجاد(ع) تاکید کرد و گفت: این رخداد از هر نظر باید نسبت به سال‌های گذشته باشکوه‌تر برگزار شود.

نهمین کنگره امام سجاد(ع) ۲۵ محرم با همکاری کانون‌های مساجد استان هرمزگان و با حضور برادران اهل تسنن و شخصیت‌هایی از کشورهای مختلف دنیا به میزبانی استان هرمزگان در بندرعباس برگزار می‌شود.

۱۷ پروژه منابع طبیعی در استان همدان به بهره‌برداری رسید

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری استان همدان گفت: ۱۷ پروژه در هفته دولت افتتاح شد که ۱۲ طرح مربوط به آبخیزداری، ۲ مورد جنگل‌کاری، یک مورد اجرای کمربند حفاظتی و ۲ طرح مربوط به پروژه‌های مرتع و بیابان است، طرح‌ها با مجموع ۷ میلیارد و ۴۲۷ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان اعتبار اجرا شده است.

اسفندیار خزایی از کاشت نهال در ۲۰۰ هکتار از مراتع شهرستان اسدآباد طی امسال خبر داد و گفت: ۲۰ هکتار درختکاری در شهر آجین اسدآباد از محل منابع استانی و ملی همزمان با هفته دولت به بهره‌برداری رسیده است.خزایی بابیان اینکه امسال ازمحل اعتبارات استانی قرار است هزار هکتاردرختکاری در استان همدان انجام شود، افزود: نهال درختان سرو نقره‌ای، کاج سیاه و سنجد بیشتر کاشته شده است تا علاوه بر کم آب بر بودن، بر افزایش نفوذآب در منطقه کمک کند و باعث شود منابع آب زیرزمینی برای کشاورزان پایین دست روستاها هم افزایش یابد.وی از اختصاص ۳ میلیارد تومان اعتباربرای طرح‌های آبخیزداری شهرستان اسدآباد از محل اعتبارات ملی خبر داد و اضافه کرد: ۷۰۰ میلیون تومان از این اعتبارات برای طرح‌های آبخیزداری منطقه آجین اسد آباد هزینه می‌شود. همچنین از ابتدای امسال طرح کاداستر در سطح ۶۸ هزار و ۷۰۵ هکتار از اراضی ملی استان همدان و در ۹ حوزه آبخیز اجرا شده و وی تا پایان سال گذشته طرح کاداستر اراضی ملی استان همدان ۱۰۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته است.

خزایی گفت: امسال به دلیل بارش‌های فروردین‌ماه و همچنین تداوم نیافتن بارش‌ها، شاهد خشکی زودهنگام گیاهان مرتعی و ورود دام‌ها به مراتع بودیم که عرصه را برای آتش‌سوزی‌ها مهیا کرده است. تعداد آتش‌سوزی مراتع در امسال ۲ برابر سال گذشته بوده، اما در مقایسه با متوسط ۱۰ سال گذشته کاهش داشته است.

دستیابی پتروشیمی شازند به دانش تعمیر قطعات توربین کمپرسورهای زیمنس

اراک ـ خبرنگار اطلاعات: اورهال شرکت پتروشیمی شازند با کسب صدها دستاورد مهم از جمله دستیابی به دانش تعمیر قطعات توربین کمپرسورهای زیمنس با موفقیت به اتمام رسید.

مدیرعامل پتروشیمی شازند در جمع خبرنگاران با بیان اینکه عملیات اورهال در سطح گسترده در ۲۳ واحد (۱۷+۶ یوتیلیتی) این مجموعه و در عمق بسیار گسترده‌ای توسط متخصصان داخلی انجام شده است افزود: این مهم یک رکورد در داخل کشور است و این دانش فنی می‌تواند به واحدهای دیگر پتروشیمی در سراسر کشور منتقل شود.

ابراهیم ولدخانی با بیان اینکه هدف شرکت‌های آلمانی عدم انتقال دانش فنی بود، افزود: برای اولین بار در کشور، توربین و کمپرسورهای واحد الفین توسط متخصصان داخلی و تأمین بخشی از قطعات و دانش فنی این دستگاه‌ها در داخل کشور و بدون حضور هیچ کارشناس خارجی و بدون استفاده از قطعات خارجی میسر شد.وی با بیان اینکه با توجه به افزایش نرخ ارز، با استفاده از توان داخلی حداقل ۷۰ درصد صرفه‌جویی ارزی در این زمینه به همراه داشته است، اظهار داشت: استفاده از نیروهای بومی و تأمین مایحتاج آنها در استان مرکزی و تولید ثروت برای استان هم به همراه داشته است چرا که حمل‌ونقل، تأمین غذا و سایر مایحتاج نیروهای شرکت از استان انجام شده است.

او با اشاره به اینکه با اورهال به ظرفیت کامل که یک میلیون و ۸۰۰ هزار تن محصول در سال است خواهیم رسید گفت: همچنین با توجه به بازارهایی که در اقصی نقاط جهان از جمله آسیای میانه، اروپا و آمریکای لاتین در نظر گرفته شده مشکل صادرات نخواهیم داشت و هر مقدار بازار داخلی اجازه دهد، صادرات خواهیم داشت.

ولدخانی درباره دستاوردها و نوآوری‌های بی‌سابقه شرکت پتروشیمی شازند در اورهال مرداد ۹۸ گفت: توربین این شرکت به مدت ۱۲ سال و برخی قطعات از ابتدای فعالیت این شرکت تعمیر و تجهیز نشده بود که انجام اقدامات لازم در اورهال امسال نیازمند یک خوداتکایی بود و با توجه به این‌که این ظرفیت در پرسنل و نیروهای شرکت وجود داشت، این مهم انجام شد.

مدیرعامل پتروشیمی شازند اضافه کرد: تیپ فلر در داخل مجموعه در ارتفاع ۱۰۵ متر به وزن ۲۴ تن توسط نیروهای داخلی در شرکت ساخته و نصب شده است که وظیفه سوزاندن گازهای اضافی واحدهای مختلف را انجام می‌دهد.

وی تعویض مبدل‌های ۴۰۰ و ۴۰۱ بعد از ۹ سال را از دیگر اقدامات انجام شده در اورهال اعلام کرد و افزود: واحدهای پایین‌دستی چند روز دیرتر از واحدهای دیگر به سرویس رفتند و حتی برخی واحدها در زمان اورهال با استفاده از هیدروژن تأمین شده، تولید داشتند، البته خطی از پالایشگاه شازند دریافت شده که هیدروژن آن خریداری می‌شود و اگر روزی الفین دچار مشکل شود با این هیدروژن می‌توان واحدهای پایین‌دستی را در سرویس نگهداری کرد که این اقدام در عمر پتروشیمی شازند بی‌سابقه بوده است.

دانش آموزان ،دانشجویان، طلاب و مشمولان غیر غایب می توانند به راهپیمایی اربعین بروند

سرویس خبر: تمامی دانش‌آموزان، دانشجویان و طلاب که امسال قصد سفر به عتبات عالیات در ایام اربعین را دارند،می توانند بدون سپردن وثیقه از کشور خارج شوند.

سردار تقی مهری، رئیس سازمان نظام وظیفه عمومی ناجا با بیان این مطلب افزود:امسال برای سفر اربعین مشمولان غیرغایب سربازی وثیقه‌ای پیش‌بینی نشده و بر این اساس تمامی مشمولان غیرغایب و حتی دارندگان برگ اعزام می‌توانند بدون پرداخت وثیقه از۷ مهر تا ۱۰ آبان امسال از کشور خارج شده و به عراق سفر کنند.

وی ادامه داد: البته در این خصوص متقاضیان باید حتما گذرنامه معتبر داشته و قبل از سفر مشخصات خود را در سامانه وظیفه عمومی ناجا ثبت کنند.

او درباره مهارت آموزی سربازان گفت: ستاد کل نیروهای مسلح برنامه‌های خوبی هنگام سربازی با تشکیل قرارگاه مهارت آموزی داردو با شعار هر سرباز یک مهارت تا پایان برنامه ششم، سربازان یک مهارت را می‌آموزند.

وی اعلام کرد: به آن دسته از کنکوری‌های مشمولی که باید در ماه‌های تیر، مرداد و شهریور به سربازی اعزام شوند تا مهرماه برای انتخاب رشته فرصت داده شده است.

شرط حضور سربازان در راهپیمایی اربعین

رئیس سازمان وظیفه عمومی ناجا در مورد این که آیا امکان حضور سربازان در راهپیمایی اربعین وجود دارد یا خیر، گفت: در مورد سربازان در حال خدمت مقرراتی از سوی ستادکل نیروهای مسلح وضع شده و شمار مشخصی از سربازان در هر یگان با نظر فرمانده و معاون نیروی انسانی می‌توانند در بازه تعیین شده به کشور عراق سفر کنند.

وی درباره این که چه مقدار از درآمدهای دولت از طرح جریمه ریالی سربازی صرف سربازان شده است، گفت: این بودجه به خزانه دولت واریز شده است، اما تا جایی که من اطلاع دارم این رقم خیلی قابل توجه نبوده است.

او درباره مشمولان غایب نیز گفت: شمار مشمولان غایب خیلی زیاد نیست، اما مشمولان غایب تعقیب و شناسایی می‌شوند و علاوه بر آن یک سری محرومیت‌های اجتماعی نیز برایشان وجود دارد که بر اساس قانون اجرا می‌شود.

وی با اشاره به پایان اجرای طرح معافیت‌های سربازی با ۲۸ و ۲۹ ماه سابقه ایثارگری افزود: این معافیت تا پایان شهریور ماه اجرا شده و متقاضیان فرصت دارند که تا پایان شهریور درخواست خود را ثبت کنند، اما در مورد کسر خدمت‌ها هیچ مشکلی وجود ندارد.

به شرطی که مشمول به سن مشمولیت رسیده باشد، در هر زمانی قابل اجرا است.

قوانین سربازی قهرمانان ورزشی

مهری درباره ضوابط و مقررات سربازی قهرمانان ورزشی گفت:کسانی که رتبه اول تا سوم المپیک و مسابقات جهانی و آسیایی داشته‌اند، با موافقت وزارت ورزش و جوانان به سازمان نظام وظیفه معرفی می‌شوند و از انجام دوره خدمت سربازی معاف می‌شوند.

وی ادامه داد: همچنین مقام‌های اول تا سوم جهانی در رشته‌های فوتبال، بسکتبال و والیبال معاف می‌شوند. قهرمانان پارالمپیکی نیز می‌توانند برای خود یا یک فرزندشان از این تسهیلات استفاده کنند.

وی درباره مشمولان غایب متأهل نیز گفت: اگر این افراد برگ اعزام به خدمت دریافت کنند، می‌توانند از تسهیلات سفر اربعین بهره‌مند شوند.

همچنین آن دسته از مشمولان غایب متأهل که دارای فرزند هستند نیز در صورتی که برای خدمت سربازی اقدام کنند به ازای هر فرزند سه ماه کسر خدمت دریافت خواهند کرد.

رئیس سازمان نظام وظیفه به جشنواره ورزشی سربازان نیروهای مسلح سال ۹۸ اشاره کرد و گفت: برگزاری این جشنواه توسط سازمان وظیفه عمومی از اول مهر امسال در ۳۰ رشته مختلف برنامه‌ریزی شده است.

اژه ای: عمده پرونده‌های فساد اقتصادی، مربوط به تسهیلات بانکی است

مشهد – خبرنگار اطلاعات: معاون اول قوه قضائیه گفت:عمده پرونده‌های فساد اقتصادی مربوط به کسانی است که تسهیلات بانکی گرفته‌اند و در جایی غیر از تولید هزینه شده است و بازار ارز و سکه را به هم زده‌اند.

حجت‌الاسلام‌والمسلمین غلامحسین محسنی اژه‌ای در مراسم تکریم و معارفه مدیر کل قدیم و جدید دادگستری خراسان رضوی؛ به حواشی اخیر در حوزه مبارزه با فساد اشاره کرد و با بیان این که در این شرایط تحریم و جنگ اقتصادی باید به بهترین نحو از ارز استفاده کنیم، افزود: آن زمان خواستند که ما وارد شویم، اما اکنون با پرونده‌هایی روبه‌رو هستیم که ارز دولتی گرفته‌اند که یا جنسی وارد نکرده‌اند یا کالا آورده و احتکار کرده‌اند و سپس با قیمت ارز آزاد به مردم فروخته‌اند!

معاون اول قوه قضائیه ادامه داد: اگر تخصیص ارز درست انجام می‌شد، به واردات سنگ پا ارز دولتی نمی‌دادیم، همچنین در صورت نظارت بر ورود کالا به گمرک و توزیع آن را رصد می‌کردیم و قطعا کار به قوه قضائیه نمی‌رسید.

وی با یادآوری این که عمده پرونده‌های فساد اقتصادی که اکنون داریم مربوط به کسانی است که تسهیلات بانکی گرفته‌اند و در جایی غیر از تولید هزینه شده است و به این ترتیب بازار ارز و سکه را به هم زده‌اند، افزود: فردی که با تسهیلات بانکی ۳۸ هزار سکه خریداری می‌کند، هم بازار سکه را به هم می‌زند و هم تسهیلات تولیدی را خرج این کار می‌کند.

محسنی اژه‌ای در بخش دیگری از سخنانش به مثلث اقتصادی استاندار خراسان رضوی اشاره کرد و افزود: منشوری که استاندار خراسان رضوی در بحث اقتصادی دارد و مجموعه مسؤولان بزرگ استانی قراردادهای توسعه اقتصادی را امضا می‌کنند، بی‌سابقه است.او با تأکید بر این که اکنون جنگ اقتصادی و نقطه تمرکز دشمن اقتصاد و معیشت مردم است، تأکید کرد: استاندار خراسان رضوی به این اولویت مهم پرداخته است.

همچنین آیت‌الله سید احمد علم‌الهدی نماینده ولی فقیه در خراسان رضوی در این مراسم، در سخنانی بینش و رویکرد اقتصادی استاندار این استان را کم نظیر توصیف و تأکید کرد: امروز هماهنگی و وحدت نیرومندی در خراسان رضوی بین نهادهای قضایی، امنیتی و نظامی وجود دارد که این نکته را به عرض رهبر معظم انقلاب اسلامی رسانده‌ام.وی افزود: علاوه بر هماهنگی ویژه و صمیمی جاری بین دستگاه‌های مختلف در این استان، صمیمیت جالب و جاذبی هم اخیرا در استان توسط استاندار خراسان رضوی ایجاد شده است.

در این مراسم معاون اول قوه قضائیه حکم رئیس دستگاه قضا را به غلامعلی صادقی به عنوان رئیس جدید دادگستری خراسان رضوی ابلاغ کرد.

بسیجیان به کمک قوه قضائیه بیایند

خبر دیگری حاکی است دیروز هفتمین اجلاس نخبگان حقوقی و قضایی کشور با سخنرانی رئیس دیوان عالی کشور در مشهد گشایش یافت.

حجت الاسلام سید احمد مرتضوی مقدم، رئیس دیوان عالی کشور در آیین افتتاح این اجلاس با بیان این که قوه قضائیه نیازمند قضات بسیجی و انقلابی است تا بار سنگینی را که این قوه بر دوش دارد به سلامت به مقصد برسانند، افزود: در گام دوم انقلاب و دوره جدید قوه قضائیه که یک حقوقدان بسیجی مخلص در رأس آن قرار گرفته است بسیجیان به کمک او بیایند.وی با اشاره به فعالیت ۱۲هزار قاضی در کشور، ادامه داد: وکلای بسیجی می‌توانند در عرصه قضاوت، کشف حقیقت و احقاق حق کمک کار خوبی برای قاضی باشند.

اخبار کوتاه

پیکر روحانی سرشناس فسا تشییع و به خاک سپرده شد

سرویس شهرستانها: پیکر عالم ربانی آیت‌الله میرزا محمدباقر نظام، از علمای فارس و مؤسس و تولیت مدرسه علمیه حضرت جوادالائمه(ع) فسا، دیروز با حضور قشرهای مختلف مردم در این شهرستان تشییع و به خاک سپرده شد.

این روحانی برجسته یکشنبه شب به علت بیماری کلیوی در بیمارستان حضرت ولی‌عصر(عج) فسا پس از عمری خدمت به مکتب اهل بیت(ع) دارفانی را وداع گفت. مراسم وداع با پیکر این روحانی و پژوهشگر دینی دیروز با حضور قشرهای مختلف مردم در مسجد جامع فسا برگزار شد.پیکر این عالم ربانی پس از مراسم وداع با حضور قشرهای مختلف مردم و روحانیون از مسجد جامع فسا به طرف صحن مطهر امامزاده حسن(ع) تشییع و به خاک سپرده شد.

بزرگداشت یکصدوچهارمین سالگرد شهادت رئیسعلی دلواری

سرویس‌شهرستان‌ها:یکصدوچهارمین‌سالگرد‌شهادت شهید رئیسعلی دلواری فرمانده مبارزات ضداستعماری جنوب ایران، همرزمان و همراهان او دیروزدر دلوار استان بوشهر برگزار شد.

شهید رئیسعلی دلواری نماد مبارزه با استعمار انگلیس و دوازدهم شهریور سالگرد شهادت او روز ملی مبارزه با استعمار انگلیس نامیده شده است.

امام جمعه دلوار گفت: این مراسم در ورزشگاه شهید محمد جمادی دلوار باسخنرانی فرمانده نیروی انتظامی برگزار شد. اجرای برنامه‌های فرهنگی و هنری از برنامه‌های جنبی این مراسم بود.

تشییع پیکر مادر دانشمند ایرانی اسیر در آمریکا

سرویس شهرستان‌ها: پیکرمادر دانشمند ایرانی در بند آمریکا در اصفهان تشییع و در منزل ابدیش آرام گرفت.

با حضور مردم اصفهان پیکر معصومه جوانی از کوی امام جعفر صادق(ع) واقع در خیابان هزار جریب تشییع و در باغ رضوان به خاک سپرده شد.

مرحومه معصومه جوانی که پس از شنیدن خبر بازداشت فرزندش مسعود سلیمانی از سوی ماموران امنیتی رژیم آمریکا از ۷ ماه قبل به کما رفته بود، در ۶۳ سالگی دار فانی را وداع گفت.مسعود سلیمانی، استاد تمام دانشگاه تربیت مدرس و یکی از دانشمندان برجسته در حوزه سلول‌های بنیادی، از حدود ۱۱ ماه قبل به دلایل واهی در زندان‌های آمریکا به سر می‌برد.نهادهای علمی و دانشگاهی و حقوق بشری در این مدت با محکوم کردن این اقدام آمریکا، آزادی این دانشمند ایرانی را خواستار شده‌اند.

تعداد شرکت‌های دانش بنیان به ۴۵۰۰ واحد رسید

سرویس شهرستانها: معاون علمی و فناوری رئیس‌جمهوری و رئیس بنیاد نخبگان کشور گفت: تعداد شرکت‌های دانش بنیان در حال افزایش است و اکنون تعداد آن به چهار هزار و ۵۰۰ شرکت رسیده است.

سورنا ستاری در حاشیه آیین افتتاح نخستین مرکز رشد واحدهای فناور خیرساز کشور در شهمیرزاد استان سمنان، افزود: فروش تولیدات شرکت‌های دانش بنیان سال گذشته ۳۰ درصد افزایش یافته و امسال نیز روند افزایشی فروش محصولات شرکت‌های دانش بنیان ادامه دارد.

وی ادامه داد: دانش بنیان‌ها۱۴۰ نوع خدمت دریافت می‌کنند.

ستاری با شرکت در آیین افتتاح نخستین مرکز رشد واحدهای فناور خیرساز کشور در شهمیرزاد و در جلسه شورای اداری استان سمنان و بازدید از چند واحد تولیدی دانش بنیان به این استان سفر کرد.

دستور معاون رئیس‌جمهوری برای پیگیری ماجرای ازدواج دختربچه ۹ ساله

سرویس شهرستان‌ها: معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری در پی انتشار فیلمی از عقد یک دختربچه ۹ ساله برای مردی ۳۰ ساله در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی در شهرستان بهمئی استان کهگیلویه و بویراحمد نسبت به این فیلم واکنش نشان داد.

پس از انتشار فیلمی از عقد این دختربچه از سوی یکی از خبرنگاران در توییتر، معصومه ابتکار درپیامی نوشت: آقای حیدریان، سلام لطفا اطلاعات دقیق تر از محل، مشخصات و زمان این اتفاق در دایرکت بفرمایید تا از استان برای رسیدگی دنبال کنیم.

در این فیلم که در شهر لیکک مرکز شهرستان بهمئی در استان کهگیلویه و بویراحمد است دختر بچه ۹ ساله به عقد موقت پسر ۳۰ ساله در آمده است.

«حکمت‌الله سنایی» فرماندار بهمئی هم گفت: من هم این فیلم را در فضای مجازی مشاهده کرده‌ام اما از جزئیات آن بی خبرم.

وی با بیان این که این مسأله اتفاق تلخی است، اضافه کرد: به دلایلی ترجیح می‌دهم در این خصوص صحبت نکنم.

فرماندار بهمئی گفت: البته بی‌تفاوت نخواهیم بود و دستگاه‌های متولی در حدود اختیارات و وظایف قانونی ورود خواهند کرد.

نمایش طنز!

فیلم خود گویای همه چیز است. آدم بزرگ‌ها منتظرند تا عاقد خطبه را بخواند و هلهله و شادی کنند. عروس خانم آنقدر هیجان‌زده است که بله را بگوید که متوجه نمی‌شود خانواده عروس دارند برای زیر لفظی با خانواده داماد چانه می‌زنند و حتی نمی‌داند او را به عقد موقت مدت‌دار جوان ۳۰ ساله درمی‌آورند.حتی مزه پرانی داماد را هم متوجه نمی‌شود آنجا که می‌گوید کارت خوان بیاورید تا زیر لفظی را بپردازم. عروس خانم آنقدر در دنیای بچگی‌اش غرق است که متوجه شوخی زنی که می‌گوید ۱۰ هزار تومان بدهید تا جواب بدهد هم نمی‌شود.

فاطیما وقتی بله را می‌گوید حتی معنی ازدواج را هم نمی‌داند. شادی‌اش از این ازدواج مثل شادی کودکی است که عروسک زیبایی دریافت کرده یا وارد پارک‌بازی شده است. داستان کوچکش را بعد از آن بله عجیب و غریب که فقط از یک دختر بچه ۹ ساله بر می‌آید جلو صورتش می‌گیرد تا ذوق‌زدگی‌اش از ورود به خاله‌بازی جدید را پنهان کند. صحنه‌ای که چیده شده نشان می‌دهد لباسی تنش کرده‌اند و بی هیچ توضیحی بر سر سفره عقد موقت با جوان ۳۰ ساله نشسته است. همه چیز به یک نمایش طنز شبیه است اما کل کشیدن زنان آخر کار برای بله کودکانه‌ای که گفته می‌شود، نشان می‌دهد واقعیت دارد و چقدر هم تلخ است.

دوربین فیلمبرداری که روی چهره آدم‌ها می‌چرخد نشان می‌دهد خانواده‌هایی که این کودک و این جوان را کنار هم نشانده‌اند تا زن و شوهری آنها را جار بزنند، جزو طبقه متمول و رو به بالا هستند. چهره‌ها و طلاهای آویزان، پوشش، خانه، تزئینات، مبلمان و حتی نحوه صحبت کردن خانواده‌ها همه چیز را نشان می‌دهد اما اتفاقی که در فیلم در حال وقوع است نشان از یک خلاء فرهنگی عمیق دارد.

همه آن آدم‌هایی که آنجا و در آن قاب تصویر شادی می‌کنند می‌دانند چه اتفاقی در حال وقوع است به جز خود فاطمیا که این را می‌توان از چهره‌اش خواند.

مدیرکل امور اجتماعی استانداری کهگیلویه و بویراحمد گفت: از لحاظ قانونی برای ثبت ازدواج دختران زیر ۱۳ سال باید اجازه دادگاه و مجوز رشد از پزشکی قانونی ارائه شود. در غیر این صورت، محضردارانی که این ازدواج‌ها را ثبت کنند تخلف کرده‌اند.

حجت‌الاسلام علی فتح میرمحمدی اضافه کرد: بعضاً عقد انجام می‌گیرد اما ازدواج تا زمان قانونی اتفاق نمی‌افتد اما از دیدگاه عرفی، حقوقی، جامعه شناسی، بهداشتی و قانونی ازدواج دختران زیر ۱۴ یا ۱۵ سال اشتباه و مذموم است.

عقد منتفی شد

رئیس دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد گفت: در پی انتشار فیلمی از عقد دختربچه حدود ۹ سال برای مرد ۳۰ساله در فضای مجازی و شبکه های اجتماعی به محض اطلاع از این خبر دستور لازم برای بررسی موضوع به رئیس دادگستری بهمئی داده شد که متعاقباً رئیس دادگستری این شهرستان نیز اقدامات لازم را انجام داد.

حسن نگین تاجی افزود: پس از شنیدن این موضوع طرفین شناسایی و از خانواده‌های دو طرف و عاقد دعوت کردیم، سپس اظهارات پدر دختر، پسر، دختر و عاقد را شنیدیم.

وی افزود: سن دختر براساس کپی شناسنامه ارائه شده ۱۱ سال می‌شود و پسر نیز ۲۲ سال دارد.

به گفته رئیس دادگستری استان کهگیلویه و بویراحمد، انگیزه این اقدام صرفا به خاطر ایجاد محرمیت با عقد موقت، شناخت بیشتر و رفت و آمد زوج با خانواده زوجه برای جلوگیری از برخی مسائل و مشکلات شرعی بوده است تا این‌که پس از گذشت ۶ سال اقدام به عقد رسمی و ازدواج کنند.

نگین تاجی اضافه کرد: احساس کرده ایم دختر در این سن آگاهی پایینی دارد و مصلحت نیست عقد موقت هم باشد ولی زوجه مهریه مشخص شده را بذل کرده(بخشیده است) و زوج مدت باقی مانده عقد را (عقد دو ساله بود) بذل کند. بنابراین عقد منتفی و منحل شد تا در زمان مقتضی با اخذ مجوز از دادگاه اقدام به ازدواج رسمی کنند.

وی گفت: طرفین این مسأله را پذیرفتند و با رضایت طرفین عقد موقت از بین رفت. با توجه به این‌که مطابق ماده ۵۰ قانون حمایت از خانواده ـ مربوط به سال ۱۳۹۱ـ اقدام زوج، ولی زوجه و عاقد جرم بوده، جهت برخورد قضایی متناسب به دادسرای عمومی و انقلاب شهرستان بهمئی و دادسرای ویژه روحانیت اعلام جرم شده است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته درخور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می کنیم:
- موضوع پیام‌ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
- پیام‌ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن‌ها خودداری شود.
- خوانندگان محترم شهرستانی در پیام‌هایشان، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند .
- چاپ پیام‌ها براساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

انتظار ۷ ساله برای پیوستن به شبکه فاضلاب شهری

حدود ۷ سال پیش برای اتصال مجتمع مسکونی ۶ واحدی خود واقع در چیذر، خیابان پارس، بن‌بست قشقایی به شرکت آب و فاضلاب منطقه مراجعه کردیم و بابت آن هم ۳ میلیون تومان پرداختیم، اما تاکنون از واگذاری انشعاب فاضلاب خبری نشده و این در حالی است که واحدهای مجاور و روبروی ما به شبکه فاضلاب وصل شده است، از شرکت آب و فاضلاب تهران تقاضای رسیدگی داریم.

از ساکنان بن‌بست قشقایی چیذر

کمک به همنوعان در ایام حج نهادینه شود

در دین مبین اسلام بر هر مسلمانی که از تمکن مالی برخوردار است، زیارت خانه خدا واجب است، اما در شرایطی که برادران دینی و مسلمان او در فقر و تنگدستی زندگی می‌کنند، چندین بار مشرف شدن به خانه خدا واجب نیست. از نویسندگان محترم روزنامه اطلاعات و دیگر نویسندگان انتظار می‌رود با نوشتن یادداشت‌هایی دربارهٔ اجر و پاداش کمک به نیازمندان در عوض چندین بار حج رفتن، در این خصوص برخی از افراد متمول را آگاه کنند. امید است به همت و پشتکار مردم و اصحاب رسانه فرهنگ یاری رساندن به همنوعان نیازمند در ایام حج نهادینه شود.

هموطن

کسانی که در رویا زندگی می کنند اهل عمل نیستند

خواننده‌ای از طرح آقای قالیباف برای ایجاد رودخانه مصنوعی در وسط شهر تهران یاد کرده بود که باید پرسید اگر به فرض آقای قالیباف حتی می‌توانست بستر مناسب برای رودخانه مزبور را با هزینه چندین هزار میلیارد تومانی آن فراهم کند، آب رودخانه را از کدام منبع دائمی تأمین می‌کرد؟ می‌گویند کسانی که در رویا زندگی می‌کنند، اهل عمل نیستند و اگر هم دست به عمل بزنند، به نتیجه دلخواه نمی‌رسند.

خواننده روزنامه اطلاعات

محمودآباد گوهردشت به شهر بدل شود

با این‌که منطقه محمودآباد گوهردشت کرج بیش از ۲۰ هزار نفر جمعیت دارد، علیرغم وعده‌های مسئولین درمورد تبدیل آن به شهر هنوز اقدامی نشده است.

میربزرگی

مشکل اصلی سهمیه‌بندی‌های متعدد و جوراجور است

دکتر محمدعلی فیاض‌بخش در مکتوب هفته «دندان هیولا» که به مسائل مرتبط با آزمون‌های ورودی دانشگاه‌ها پرداخته، به نظر من به مشکل اصلی این آزمون‌ها توجه نکرده‌اند که آن هم سهمیه‌بندی‌های متعدد و جوراجور دانشگاه‌ها است که موجب سرخوردگی شمار قابل توجهی از متقاضیان آن‌ها و در مواردی یأس و افسردگی آنان و در نهایت عدم انتخاب رشته نهایی واجدان شرایط پذیرش در دانشگاه‌ها شده است.

تلفن به خط ارتباطی

جنسیت نمی‌تواند ملاک انتخاب وزیران باشد

خانم شهروندی اظهارنظر کرده است فقط آقایان باید بتوانند وزیر و بخصوص وزیر آموزش و پرورش شوند که به نظر من عقیده نادرستی است و انسانیت‌گرایی در گزینش وزیران باید جایگزین جنسیت‌گرایی شود. در گذشته بسیاری از معاونان وزیران خانم بوده‌اند که در سخت‌ترین شرایط کاری، تصمیم‌های عاقلانه و کارساز گرفته‌اند و آن‌ها را به وزیران مرد منتقل کرده‌اند و به این ترتیب موجب حل مشکلات و پیشرفت برنامه‌ها شده‌اند. ملاک گزینش وزیران باید دانش، تجربه، تخصص، تعهد و خلاقیت و نه جنسیت آنان باشد.

خانم پژوهشگر

عدم تعویض دفترچه بیمه به دلیل وارد نشدن کاغذ

برای تعویض دفترچه بیمه‌ام مراجعه کردم که پاسخ دادند چون کاغذ این دفترچه‌ها وارد کشور نشده است، تعویض نمی‌شوند. آیا سازمان‌های بیمه‌گر و دولت از نظر مالی آنقدر ناتوانند که حتی نمی‌توانند کاغذ دفترچه‌های بیمه را تأمین کنند؟

متقاضی تعویض دفترچه بیمه

به شکایت‌هایم رسیدگی نمی کنند

سال گذشته ۹ مورد شکایت‌هایم را در سایت سازمان بازرسی کل کشور ثبت کردم و در مورد آن‌ها با نمایندگان مجلس هم تماس گرفتم، اما به نتیجه‌ای نرسیدم. مسئولان چرا به شکایت‌های مردم رسیدگی نمی‌کنند و به تظلم خواهی‌هایشان پاسخ نمی‌دهند؟

سیدکاظم مستجابی ـ سراب (آذربایجان شرقی)

ساخت‌وساز در حریم جوی آب موجب سیلاب می‌شود

در خیابان شهید مرتبی چالوس جوی آبی جاری است که از جانب بازار می‌آید، از برابر دادستانی نظامی می‌گذرد و به سمت یکی از روستاهای مجاور می‌رود. با این‌که جوی آب یاد شده حریم دارد، در محدوده آن خانه و مغازه ساخته‌اند که به هنگام باران موجب جاری شدن سیل در خیابان اصلی شهید مرتبی می‌شود و معلوم نیست که شهرداری چالوس برای حل این مشکل چرا اقدامی نمی‌کند؟

شهروندی از چالوس

سؤال درباره برنامه‌های برنده باش و عصرجدید

مسئولان صداوسیما پاسخ دهند چه تفاوتی بین برنامه‌های «برنده باش» و «عصر جدید» وجود دارد که به وسیله اپلیکیشن خاصی پول‌های هنگفتی درمی‌آورند و جوایز هنگفت و چندصد میلیون تومانی می‌پردازند؟ درآمدهای چنین برنامه‌هایی را چه کسانی کسب می‌کنند و به مصرف چه کارهایی می‌رسانند؟ با چنین برنامه‌هایی باید گفت صد رحمت به بلیت‌های بخت آزمایی سابق که محل دخل و خرج آن‌ها مشخص بود!

بیننده تلویزیون

متروی تهران ـ دریای خزر چه سودی می توانست داشته باشد؟

اظهارنظرهایی درباره برنامه‌های آقای قالیباف در زمان تصدی شهرداری تهران را در خط ارتباطی خواندم و برایم این سؤال پیش آمد که آیا بهتر نبود ایشان به جای فکر کردن به طرح‌های غیرعملی مانند احداث مترو از زیر کوه‌های البرز به دریای خزر و یا ایجاد رودخانه مصنوعی در شرایط کم‌آبی تهران، برای توسعه و عمران و آبادی روستاهای محروم کشور طرح و ایده می‌دادند تا ساکنان آن‌ها به دلیل مشکلات مالی ناچار نباشند به تهران مهاجرت کنند، حاشیه‌نشین شوند و به مسافربری و دستفروشی و دیگر مشاغل کاذب بپردازند؟ اگر آقای قالیباف برایِ احداث کانال آب از خلیج‌فارس تا دریای خزر طرح قابل اجرا می‌دادند، اقلا منافع آن نصیب تمامی هموطنان می‌شد، اما از اجرای طرح‌هایی مانند متروی پایتخت ـ دریای خزر و یا ایجاد رودخانه مصنوعی در وسط شهر تهران، چه سودی می‌توانست نصیب هموطنان مناطق محروم کشورمان شود؟

وطن اوغلی ـ هریس (آذربایجان شرقی)

توضیح درباره خط کشی جاده اصفهان ـ مَرَق

پیام داده بودم که جاده پررفت و آمد اصفهان ـ مرق واقع در ابتدای جاده شیراز نیاز به خط‌کشی دارد، اما متاسفانه نام این روستا به اشتباه «مَرو» چاپ شده است که نیاز به توضیح دارد.

از کارکنان بهداری «مرق» استان اصفهان

شهرداری منطقه۷ مشکل را حل کند

در انتهای بن‌بست رامیان خیابان شهید نامجو خانه متروکه‌ای قرار دارد که به محل تجمع حیوانات موذی مانند سوسک و موش و مارمولک بدل شده و سلامت و بهداشت ساکنان کوچه را به خطر انداخته است، در ضمن از آن محل به عنوان انبار پیمانکار شهرداری استفاده می‌شود به نظر شهرداری منطقه۷ اگر ملک یادشده شخصی است، صاحب‌اش را از نظر قانونی ملزم به پاکسازی مستمر آن کنند و اگر به شهرداری تعلق دارد، چرا از نظافت دائمی آن طفره می‌روند و کسی هم پاسخگو نیست.

از ساکنان بن‌بست رامیان

پاسخ مسئولان

پاسخ شرکت مترو درباره نظافت ایستگاه محمدیه

احتراماً، خواهشمند است درخصوص مطلب مندرج در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۳۹۸/۶/۵ با عنوان ایستگاه محمدیه در رتبه آخر ایستگاه‌های مترو قرار دارد، پاسخ زیر به چاپ برسد:

ضمن عذر خواهی از مسافران گرامی و همچنین سپاس از آن روزنامه وزین به دلیل انعکاس دیدگاه‌ها و نقطه نظرات خوانندگان گرامی و ظرفیت ایجاد شده برای تعامل و پاسخگویی به شهروندان و مسافران گرامی مترو، به اطلاع می‌رساند نظافت ایستگاه متروی میدان محمدیه به شکل مداوم روزانه و شستشوهای شبانه ماهیانه همانند سایر ایستگاه‌های خطوط، با همان تعداد نفرات و همان اقلام نظافتی انجام می‌شود، همچنین قرار است که در مورخه ۱۳۹۸/۶/۲۳ نیز نسبت به گندزدایی، سم‌پاشی و مبارزه با جوندگان در این ایستگاه اقدام شود.

محسن محمدیان ـ مشاور مدیرعامل و مدیر ارتباطات و امور بین‌الملل

صالحی امیری: والیبال از امیدهای ورزش ایران است

رئیس کمیته ملی المپیک با بیان این که والیبال از امیدهای ورزش ایران است، گفت: مراسم تقدیر از تیم‌های ملی رده‌های سنی مختلف این رشته به زودی با حضور وزیر ورزش برگزار می‌شود.

سیدرضا صالحی امیری دیروز در جمع خبرنگاران، اظهار داشت: امروز جلسه ستاد عالی بازی‌ها برگزار و سه فدراسیون گزارش‌های مربوط به خود را ارائه کردند.

وی با بیان این که ابتدا فدراسیون ناشنوایان برنامه‌های خود را ارائه کرد، گفت: جامعه ناشنوایان مظلوم واقع شده است. کاروان این فدراسیون با ۱۷۰ ورزشکار راهی بازی‌های ناشنوایان می‌شود و کمیته و وزارت حداکثر کمک را به آنان خواهند داشت. از رسانه‌ها هم می‌خواهم توجه بیشتری به این قشر داشته باشند.

صالحی‌امیری تصریح کرد: سپس رئیس فدراسیون شمشیربازی گزارش خوبی ارائه کرد. این رشته اولین سهمیه را در بخش انفرادی کسب کرده و سهمیه تیمی هم تا حدود زیادی قطعی است. شرایط شمشیربازی ایران رو به تعالی است و آینده روشنی دارد.

این مقام مسئول در ادامه، گفت: فدراسیون والیبال هم گزارش خود را ارائه کرد و می‌دانیم که این رشته از امیدهای ایران در المپیک است. والیبال جهش بزرگی داشته است و اکنون مردم علاقه‌زیادی به آن دارند و در کنار فوتبال قرار گرفته است.

وی با بیان این که برنامه‌های فدراسیون والیبال در این نشست تصویب شد، ادامه داد: باید از قهرمانان والیبال در همه رده‌ها و اعضای کادر فنی تشکر کنم.

دبیر: خطر تعلیق کشتی ایران رفع شد

دخل و خرج فدراسیون کشتی با هم نمی‌خواند

رئیس فدراسیون کشتی گفت: هر فردی که ریاست کشتی را بر عهده بگیرد متوجه می‌شود که دخل و خرج فدراسیون با هم نمی‌خواند.

علیرضا دبیر دیروز در مجمع فوق‌العاده فدراسیون کشتی در محل آکادمی ملی المپیک، اظهار داشت: رسول خادم و حمید بنی تمیم که هیچ، هر فردی که ریاست این فدراسیون را برعهده بگیرد متوجه می‌شود که دخل و خرج فدراسیون باهم نمی‌خواند. حق هیات‌هاست که بدانند در فدراسیون چه می‌گذرد. در این جلسه به دنبال آبروریزی کسی نیستیم.

وی افزود: ۳۸ اعزام بین المللی را پیش رو داریم و برای اعزام تیم ملی به قزاقستان یک و نیم میلیارد تومان هزینه خواهد شد.

رئیس فدراسیون کشتی بیان کرد: یکی از دلایل این که رسول خادم از این فدراسیون رفت این بود که به مشکل مالی برخورد کرد و نتوانست از پس هزینه‌ها برآید. در دوران سرپرستی بنی تمیم و بهروز نعمتی حدود پنج و نیم میلیارد بدهی به وجود آمد که این میزان طبیعی بوده است.

وی ادامه داد: هنگامی که ریاست این فدراسیون را پذیرفتم، ۱۲ هزار دلار برای هفت اعزام بدهی داشتیم که فردا (امروز) این مبلغ تسویه می‌شود. کشتی باید بودجه ۲۵ میلیارد تومانی داشته باشد در این غیر این صورت با مشکل مواجه خواهد شد.

دبیر یادآور شد: بدهی‌های فدراسیون روز به روز بیشتر می‌شود و شاید تیم نونهالان را به مسابقات قهرمانی آسیا اعزام نکنیم.

وی تاکید کرد: کشتی فرنگی از سال گذشته شش جوان زیر ۲۰ سال را وارد تیم کرده است. در مسایل فنی هرگز دخالتی نداشتم. نباید بی‌دلیل فضای نامناسبی را برای این تیم درست کنیم بلکه تیم کشتی فرنگی جوان است و شاید تا دو سال دیگر جواب بگیرد.

رئیس فدراسیون کشتی گفت: ۳۵ روز است که مقام ریاست کشتی را پذیرفته‌ام و برای توسعه این رشته جریان جدیدی را راه می‌اندازم و به طور حتم برای انستیتو کشتی برنامه خواهم داشت.

وی در بخش دیگری از سخنانش به حضور مربیان در کنار سرمربیان اشاره کرد و افزود: حضور مربیان فعال استان‌ها در کنار سرمربیان لازم است و این موضوع در فدراسیون کشتی مصوب خواهد شد.

دبیر ادامه داد: تا ۲۸ اسفند ۹۷، بدهی مالیاتی فدراسیون ۲۹ میلیارد تومان بوده است و متاسفانه مالیات از حقوق کارمندان بیمه و مالیات کسر شده که پرداخت نشده است.

وی همچنین بیان کرد: سال گذشته جوایز به کشتی ایران ۱۹ میلیارد و ۷۰۰ میلیون تومان کمک کرد و امسال این مبلغ ۱۲ میلیارد تومان بوده است.

لغو خطر تعلیق کشتی ایران

رئیس فدراسیون کشتی در حاشیه جلسه مجمع فوق العاده فدراسیون کشتی در جمع خبرنگاران هم گفت: کشتی نسبت به گذشته عقبگرد داشته است و برای جبران برخی مشکلات باید تلاش خود را چهار برابر کنیم.

«علیرضا دبیر» افزود: تمرینات تیم ملی برای صعودبه المپیک ۲۰۲۰ را همراه با «حمید سوریان» رصد می کنیم ولی اگر صحبت من را در بعد فنی قبول می‌کنید، باید بگویم در کشتی عقبگرد داشته ایم.

وی افزود: البته این موضوع فنی است و برای احیای کشتی نیاز به زمان داریم، اما شک نکنید که ما برای تبدیل مدل برنز به نقره و طلا تمام تلاش خود را به کار می بندیم،ولی فدراسیون جدید تیم یازدهم جهان را تحویل گرفت و نمی توان توقع داشت که این تیم را یک شبه قهرمان المپیک کنیم.

رئیس فدراسیون کشتی به موارد مطرح شده در مجمع اشاره کرد و گفت: این مجمع به درخواست من برگزار شد تا حسابرسی سال ۹۷ انجام شود و گزارشی در زمینه تغییر و تحولات ارائه دادم.

وی در باره چگونگی پرداخت این بدهی اظهار داشت: بودجه دو سال آینده فدراسیون گرفته و هزینه شده است و باید برای تامین مالی دو سال آینده برنامه ریزی کرد. بر همین اساس باید در حوزه مالیات، بخشودگی جرایم، گفتگو با طلبکاران، جذب حامی مالی، کمک‌های وزارت ورزش و جوانان و کمیته ملی المپیک و کمک‌های هیات‌های استانی پیگیری های لازم را برای کاهش این بدهی انجام دهیم.

دبیر در این زمینه که آیا خطر تعلیق همچنان کشتی ایران را تهدید می کند یا خیر؟ اظهارداشت: در سفری که به همراه سوریان به کشور روسیه انجام دادیم، توانستیم خطر تعلیق را لغو کنیم که بزرگترین دستاورد ما بود؛ البته این اتفاق هم با توجه به ارتباط شخصی ما با فدراسیون جهانی صورت گرفت، اما بدهی ۴ میلیارد تومانی فدراسیون ایران به فدراسیون جهانی کشتی همچنان باقی است.

وی با اشاره به صحبت های «بنی تمیم» (سرپرست سابق فدراسیون کشتی) درباره بخشودگی ۹۵ درصدی بدهی مالیاتی فدراسیون کشتی بیان کرد: احتمالا صحبت او درباره بخشودگی جرایم مالیاتی بوده نه اصل مالیات. اما موضوعی که ما به آن اعتقاد داریم و باید کارشناسی شود این است که آیا فدراسیون های ورزشی ملزم به پرداخت مالیات هستند یا خیر؟ دوم این که کمک‌های دولت به فدراسیون ها هم شامل مالیات می شود یا خیر؟ سوم موضوع مالیات بر حقوق است که کارمندان فدراسیون کشتی هم باید مالیات پرداخت کنند. همه این مباحث باید کارشناسی و تفکیک شود.

دبیر تاکید کرد: این گونه نیست که بدهی ۲۳ تا ۲۴ میلیاردی مالیاتی بخشوده شود، اما این که بعضی از دوستان می گویند این رقم بدهی نیست بلکه بدهی مالیاتی است، درست نیست،زیرا بدهی، بدهی است.

سلطانی فر: انتظار از ویلموتس موفقیت تیم ملی فوتبال است

وزیر ورزش و جوانان گفت: از مارک ویلموتس انتظار داریم همان طور که به عنوان استراتژی خود مطرح کرده است تیم ملی فوتبال ایران هم نتیجه خوبی به دست آوردو هم با هجومی بازی کردن تیم محبوبی باشد.

به گزار پایگاه خبری وزارت ورزش و جوانان، مسعود سلطانی فر در نشست صمیمانه با کادرفنی تیم ملی فوتبال ایران که دیروز برگزار شد،انتخاب ویلموتس را مثبت ارزیابی کردوافزود:انتخاب ویلموتس در یک فرآیند کارشناسی با مشاوره های فراوان صورت گرفت و با توجه به بررسی های مختلف با توجه به نتایجی که این سرمربی در گذشته کسب کرده و از کارنامه خوبی برخوردار است،می تواند برای تیم ملی ایران هم موثر واقع شود.

وی با اشاره به موفقیت های تیم ملی فوتبال ایران در طی سال های گذشته ،تصریح کرد: تیم ملی فوتبال ایران در فاصله دو هفته به پایان مرحله مقدماتی جام جهانی صعود مقتدرانه ای به جام جهانی ۲۰۱۸ روسیه داشت و در جام جهانی هم با وجود آن که به اصطلاح کارشناسان در گروه مرگ با قهرمان آفریقا،اروپا و جهان همگروه بودیم ،چهار امتیاز بدست آورد و بهترین نتایج تیم ملی ایران در پنج دوره حضورش در جام جهانی رقم خورد ،اما علی رغم نتایج بسیار خوب و دستاوردهایی که به ارمغان آمد، تیم ملی فوتبال کشورمان منتقدانی از جهت روش بازی داشت ،اما تفکرات سرمربی جدید تیم ملی با استقبال مردم مواجه شده است.

وزیر ورزش با اشاره به موفقیت های ورزش ایران در عرصه جهانی در یکسال و نیم اخیر در رشته های مختلف فوتبال، والیبال،کاراته، تکواندو، هاکی،شطرنج و شمشیربازی،افتخارات ورزش ایران را موجب خوشحالی و نشاط مردم ارزیابی کرد و تصریح کرد: موفقیت های فوتبالی ما در سطح آسیا و جهان ارزش ویژه ای در بین مردم دارد،چرا که رشته فوتبال نه در ایران بلکه در همه دنیا مخاطبان فراوانی دارد.

سلطانی فرادامه داد: من انتظار دارم ویلموتس با همان تجربه خوبی که از آن برخوردارند کارشان را به نحوی دنبال کنند که مستقل از هر فشاری خودش تصمیم گیری کند و هماهنگی ها و تعامل با رسانه ها را هم بر عهده سرپرست و رئیس فدراسیون فوتبال بگذارد. وی از برگزاری المپیاد استعدادهای برتر ورزش ایران به عنوان یکی از برنامه های موثر در پرورش نخبگان ورزش ایران نام بردو افزود: این المپیاددر سطح پایه با شرکت ۴۰۰ هزار نفر شروع می شودو برگزاری مرحله نهایی به رقابت ۳۰ هزار نفر منجر خواهد شدو در این فرایند‌استعدادهای برتر دررشته های مختلف ورزشی شناسایی و مورد نظارت و پشتیبانی واقع خواهند شد. سلطانی فر با ابراز خرسندی از برگزاری نشست سرمربی تیم ملی فوتبال با مربیان لیگ برتری از ویلموتس به دلیل نظارت بر تیم های ملی پایه به عنوان یکی از نقاط مثبت کارنامه این سرمربی نام بردوابراز امیدواری کرد:حضور ویلموتس در ایران با نتایج و دستاوردهای خوبی همراه شودو حمایت وزارت ورزش و جوانان از برنامه های فدراسیون فوتبال به منظورحضور قدرتمندانه دررقابت‌های مهم پیش روبا قدرت ادامه یابد.

راه سخت «رستمی» برای بازگشت به سکوی المپیک

ملی‌پوش دسته ۹۶ کیلوگرم وزنه‌برداری ایران برای بازگشت به سکوهای قهرمانی راه سختی در پیش‌رو دارد و باید با حریفان داخلی و خارجی مبارزه کند.

«کیانوش رستمی» که تمرینات انفرادی وی شهره عام و خاص است و دانش هیچ مربی را در این رشته قبول ندارد این روزها در زمره نفراتی قرار دارد که باید برای حضور در رقابت‌های قهرمانی جهان در این رشته عازم تایلند شود.

هر چند که این ورزشکار خود را تافته جدا بافته از سایر وزنه‌برداران می‌داند و فدراسیون هم نسبت به رفتارهای وی مدارای لازم را به عمل می‌آورد اما اوت کردن وزنه در بازی‌های آسیایی ۲۰۱۸ جاکارتا موجب شد تا این مداراها کمرنگ تر شود و کیانوش به حاشیه برود، اما وی دست از تلاش برنداشت و مصدومیت چندباره کتف «سهراب مرادی» موجب شد تا وی به عنوان نفر نخست دسته ۹۶ کیلوگرم در لیست اعزام به تایلند قرار گیرد.

اگر بنا باشد که مصدومیت مانعی برای حضور مرادی در المپیک باشد این سئوال در ذهن دوستداران رشته وزنه‌برداری شکل خواهد گرفت که در نبود دارنده مدال طلای ریو ۲۰۱۶، مدال طلای دسته ۹۶ کیلوگرم به وزنه بردار ایرانی خواهد رسید؟ پاسخ به این پرسش با شرایط کنونی بدون شک منفی است، زیرا در این دسته، دو ورزشکار دیگر هستند که رکوردی به مراتب بهتر از رستمی دارند.

«تیان تائو» چینی که در المپیک ریو ۲۰۱۶ مغلوب رستمی شد به دسته ۹۶ آمده است و شرایطی به مراتب بهتر از کیانوش دارد. وی تیرماه با مهار وزنه ۲۳۱ کیلوگرمی در دو ضرب، رکورد این دسته را به نام خود ثبت کرد؛ پیش از این سهراب مرادی با ۲۳۰ کیلوگرم عنوان‌دار بود. دیگر وزنه برداری که می‌تواند در تایلند مانعی برای مدال طلای رستمی باشد «ابراهیم فارس الباخ» قطری است. وزنه برداری که در دو ضرب ۲۲۵ کیلوگرم را به ثبت رسانده است.

این شرایط نشان می‌دهد که رستمی هر چند به هوای ایستادن بر سکوی قهرمانی دسته ۹۶ کیلوگرم، به این وزن آمده است اما کسب مدال طلای او در این دسته بسیار دشوار به نظر می‌رسد؛البته احتمالات را در وزنه‌برداری نمی‌شود منکر بود، احتمالاتی که با لغزش رقیبان ممکن است کیانوش را به سمت سکوی قهرمانی سوق دهد.

لازم است این ورزشکار برای رسیدن به مدال طلا دسته ۹۶ کیلوگرم از خودسری‌های یک‌جانبه پرهیز کند و با بازگشت به تمرینات و استفاده از تجربیات پیشکسوتان بتواند بهترین تصمیم را برای مدال زرین المپیک بگیرد. کیانوش که در المپیک ریو ۲۰۱۶ با تمرینات انفرادی توانسته بود بر تیان تائو غلبه کند باید تا المپیک ۲۰۲۰ توکیو تلاش‌های خود را بیش از پیش کند، تلاش‌هایی که بتواند با ثبت رکورد از رقیبان داخلی و خارجی عبور کند و به پرافتخارترین ورزشکار المپیکی ایران تبدیل شود.

سفارت ایران در مالزی مشکل انتقال کمک‌های AFC را حل کرد

فدراسیون فوتبال از سفارت جمهوری اسلامی ایران در مالزی تقدیر و اعلام کرد با تلاش‌های مرضیه افخم سفیر ایران در مالزی مشکل انتقال کمک‌های کنفدراسیون فوتبال آسیا حل شد.

فدراسیون فوتبال در توضیحی برای ایرنا نوشت: با تلاش مستمر مرضیه افخم سفیر جمهوری اسلامی ایران در مالزی به همراه کارکنان زحمتکش سفارت مذکور، علی رغم این که وزارت امور خارجه به صورت کتبی به فدراسیون اطلاع داده بود که امکان محدودیت برای انتقال پول‌ها پس از اعمال تحریم ها وجود دارد لیکن درایت و توانمندی سفارتخانه ایران در مالزی باعث شده است که تاکنون برای انتقال کمک های کنفدراسیون فوتبال آسیا هیچ مشکلی ایجاد نشود.

فدراسیون فوتبال بر این اساس از تلاش های وزارت امورخارجه و سفارت جمهوری اسلامی ایران در مالزی کمال تقدیر را دارد.

بسکتبال چین هم از سهمیه المپیک دور شد

روز سوم جام‌جهانی بسکتبال با شکست تیم ملی چین برابر حریفش به پایان رسید تا تمام آسیایی‌ها بازنده روز سوم این تورنمنت باشند.

در ادامه رقابت‌های روز سوم جام‌جهانی ۲۰۱۹، تیم ملی چین به مصاف لهستان رفت و در پایان این مسابقه نزدیک با نتیجه ۷۹ بر ۷۶ مغلوب شد و اولین باختش را تجربه کرد. این مسابقه در وقت قانونی ۷۲ بر ۷۲ تمام شد و اگر چینی‌ها برنده می‌شدند در آستانه کسب سهمیه المپیک قرار می‌گرفتند.

نتایج دیدارهای روز سوم به شرح زیر است:

آنگولا ۶۱ – ایتالیا ۹۲
ساحل عاج ۷۱ – ونزوئلا ۸۷
آرژانتین ۹۴ – نیجریه ۸۱
ایران ۶۷ – تونس ۷۹
فیلیپین ۶۷ – صربستان ۱۲۶
روسیه ۸۷ – کره‌جنوبی ۷۳
پورتوریکو ۶۳ – اسپانیا ۷۳

در ادامه این رقابت ها تیم ملی بسکتبال کشورمان امروز به مصاف اسپانیا می رود.

اخبار کوتاه خارجی

بیرانوند نامزد دریافت جایزه رویایی AFC

نام دروازه بان پرسپولیس و فدراسیون فوتبال ایران در بین نامزدهای اولیه جایزه رویایی AFC دیده می شود.

به گزارش سایت AFC، کنفدراسیون فوتبال آسیا در بخش جوایز سالیانه خود بخش رویایی ایجاد کرده است که در قسمت های مختلف توسعه و پیشگامی بخش های مرتبط با فوتبال آسیا را نشان می دهد.

بر این اساس، فدراسیون فوتبال ایران در قسمت فدراسیون الهام بخش قرار گرفته است.

کانون هواداران پرسپولیس در بخش NGO و علیرضا بیرانوند دروازه بان تیم ملی فوتبال ایران و پرسپولیس در بخش انفرادی نامزد شده اند.

دفاع نادال از جوکوویچ

تنیسور اسپانیایی از مرد شماره یک جهان به خاطر هو شدن توسط تماشاگران دفاع کرد.

تنیس اپن آمریکا به روزهای پایانی‌اش نزدیک می‌شود. فقط ۱۶ تنیسور در بخش مردان و بانوان انفرادی باقی ماندند. یکی از کسانی که شانس قهرمانی دارد رافائل نادال است.

نادال درباره حمایت هواداران اظهار داشت: صادقانه بگویم توصیف این احساسات خیلی سخت است. این حمایت گسترده باورنکردنی و خاص است. پیش از رقابت‌ها هم گفتم همیشه محبوبیت خاصی در نیویورک دارم. آنها خیلی پرانرژی و پرشور هستند و به من در زمین کمک می‌کنند.

وی نسبت به هو شدن نواک جوکوویچ به دلیل آسیب دیدگی و انصراف از ادامه بازی برابر استن واورینکا گفت: نتوانستم پایان این دیدار را تماشا کنم اما بر این باورم که جوکوویچ شایسته هو شدن نبود. او یک ورزشکار فوق العاده است. اگر در آن زمان از بازی انصراف داد به این خاطر بود که دیگر نمی‌توانست ادامه دهد. به همین خاطر برای او بیش از همه دردناک است تا کسانی که در ورزشگاه حضور داشتند. او پس از فتح ویمبلدون یک فرصت را برای قهرمانی در یک گرند اسلم از دست داد.

رونالدو بازیکن سال پرتغال شد

ستاره پرتغالی یوونتوس عنوان بهترین بازیکن سال کشورش را به دست آورد.

به گزارش ایسنا ، کریستیانو رونالدو با وجود جدایی از رئال مادرید فصل خوبی را تجربه کرد. او با یووه قهرمانی در سری A و جام حذفی ایتالیا را به دست آورد و توانست با تیم ملی پرتغال هم قهرمان لیگ ملت های اروپا شود.

در مراسمی که سالانه فدراسیون فوتبال پرتغال برای انتخاب بازیکن سال با حضور مربیان و بازیکنان برگزار می‌کند کریستیانو رونالدو به عنوان بهترین بازیکن سال معرفی شد. در این مراسم رونالدو توانست با پشت سر گذاشتن برناردو سیلوا هافبک سیتی، برنو فرناندز بازیکن اسپورتینگ لیسبون، ژائو فیلکس گرانترین خرید تاریخ اتلتیکو مادرید و روبن نفز بازیکن ساوتهمپتون عنوان بازیکن سال پرتغال را به دست آورد. رونالدو بعد از دریافت این جایزه گفت: سال سختی بود اما خیلی زود به پایان رسید. خوشحالم که توانستم این جایزه را به دست آورم.

جایزه ویژه بنیاد پاپ به مسی رسید

لیونل مسی برنده جایزه ویژه بنیاد پاپ فرانسیس شد.

در رای‌گیری کودکان عضو این بنیاد، وی صاحب بیشترین رای شد و جایزه چهره برتر سال ۲۰۱۹ این بنیاد را از آن خود کرد.

این کودکان که حدود ۵۰۰ هزار نفر از ۱۹۰ کشور جهان هستند، بیشترین رای خود را به چهره آرژانتینی دادند.وی برای این منظور ۳۴,۳۸ درصد آرا را کسب کرد.

همچنین در مراسمی که در واتیکان برای این منظور انجام شد، توپ ساخته شده توسط کودکان موزامبیکی به فوروارد خستگی‌ناپذیر بارسا هدیه شد.

ترحیم

به نام خالق آسمانها
بلند آسمان جایگاه من است
خلبان اکبر توانگریان آسمانی شد

استاد خلبان، دلاور نیروی هوایی و فرمانده توانمند دوران دفاع مقدس که همه عمر در تلاش برای سرافرازی ایران کوشید و شاگردان بسیاری را تربیت کرد، در آخرین پرواز به دیدار معبودش شتافت.
مراسم ختم روز پنجشنبه ۱۴ شهریور ۱۳۹۸ در مسجد جامع شهرک غرب از ساعت ۱۸:۰۰ الی ۱۹:۳۰ برگزار می‌شود. حضور سروران پاسداشت از ارزش‌های والای انسانی است.

نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران
کانون خلبانان N.G.O
خاندان توانگریان

به نام آفریدگار هستی
خوشا آنان که در این پهنه خاک
چو خورشیدی درخشیدند و رفتند

با اندوه بی‌پایان به آگاهی بستگان، دوستان و آشنایان می‌رسانیم، **روح‌اله فروغیان** دیگر در میان ما نیست.
گرامی باد یادش.
مراسم سوم پدرمان روز پنج‌شنبه ۱۳۹۸/۶/۱۴ از ساعت ۲ تا ۳/۳۰ عصر در مسجد حضرت امام جعفرصادق(ع) خیابان دکتر علی شریعتی، بالاتر از پل سیدخندان برگزار است.

همسر: معصومه فرزانگان
فرزندان: روزبه، رودابه، سودابه، رامتین
داماد: فرشاد باقرپور، عروس: مرجانه رازقی

اناللّه و انا الیه راجعون

با نهایت تأسف و تأثر، درگذشت پزشکی دلسوز و خیر، انسانی متفکر و نیکوکار، **شادروان آقای دکتر علی مناف‌زاده** متخصص طب کودکان که عمری را در راه خدمت به جامعه و تسکین آلام بیماران و بخصوص کودکان استان اردبیل سپری نمودند را به اطلاع فامیل و دوستان و اهالی محترم استان اردبیل می‌رساند. به همین مناسبت مجلس یادبود و بزرگداشت آن مرحوم در تاریخ پنجشنبه چهاردهم شهریورماه از ساعت ۱۶ الی ۱۷/۳۰ در تهران، مسجد جامع شهرک قدس (شهرک غرب) برگزار خواهد شد. حضور دوستان و همشهریان محترم موجب شادی روح آن مرحوم و تسلی خاطر بازماندگان خواهد بود.

خانواده‌های عزادار: مناف‌زاده ـ مهدیزاده نمین ـ اکبری حقیقی ـ صمدیان ـ صادقی ـ صادقی‌زاده و سایر منسوبین.

هوالباقی

با نهایت تأثر و تأسف درگذشت **والده همکار گرامی جناب آقای مهندس کریم جهان آرا** کارشناس رسمی دادگستری رشته راه و ساختمان را به اطلاع همکاران می‌رساند.
به همین مناسبت مجلس ترحیمی روز چهارشنبه ۱۳۹۸/۶/۱۳ از ساعت ۱۴ الی ۱۵:۳۰ در مسجد حجت‌ابن‌الحسن (عج) واقع در سهروردی شمالی برگزار می‌گردد.
حضور همکاران گرامی باعث تسلی خاطر بازماندگان خواهد شد.

کانون کارشناسان رسمی دادگستری

یادبود

سی و دو سال از درگذشت **مرحوم دکتر منصور امینیان** می‌گذرد. یادش را گرامی می‌داریم.

پروانه ـ دکتر سام و دکتر پارمیس امینیان

یادبود

نوزدهم شهریورماه، ششمین سالگرد حیات جاودانه خورشید زندگیمان، آرام‌بخش روح و روانمان، یکی از گرانقدرترین و بی‌همتاترین مادران روزگار، اسوه تمام الطاف و عنایات بیکران خداوندی، **مرحومه مغفوره، زنده یاد، شادروان بانو اسماء خالدی**، فرزند **مرحوم مغفور، فقید سعید شادروان آقای محمودخان حشمت‌الملک** و همسر بسیار مکرم و نورانی **مرحوم مغفور، زنده یاد شادروان آقای باقرخان خالدی**، یکی از نازنین‌ترین و دوست‌داشتنی‌ترین پدران دنیا **(فرزند مرحوم مغفور، فقید سعید، شادروان آقای محمد کاظم خان نصیر دیوان)** را که مصادف با عاشورای سرور و سالار شهیدان، حضرت امام حسین(ع) گردیده، گرامی می‌داریم. از درگاه با عظمت احدیّت برای روح ملکوتی و پرفروغش، رحمت واسعه الهی و علو درجات مسئلت می‌نمائیم. کلیه هزینه‌های برگزاری مراسم سالگرد صرف امور خیریه خواهد شد.

کامبیز، گُردیز و گُلریز

به‌نام ایزد منان

به مناسبت پانزدهمین سالگرد فقدان عزیز بزرگوارمان **زنده یاد دکتر سیدحمید میرخانی** روز جمعه مورخ ۹۸/۶/۱۵ از ساعت ۱۰ الی ۱۱ صبح بر سر مزار آن عزیز گرد هم می‌آییم تا یاد و خاطره‌اش را گرامی بداریم.
بهشت‌زهرا(س) قطعه ۴۳، ردیف ۸۱، شماره ۲۹

خانواده دکتر سیدحمید میرخانی

در هفتمین سالگرد دکتر خسرو سعیدی

سال پشت سال می گذرد و تنها جای خالی که با هیچ چیز پر نمی‌شود، حضور توست

مهری، مامک، مانا، احمد، علی

تسلیت

جناب آقای دکتر مسعود هرمزی

با نهایت تأسف و تأثر فقدان ناگهانی فرزند دلبندتان **مرحومه سرکار خانم دکتر نیوشا هرمزی** را به شما و خانواده داغدار تسلیت گفته، برای آن عزیز سفر کرده غفران و رحمت الهی و برای بازماندگان از خداوند متعال صبر و شکیبائی مسئلت داریم.

هیئت‌مدیره، مدیرعامل و پزشکان بیمارستان شهرام

دکتر مسعود خسروی عزیز

در غم از دست دادن مادرتان، در کنار شما و بازماندگان هستیم. خداوند روحشان را قرین رحمت خود بفرماید.

دکتر تهمتن یلدا و بانو

همکار گرامی
جناب آقای دکتر مسعود خسروی

گروه زنان و زایمان بیمارستان جم، مصیبت وارده را به جنابعالی و بازماندگان محترم از صمیم قلب تسلیت عرض نموده و برای آن مرحومه طلب آمرزش می‌نمایند.

رئیس گروه زنان بیمارستان جم
دکتر تهمتن یلدا

خانواده محترم مرادی

درگذشت **مرحوم اصغر عزیز** را عمیقاً تسلیت می گویم.

دکتر حمید بهتاش

دوست و همکار محترم
جناب آقای دکتر مسعود خسروی

مصیبت وارده را به جنابعالی و کلیه بازماندگان تسلیت عرض نموده و از درگاه خداوند متعال صبر و سلامتی آرزومندیم.

دکتر شیرین شیبانی ـ دکتر امیر شهابی

سخنرانی

این محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است. امام خمینی (ره)

در آستانه فرارسیدن ماه پیروزی خون بر شمشیر به منظور بهره گیری هرچه بیشتر از ایام سوگواری **حضرت اباعبدالله‌الحسین** و آشنایی کامل با زندگی شهدای راستین مکتب نجات بخش اسلام ضمن گرامیداشت بیست و یکمین سالگرد رحلت پدر بزرگوارمان خادم و محب صدیق اهل بیت(ع) **حاج محمود رفیع‌زاده** طبق سنوات گذشته، برنامه وعظ و تبلیغ محرم سال جاری به شرح ذیل می‌شود:
از سوم تا دوازدهم محرم‌الحرام مطابق با سه‌شنبه ۱۲ شهریورماه لغایت پنج‌شنبه ۲۱ شهریورماه به مدت ۱۰ روز از ساعت ۱۷ الی ۱۹ بعدازظهر برگزار می گردد.
سخنرانان: عالم گرانقدر حضرت حجت‌الاسلام و المسلمین حاج آقا ناصر توکلی
عالم بزرگوار حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین حاج‌آقا عزت‌اله واعظی
مداح اهل بیت: جناب آقای حاج داود شهیدی
از عموم دوستداران مکتب حسینی (ع) دعوت می‌شود که در این مجلس شرکت فرمایند.
نشانی: شهرآرا، خیابان شهید منصوری (کیا سابق)، خیابان ۳۱، پلاک ۷، هیئت عزاداران حسینی (ع)

رفیع‌زاده
تأسیس: ۱۳۵۰

آگهی دعوت سهامداران
برای تشکیل مجمع عمومی فوق العاده
شرکت دریا امید منطقه آزاد چابهار (سهامی خاص)
ثبت شده به شماره ۳۸۹ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۹۸۰۳۲۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دریا امید منطقه آزاد چابهار (سهامی خاص) دعوت می شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق العاده که راس ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۸/۶/۲۶ در محل دفتر پشتیبانی شرکت واقع در تهران، شهرک قدس، فاز ۴، خیابان فلامک شمالی، نبش خیابان درخشان، ساختمان آریو، ورودی E، طبقه همکف تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه:
۱.افزایش سرمایه شرکت و اصلاح ماده ۵ اساسنامه
۲.سایر مواردی که در اختیار مجمع عمومی فوق العاده می باشد.
هیئت مدیره

آگهی تغییرات شرکت سرمایه گذاری توسعه صنایع و معادن کوثر سهامی عام به شماره ثبت ۶۵۸۷۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۰۸۴۸۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۷/۰۹/۳۰ به تصویب رسید. موسسه حسابرسی مفید راهبر به شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۳۶۵۳۱ به سمت بازرس قانونی برای یکسال مالی انتخاب گردید. روزنامه های کثیرالانتشار دنیای اقتصاد و اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۷)

آگهی تغییرات شرکت توسعه کشت و صنعت ملی سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۹۲۱۶ و شناسه ملی ۱۰۷۰۰۰۳۶۲۰۵

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۱/۰۳ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمد شیری به شماره ملی ۰۰۵۰۰۸۰۳۹۳ بجای سیدمصطفی عمادی به شماره ملی ۱۸۲۸۹۶۴۶۵۴ به نمایندگی از شرکت بین الملل ساختمان و صنعت ملی به شناسه ملی ۱۰۱۰۲۵۵۸۵۲۴ به عنوان نائب رییس هیات مدیره انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۶)

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی و تاسیساتی ساپول سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۵۳۳۱۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقایان هدایت‌اله نورانی‌پور باکدملی ۲۴۱۰۸۵۹۸۲۸، محمدمهدی باطنی باکدملی ۰۷۹۳۱۵۵۱۷۷، علیرضا نیک کار با کدملی ۱۵۰۲۱۳۳۹۸۹، حمید پورامینی با کدملی ۱۲۱۹۰۵۳۸۹۹، حسن دادرس پاسکیابی باکد ملی ۲۶۶۸۰۳۴۲۲۱ به سمت اعضای هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. آقای ابراهیم موسوی نیارکی با کد ملی ۰۰۳۹۱۵۶۳۲۱ به سمت بازرس اصلی و آقای رحم خدا حیدری گودرزی با کد ملی ۳۹۶۰۹۴۲۷۲۹ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت انتخاب شد. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۶ به تصویب رسید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۵)

آگهی تغییرات شرکت ساختمانی و تاسیساتی ساپول سهامی خاص به شماره ثبت ۳۹۹۳۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۵۳۳۱۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای محمدمهدی باطنی باکدملی ۰۷۹۳۱۵۵۱۷۷ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای علیرضا نیک کار باکدملی ۱۵۰۲۱۳۳۹۸۹ به سمت نائب رئیس هیأت مدیره و آقای هدایت‌اله نورانی پور با کدملی ۲۴۱۰۸۵۹۸۲۸ به سمت مدیرعامل تعیین گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور شرکت با امضای مشترک دو نفر از سه نفر مدیرعامل، رئیس هیأت مدیره و نائب رئیس هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر و اوراق عادی با امضای یکی از سه نفر اعضای فوق‌الذکر با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۴)

آگهی تغییرات شرکت تابان آتی پرداز سهامی خاص به شماره ثبت ۵۲۱۴۸۹ و شناسه ملی ۱۴۰۰۷۳۴۵۹۲۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: موسسه حسابرسی دایار هیافت به شناسه ملی ۱۰۳۸۰۰۷۶۴۶۰ به عنوان حسابرس و بازرس اصلی و موسسه حسابرسی وانیا نیک تدبیر به شناسه ملی ۱۰۳۲۰۷۲۱۸۶۲ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب شدند. ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۶ تصویب گردید. روزنامه اطلاعات جهت نشر آگهی های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۳)

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی نوین پاک شرق (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۹۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۳۱۲۱۶

به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای عبدالرضا آقا بزرگتر به شماره ملی ۰۰۴۱۷۹۳۲۱۸ به سمت رئیس هیأت مدیره، خانم شیوا اخوان شریف به شماره ملی ۱۲۸۹۴۵۹۳۷۱ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای مصطفی یامحمدی به شماره ملی ۰۰۷۳۸۳۴۱۱۴ (خارج از اعضای هیأت مدیره و خارج از سهامداران) به سمت مدیر عامل انتخاب گردیدند. کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت و اوراق عادی و اداری با امضای مشترک مدیر عامل و رئیس هیأت مدیره و در غیاب رئیس هیأت مدیره با امضای مدیر عامل و هر یک از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد.
حجت اله قلی تبار سرپرست ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری شهریار (۵۱۳۴۷۲)

آگهی تغییرات شرکت شیمیایی نوین پاک شرق (سهامی خاص) به شماره ثبت ۴۹۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۳۱۲۱۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای عبدالرضا آقابزرگتر به شماره ملی ۰۰۴۱۷۹۳۲۱۸ و خانم ها خانم شیوا اخوان شریف به شماره ملی ۱۲۸۹۴۵۹۳۷۱ و پروین دخت نیلفروش زاده به شماره ملی ۱۲۸۵۳۷۷۷۹۶ به عنوان اعضای هیأت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۳۹۶ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی همپیشگان روش حسابداران رسمی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۴۳۲۱ به عنوان بازرس اصلی و آقای جواد قمی به شماره ملی ۴۵۹۱۲۳۸۵۵۵ به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
حجت اله قلی تبار سرپرست ثبت شرکتها و مؤسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری شهریار (۵۱۳۴۷۱)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده
شرکت قند پانیذ فام (سهامی عام)
ثبت شده به شمارهٔ ۲۶۳۳۹۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۸۰۸۰۳۴

بدینوسیله از کلیه سهامداران و یا نماینده قانونی ایشان جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده شرکت که در روز سه‌شنبه مورخه ۱۳۹۸/۶/۲۶ راس ساعت ۱۰ صبح در نشانی: استان تهران ـ شهر تهران ـ خیابان امام خمینی (ره) ـ بعد از میدان حسن‌آباد ـ روبروی سازمان ثبت احوال کشور ـ خیابان شهید مرادی (باستیون‌شرقی) ـ پلاک ۲ ـ ساختمان سازمان اتکا ـ طبقه‌دوم دعوت به‌عمل می‌آید.
دستور جلسه:
۱ـ تصمیم‌گیری در خصوص ورود شرکت به بورس اوراق بهادار
۲ـ سایر موارد که در حیطه اختیارات مجمع فوق می‌باشد.
هیئت‌مدیره شرکت قند پانیذ فام

آگهی تغییرات شرکت صنعتی نمادین طرح سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۹۶۶۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۳۳۹۷۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: -روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. -سید کورش فاطمی به شماره ملی ۴۱۳۲۱۵۴۷۳۴ به سمت رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل و طیبه دایی به شماره ملی ۳۲۵۵۲۲۰۵۵۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و کسری فاطمی به شماره ملی ۰۰۱۶۶۶۴۴۴۲ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت دو سال انتخاب گردیدند. -حق امضای کلیه اوراق و اسناد تعهدآور از جمله چک و برات و قراردادها به امضای مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر میباشد. -حسین دهقان به شماره ملی ۰۸۲۸۳۷۷۴۹۹ به سمت بازرس اصلی و علیرضا مهریاب به شماره ملی ۳۸۷۴۷۲۴۸۱۶ به سمت بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب شدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۷۰)

آگهی تغییرات شرکت پارس استار البرز سهامی خاص به شماره ثبت ۶۴۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۰۸۵۶۹۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۲۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: به موضوع فعالیت: ارائه خدمات آزمون و اندازه گیری الحاق گردید و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید (ثبت موضوع فعالیت به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد).
حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری شهرستانهای استان تهران سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری فیروزکوه (۵۱۳۴۶۹)

آگهی تغییرات شرکت جی تی آی پارس شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۸۷۷۲۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۲۹۷۶۹۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۱/۲۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به دهم دیماه ۱۳۹۷ بتصویب رسید مؤسسه حسابرسی بیات رایان دارای شناسه ملی شماره ۱۰۱۰۰۱۶۸۴۸۲ و موسسه حسابرسی تدوین و همکاران دارنده شناسه ملی شماره ۱۰۱۰۰۵۲۷۳۳۹ به ترتیب به عنوان بازرس اصلی و علی البدل شرکت به مدت یکسال مالی تعیین گردیدند. ۵.روزنامه کثیرالانتشار «اطلاعات» جهت درج آگهی های شرکت تعیین گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۸)

آگهی تغییرات شرکت آریا دیزل موتور سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۰۲۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۰۷۳۴۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۰۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: نامبردگان ذیل به عنوان اعضای هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. محمود امیری به کدملی ۰۰۳۸۵۸۷۰۵۱ و داود عابدی آملی به کدملی ۲۱۴۱۷۵۰۰۱۶ و امیر علی امیری به کدملی ۰۰۴۰۲۲۰۹۴۱ و هیربد جناب زاده به کدملی ۰۰۴۱۲۶۸۸۴۹ و مهدی نیازی به کدملی ۰۶۰۲۶۰۹۶۸۲
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۷)

آگهی تغییرات شرکت دارو سازی کاسپین تأمین سهامی عام به شماره ثبت ۴۷۷۸۲ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۹۸۱۳

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۲۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: کامبیز گیلانی به شماره ملی ۰۰۵۱۲۲۶۸۰۴ به نمایندگی از شرکت دارو پخش به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۸۳۵۲۸۶ بعنوان رئیس هیأت مدیره - افشین وهابزاده به شماره ملی ۰۰۵۵۰۱۹۱۷۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری دارویی تأمین بعنوان مدیرعامل و نایب رئیس هیأت مدیره - سید حجت کاظمی به شماره ملی ۴۹۶۹۰۷۳۹۰۲ به نمایندگی از شرکت داروئی آترا به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۳۸۴۴۰ بعنوان عضو هیأت مدیره - مجید صدیقی به شماره ملی ۰۰۵۵۶۲۸۹۱۵ به نمایندگی از شرکت پارس دارو به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۳۶۹۸۶ به عنوان عضو هیأت مدیره و بهزاد شکوری به شماره ملی ۲۲۱۹۳۴۴۳۸۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه گذاری صبا تأمین به شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۰۸۳۷۰ بعنوان عضو هیأت مدیره برای مابقی مدت تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. اختیارات هیئت مدیره به شرح ذیل به مدیرعامل تفویض گردید: ۱-نمایندگی شرکت در برابر اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از کلیه ادارات و مراجع رسمی دولتی و موسسات خصوصی و غیره ۲-نصب و عزل ماموران و کلیه کارکنان شرکت و تعیین شغل و حقوق و دستمزد و پاداش و ترفیع و تنبیه و تعیین سایر شرایط استخدامی و خروج از خدمت و مرخصی و بازنشستگی و مستمری وراث آنان ۳-عقد هر نوع قرارداد با نصاب حداکثر مبلغ دویست میلیون ریال و تغییر و تبدیل آن راجع به خرید و فروش و معاوضه اموال منقول و ماشین آلات و غیره که جزو موضوع شرکت باشد و انجام کلیه عملیات و معاملاتی که با موضوع شرکت مستقیم یا غیر مستقیم ارتباط پیدا کند ۴-عقد قرارداد فروش محصولات شرکت با شرکتهای پخش دارو، مراکز درمانی و بیمارستانی و همچنین انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی برای صادرات محصولات تولیدی شرکت و ارائه گزارش به هیأت مدیره ۵-افتتاح حساب به نام شرکت نزد بانک ها و موسسات ۶-اقدام جهت دریافت مطالبات و پرداخت دیون شرکت و متفرعات ۷-تهیه و تنظیم آئین نامه های داخلی شرکت و ارائه آن به هیأت مدیره ۸-تحصیل اعتبار از بانکها و موسسات و شرکت ها و انجام هر نوع معامله با بانک ها و اخذ وجه به هر مبلغ و به هر مدت و قبول هزینه های مربوطه و یا هر گونه شرایطی که با رعایت صرفه و صلاح شرکت مقتضی باشد ۹-تهیه و تنظیم بودجه سالانه شرکت و ارائه آن به هیأت مدیره ۱۰-اقامه هر گونه دعوی و دفاع از هر گونه دعوی و یا تسلیم به دعوی یا انصراف از آن اعم از حقوقی و کیفری با داشتن حق صلح و سازش و تمام اختیارات راجع به امر دادرسی و تعیین وکیل و تفویض کلیه اختیارات لازم و حق توکیل غیر به وکیل و عزل او. کلیه اسناد و اوراق بهادار از قبیل چک، سفته، بروات و غیره و قراردادها و عقود اسلامی با امضاء متفق مدیرعامل و یکی از اعضاء هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای متفق دو نفر از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت معتبر می باشد. مکاتبات عادی شرکت با امضاء مدیر عامل و ممهور به مهر شرکت و در غیاب مدیر عامل با امضاء یکی از اعضای هیأت مدیره و ممهور به مهر شرکت، معتبر خواهد بود.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۴)

«آگهی فقدان سند مالکیت»

آقای علی توکلی با ارائه یک برگ استشهاد محلی که به تأیید دفتر گواهی امضاء دفتر ۷۶ بانه رسیده مدعی است که سند مالکیت شش دانگ عرصه و اعیان یک باب خانه دارای پلاک ۴۰ فرعی از ۱۲۵۳ ـ اصلی واقع در قطعه ۲، بخش هفت بانه که سند مالکیت آن ذیل ثبت ۴۵۶۶ صفحه ۴۱۰ دفتر جلد ۲۶ به نام شخص اخیر صادر و تسلیم گردیده است، بر اثر آتش‌سوزی از بین رفته است لذا به استناد اصلاح تبصره یک اصلاحی ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت و اصلاحیه‌های بعدی آن مراتب در یک نوبت آگهی می‌شود تا هر کس مدعی انجام معامله می‌باشد ظرف مدت ۱۰ روز پس از انتشار آگهی مراتب را کتباً به این اداره اعلام و در غیر این صورت برابر مقررات جاری المثنی سند مالکیت مذکور به نام متقاضی صادر خواهد شد.
کامران تاب ـ رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان بانه

آگهی انتقال شرکت بانطاق سهامی خاص به شناسه ملی ۱۰۳۰۰۰۲۴۷۸۸

به موجب نامه شماره ۱۲۲/۱۰/۲۱ مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۳۱ اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان ایلام و مستند به صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخهٔ ۱۳۹۰/۵/۲۹ مرکز اصلی شرکت بانطاق سهامی خاص به نشانی تهران، واحد ۱۴ تهران بلوک سه دماوند جنوب غربی طبقه چهار کد پستی ۱۴۳۶۹۴۴۶۸۱ انتقال یافت و در اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری تحت شماره ۲۰۶۳۶۷ به ثبت رسیده است.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۵)

آگهی تغییرات شرکت آریا دیزل موتور سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۰۲۴۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۰۷۳۴۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: محمود امیری به کد ملی ۰۰۳۸۵۸۷۰۵۱ به سمت رئیس هیئت مدیره و داود عابدی آملی به کد ملی ۲۱۴۱۷۵۰۰۱۶ به سمت نائب رئیس هیئت مدیره و امیر علی امیری به کد ملی ۰۰۴۰۲۲۰۹۴۱ به سمت مدیر عامل و عضو هیئت مدیره و هیربد جناب زاده به کد ملی ۰۰۴۱۲۶۸۸۴۹ به سمت عضو هیئت مدیره و مهدی نیازی به کد ملی ۰۶۰۲۶۰۹۶۸۲ به سمت عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار شرکت و تعهدآور از جمله چک و سفته، برات و عقود اسلامی و بطور کلی هر گونه قراردادی که برای شرکت ایجاد تعهد نماید با امضاء ثابت مدیر عامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره و در غیاب مدیر عامل با امضاء دو نفر از اعضای هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد، در خصوص امضای کاردکس (سند فروش) صرفا با امضاء آقای هیربد جناب زاده به تنهایی و یا آقای داود عابدی آملی به تنهایی معتبر می باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۶)

آگهی تغییرات شرکت کیمیا کاران زرین ماهطیر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۲۸۷۵ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۳۷۵۵۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: به موضوع شرکت: تولید و فرمولاسیون سموم دامپزشکی و واردات سموم آماده برای مصرف دامپزشکی و واردات تکنیکال و مواد اولیه سموم دامپزشکی در صورت ضرورت قانونی پس از اخذ مجوزهای لازم الحاق گردید. یک بند (۲۲) به شرح زیر به ماده ۴۳ اساسنامه اضافه گردید (به این ترتیب هر یک از اعضاء هیئت مدیره میتوانند اختیار خود را در خصوص امضاء اوراق و اسناد تعهد آور از قبیل چک و سفته و اوراق بهادار به شخص ثالث با وکالتنامه رسمی تفویض نمایند.) و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۳)

آگهی تغییرات شرکت چرخشگر شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۱۳۳۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۰۹۴۵۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۵ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت - اعضای هیات مدیره برای مدت دو سال به شرح ذیل انتخاب گردیدند: شرکت ایران خودرو دیزل (سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۳۲۶۰۱۴ - شرکت زداف فریدریچشافن ای جی با کد فراگیر ۱۱۱۸۲۳۱ - شرکت تولید محور خودرو (سهامی عام) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۱۳۶۷۱۲ - شرکت گواه (سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۴۰۸۲۴۱ - شرکت توسعه خودروکار (سهامی خاص) با شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۰۰۷۰۳ - موسسه حسابرسی فاطر با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۸۸۵۷۴ بعنوان بازرس اصلی و موسسه حسابرسی آزمودگان با شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۲۳۳۹ به عنوان بازرس علی البدل شرکت برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند. - روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت انتخاب گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۲)

آگهی تغییرات شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۹۲۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۱۱۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای قاسم عرب یار محمدی به شماره ملی ۰۰۵۵۱۱۴۷۸۴ به جای آقای عباسعلی جعفری نسب به عنوان عضو اصلی هیات مدیره و رئیس هیات مدیره برای باقیمانده دوره تصدی مدیران انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۱)

آگهی تغییرات شرکت تک جم ایران سهامی خاص به شماره ثبت ۶۳۱۹۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۰۸۱۹۱۹

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۲۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای میر یعقوب اطهاری با کدملی ۱۳۷۸۷۷۳۱۷۹ به عنوان عضو و نائب رئیس هیئت مدیره و آقای غلامرضا آهنین به کد ملی ۰۰۴۰۴۷۴۸۲۸ به سمت رئیس هیئت مدیره و علی اوسط ظهیری به شماره ملی ۲۲۱۸۹۹۰۳۴۲ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۶۰)

آگهی تغییرات شرکت پارس مایکروتل شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۸۷۹۴۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۲۴۶۲۲۲

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: اعضاء هیئت مدیره به قرار ذیل برای مدت دو سال تعیین گردیدند: آقای شاهرخ ساسانی به کد ملی ۱۳۷۹۷۲۸۵۷۶ بسمت مدیرعامل (خارج از شرکاء) آقای محمدمسعود ابریشم چی به شماره ملی ۳۸۱۹۸۴۹۲۳ بسمت رئیس هیئت مدیره آقای حمیدرضا رحمتی به شماره ملی ۰۰۳۳۹۵۶۷۱۵ بسمت نایب رئیس هیئت مدیره آقای نظام الدین ناظم زاده به شماره ملی ۱۷۵۳۳۲۳۹۰۸ بسمت عضو هیئت مدیره امضاء کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت از قبیل چک سفته و بروات و اوراق تعهدآور با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضاء هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضاء دو نفر از اعضای هیئت مدیره متفقا همراه با مهر شرکت و اوراق عادی و اداری با امضاء مدیرعامل به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می باشد موسسه حسابرسی بینا تدبیر روش به شماره ثبت ۳۳۵۸۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۹۴۷۰۸۸ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمود رضا کوشنده فر به عنوان بازرس علی البدل برای مدت یک سال مالی انتخاب گردیدند ترازنامه و حساب سود و زیان منتهی به سال ۱۳۹۷ بتصویب رسید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۶)

آگهی تغییرات شرکت خطوط لوله و مخابرات نفت ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۹۲۷۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۲۱۱۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای قاسم عرب یار محمدی به شماره ملی ۰۰۵۵۱۱۴۷۸۴ به جای آقای عباسعلی جعفری نسب، عنوان مدیر عامل برای باقی مانده دوره تصدی مدیران انتخاب گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۹)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه
انجمن صنفی کارفرمایی صنعت روکش‌های مصنوعی نئوپان و ام دی اف ایران

بدینوسیله از کلیه اعضاء محترم و یا نمایندگان قانونی آنها دعوت می‌شود تا در مجمع عمومی انجمن که در ساعت ۱۹ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۸/۷/۹ در هتل بین‌المللی لاله خیابان دکتر فاطمی برگزار می‌شود، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره ۲ـ استماع گزارش خزانه‌دار ۳ـ استماع گزارش بازرس قانونی انجمن ۴ـ انتخاب اعضا هیات مدیره اصلی و علی‌البدل ۵ـ انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل ۶ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار ۷ـ سایر موارد
هیأت مدیره انجمن

آگهی تغییرات شرکت دی پلیمر ارین سهامی خاص به شماره ثبت ۲۲۵۰۹۶ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۶۶۲۹۰۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۰۴ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: سرمایه شرکت از مبلغ ۳۸۷۰۸۴۶۰۰۰۰۰۰ ریال به مبلغ ۵۷۷۳۵۸۱۰۰۰۰۰۰ ریال منقسم به ۱۱۵۴۷۱۶۲ سهم ۵۰۰۰۰۰ ریالی با نام که تماما پرداخت شده از طریق نقدی و مطالبات حال شده افزایش یافت و مبلغ ۱۹۸۷۲۱۴۹۷۲۹۲ ریال بموجب گواهی شماره ۴۳۵/۶۰۲ مورخ ۹۸/۲/۲۸ بانک سینا شعبه امیرآباد شمالی پرداخت گردیده است. ماده مربوطه در اساسنامه به شرح فوق اصلاح و ذیل ثبت از لحاظ افزایش سرمایه در تاریخ فوق الذکر تکمیل امضاء گردیده است.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۸)

تاسیس موسسه غیر تجاری کانون مهندسی هزینه

در تاریخ ۱۳۹۸/۰۴/۰۲ به شماره ثبت ۴۷۴۸۴ به شناسه ملی ۱۴۰۰۸۴۱۴۳۹۳ ثبت و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی میگردد. موضوع: -ترویج و توسعه زیر ساخت ها در زمینه توسعه منابع انسانی و اقتصادی اقشار مختلف مردم -مهندسی هزینه جهت کمک به طرح های مردم نهاد و طرح های مشارکت عمومی - خصوصی -بهینه سازی منابع در راستای نیل به اهداف اقتصاد مقاومتی -ایجاد و ترویج معیارهای مشترک برای برآورد هزینه طرح ها -آگاه سازی آحاد جامعه از منافع و دستاوردهای طرح هاب: روش اجرای هدف -توسعه مفهوم مهندسی هزینه و مدیریت هزینه مبتنی بر آخرین یافته ها و استانداردهای ملی و بین المللی در بین اعضای کانون و عموم جامعه اعم از صاحب نظران، اندیشمندان، دانشگاهیان، دستگاه های اجرای، ذینفعان کسب و کارها، مجریان، قانونگزاران، دستگاه های نظارتی و پولی و بانکی، سرمایه گذاران و سرمایه پذیران. -توسعه کمی، کیفی، تقویت و پویایی اعضای کانون از طریق تهیه و پیاده سازی رویه ها، آیین نامه ها، دستورالعمل ها و استانداردها بر اساس بخشنامه ها و اسناد بالادستی، استانداردهای ملی و بین المللی و رتبه بندی اعضا و معرفی آنها به عموم جامعه به منظور استفاده از خدمات آنها -تالیف، ترجمه، تولید، گردآوری و نشر دیجیتالی و فیزیکی دانش مهندسی هزینه مبتنی بر تکنولوژی بروز و محتوا محور جهت ارتقا سطح دانش علمی و مهارتی عموم جامعه و اعضای کانون -ایجاد زبان مشترک بین اعضای کانون و آحاد جامعه در زمینه مدیریت هزینه و مهندسی هزینه -جلب مشارکت هر چه بیشتر و موثر تر اعضای کانون برای تقویت علمی و حرفه ای اعضا، تعامل مناسب تر درون ساختار کانون، تسریع امور، استفاده بهینه از زمان و پرهیز از تصمیم گیری های غیر حرفه ای فردی و هم راستاسازی فعالیت های مرتبط -راهبری انجمن های علمی مرتبط با مهندسی و مدیریت هزینه براساس تعریف و تعیین شاخص ها و ملاک های ارزیابی تقدیر و تشویق انجمن های فعال و موفق و استفاده از تجربیات مفید و رموز موفقیت آن ها و فعال کردن انجمن های کم تحرک و غیر فعال با شیوه گفتگو با اعضا و هیئت مؤسس و شورای اجرایی اینگونه انجمن ها -ارتقاء سطح علمی اعضای انجمن، توانمندسازی علمی، دانشی و مهارتی جامعه و نیروهای متخصص در ارتباط با حوزه مدیریت هزینه و مهندسی هزینه -نیازسنجی و تامین نیازهای آموزشی عموم جامعه در حوزه مهندسی و مدیریت هزینه -حمایت یابی برای نیازهای مردم و جامعه در مراکز تصمیم گیری و رسانه ها -رصد مسائل مربوط به سلامت هزینه کردها در سطح کشور و ارائه پیشنهادات کارگشا در جهت ارتقاء سطح سلامت مدیریت هزینه ها -برقراری ارتباط علمی، تحقیقاتی، آموزشی و فنی با مراکز، سازمان ها و انجمن های علمی و صنفی مرتبط در سطح ملی و بین المللی -مشارکت در برنامه ریزی و اجرای سمینارها و برنامه های آموزشی برای اعضای کانون و گروههای مختلف در سطح جامعه -همکاری با قوای سه گانه کشور از جمله دستگاه های قانونگذار، دستگاه های اجرایی، دستگاه های نظارتی، دستگاه های مالی و بانکی و پولی، دستگاه های سرمایه گذاری و سرمایه پذیر به منظور سیاست گذاری، برنامه ریزی و اجرای برنامه های مرتبط با مهندسی هزینه و مدیریت هزینه در بخش های دولتی و خصوصی به منظور حمایت از آحاد جامعه در هدایت سالم هزینه ها -حمایت و هماهنگی برای فعالیت های علمی، پژوهشی و تحقیقاتی چند مرکزی با مشارکت مراکز غیردولتی و بین المللی -مشارکت در برنامه ریزی و اجرای سمینارها و برنامه های آموزشی برای اعضای کانون یا دیگر متخصصان و گروههای مختلف در سطح جامعه -انجام هرگونه فعالیت در زمینه مهندسی و مدیریت هزینه برای خدمت رسانی به مردم به صورت غیر انتفاعی موافقت مرجع صدور پروانه با انجام فعالیت های مذکور در اهداف و شیوه اجرایی به معنای اجازه فعالیت در خصوص مواردی که نیازمند کسب مجوز از دستگاههای خاص می باشد نیست بدیهی است انجام اقدام در راستای اجرایی نمودن مواردی از اهداف و شیوه های اجرایی که مستلزم اخذ موافقت دستگاه خاص باشد منوط به دریافت مجوز از آن مرجع است. مدت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود مرکز اصلی: استان تهران، شهرستان تهران، بخش مرکزی، شهر تهران، شهیدقندی-نیلوفر، کوچه الهام، خیابان خرمشهر، پلاک ۵، طبقه چهارم کدپستی ۱۵۵۷۷۵۶۱۱۶ دارایی موسسه: ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال می باشد. اولین مدیران: آقای حمید آلادپوش به شماره ملی ۰۰۵۲۶۲۸۵۴۱ به سمت مدیرعامل و عضو هیئت مدیره آقای داود کشاورز کیوانی به شماره ملی ۰۰۵۵۶۵۵۳۴۳ به سمت عضو علی البدل هیات مدیره آقای محمدجواد قلی پور به شماره ملی ۴۵۲۲۹۰۶۴۳ به سمت عضو هیئت مدیره و نایب رئیس هیئت مدیره آقای محمدرضا نصرتی به شماره ملی ۱۳۸۰۴۵۹۲۳۰ به سمت عضو هیئت مدیره آقای صادق یزدانی به شماره ملی ۲۸۵۱۲۵۸۱۹۲ به سمت رئیس هیئت مدیره و به سمت عضو هیئت مدیره خانم سیما یزدانی به شماره ملی ۲۸۵۱۴۲۲۷۷۴ به سمت عضو علی البدل آقای جواد عبادی به شماره ملی ۶۰۲۹۰۸۲۶۲۰ به سمت عضو هیئت مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب گردیدند. دارندگان حق امضا: کلیه اسناد و اوراق بهادار و تعهدآور با امضای مدیرعامل و خزانه دار و در غیاب خزانه دار با امضای رئیس هیات مدیره و با مهر موسسه معتبر خواهد بود. اختیارات مدیر عامل: طبق اساسنامه با توجه به مجوز شماره ۲۳۷۷۷۹ مورخ ۹۷/۱۲/۲۰ وزارت کشور آگهی گردید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۷)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی معیار صنعت خاورمیانه سهامی خاص به شماره ثبت ۳۶۳۰۹۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۱۴۷۵۴۸

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۱۲/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: مواردی به موضوع شرکت الحاق در نتیجه موضوع شرکت به نحو ذیل تغییر یافت: ۱-انجام و عرضه خدمات مشاوره و مهندسی در زمینه مطالعات امکانسنجی فنی اقتصادی، مطالعات زیست محیطی، مدیریت پروژه، خرید لیسانس و تامین دانش فنی مهندسی، طراحی و تامین ماشین آلات و تجهیزات صنعتی و کالا برای پروژه ها، نظارت بر عملیات ساختمانی و نصب تجهیزات، بازرسی فنی، آزمایش، راه اندازی، آموزش پرسنل و نیز ارائه خدمات مدیریت پیمان در پروژه های صنعتی و معدنی شامل اکتشاف و استخراج معادن، احداث کارخانجات صنایع معدنی و فلزات اساسی، پروژه های زیربنایی شامل: انتقال و توزیع نیرو، نیروگاهی، آب و پساب و پروژه های ساختمانی در ایران و سایر کشورها. ۲-پیمانکاری عمومی طرح و ساخت در زمینه موضوعات فوق و اجرای پروژه های معدنی، صنعتی و تاسیسات زیربنایی در ایران و سایر کشورها. ۳-مشارکت با سایر شرکت ها از طریق تاسیس یا تعهد سهام شرکت های جدید و یا خرید سهام شرکت های موجود در ایران و سایر کشورها یا تعهد سهام آنها. ۴-عضویت و یا اخذ رتبه بندی از سازمان ها و نهادهای ذیربط شامل و نه محدود به رتبه بندی مشاوره از سازمان برنامه و بودجه کشور در رشته های زیر گروه معدن، صنعت، مهندسی آب، انرژی و شهرسازی و معماری. ۵-بطور کلی شرکت می تواند به انجام کلیه خدمات مهندسی، مشاوره و پیمانکاری مجاز که بطور مستقیم و یا غیر مستقیم به تمام و یا هریک از موضوعات فوق مربوط می باشد مبادرت نماید. همچنین شرکت می تواند نسبت به اخذ وام و تسهیلات از بانکها و موسسات مالی اعتباری، انعقاد قرارداد با اشخاص حقیقی و حقوقی، اخذ و اعطای نمایندگی و شعب از و به اشخاص حقیقی و حقوقی داخل و خارج از کشور، شرکت در مناقصات و مزایدات داخلی و خارجی دولتی و بخش خصوصی، شرکت در نمایشگاه های داخلی و خارجی اقدام نماید. در صورت نیاز پس از اخذ مجوزهای لازم و ماده ۲ اساسنامه به شرح فوق اصلاح می گردد. ثبت موضوع فعالیت به منزله اخذ و صدور پروانه فعالیت نمی باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۵)

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت آزادراه تبریز ـ ارومیه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۰۶۹۸۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۳۴۲۹۴۴۲ نوبت اول

از کلیه سهامداران شرکت آزاد راه تبریز ـ ارومیه (سهامی خاص) و یا نماینده قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده شرکت که رأس ساعت ۱۰ صبح مورخ ۹۸/۰۶/۲۴ در محل قانونی شرکت واقع در خیابان شریعتی ـ پایین‌تر از حسینیه ارشاد کوچه ویرا پلاک ۹ تشکیل می‌گردد، حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ استماع گزارش توجیهی بازرس قانونی مبنی بر افزایش سرمایه ۲ـ افزایش سرمایه از طریق آورده نقدی و اصلاح ماده ۵ اساسنامه ۳ـ سایر موارد مطروحه در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده
هیئت مدیره شرکت آزاد راه تبریز ـ ارومیه (سهامی خاص)

آگهی تغییرات شرکت مهندسی رستافن ارتباط سهامی خاص به شماره ثبت ۱۴۸۸۵۹ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۹۱۷۱۹۸

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: هیئت مدیره اختیارات خود مذکور در بند ۱۵ ماده ۳۹ اساسنامه شرکت را در خصوص اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی با حق تعیین وکیل، داور، کارشناس با اختیارات مشروح در بند فوق به مدیر عامل شرکت تفویض نمود.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۴)

آگهی تغییرات شرکت بهاوند باراد سهامی خاص به شماره ثبت ۴۳۳۴۲۳ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۸۴۰۷۷۴

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۷/۲۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۶ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه سامان اندیشان یکتا به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۸۳۶۸۳ بسمت بازرس اصلی و آقای محمدولی حاکمی برآبادی با کد ملی ۰۷۶۹۱۴۱۹۶۱ بسمت بازرس علی البدل برای مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد. اعضاء هیئت مدیره برای مدت دو سال به قرار ذیل انتخاب گردیدند: آقای علی ناظران به شماره ملی ۰۰۹۳۰۵۵۶۵۴۲ و آقای علی رجائی ثانی به شماره ملی ۰۰۹۳۷۸۱۰۵۲۵ و آقای علیرضا ساختیانچی به شماره ملی ۰۰۹۴۰۲۷۶۹۵۱
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۳)

آگهی تغییرات شعبه شرکت خارجی کوگس ایراک بی وی به شماره ثبت ۳۱۳۲ و شناسه ملی ۱۴۰۰۶۳۴۳۲۵۳

به استناد صورتجلسه مصوبه ارکان تصمیم گیرنده شرکت خارجی (مادر) مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۹ وتائید کنسولگری سفارت جمهوری اسلامی ایران ـ لاهه به شماره سند ۱۴۲۶۳ مورخ ۱۳۹۸/۱/۲۶ واصل و ترجمه و کالتنامه آقای دال هون کانگ با کدفراگیر شماره ۱۱۹۳۷۸۱۷۲ بعنوان نماینده عمده جدید شعبه شرکت خارجی کوگس ایراک بی وی با اختیارات مندرج در کالتنامه مذکور تعیین گردیدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۲)

آگهی تغییرات شرکت گروه بات روشن نیکتا سهامی خاص به شماره ثبت ۴۴۴۷۳۸ و شناسه ملی ۱۴۰۰۳۷۰۶۲۹۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۹/۱۱ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به سال مالی ۱۳۹۵ به تصویب رسید.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۱)

آگهی تغییرات شرکت سازندگان بین المللی ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۷۸۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۱۷۳۱۰

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی بطور فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: - شرکت هریسون ۱۰۱۰۰۳۱۰۷۷۲ - شرکت پارتانانا ۱۰۱۰۰۷۳۹۸۲۰ - شرکت برنامه ریزی و طرح ۱۰۱۰۰۸۶۵۷۵۲ - شرکت هگزا ۱۰۱۰۰۴۰۳۴۵۶ - شرکت پگا بسمت اعضا هیات مدیره برای مدت ۲ سال انتخاب شدند.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۵۰)

آگهی تغییرات شرکت سازندگان بین المللی ایران شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۷۸۷۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۱۷۳۱۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۷/۰۳/۲۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: الف - آقای مهندس جواد خوانساری به شماره کارت ملی ۰۰۵۳۱۹۳۸۶۳۶ به نمایندگی از طرف شرکت هریسون به سمت رئیس هیئت مدیره ۲ - آقای مهندس فرامرز مفتخر به شماره کارت ملی ۰۰۴۰۴۳۲۵۴۸ به نمایندگی از طرف شرکت پارتانانا به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ۳ - آقای مهندس حسین چهرآزاد به شماره کارت ملی ۱۴۶۰۶۶۶۷۹۸ به نمایندگی از طرف شرکت هگزا به سمت عضو هیئت مدیره ۴ - آقای مهندس غلامرضا شفیع پور شماره کارت ملی ۱۳۷۷۷۸۰۹۳۷ به نمایندگی از طرف شرکت پگا به سمت عضو هیئت مدیره ۵ - آقای مهندس نظام الدین هاشمی به شماره کارت ملی ۱۲۸۷۵۱۶۵۵۶ به نمایندگی از طرف شرکت برنامه ریزی و طرح به سمت عضو هیئت مدیره ۶ - آقای مهندس مازیار خوانساری به شماره کارت ملی ۰۰۸۱۲۱۹۴۱۵ به سمت مدیر عامل انتخاب گردیدند. ب - کلیه اسناد و اوراق بهادار شرکت به امضاء مشترک مدیر عامل یا رئیس هیئت مدیره به تنهایی و دو نفر از اعضاء هیئت مدیره همراه با مهر شرکت دارای اعتبار می باشد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۴۹)

آگهی تغییرات شرکت فن آوری موج خاور سهامی خاص به شماره ثبت ۱۷۱۴۳۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۱۳۸۸۶۰

به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: هیئت مدیره، اختیارات خود در بند ۱۳ ماده ۴۰ اساسنامه شرکت را در خصوص اقامه هرگونه دعوی و دفاع از هرگونه دعوی با حق تعیین وکیل، داور، کارشناس با اختیارات مشروح در بند فوق را به مدیر عامل شرکت تفویض نمود.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۴۸)

آگهی تغییرات شرکت توسعه انرژی های سبز ماه آب سهامی خاص به شماره ثبت ۴۵۸۰۹۴ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۲۷۵۳۲۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۲/۳۰ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت های مالی شامل ترازنامه صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقدی سال مالی منتهی به ۳۰ دی ماه ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت اصول پایه فراگیر به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۱۷۱۰۶ به عنوان بازرس اصلی شرکت و آقای محمدرضا اخوان به شماره ملی ۴۲۸۴۱۶۲۸۵۳ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۴۷)

آگهی تغییرات شرکت مایع سازی گاز طبیعی ماهتاب پرتوکنگان سهامی خاص به شماره ثبت ۴۸۶۸۷۷ و شناسه ملی ۱۴۰۰۵۶۰۱۱۴۵

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۸/۰۳/۱۸ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: صورت های مالی شامل ترازنامه، صورت سود و زیان و صورت جریان وجوه نقد شرکت برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۷ مورد تصویب قرار گرفت. موسسه آرمان آروین پارس به شناسه ملی ۱۰۱۰۳۵۳۸۹۵۳ به عنوان بازرس اصلی و آقای محمدرضا اخوان بشماره ملی ۴۲۸۴۱۶۲۸۵۳ به عنوان بازرس علی البدل برای یکسال مالی انتخاب گردیدند. روزنامه اطلاعات به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی های شرکت تعیین شد.
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیر تجاری تهران (۵۱۳۴۴۶)

اطلاعات

سال نود و چهارم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ (مؤسسه اطلاعات)
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سر دبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران – بلوار میرداماد – خیابان مصدق جنوبی (نفت سابق)
ساختمان اطلاعات – کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی‌ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی‌ها ۱۸–۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com
منشور اخلاقی: http://www.ettelaat.com/ftp/manshoor.pdf

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸
۴ محرم ۱۴۴۱ – ۴ سپتامبر ۲۰۱۹

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۳ دقیقه
غروب آفتاب	۱۹ و ۲۸ دقیقه
اذان مغرب	۱۹ و ۴۷ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰۰ و ۲۰ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۵ و ۱۲ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۶ و ۳۹ دقیقه

چین از آمریکا به سازمان تجارت جهانی شکایت کرد

سرویس خارجی: چین در پی اعمال تعرفه ۱۵ درصدی بر روی ۳۰۰ میلیارد دلار کالای چینی از سوی واشنگتن، از آمریکا به سازمان تجارت جهانی شکایت کرد.

وزارت بازرگانی چین در بیانیه ای اعلام کرد: با توجه به افزایش رسمی تعرفه های ۱۵ درصدی ایالات متحده بر روی ۳۰۰ میلیارد دلار از کالاهای چینی، پکن پرونده شکایت از آمریکا را در سازمان تجارت جهانی گشوده است.به گفته این وزارتخانه تعرفه های جدید واشنگتن بر خلاف مذاکراتی است که رهبران ایالات متحده و چین ماه ژوئن (تیرماه) در اوساکا ژاپن توافق کرده بودند.

گروه‌های مقاومت عراق: آماده جنگ با رژیم صهیونیستی در کنار حزب‌الله لبنان هستیم

سرویس خارجی: گروه‌های مقاومت عراق اعلام کردند که اگر جنگی بینِ حزب الله و صهیونیست‌ها صورت بگیرد، در کنار حزب الله قرار خواهند داشت.

گروه‌های مقاومت عراقی ازعملیات حزب الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی تمجید کردند. «حامد الجزائری» معاون دبیر کل گروه «سرایا الخراسانی» –وابسته به الحشد الشعبی– اعلام کرد که اگر جنگی بین حزب‌الله لبنان و حکومت اشغالگر صورت بگیرد، از پشتیبانان مقاومت لبنان در نبرد و جنگ علیه اسرائیل خواهیم بود. پایگاه خبری «بغداد الیوم» به نقل از الجزائری گزارش داد که دفاع از خویشتن، یک حق قانونی است و ما حامیان و پشتیبان‌های حزب الله لبنان هستیم. وی خاطر نشان کرد که خط مقاومت اسلامی در یک نقطه معین متمرکز نیست، بلکه دامنه و گستره جبهه مقاومت گسترش یافته است. در همین ارتباط، «عادل الکرعاوی» سخنگوی جنبش «حزب الله الاوفیاء» گفت: ما به عنوان گروه‌های مقاومت عراق، عرصه رویارویی با رژیم صهیونیستی در لبنان، عراق و سایر میادین را یک عرصه می‌دانیم. الکرعاوی با بیان اینکه «دشمن و هدف یکی است»، اظهار داشت: ما گروه‌های مقاومت عراق، جنگ را انتخاب نمی‌کنیم ولی اگر بر ما تحمیل شود، آمادگی آن را داریم و می‌توانیم پاسخ دهیم و مقابله کنیم. وی همچنین خاطر نشان کرد که در هر جنگ رژیم صهیونیستی علیه هر طرف از مقاومت اسلامی، حضور خواهند داشت و در آن شرکت خواهند کرد. در همین راستا، «بها الاعرجی» معاون نخست وزیر پیشین عراق ضمن تمجید از عملیات حزب‌الله لبنان علیه نظامیان رژیم صهیونیستی، ابراز امیدواری کرد که عراق نیز مانند حزب‌الله لبنان به تجاوزات رژیم صهیونیستی پاسخ دهد.

اظهارات جدید نصرالله

دبیرکل حزب الله لبنان گفت: در گذشته از داخل مزارع اشغالی "شبعا"، اسرائیل را مورد حمله قرار می گرفت، اما امروز از مرزهای ۱۹۴۸ که رژیم صهیونیستی آن را خط قرمز خود می داند، به رژیم صهیونیستی حمله شد و مقاومت خطر قرمز اسرائیل را با پاسخی که از مرزهای سال ۱۹۴۸ به رژیم صهیونیستی داد، شکست.سید حسن نصرالله گفت: ما تحمیل یک معادله جدید و از بین بردن پیروزی تموز (جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶) را نمی‌پذیریم و به همین خاطر تصمیم گرفتیم به آنچه روی داد واکنش نشان دهیم. وی تاکید کرد: دشمن صهیونیستی از یکشنبه گذشته زمانی که سخنرانی من ایراد شد تا دیروز در حالت رعب و وحشت به سر می‌بُرد. این حق ماست از سرزمین خود دفاع کنیم و پهپادهای رژیم صهیونیستی در آسمان لبنان را هدف قرار دهیم و این چیزی است که ما آن را عملا در میدان ثابت کرده‌ایم. نصرالله افزود: حتی شهرک‌نشینان‌اسرائیلی‌می‌ترسیدندخود را نشان دهند و در خانه‌هایشان ماندند و دیگر هیچ سامانه گنبد آهنینی باقی نماند که به شمال سرزمین‌های اشغالی انتقال نیافته باشد.وی تصریح کرد که با عملیات اخیر، معادله بازدارندگی در منطقه تثبیت شد و ما پیشتر به نتانیاهو گفته بودیم که دیگر خطوط قرمز را رعایت نخواهیم کرد.دبیرکل حزب الله لبنان خطاب به اسرائیلی‌ها گفت که از تجاوزات خود دست بردارید، چون همه نظامیان و تجهیزات شما در عمق سرزمین‌های اشغالی در تیررس و جزو اهداف ما قرار دارد.سید حسن نصرالله تاکید کرد که دیگر زمان تجاوزات و تعرض پهپادهای اسرائیلی به حاکمیت لبنان گذشت.نصرالله تصریح کرد: به هرگونه حمله به لبنان پاسخ داده می‌شود و اگر اسرائیل بار دیگر به ما حمله کند، دیگر آنچه خط آبی گفته می‌شود را به رسمیت نخواهیم شناخت.

ادامه واکنش‌ها

وزارت خارجه سوریه اعلام کرد که دولت سوریه به عملیات منحصر به فرد مقاومت لبنان علیه یک گشتی نظامی رژیم صهیونیستی افتخار می‌کند. این منبع گفت که این اقدام مقاومت لبنان واکنشی به تجاوزهای مکرر رژیم صهیونیستی به حاکمیت لبنان و مقاومت ملی در این کشور بود. دولت کویت هم حمله پهپادی رژیم صهیونیستی به لبنان را بشدت محکوم و بر حمایت از این کشور تأکید کرد. عبدالملک بدرالدین الحوثی رهبر جنبش انصارالله یمن هم تاکید کرد حزب الله آبروی امت اسلام را در نبرد با اسرائیل حفظ کرد و مقاومت لبنان و فلسطین، تهدیدهای این رژیم را کاهش دادند. از سویی جنبش جهاد اسلامی فلسطین با اعلام این‌که اسرائیل تلاش می‌کند قواعد جدید درگیری در منطقه را تثبیت کند، تاکید کرد که تاکتیک حزب‌الله لبنان مبنی بر واکنش دیرهنگام، محاسبات سران این رژیم را بر هم زد.

لغو سفر نتانیاهو

نخست وزیر رژیم صهیونیستی پس از افزایش تنش ها میان این رژیم با مقاومت لبنان، سفر خود به هند را لغو کرد. در این حال رسانه‌های رژیم صهیونیستی به عملیات موفقیت‌آمیز رزمندگان حزب الله علیه ارتش این رژیم واکنش نشان دادند و درباره عملیات‌های بعدی مقاومت علیه اشغالگران هشدار دادند. پایگاه اطلاع رسانی صهیونیستی واللااز گشوده شدن پناهگاه ها خبر داد در حالی که میزان تلفات صهیونیست‌ها در این عملیات همچنان در بایکوت کامل خبری باقی مانده است. در این حال و تنها ۱۴ روز مانده به برگزاری انتخابات کنست رژیم صهیونیستی بسیاری از رقبای نتانیاهو وی را به دلیل نا کارآمدی در مقابله با حزب الله به باد انتقاد گرفته اند. بنی گانتس فرمانده سابق ارتش اسرائیل و رهبر کنونی ائتلاف آبی و سفید، فعالیت انتخاباتی خود را به حالت تعلیق در آورد و یئیرلاپید دیگر سیاستمدار رژیم صهیونیستی هم به شدت به نتانیاهو حمله و وضعیت امنیتی حال حاضر صهیونیست‌ها را حاصل سیاست های اشتباه و تبلیغاتی وی توصیف کرد.

پایگاه اطلاع رسانی صهیونیستی دبکا هم به رهبران رژیم صهیونیستی هشدار داد باید منتظر عملیات دیگر حزب الله در روزهای آینده باشند. این در حالی است که پایگاه نیوز اسرائیل هم نوشت: نتانیاهو که اقتصاد را دچار فروپاشی کرده بود و فساد را گسترش داد امروز تیشه به ریشه امنیت ما می‌زند؛ باید نشست و دید تا دو هفته دیگر چه بلایی بر سر ما خواهد آمد.

روزنامه اسرائیل هیوم نیز نوشت: عملیات حزب‌الله جنگ میان اسرائیل و حزب الله بود تا نصر الله به اسرائیل گوشزد کند که نمی‌تواند قواعد بازی در لبنان و سوریه را تغییر دهد. در این حال تلویزیون رژیم صهیونیستی به توان رزمندگان حزب الله در هدف قرار دادن اهداف مستقیم در داخل فلسطین اشغالی اذعان کرد. پس از اینکه جبهه مرزی میان لبنان و فلسطین اشغالی به دنبال عملیات رزمندگان حزب الله لبنان در هدف قرار دادن یک خودرو نظامی صهیونیست‌ها در آویویم بحرانی شد، تلویزیون رژیم صهیونیستی در واکنش به عملیات حزب الله اعلام کرد حزب‌الله توان هدف قرار دادن اهدافی به شکل مستقیم در داخل اسرائیل را دارد. این شبکه صهیونیست در ادامه گزارش خود آورده است: حزب الله ثابت کرد که می‌تواند به سوی جاده‌هایی که در شمال اسرائیل امن محسوب می‌شدند، شلیک کند. نظامیان فکر می‌کردند که در پشت خطوط مقدم هستند و برای حزب الله قابل رؤیت نیستند.



انتشار تصاویر نظامیان زخمی صهیونیست در پی حمله حزب الله، دروغ اسرائیلی‌ها را فاش کرد

پس از انتشار فیلم عملیات اخیر حزب‌الله لبنان علیه رژیم صهیونیستی، منابع این رژیم روایت‌های خود درباره این حمله را تغییر داده و اذعان کردند که خودروی هدف گرفته شده خالی از سرنشین نبود و چند تن از نظامیانشان در پی این حمله زخمی شدند. حزب الله اعلام کرده بود که تمام نظامیان سرنشینان این خودرو نظامی کشته یا زخمی شده اند؛ موضوعی که از سوی رژیم صهیونیستی رد شد ولی تصاویر و اخبار منتشره خلاف این ادعا را ثابت کرد.

شکست بزرگترین عملیات ائتلاف سعودی علیه انصارالله در «حجه» یمن

سرویس خارجی : سخنگوی نیروهای مسلح یمن از شکست بزرگترین عملیات و حمله مزدوران سعودی به شهر «حرض » در استان «حجه » یمن خبر داد.

«یحیا سریع» اعلام کرد: نیروهای ارتش و انصارالله یمن توانستند بزرگترین حمله مزدوران سعودی به پایگاه‌های ارتش یمن در شهر «حرض » را که حدود ۲۴ ساعت به طول انجامید ناکام بگذارند.وی اضافه کرد: ارتش و کمیته‌های مردمی یمن دهها نفر از آنها را به هلاکت رساندند و تعداد زیادی از تجهیزات و خودروهای نظامی وابسته به آنها را نابود کردند. در همین حال، محققان سازمان ملل با استخراج لیستی محرمانه از مظنونان بین‌المللی در جنایات جنگی در یمن، گزارش دادند که آمریکا و کشورهای اروپایی با فروش سلاح به ائتلاف سعودی در کشتار یمنی‌ها همدست هستند. «رویترز» در این رابطه نوشت: گزارش جدید سازمان ملل متحد تصریح می‌کند که آمریکا، فرانسه و انگلیس با ارائه کمک‌های اطلاعاتی و لجستیکی به ائتلاف سعودی، احتمالا در جنایت‌های جنگی علیه یمن از جمله تحمیل قحطی به‌عنوان یک تاکتیک نظامی، «شریک جرم» هستند.

حمله تروریستی طالبان به منطقه دیپلمات‌نشین کابل با ۱۶ کشته و ۱۲۰ زخمی

سرویس خارجی: سخنگوی وزارت کشور افغانستان اعلام کرد: حمله تروریستی طالبان با یک خودروی بمب گذاری شده به منطقه دیپلمات نشین کابل موسوم به «دهکده سبز» منجر به کشته شدن ۱۶ تن و زخمی شدن ۱۲۰ نفر شد. «نصرت رحیمی» گفت: حمله انتحاری طالبان به منطقه دیپلمات نشین کابل با انفجار یک تانکر حمل سوخت بمب گذاری شده رخ داد که بر اثر آن ۱۶ غیرنظامی کشته و ۱۲۰ تن زخمی شدند. به گفته وی پس از وقوع این حمله انتحاری، نیروهای ویژه پلیس پنج تن از اعضای طالبان را که در این منطقه مخفی و قصد حمله به کارکنان دهکده سبز را داشتند، به هلاکت رساندند.

هشدار جریان «صدر» درباره حمله اسرائیل به اماکن مقدس عراق با هدف ایجاد جنگ داخلی

سرویس خارجی: برخی رهبران جریان «صدر» عراق درباره طرح شوم رژیم صهیونیستی برای هدف قرار دادن اماکن و مراقد مقدس در عراق با هدف ایجاد جنگ داخلی در این کشور میان شیعه و سنی هشدار دادند.

«حاکم الزاملی»، از رهبران جریان «صدر» عراق در همین رابطه گفت: رژیم صهیونیستی کشورهای لبنان و ایران را هدف قرار نمی‌دهد زیرا واکنش این دو کشور علیه تجاوزات ، کوبنده خواهد بود ولی ممکن است بار دیگر به عراق حمله کند. به گفته وی، رژیم صهیونیستی به حملات علیه الحشد الشعبی و تضعیف آن اکتفا نخواهد کرد و ممکن است حملات آتی پهپادی این رژیم علیه اماکن و مراقد مقدس در عراق با هدف ایجاد تنش و درگیری های داخلی میان سنی ها و شیعیان انجام شود. در همین حال، «بها الاعرجی»، معاون نخست وزیر پیشین عراق از بغداد خواست تا مانند حزب الله لبنان پاسخ تجاوز صهیونیست‌ها را بدهد.

بازداشت «مسئول مالی» داعش در سوریه

سرویس خارجی: گروه موسوم به «یگان‌های مدافع خلق» اعلام کرد که مسئول مالی گروه داعش در منطقه دیرالزور را بازداشت کرده است.مرکز اطلاع‌رسانی یگان‌های مدافع خلق اعلام کرد که «یگان‌های مبارزه با تروریسم» روز گذشته «محمد رمضان عید العطالله» را بازداشت کرد. العطالله مسئول مالی گروه داعش در منطقه دیرالزور (شرق سوریه) بود. به گزارش این مرکز، هدف از این عملیات، بازداشت شماری از فرماندهان داعش بود و در جریان این عملیات مقادیری سلاح، مهمات و برخی اسناد مربوط به داعش و مقداری پول کشف و ضبط شد.

درخواست سوئد از کشورهای اروپایی برای به رسمیت شناختن کشور فلسطین

سرویس خارجی: وزیر خارجه سوئد از دیگر کشورهای غربی خواست حق فلسطین برای تشکیل یک دولت مستقل را به رسمیت بشناسند.

«مارگوت والشتروم» بر حمایت مجدد استکهلم از حق فلسطینی‌ها در برابر تلاش‌های اسرائیل برای الحاق مناطق بیشتری از کرانه باختری به سرزمین‌های اشغالی تاکید کرد. وی افزود: سوئد، فلسطین را به رسمیت می‌شناسد، چرا که به دنبال پیشبرد راه حل دو دولتی است و ما می‌خواهیم به فلسطینی‌ها در هرجای جهان امیدواری بدهیم و کمک کنیم نقش کامل خود را در راه حل دو دولتی ایفا کنند. خبر دیگر اینکه «ایهود باراک» نخست وزیر سابق رژیم صهیونیستی در پیامی در توئیتر به شدت از «بنیامین نتانیاهو» نخست وزیر رژیم صهیونیستی انتقاد کرد و نوشت: نتانیاهو فاسدترین نخست وزیر تاریخ اسرائیل است.

ژاپن از پیوستن به ائتلاف ضدایرانی آمریکا امتناع کرد

سرویس خارجی: روزنامه «یومیوری» ژاپن به نقل از مقامات این کشور نوشت: توکیو با پیوستن به ائتلاف تحت رهبری آمریکا در خلیج فارس تمایلی ندارند و ترجیح می‌دهند نیروهای نظامی ژاپنی به صورت مستقل در منطقه حضور داشته باشند. این روزنامه نوشت: «توکیو» به جای پیوستن به ائتلاف تحت رهبری آمریکا قصد دارد ناوگان دریایی خود را به مأموریت‌های جمع‌آوری اطلاعات در اطراف تنگه هرمز و تنگه باب المندب اعزام کند و مقام‌های ژاپنی حضور در داخل تنگه هرمز را هم به موافقت ایران منوط کرده‌اند.«یوشیهیده سوگا» دبیر ارشد کابینه ژاپن به این روزنامه گفت: در ارتباط با اینکه چه اقداماتی می‌تواند به نحوی مؤثر امنیت تردد کشتی‌های ژاپنی را تأمین کند، ما جنبه‌های مختلفی را در نظر می‌گیریم، از جمله تأمین پایدار نفت و همچنین روابط ژاپن با آمریکا و ایران.

کوتاه از سراسر جهان

توییت ترامپ درباره ایران، ماهواره جاسوسی آمریکا را لو داد

فارس: کارشناسان رصد ماهواره‌ها می‌گویند توییت ترامپ در مورد ایران به آن‌ها کمک کرده تا اطلاعات بیشتری در مورد عملکرد یک ماهواره جاسوسی سری به دست آورند. «مارکو لنگبروک» از رصدکنندگان سامانه‌های ماهواره‌ای که در هلند مستقر است، گفت عکسی که ترامپ از انفجار در سایت پرتاب موشک سمنان منتشر کرد، توسط ماهواره موسوم به «USA ۲۲۴» گرفته شده است. این ماهواره که در سال ۲۰۱۱ توسط دفتر شناسایی ملی آمریکا به فضا پرتاب شد، یکی از محرمانه‌ترین ماهواره‌های آمریکاست و تقریبا تمام اطلاعات مربوط به آن سری نگه داشته شده است.ترامپ هفته گذشته در اقدامی کم‌سابقه، تصویری طبقه‌بندی‌شده از انفجاری که به واسطه یک نقص فنی در سایت سمنان رخ داد را در توییتر خود منتشر کرد.

ناو هواپیمابر آمریکایی پیش از اعزام به خلیج فارس دچار نقص فنی شد

فارس: نیروی دریایی آمریکا اعلام کرد ناو هواپیمابر «هری ترومن» که گفته می‌شد قرار است به خلیج فارس اعزام شود، با نقص فنی مواجه شده است. به نوشته وبگاه نیروی دریایی آمریکا، ناو هواپیمابر «یو.اس.اس هری ترومن» با مشکلاتی در بخش توزیع برق مواجه شده است.

تظاهرات ضد آمریکایی در پایتخت ونزوئلا

فارس: مردم ونزوئلا در اعتراض به «دونالد ترامپ» رئیس جمهور آمریکا و محاصره اقتصادی این کشور تظاهراتی را در پایتخت این کشور برگزار کردند. اقشار مختلف ونزوئلا از جمله دانشجویان و کارگران با حضور در میدان «سیمون بولیوار» به نشانه اعتراض به محاصره اقتصادی آمریکا، دادخواستی را علیه این کشور امضا کردند.

متیس: همکاری با عربستان، انتخاب بین بد و بدتر است

ایرنا: وزیر دفاع پیشین دولت دونالد ترامپ درباره همکاری کاخ سفید با ولیعهد سعودی گفت این اختیار مقامات است که بین بد و بدتر انتخاب کنند. جیمز متیس در پاسخ به این سوال که با توجه به ادعاهایی مبنی بر دخالت محمد بن سلمان در قتل جمال خاشقجی روزنامه نگار منتقد عربستانی و اینکه آیا آمریکا باید با او همکاری کند، گفت: این یک تصمیم اخلاقی برای همکاری با او خواهد بود و این اختیاری برای انتخاب بین بد و بدتر است.

ترکیه، آمریکا را تهدید به خرید سامانه های بیشتر «اس-۴۰۰» روسی کرد

مهر: وزیر خارجه ترکیه در تهدید آشکار علیه آمریکا، اعلام کرد: اگر واشنگتن از تحویل سیستم‌های پاتریوت به آنکارا خودداری کند، سامانه های موشکی اس ۴۰۰ بیشتری را از روسیه می‌خریم.«مولود چاووش‌اوغلو» هشدار داد:اگر آمریکا سامانه پاتریوت را به ما نفروشد سامانه های اس- ۴۰۰ بیشتری را از روسیه خواهیم خرید.

نخست‌وزیر پاکستان: آغاز کننده جنگ هسته ای نخواهیم بود

مهر: عمران‌خان نخست‌وزیر پاکستان در حالی که تنش میان اسلام‌آباد و دهلی‌نو پس از لغو خودمختاری کشمیر توسط هند همچنان در حال افزایش است، اعلام کرد:کشورش هرگز آغاز کننده جنگ هسته‌ای نخواهد بود.عمران‌خان گفت: تداوم تنش‌ها میان کشورش و هند برای جهان مخاطره‌آمیز است با این حال اسلام‌آباد هرگز آغازگر جنگ هسته‌ای با دهلی نو نخواهد بود.

اعلام حمایت چین از پیونگ یانگ در روند خلع سلاح اتمی شبه جزیره کره

ایسنا:«وانگ یی» وزیر امور خارجه چین که به منظور دیداری سه روزه به پیونگ یانگ سفر کرده است در دیدار با «ری یونگ هو» همتای کره شمالی خود اعلام کرد: پکن در مساله خلع سلاح اتمی شبه جزیره از این کشور حمایت می کند.

«بوریس جانسون» اکثریت پارلمانی انگلیس را از دست داد

فارس: روز گذشته با پیوستن یک نماینده محافظه‌کار به حزب لیبرال – دموکرات، «بوریس جانسون» نخست‌وزیر انگلیس اکثریت پارلمانی را از دست داد. رسانه‌های انگلیس می‌گویند حین سخنرانی دیروز جانسون در مجلس عوام، «فیلیپ لی» نماینده محافظه‌کار، این حزب را ترک کرد و به حزب لیبرال دموکرات ملحق شد. جانسون در سخنرانی خود در پارلمان، درباره خروج انگلیس از اتحادیه اروپا (برگزیت) گفت: همه در این دولت توافق می‌خواهند اما این مجلس سه بار توافق را رد کرده است. همزمان وزیر اقتصاد سابق انگلیس گفت که تعداد نمایندگان مورد نیاز برای شکست دادن جانسون درباره جلوگیری از خروج بدون توافق انگلیس از اتحادیه اروپا وجود خواهد داشت. «فیلیپ هاموند» گفت: بسیاری از نمایندگان مجلس طی تحولات هفته گذشته تحریک شده‌اند و زمان آن است که منافع ملی را در برابر تهدیداتی که علیه ما وجود دارد در اولویت قرار دهیم.



ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات

چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۷۱

نفیسی در چند سطر

طرح از: حبیب‌الله صادقی

قلم‌انداز

اخبار ایران به روایت رویترز

بروز ناآرامی

خبرهایی که امروز از کاردار روسیه در تهران به وزارت امور خارجه رسیده است تأییدی‌ست برای تصمیم‌گیری در روز شنبه. این تصمیم بر این پایه اســت که: یک هنگ قزاق ـ یک گردان پیاده نظام ـ با یک توپ قرار است فوری از باکو به انزلی بارگیری شــود و از آن‌جا به قزوین بروند و در حال آماده باش باشــند تا روز مبادا از جان و مال خارجیان در پایتخت ایران محافظت کنند. خبر رسیده که عشایر بختیاری اکنون در دوازده مایلی و دسته قزوین در بیست و چهار مایلی تهران‌اند. سواران سفارتخانه بریتانیا و روسیه رفته‌اند تا رهبران مربوطه را مطلع سازند که پی‌آمد پیشروی‌های بیشــتر اعزام سربازهای خارجی‌ســت. وزارت امور خارجه چندان امیــدی بــه تأثیر این اخطار ندارد! قراین و شــواهد هم گویای آن است که: انقلابیون فردا صبح وارد تهران خواهند شد.

این‌جــا بــاور بــر این پایه اســت که: جوخه قــزاق ایرانی در موقعیتــی نیســت کــه بتواند مقاومت مؤثری از خود نشــان دهد. تعداد سربازان آماده به خدمت از هشتصد نفر بیشتر نیست و با توجه به کاهش میزان وفاداری جای تردید است! افراد سفارتخانه‌های روســیه و بریتانیا در اتراقگاه تابســتانی خود به کاخ کنونی شــاه نزدیک‌اند. ســاز و کار مؤثری برای تأمین امنیت آنان فراهم شــده اســت. این گزارش کوتاه از اوضاع، که به اســتحضار دولت روسیه رســیده اســت، زمینه این بدگمانی ست که: آیا در اعزام یک گروه کمکی بیش از حد تأخیر نشده است؟ با اطلاعاتی که من در اختیار دارم یک گروه ۱/۸۰۰ نفره را می‌توان بلافاصله ـ در صورت مهیا بودن وســیله حمل‌ونقل ـ اعزام کرد. رســیدن آنها به تهران یک هفته به طول می‌انجامد.

امروز صبح بیانیه‌ای بلند بالا صادر و در آن دلایل مهم اعزام سربازان به ایران توضیح داده شد و در آن بر سیاست تعیین شده روســیه که با معاهده این کشــور با بریتانیا ـ بر پایه عدم دخالت در امور داخلی ایران ـ مطابق اســت به شــدت تأکید شــده است. مطبوعات ـ همه هم زبان ـ از این بیانیه‌ها استقبال می کنند روزنامه نوو ورمیا در حالی که با سیاست عدم دخالت هم‌دل است، می گوید: گروه کمکی اعزامی باید مقاوم‌تر باشد. به هرحال، باید بگوییم که مقامات اصلح معتقدند که همین نیروها برای هدف آنان بســنده اســت و نیروهای دیگر را در حالت آماده باش نگه می‌دارند تا در صورت لزوم از آنها استفاده کنند.

دولت روســیه با صدور بیانیه‌ای در گزارش اوضاع ایران به دولت‌های خارجی چنین نوشــته است: به رغم برنامه‌ریزی دولت شــاه با پیشــنهاد دولت‌های بریتانیایی کبیر و روسیه برای استقرار مجدد دولتی متشکل از نمایندگان و انجام اصلاحات لازم، جنبش انقلابیون در قلب ایران هنوز ادامه می‌یابد. اقدام دولت‌های روسیه و بریتانیای کبیر برای مهار پیشــروی عشــایر بختیاری به رهبری ســردار اســعد ـ هم‌گام با انقلابیونی که از قزوین و رشــت به آنها پیوسته‌اند ـ و فزون بر نیروهای قفقازی به رهبری سپهدار حاکم گیلان، تاکنون بی‌نتیجه بوده است.

نیروهای مخالف شــاه به تدریج به کرج نزدیک و نزدیک‌تر می‌شوند و در آن‌جا گروه‌هایی به آنان می‌پیوندند! بروز ناآرامی را هم‌اکنون هم می‌توان دید!

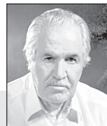
دولت شاهنشــاهی، در جمع‌بندی به این نتیجه رسیده است کــه اصــل عــدم دخالت در امور داخلی و در اختلاف شــاه و مردم ایران باید امروز هم چون گذشــته اســاس سیاست‌شــان در ایران باشــد. در این رابطه ما نمی‌توانیم بر این واقعیت چشــم فرو بندیم که: در آستانه ورود بختیاری‌ها و انقلابیون به تهران نمایندگی‌های دیپلماتیک روسیه و اروپاییان و دیگر نهادها و شهروندان اروپایی، همچنین جاده انزلی (کنار دریای خزر) به تهران، شاید خود را در شرایط خطرناکی بیابند و بسا فراتر از این بر پایه خبرهایی که به ما رسیده، شاه جز سربازان مزدور نیرویی در اختیار نداشته باشد!

جوخــه قــزاق در ایــران چنان ضعیف اســت کــه در تهران نمی‌تواند نظم را برقرار کند. این شــرایط این تعهد اخلاقی را به دولت شاهنشــاهی ما تحمیل می کند که: از هر چه در توان دارد دریــغ نکنــد؛ تا روز مبادا بتواند کمک‌های مؤثری به این نهادهای اروپایی و شهروندان خارجی برساند! و رفت و آمد آزاد و بی‌قید و شرط در جاده تهران ـ انزلی را تضمین کنند.

ادامه دارد

در اندوه زوال آثار و مآثر قدیم

باغ های از دست رفته



● دکتر سیروس برادران شکوهی

باغ ســایه‌گاه خوش روندگان و زائران هســت که زیر تابش بی‌امان خورشید سوزان، پناه به آن می‌برند. اینجا، خاک که به دستی آدمی را از خود رانده است، به دستی دیگر، پیش می‌خواند. خاک که گورگاه استخوان تشنه مردم خسته و دردمند است، به تهنیت آسمان دست تمنا گشوده است.

بــاغ در نظرگاه مردم مشــرق زمین، تمثیــل از فردوس برین و مکان دل‌انگیز برای تعلق آدمی به طبیعت خاکی است. معنایی که باغ را در ذهن و زبان شاعران ژرف‌اندیش، جایگاهی برین و ویژه بخشیده، پیوندی است که این پدیده خیال‌انگیز در تقابل با چشم‌انداز بدیع فردوس برین و آب حیات پیدا کرده است، در شعر و ادب فارسی، باغ و گل، فردوس و روضهٔ رضوان، خلد برین، سرای جاوید، روضهٔ ارم، آب زندگانی، عشق و جاودانگی و صدها تعبیر بدیع و زیبای دیگر معنایی همگون و آمیخته با بهشت نیکنامی و باغ طبیعت دارند. آن‌گونه که شاعر جاودانه شیرازی حافظ می‌گوید:

حافظا خلد برین، خانه موروث من است
اندریــن منزل ویرانه، نشیمــن نکنــم

در طبیعتِ تابســتان‌های گرم و صحرایی و کم آب تبریز وجود باغ با تصوری دل‌انگیز از زندگانی و خرمی همراه اســت و نویدی اســت از آب و خُنَکای باد، و سایه‌ســار شــاخ و برگ درختانی که در برابر نور خیره‌کننده و درخشان خورشید، آسودن از گرمای سوزان را بر راهیان سخت‌کوش ارزان می‌دارد. باغ در شهر تبریز همچون قطعه صدفِ سبز رنگی است که در دل دشت جای گرفته و در آن زندگی و تلاش جاری است و زمزمه جویبارانی که ســرو و کاج و بید و صنوبر و درختان سرســبز دیگر را ســیراب می کند، همچون آهنگی روحبخش و خیال‌انگیز اســت که اندیشــه بلند شاعران را به تلاطم و سرودن اشعار نغز و ژرف وامی‌دارد.

اما باغ «صفا»ی کوی ســرخاب که «چون آن جائی به جهان کمتر بُوَد». «هوای کوی روزها به تابســتان گرم‌تر باشــد که خورشید بر این کوه خشک تابد و خاک کوی سخت و با ریگ مخلوط است و زمین آن رطوبت نباشد.» و از شدت گرمی آفتاب صورت و دست‌های همگان سوزد.

این چنین بود که ناچار در روزهای گرم‌تر تابســتان، تند می کردی و خود را به ســایه و زاویه و بازارچه و باغچه‌ای می‌رســاندی و تشنه به دنبال ظرف آبی بودی که معمولاً در کنار کارگاه‌های کوزه‌گری روی چارپایه‌ها کار می‌گذاشتند با ظرف سفالینه که از برکت خاک قرمز کوی می‌ساختند و در خورن آب قنات «شاه چَلَبی» و «حسن پادشاه» که آب آن اَعذَب میاه تبریــز و چنانــی نبود، «خواجه علی بیگ» به ظروف دیگر از بلور و چینی و مسی ترجیح می‌دادی چون آب «گاو دوش» قریه لیقوان، آبش خوشبو بود و طعمش گوارا، به خصوص که قبل از خوردن با گلاب اِشْرابش می‌ساختی و چَمپاته می‌زدی و پشت بر دیوار می کردی و دست بر سر می‌نهادی و آب که نه، زَمْزَم را لاجُرعِه سر می کشیدی.

دروازه‌اش «سرخاب قاپوسی» بود و بازارچه‌اش «سید حمزه» که در قســمت دشــت محله واقع بودند و شــمالش حاشیه دامنه کوه بود پله پله تا می‌رسیدیی به بقعه عینال و زینال:

خَلَــف خانــدان آلِ عَبــا — شاه عبــاس، شــاه والا جــاه
بهر عون علی و زید علی — از دو نســل علــی ولــی ا...
کرد عالی عمارتی انشــاء — که ز ماهی کشید سر تا ماه...

اما این همه خارج از «بارو و خندق» شــهر بود «... نائب‌الســلطنه به رغم پیش‌آمدهای اندوه‌انگیز و نومید کننده [جنگ‌های ایران و روس] در آبادانی و اســتواری تبریز می کوشــید و در اندیشــه بازسازی باروی تبریز و کندن خندق در پیرامون شهر بود و به فرمود که تبریز از هر طرف به اندازه یک تیر پرتاب وسیع شود و زمین‌ها و آبادی‌های خارج آن را خریده داخل شهر کرده و خندقی به دور آن بکشند. چنین دور آبادی دارالسلطنه تخمیناً هشــت فرســخ شــد. و از مشرق آبادی شهر متصل به کوه سرخاب و طرف شمال شهر باز ماند»

«باغ صفا» در محلی احداث گردید که بقعه عون‌بن‌علی در شمالش بود و زاویه ابوالحسن حمزه، حسن محمد (سید حمزه) که با شانزده واسطه نســبش به حضرت موسی‌بن‌جعفر می‌رســید در جنوبش مجموعه نفیسی از مســاجد و مقابر و حُجَرات و مدفن بزرگان و اعاظم دارالســلطنه از جمله مدفن میرزا عیســی قائم مقام فراهانی و دســتور اعظم زمان و «بعضی از مزارستان‌ها که کُبار اولیای عِظام و عرفا و اکثر علما و مؤلفین و مُصَنِّفین در آنجــا مدفوننــد» و از برکــت همین عتبات عالیات و اولیایِ عظام و عرفا بود که ملای رومی خاک پاک آن را تحفه خود می‌خواست. قریب به یقین در لیالی متبرکه و روزهای پنجشنبه و جمعه این کوی مهماندار زوار شهر و کوی‌های حول و حوش دارالسلطنه بود که بین اماکن مقدسه در صعود و فرود بودند و نیز موقعیت طبیعت استثنایی محل «باغ صفا» دیدارکنندگان



را مات و مبهوت می‌ســاخت و به حق این قســمت مَسیره و تفرجگاه تبریز نیــز بود. پس چرا نایب‌الســلطنه در چنیــن محل ممتازی صالحاتی از خود باقی نگذارد پس برای عملی ساختن نیت خیر خود در بهترین نقطه محل که مشــرف به دشــت و شــهر بود امر به احداث باغی نمود که «چون آن جایی به جهان کمتر بود...»

قدمت باغ‌های تبریز

«تبریز یکی از مشــهورترین شــهرهای ایران بوده که بارها از حیث آبادانی و شــکوه ســرآمد شــهرهای زمان خود گشته و بر اثر زَلْزَله یا حمله طوایف دیگر تخریب و دوباره آباد گشــته اســت. در اینجا باغ‌های مشــهور و بزرگی وجود داشــته: ۱. باغ امیرالوزراء ۲. باغ وزیر ۳. باغ صاحب دیوان ۴. باغ امیر ۵. باغ حاج فرج آقا پناهی ۶. باغ حیدرزاده ۷. شــاهگلی ۸. باغ کلانتر» و... که از دیرباز حدود ۷۰۰ قمری از هنگامی که ماکوپولو به این دیار مسافرت کرد شهره آفاق بودند. بعدها آق قویونلوها پایتخت خود تبریز را با باغ زیبایی به نام «هشــت بهشــت» زینت دادند و پســر اوزون حسن، ســلطان یعقوب با باغ «عشــرت آباد بالاخره در زمان قاجاریه باغشــمال» بر زیبایی آن افزود. شــاهزادگان قاجار در کل به زیبایی تبریز و حومه آن توجه داشــتند. به ویژه عباس میرزا که علاوه‌بر اقدامات متجددانه بســیار دو باغ معروف و خاطره‌انگیز بازسازی و احداث نمود که اولی «باغشمال» بود و دومی «باغ صفا».

دانسته‌های کلی تشریح کننده موضع اقلیمی هر ناحیه چون بالاترین و کم‌ترین درجه حرارت، میزان بارندگی، توزیع باران سالیانه، شدت و جهت وزش باد، تعداد روزهای آفتابی و ابری و برف و یخ‌بندان و امکان بروز سیل، شــدت حرکت مســیر سِــیلاب و بالاترین مقادیر بارندگی پیش‌بینی شده، جملگی در طراحی باغ صفا حائز اهمیت و قابل توجه بود تنها به مورد سیل اشاره می کند که علی‌رغم محله سیلاب و مسیل آن و دامنه کوه سرخاب انتخاب زمین باغ در نقطه‌ای که سوار شدن سیل بر زمین غیرممکن است دقیقاً قابل مطالعه و صحت انتخاب محل باغ، امروز نیز با وجود ســاخت و سازها و تغییر و خاکبرداری زمین و زیرسازی و خیابان‌کشی باز مورد تائید و تصدیق مهندسان امر است.

وجه تسمیه باغ معلوم نیست. شاید خواست نایب‌السلطنه این بود که باغی همنام «باغ صفای» مدینه منوره احداث کرده و عمارتی در آن برآورده باشد» شاید هم، نام یافته از منظر طبیعی و اِشرافی که بر شهر داشت که واقعــاً بــا صفــا بود و نیز «ایرانی بدون آب جاری «صفا» نمی‌تواند بکند. با احداث قنات «شــاه چلبی» و با وجود جویبارها و حوض‌ها و فواره‌ها نامی که بر ذهن شعرا و ادبا خطور می کرد. جز «صفا» نبوده است.

حد شِــمالی بازارچه ســیلاب در منتهی‌الیه شرق خیابان سرباز شهید و جنوب قبرستان حسینیه (بوستان شقایق) کنونی حدود دویست سال پیش ضلع شرقی و جنوبی ـ باغی بود که زمین‌های ضلع شمالی آن در آن سال‌ها لم‌یَزْرَع و باز و منتهی به دامنه کوه بود. گورستان حسینیه و «باغ امیرالوزراء» از مُسْتَحدَثات بعدی استِ چنان که در نقشه سال ۱۲۹۸ دارالسلطنه نشانی از آن دو نیســت. احتمالاً حدود ۱۲۰ ســال پیش باغی بود با درختان کم و قسمت‌های شمالی آن لم یزرع و رها شده بعدها موقعیتبنا به نیاز، قسمتی از این باغ را تبدیل به قبرستان کرده‌اند. قبرستان در غرب «سیلاب ملازینال» واقع و راه ارتباطی محله سیلاب با کوی سرخاب بود. آگاهی دقیقی از بانی و واقف و تاریخ آن در دســت نیســت و تمامی پرس‌وجوها ره به جایی نبرد. الا این که از اواخر قاجاریه در همین وســعت، حدود چهار هکتار بود. با این تفاوت که در آن زمان اطراف آن باز و بیابان بود و از ســمت شــمال و شــرق تا دامنه‌های کوه عینالی ادامه داشت.

ادامه دارد





● سرگه بارسقیان

درباره خلیل ملکی؛ روشنفکر تنها/۲

با مصدق تا پایان



ملکی وقتی از مظفر بقایی جدا شد، گفت که اولین اختلافشان بر سر اسم حزب زحمتکشان بود؛ چراکه بقایی می‌گفت زحمتکشان از عناوین احزاب کمونیستی است و ملکی باور داشت «صحیح نیست که کمونیست‌ها در این مملکت الفاظ و کلمات را هم در انحصار خود بگیرند. در همه جای دنیا این قبیل الفاظ را احزاب ضد کمونیستی هم بر خود می‌گذارند و ما هم باید چنین بکنیم.» اما وقتی از حزب زحمتکشان انشعاب کرد و نیروی سوم را تشکیل داد، تاکید داشت که «نیروی سوم به معنی اعم آن حزب نیست، دارای مکتب اجتماعی مشترک نیست. تنها در روی وجه مشترک مبارزه ضداستعماری به وجود آمده و تا مدتی که خطر استعمار یا نفوذ توسعه‌طلبی بیگانگان وجود دارد نیروی سوم به معنی اعم یا جبهه وسیع ملی حق حیات دارد... جناح چپ جبهه ملی یعنی همین نیروی سوم به معنی اخص مرکب از حزب و جمعیت‌ها و افراد و یا احزابی است که واقعاً نماینده طبقات محروم باشند و در متشکل کردن آنان بکوشند و دارای برنامه اجتماعی مترقی باشند نه برنامه منحط و عقب‌مانده و ارتجاعی.»

او حزب زحمتکشان ملت ایران (نیروی سوم) را تشکیلاتی توصیف می‌کرد که «هدف‌های انقلابی را با وسایل مسالمت‌جویانه تعقیب می‌کند» و نهضت ملی شدن صنعت نفت را مثال می‌آورد که یک هدف به تمام معنی انقلابی یعنی ریشه‌کن کردن نفوذ استعمار را با وسایل مسالمت‌جویانه به دست آورد. او نیروی سوم را در دوره مصدق «تنظیم‌کننده و رهبری‌کننده عصیان‌ها برای تحولات اجتماعی» می‌خواند نه ایجادکننده آن با این حال تا بهمن ۱۳۳۱ اذعان داشت «حزب ما هنوز ظرفیت خود را پر نکرده است. خیلی‌ها در کارخانه و مزرعه و مدرسه و بازار و کوچه و خیابان هستند که جای آن‌ها در حزب زحمتکشان (نیروی سوم) است ولی هنوز جای خود را در حزب ما پر نکرده‌اند.» گرچه مدعی بود که «حل مساله نفت و ملی کردن آن پیروزی نخستین نیروی سوم در ایران است.»

جبهه ملی؛ از نیروی مترقی تا اطرافیان پرخطا

«جبهه ملی را مترقی‌ترین نیروی موجود جامعه کنونی ایران می‌دانم، مخصوصاً از این لحاظ که جبهه ملی استعداد و لیاقت این را دارد که نیروی بالقوه‌ای را که در نهاد ملت ما موجود است از قوه به فعل درآید... موفقیت‌های جبهه ملی، موفقیت افکار عامه است.» او اما از این نظر عدول و عبور نکرد؛ معتقد بود که «ملت ایران دکتر مصدق را در بزرگترین آزمایش‌های تاریخی و فشار مشاهده کرده و با دقت ناظر اعمال او بوده است و خاصیت فسادناپذیری دکتر مصدق را فقط پس از این آزمایش‌ها از روی تجربه و تحقیق اعتراف و اذعان نموده.» همین آزمایش‌های تاریخی بود که ملکی را به این باور رساند که «در تاریخ ده‌ها سال اخیر ایران هیچ جمعیتی به اندازه جبهه ملی و رهبر آن جبهه آقای دکتر مصدق در کارهای اجتماعی در افکار عمومی موفقیت به دست نیاورده‌اند.»

او مصدق را چنین می‌ستود: «فرزندان ما در آخر قرن بیستم نام مصدق را در سرفصل تاریخ نوین ایران در رأس نهضت‌های ملی خاورمیانه و آسیا خواهند خواند.» و معتقد بود «فقط خیانتکاران و یا مجنونین سیاسی می‌توانند دکتر مصدق را تضعیف کنند.» تاکید داشت که «از دکتر مصدق تا آخرین نفس پشتیبانی می‌کنیم» اما این موجب نشد که علاوه بر لازم دانستن «پشتیبانی از دولت دکتر مصدق با پیروزی نهایی بر هر ایرانی وطن‌پرست»، انتقادات و تذکرات خود را بیان نکند: «پس از اجرا شدن خلع ید بزرگترین نقطه ضعف دولت آقای دکتر مصدق را سیاست داخلی دولت تشخیص داده و سیاست لیبرال دولت یعنی بی‌نقشگی سیاسی و اقتصادی را مورد بحث و دقت و تجزیه و تحلیل قرار داده‌ایم. هرچند در دوره ماقبل خلع ید لازم بود که موقتاً از اصلاحات اساسی داخلی چشم‌پوشی شود تا جبهه مبارزه ضد استعماری برای اجرای خلع ید تقویت گردد ولی در مرحله بعد اصلاحات داخلی و داشتن نقشه‌ای برای مبارزه با اخلالگران ائتلافی و برای غلبه بر مشکلات اقتصادی نه تنها از لحاظ اوضاع داخلی بلکه از لحاظ حل مساله نفت نیز لازم و ضروری بوده و هست.»

مقالات او در سال دوم نخست‌وزیری مصدق بر توجه دولت ملی به وضع زندگی «کثیرترین و فقیرترین قسمت ملت ایران یعنی کشاورزان» و تهیه نان برای گرسنگان و کار برای بیکاران متمرکز بود و نقد می‌کرد که «دولت ملی هرچه مستقیماً در مقابل قدرت‌های متنفذ و توسعه‌طلب خارجی جدی و قاطع است در مقابل فئودالیته و سرمایه‌داران متنفذ که اغلب همدستان همان قدرت‌های خارجی هستند معتدل و سست و عاری از قاطعیت است.» گرچه اذعان داشت که «رسالت دولت دکتر مصدق اصلاحات داخلی نیست. رسالت بزرگ او در چارچوب نهضت ملی خاتمه دادن به جنبه اقتصادی نفت است که به نظر ما در شرایط کنونی اگر اوضاع محلی اجازه دهد به خوبی امکان‌پذیر است» اما با این وجود انتقاد می‌کرد «هرچند که دکتر مصدق شریف‌ترین فرد از اشراف ایران است ولی ایشان مطابق طرز تفکر طبقاتی و موقعیت اجتماعی خود یک تحول اجتماعی به نفع طبقات زحمتکش را نمی‌توانند عملی سازند.»

یک سال قبل از کودتای ۲۸ مرداد هشدار داد که «آقای دکتر مصدق در شرایط فعلی هیچ کس از وضع خود و از وضع کشور راضی نیست و موج نارضایتی وخیم سراسر کشور را فراگرفته است. دشمنان ایران و دشمنان شما بیش از هر کس از چنین وضعی استفاده می‌برند.» در عین این نقدها معتقد بود «مخالفت‌هایی که دکتر مصدق را تضعیف کند و اقداماتی که در جبهه ملی اختلاف ایجاد نماید در حال حاضر خیانت به نهضت ملی ایران است» ولی غافل نبود از گفتن اینکه «قصور از جناب آقای دکتر مصدق است که در طول عمر سیاسی خود از تشکیل حزب خودداری کردند و پس از رسیدن به نخست‌وزیری لااقل جلسات جبهه ملی را که در این دوره لازم‌تر بود تشکیل ندادند تا امروز هر کدام از افراد و رهبران جبهه ملی یک آهنگ ناسازگاری برای خود به تنهایی ننوازند.»

یک سال پس از کودتای ۲۸ مرداد اما از طرفداران و اطرافیان مصدق انتقاد کرد که «همیشه مانع پیشرفت افکار ما نزد ایشان بوده و آن همه اشتباهات جبران‌ناپذیر را مرتکب شده‌اند...»

ملکی چند ماه قبل از کودتا خطاب به سرلشکر فضل‌الله زاهدی نوشته بود «دقت فرمایید که در مخالفت با دولت مصدق وارث کدام یک از سیاستمداران می‌شوید»، و پیش‌بینی کرد «گرچه روزنامه‌هایی از نوع «داد» تصور می‌کنند که زمینه نخست‌وزیری جنابعالی در روزهای اخیر محکم‌تر شده ولی به نظر مبارزان نهضت ملی ایران شانس آن جناب و متحدین سیاسی‌تان کمتر گردیده است.» یکی از دلایل اختلاف با بقایی نیز مخالفت با دکتر مصدق در مجلس بود که ملکی نوشته نمی‌تواند درباره آن سکوت اختیار کند «زیرا مبارزه ما با استعمار اساسی‌ترین مساله روز ما است. اگر در موضوع مخالفت اخیر که با دولت در مجلس می‌شود و علمدار آن دکتر بقایی است جدا وارد میدان مبارزه شده‌ایم. این مساله ربط به لجاجت‌های کودکانه‌ای ندارد که بقایی با ما می‌کند.»

خطر بزرگ

در پنج جلد مقالات خلیل ملکی، آنچه به خوبی توانسته سیمای فکری این روشنفکر تنها را در سال‌های آخر عمر نشان دهد، نامه سرگشاده او به علی امینی، نخست‌وزیر وقت در ۱۸ مرداد ۱۳۴۰ است. او در این نامه بزرگترین خطری که کشور را تهدید می‌کرد، نه امپریالیسم غرب می‌دانست و نه توسعه‌طلبی شوروی و نه عمال داخلی آن‌ها؛ حتی ارتجاع داخلی را هم بزرگترین خطر نمی‌دانست، بلکه می‌نویسد: «خطری که از همه این‌ها بالاتر است، این است که در کشور ما و در نهضت ملی ما یک رهبری که دارای سجایای اخلاقی لازم برای راهنمایی ملت برای تجهیز نیروی آن‌ها، برای نشان دادن راه صحیحی که باید در آن راه و برای هدفی مشخص پیش بروند، وجود ندارد... فقدان این نوع رهبری، بزرگترین نقص ملی ما و بزرگترین خطر برای استقلال و تمامیت ارضی ایران است.»

اما برای فعال سیاسی که در چند حزب عضو شد و انشعاب کرد و حزبی جدید بنا گذاشت، آخرین مقاله‌اش عبرت‌آموز است: «راست حسینی اینکه مردم ایران به حزب‌بازی نظر خوشی ندارند گو اینکه امروزه روز برای عده‌ای این حزب واقعاً هدف شده است و برای عده‌ای وسیله.» و چه تقدیر تامل‌برانگیزی است این توصیف همایون کاتوزیان که «وی در انزوا و افسردگی درگذشت».

پایان



● شهرام تقی‌زاده انصاری

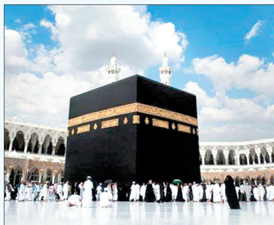
معرفی کتاب «قدرت پیامبر»(ص) اثر فرانچسکو گابریلی /٤

نگاهی به تکوین اسلام

مسئله مهمی که نویسنده آن را به بحث می‌گذارد مسئله دلایل پیشرفت سریع اسلام و شکوفایی آن است. وی می‌گوید این مسئله صحیح نیست که تکامل داخلی اسلام در اخلاق، الهیات و حقوق ریشه در عناصر فرهنگی اعراب داشته باشد و یا با زور شمشیر آنها به پیروزی رسیده باشند و یا توسط میراث فرهنگی یونان و هلنی‌ها که آن را ترجمه کرده بودند به شکوفایی و پیروزی رسیده باشند، بلکه خودشان در اثر تلاش و کار و کوشش به اضافه کمک از فرهنگ غیرمسلمانان به آن رسیدند. تصور غلطی از اسلام ناب را نباید در برابر تفسیری از اسلام عربی قرارداد.

اگر هم ملت‌های دیگر سهمی در این مسأله داشتند با این حال نباید انکار کرد که جوهر اسلام و پیشرفت‌های آن در تمام دوران‌ها ریشه در محیط اعراب داشته است. نویسنده مسئله رسیدن اعراب به اروپا یعنی اسپانیا و سیسیل از طریق دریا را مطرح می‌کند و تسهیلاتی را که آن‌ها مهیا کرده بودند، شرح می‌دهد. و بالاخره سیر نزولی فرهنگ و تمدن اسلامی را نشان داده و دلایل آن را بر می‌شمرد و نشان می‌دهد که کشورهای مسلمانی مثل اندونزی، اروپای شرقی، آناتولی، هندوستان و یک قسمت از آفریقا تحت تاثیر آن‌ها قرار نگرفتند و با پیروزی‌های ملت‌های دیگر کشور اسلامی برپا کردند. در پایان نویسنده درباره به خواب رفتن اعراب در قرون اخیر و بیدار شدن اخیر آن‌ها صحبت می‌کند که چگونه تحت تاثیر فرهنگ و تمدن جدید غرب قرار گرفتند و شروع به پیشرفت کردند ولی هنوز نتوانستند تشکلی پایدار و سازنده و قوی و ملی به دست بیاورند.

مسئله «ملیت» برای آن‌ها دارای اهمیت زیادی است ولی با در نظر گرفتن آن نیز پیشرفت چندانی نداشته‌اند با اینکه این مسئله به عنوان یک ابزار و وسیله تضادی با اسلام ندارد ولی آن‌ها می‌خواهند دوباره به عظمت قبلی خود برسند و بر پای خود استوار باشند و به این دلیل مسئله امپریالیسم جدید عربی را مطرح می‌کنند که آزادی و استقلال دو ستون آن می‌باشد. در پایان یادآوری می‌شود که آن‌ها نمی‌توانند از این به نتیجه برسند بلکه باید با آموختن از گذشته حال راه صلح‌آمیز فرهنگ و تمدن را بپیمایند.



پایان

ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات — فرهنگی — چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۷۱



بروس لینگن در کنار سفارت

خاطرات بروس لینگن آخرین کاردار آمریکا در ایران/۲

روزی که سفارت تسخیر شد

... خیلی دیر شروع به نابود کردن اسناد کردیم. در گفتگوهایی که من داشــتم، به نظر نمی‌آمد خطر آن‌قدر جدی باشد. تلقی اولیه همه ما، هم در محوطه سفارت و هم قطعا ما که در ساختمان وزارت امور خارجه بودیم، این بود که قضیه یک‌جورهایی تکرار حمله ماه فوریه است و قصد دانشجوهایی که داشتند وارد سفارت می‌شدند، باز هم این است که مدت کوتاهی آنجا بمانند و انزجارشان را از ایالات متحده و ـــ از آن مهم‌تر ـــ نگرانی‌شان را از مســیری نشان بدهند که دولت موقت داشت انقلابشان را هدایت می‌کرد، امیدشــان را به این نشــان بدهند که می‌تواننــد دولــت موقت به رهبری بازرگان را تضعیف و بی‌ثبات کنند.

بــه هر حال قصدشــان واقعاً همیــن بود. به رغم شعارهایشــان کــه به درد تحریک کــردن مردم خیابان می‌خورد، قصدشــان واقعا این نبود که شــاه را برگردانند. قصدشــان اســتفاده از این تمهید برای بی‌ثبات کردن و برانداختــن دولــت موقت انقلاب و باز کــردن راه برای ایفای نقش بیشــتر عناصر تندروتر بود. (توجه شــود که این دیدگاه یه مقام رسمی آمریکایی است!)

به هر صورت، اوایل هیچ به نظر نمی‌آمد اوضاع بد و وخیم است. الان که به گذشته نگاه می‌کنم، به نظرم باید نابود کردن اسناد را زودتر شروع می‌کردیم. در مقام رئیس هیات دیپلماتیک آمریکا در ایران، مسئولیت اینکه اســناد محرمانه‌مان به اندازه کافی نابود نشــد، با من بود و امروز هم کماکان بابتش احســاس مسئولیت می‌کنم. حجم اسنادمان خیلی زیاد بود و خیلی دیر شروع کردیم و تجهیزاتی هم که داشتیم، بهترین‌های موجود نبودند.

مــا قبل‌تــر در چند مورد مشــابه ایــن کار را کرده بودیــم، اما بــاز هم نه آن‌قدری که باید. خیلی روشــن، درس طبیعیــی کــه بایــد از حمله ماه فوریه به ســفارت می‌گرفتیــم ایــن بــود که لازم اســت کمتریــن رد را از امــور دیپلماتیک‌مان به جــا بگذاریم. هرچه کاغذ کمتر می‌داشتیم، بهتر بود. این درسی بود که گمانم بعد حمله جماعتی به ســفارتمان در تایوان تا مدت کوتاهی گرفته بودیم و رعایت می‌کردیم.... کلی از کاغذها نابود نشدند، از جمله تعدادی اسناد خیلی حساس که در اختیار رئیس پایگاه بود.

البته که زمان نشان داد کلی از کاغذهایی که به نظر نمی‌آمد ضرورت و فوریتی برای نابودی داشته باشند، از جمله‌شان اطلاعات غیرمحرمانه زندگینامه‌ای، می‌توانند در موقعیتی خاص چیزهایی خیلی زیان‌بار باشــند، چون روی خیلی از آن کاغذها مهر و نشان سازمان اطلاعات مرکزی (ســی‌آی‌ای) داشــت، حتی اگر هم غیرمحرمانه بودنــد. همیــن کافی بود تا خشــم انقلابی ها برانگیخته شــود، فرقــی هــم نمی‌کرد که اطلاعات آن اســناد ذاتا غیرمحرمانــه و غیرتوصیفــی بــود. همیــن کافی بود تا احساســات خیلــی از ایرانی‌ها بــه درد بیاید و جریحه‌دار شود.

درد واقعی همین است، دردی که من از همان زمان حسش کرده‌ام، نه اینکه امنیت‌مان، منافع استراتژیک‌مان، یــا منافع سیاســی‌مان در ایران و منطقــه به خطر افتاد. چیزهایی که افشــا شــد، تأثیر خیلی جدیی روی این‌ها نداشــتند. بــه هر حال همان زمان هــم معلوم بود رابطه ما با ایرانی‌ها قرار نیســت به این زودی‌ها دوباره برقرار و تثبیت بشــود. اما رنج انســانیی که بسیاری از ایرانی‌ها بابت ناتوانی ما در نابود کردن اسناد گناهکاریمان بردند، این میراث امروز من را می‌آزارد.

از آن زمــان به بعــد همه‌مان یاد گرفته‌ایم که اگر قرار اســت دســته‌ای انقلابی به ســفارتخانه‌تان حمله کنند، مطمئن شــوید به نســبت دســته آدم‌های تهران، کمتر حرارت و شور و عزم داشته باشند، چون در ماه‌های متعاقب آن اتفاق از خیلی جهات، حرارت انقلابی، شــور انقلابی و عزم انقلابی‌شان معلوم بود، به خصوص از آن سختکوشی و پشتکاری که ساعت‌ها و ساعت‌ها، روزها و روزها (و احتمالاً هنوز هم) به خرج دادند تا کلی کاغذ تکه‌پاره را نوار به نوار به همدیگر بچسبانند. از آن طرف، گمان اغلب ما این بود که حتی اگر نتوانیم سندها را بیشتر از آن نابود کنیم، هیچ‌وقت کسی عزم به هم چسباندنشان را نمی‌کند؛ اما آن‌ها کردند. نمی‌دانم رقم دقیق چیســت ولی امروز بیشــتر از پنجاه مجلد از آن اســناد را دارند در کتاب‌فروشی‌هایی در تهران می‌فروشند.

از خیلی جهات روز بدی بود، ولی اتفاقاتی که آن روز افتــاد و اتفاقــات قبل و بعدش خیلی درس داشــت. اما یکی‌شــان قطعا کلیشــه بود: «در ســفارت، در یک هیئــت دیپلماتیک، کمترین رد را به جا بگذار!» در عصر کامپیوتر آدم فکر می‌کند این ممکن اســت. از آن طرف به نظرم امروز هم همه‌مان قبول داریم که کامپیوترها و دستگاه‌های کپی این امکان را برایمان مهیا کرده‌اند که حجم کاغذی حتی بیشتر داشته باشیم.

از اتاق وزیر تا زندان

اولین هجوم به سفارتخانه در ماه فوریه، در بحبوحه انقــلاب، وضعیــت خیلی خطرناکــی را در پی آورد؛ آن موقــع تفنگدارهــا در جاهایی مختلــف از محوطه و دور از همدیگــر مســتقر بودند تا عملا بتوانند با یک رســته امنیتــی گمانــم ۱۵ یا ۲۰ نفره از تفنگدارها از محوطه‌ای ۲۷جریبــی (حدود ۱۱۰ هزار متــر مربع) دفاع کنند. من سر حمله اول آنجا نبودم. بنابراین نمی‌توانم دقیق بگویم آن زمان چند تفنگدار آنجا بودند، اما تا جایی که می‌دانم، هیچ‌وقت تعدادشان بیشتر از این نشد؛ در حمله ماه نوامبر (آبان‌ماه) به ما هم بیشتر نبود. فکر می‌کنم آن زمان ۱۶ تفنگدار داشــتیم که چندتایی هم مرخصی رفته بودند به خارج از ایران.

امــا در حمله ماه فوریــه تفنگدارها وارد رویارویی نفر به نفر خیلی ســختی شده بودند. دستور رسته امنیتی تفنگدارها همیشــه در همه ســفارتخانه‌ها این است که حق ندارند به تشــخیص خودشــان شلیک کنند، مگر تا وقتی که خودشان در خطر جانی یا جرحی باشند؛ در غیر این صورت فقط با دســتور مقام ارشــد حاضر در سفارت حق شــلیک دارند که معمولا ســفیر یا کاردار اســت. در تهران، سر حمله اول در ماه فوریه هم وضع همین بود، امــا چــون تفنگدارهــا دور از همدیگر در محوطه پخش بودنــد، نیاز به اینکه ســرخود تصمیم بگیرند، برایشــان پیش آمد. بعضی‌شــان ناگزیر از مواجهه با موقعیت‌هایی دشوار شده بودند.

هنــوز هــم در مورد تعداد ایرانی‌هایی که ســر آن حادثه کشــته شــدند، ابهام‌هایی هست، اما بنا به اطلاع ما یکی، دو نفر کشــته شدند. فکر می‌کنم دست‌کم یک نفر بابت شــلیک تفنگدارهای ما کشــته شد. ماه فوریه، انقلابی‌هایــی که ریختند تــو، یکی از تفنگدارهای ما را گرفتنــد و بــرای مدتی بردند. من آن زمان آنجا نبودم اما حدود ۲۴ ســاعت و تا قبل از اینکه موفق شــویم برش گردانیم، وضعیت خیلی پرخطر بود.

همــه این‌هــا پس‌زمینــه موقعیتی اســت که من مواجهش شــدم: وقتی روز ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸) به آن مشکل برخوردم. من مطلقاً بهشان دستور شلیک ندادم. آن‌ها هم مطلقاً شلیک نکردند. همان اوایل ماجرا بود که بهشــان دســتور دادم در صورت لزوم از گاز اشــک‌آور اســتفاده کنند، اگرچه فکر می‌کنم شــاید باید زودتر از آن از گاز اشــک‌آور اســتفاده می‌کردیم. اما ما وقتی عملا ریختند توی محوطه، از گاز اشک‌آور استفاده نکردیم؛ آن زمان پایگاه نیروهای جنگی‌مان کلا در خود کنســولگری بود. راســتی آن روز صبح یک مشکل هم ایــن بــود که بعضی تفنگدارها توی اقامتگاه مســکونی تفنگدارها بودند درست پشت محوطه سفارت، آن دست خیابان و دیوارهای ما. زنگ هشدار را که زدند، آن‌ها راهی برای ورود مجدد به سفارتخانه نداشتند. یکی دوتایشان توی خود اقامتگاه دستگیر شدند و همین وضعیت را برای گرفتن این تصمیم پیچیده‌تر کرد که آیا باید تسلیم شویم یا نه. نهایتا از گاز اشک‌آور استفاده کردیم... باز هم بگویم که من داشتم از جای گرم و نرمم در ساختمان وزارت امور خارجه ایران امر و نهی می‌کردم، در آن سر شهر. من در سفارت نبودم، در نتیجه جزئیات دقیقه به دقیقه و ساعت به ساعت ماجرا را باید شخص دیگری بگوید. اما چیزی که من بر اساس مکالمات تلفنی و بی‌سیمی‌مان می‌دانم این است که یکی دو نفر از تفنگدارها عملا نتوانستند به کنسولگری برگردند و در آنجا باشند.

بــه هر حال، نهایتا صدها تظاهرکننده ســاختمان کنســولگری را محاصــره کردند، مســلح بــه چیزهایی مختلــف... بعضی‌شــان بــه پارچــه و پرچــم، بعضی به شعارهای اعتراضی، بعضی به اسلحه‌های واقعی، بعضی به دیلم‌هایی برای باز کردن پنجره زیرزمین ســاختمان کنسولگری که مشرف به زمین کف محوطه بود. از همان جا بود که به زور وارد ســاختمان شــدند؛ داخل که آمدند، تا حدی بابت گاز اشک‌آور هراسان شده بودند، اما نه آن قدری که مانعشان بشود و جلویشان را بگیرد. تفنگدارها عقب‌نشینی کردند به طبقه اول و نهایتا هم به طبقه دوم و پشت در فولادی آنجا.

باز هم زمان گذشت و این مساله بیشتر مطرح شد که حالا که به اجبار توی ســنگر طبقه دوم کنســولگری پناه گرفته‌ایم، باید چه کار کنیم. سر آخر یک جایی الن گلاسینســکی رفت پایین پله‌هــا بیرون توی محوطه تا با ســرکرده تظاهرکننده‌ها مذاکره کند که او را دســتگیر کردند و نگه داشتند. این خبر به من را دادند. یادم نمی‌آید از آن به بعد دیگر از اتفاقات آتی آنجا خبردار شده باشم، اگرچه بعدتر جان لیمبرت مستقیماً من را در جریان قرار داد، یکی از افســرهای سیاســی سفارت و کسی که بین آدم‌های ما ســلیس‌ترین فارســی را حرف می‌زد، همان کســی کــه بالاخره یک جا تصمیــم گرفت آن در طبقه دوم را بــاز کنــد. من تمام و کمال خبر ندارم این تصمیم تا چه حد با دیگر آدم‌های مســوول ســفارت یا با کسانی که در راهروی کنسولگری مسئول وضعیت شده بودند، هماهنــگ شــده بــود. به هر حال او هــم رفت بیرون و دســتگیر شــد. یک وقت هم به من خبر دادند که دارد از زیــر در طبقــه دوم، دود به داخل می‌آید، یعنی به رغم در فولادی می‌خواســتند ســاختمان را آتش بزنند و با خاک یکسان کنند.

این و دیگر گزارش‌ها از ســفارت نشــان می‌داد که هیچ راه شــدنی‌ای برای دفاع از کنســولگری نیست، که بــه قــدر کافــی آن حجم از اقلامی را کــه من محرمانه می‌دانســتم، نابود کرده‌ایم، و به اعضا دســتور دادم هر وقت به این نتیجه رسیدند که دیگر هیچ کاری نمی‌شود کرد، تســلیم شــوند. آن‌ها هم سرآخر تسلیم شدند. بهتر است باقی قصه را کسانی تعریف کنند که آنجا در طبقه دوم بودند.

بعد تظاهرکننده‌ها از دری که حالا باز شــده بود، ریختند تو، همه آدم‌ها را خیلی شــل و ســت بستند، به خصوص دست‌هایشــان را. چشم‌هایشان را هم بستند و مجبورشان کردند بنشینند کف زمین. اتاق اسناد محرمانه را کمــی دیرتــر گرفتند، اما نهایتا افراد آن اتاق هم بعد از تمام کردن کار نابودســازی اقلامشان، تسلیم شدند. بعد از دستور من برای تسلیم و اشغال طبقه دوم، معلوم بود که تماس من را هم به وضوح خاتمه دادند و هم بی‌سیم و هم تلفن قطع شد.

مــا ســه نفــر، ویکتور تومســت و مایــک هالند و من، ماندیم و این حس وحشــتناک که اتفاقی نه کاملاً غیرمنتظــره امــا جــدی‌ای افتــاده. می‌گویــم نه کاملا غیرمنتظــره چون احساســمان هنوز این بود که احتمالا قرار اســت ماجرا چیزی شــبیه اتفاقی باشد که در فوریه افتاده بود.

ما همان جا ماندیم تا شــب شــد. نزدیک آخر شب، دیگر داشــتیم به نیمه‌شــب نزدیک می‌شدیم و من هنوز نشســته بودم پشــت میز وزیر امور خارجه به گفت‌وگوی تلفنــی با واشــنگتن؛ وزیــر امور خارجه ایران مشــغول تماس‌های تلفنی با کلی آدم در شهر. یک جا گفت باید برود به جلســه هیات دولت: «شــما می‌خواین چی کار کنین؟» گفتم: «شــما به مــن بگین چی کار کنم، چون شــما مســئول تأمین امنیت من و همکارانم هستین. من نمی‌تونــم بــرم بیرون تو خیابون. نمی‌خوام الان برگردم سفارت و بگیرنم.»

قبل‌ترش هم این بحث شده بود که آیا فکر خوبی اســت من برگردم به ســفارتخانه یا نه. آن‌طور که اوضاع داشت پیش می‌رفت، این فکر خیلی سریع کنار گذاشته شــد. بهتــر بود من و دو همــکارم همان جایی که بودیم بمانیــم و ببینیــم از طرف دولت می‌توانیم ماجرا را حل و فصل کنیم یا نه.

به دکتر یزدی گفتم مســئولیت اوســت که به من بگویــد باید چه کار کنم. گفتــم نمی‌توانم بروم بیرون و بکوشم سفارتخانه کشور دیگری را راضی کنم مسئولیت من و دو همکارم را قبول کند. به هر حال، این خطر هم بود که اگر بیرون برویم، پیدایمان کنند و ما را بگیرند.

این شد که او هم گفت: «خب، بهتره شماها بمونین اینجا. ما تا صبح قضیه رو حل می‌کنیم.»

یزدی شــخصاً مرا برد پاییــن به یکی از اتاق‌های مخصــوص مهمانــان دیپلماتیک. مــن و دو همکارم از صبــح تــا آن موقع هیچ چیز قابلــی نخورده بودیم، فقط چای و شیرینی خشک و خرماهایی که یزدی از سفرش برای مراســم روز اســتقلال الجزایر سوغاتی آورده بود. هماهنگ کرد که از آشپزخانهٔ وزارت امور خارجه چیزی برایمان بیاورند بخوریم. تقریبا قبل نیمه‌شــب بود ـــ او رفت به جلسه هیات دولت.

در آن اتاق مجلل پر اســباب و اثاثیه فرانســوی، ســعی کردیم تا جایی که می‌توانیم آرام و راحت باشــیم. نوبتی سعی کردیم آن شب را روی آن مبل‌های ناراحت بخوابیــم. برهه زمانی خیلی زجربار و اذیت‌کننده‌ای بود، امــا ضمنــا برهه‌ای زمانی هم بود که هنوز مصمم بودیم خودمان را مجاب کنیم که قضیه را حل و فصل خواهیم کرد. اعتقادمان واقعا این بود ـــ یا به خودمان می‌گفتیم اعتقادمان این است.

***

فردا صبح شد. تمام شب را تلفنی با واشنگتن حرف زده بودیــم. بــا افرادی در وزارت امور خارجه ایران رابطه دوستانه‌ای با ما داشتند، تلفنی در تماس بودیم. جابه‌جا با «کیت کوب» هم در تماس بودیم که همراه «بیل روير» هنوز گروگان گرفته نشده بودند. آن‌ها انجمن فرهنگی ایران و آمریکا را اداره می‌کردند که جای دیگری از شهر بود و بعدتر گروگان گرفته شــدند، روز دوم. رئیس واحد تشــریفات وزارت امور خارجه آمد به ما ســر زد؛ آدم‌های آشپزخانه آنجا هم آمدند که خیلی هم مهربان بودند.

تلفنی با ســفرای دیگر کشورها در شهر هم تماس داشتیم و امکان همه این تماس‌ها را هم دفتر وزیر امور خارجــه فراهــم کرد. خود وزیر هــم روز دوم یک بار آمد پاییــن مــا را ببینــد. یکی دو باری هم بــا قائم‌مقام وزیر حــرف زدیــم. همزمــان که همه این‌هــا در جریان بود، واشنگتن از طریق کسی که با من در تماس بود، مدام از ما می‌پرسید به نظرمان اوضاع چطور است و برآوردمان از ماجرا چیست؛ برآورد خودشان را هم از موضعشان در آنجا به ما می‌دادند.

ادامه دارد

پیمایش بیمارگونهٔ زبان مخفی



● مرضیه سلیمانی

در گذشــته‌هایی نه چندان دور در گوشــه و کنار شهرها و بلاد کشور ما حیاط‌های مشجّر و باغ و پرچین فراوان بود. تراکم جمعیت هــم ایــن چنین نبود که در میان دیواری از انســان‌های ناهمگون و نامتجانس زندانی باشیم: بی حرفی و سخنی و بی ارتباطی و الفتی و محبتی.

گاهی تک و توک آدم‌هایی را می‌دیدیم. آشــنایانی که ســلام و علیــک می‌کردنــد و از حــال و احــوال خویش و قوم و دوســتان می‌پرســیدند. در همان محله‌ها، شــب‌ها، خاصه وقتی دیر هنگام از منزل خویش و قومی برمی گشــتیم، گاهی اوقات آواز رندانه‌ای می‌شنیدیم. کسی برای دل خودش می‌خواند و حواسش به مشتری و مخاطب هم نبود. صدایش لای درختها، همراه نسیم پر می‌کشید و بــه ناکجاهــا می‌رفت. به ایــن نوع آواز می‌گفتند «کوچه باغی» و خلاصه این ســو و آن ســو، در شــهر و روستا مردم با آن آشنا بودند و صدای این «دلســوختگان» یا «عشــاق» یا «خودشــیفتگان» را می‌شنیدند و رد می‌شدند. اغلب صدایشان بد نبود و اگر بد بود اصلاً صدایشان را بلند نمی‌کردند. گاهی اوقات چهچهی مطابق گوشه و دستگاه‌های آواز سنتی هم می‌شنیدیم و معلوم می‌شد طرف جایی تعلیم دیده و چیزی از موسیقی بارش است.

اما رفته رفته شکل و شمایل شهرها عوض شد و تثلیثی از آهن و دود و سیمان، همه جا را تیره و تار کرد. در کنار اینها، و از همه بدتر آلودگی صوتی بود. صدای خرخر ماشین‌ها و بوق‌های نابهنگام جان هر جنبنده‌ای را می‌آزارد و گاهی چنان گوش خراش است که شنونده دچار رعشــه و زلزلهٔ اعصاب می‌شــود. با این حال گاه گاهی این سو و آن ســو می‌شــود صدای لطیفی شــنید و خاطرهٔ انسان‌هایی که به واسطه زمزمه آوازی، و خواندن اشعار زیبایی به دل خود تسّلی و به گوشهای ما آرامش می‌بخشند، دوباره جان می‌گیرد.

غــرض ایــن که، چنــد روز پیش شــامگاهان، نزدیک یکی از درختزارهای کوچکی که به نام پارک در برخی زمین‌های بایر درست شده –و چه کار خوبی هم هست– صدای زیبایی را شنیدم. زمزمه‌ای بود که اشعار حکیم عمر خیام را به زیبایی ترنم می‌کرد. سخت درگیر شــدم و برای شــنیدن ادامه مشتاق بودم که ناگهان قضای آسمانی نازل شد و جوانکی تلفن همراه یا همان موبایل یا بهتر بگویم بلای قرن بیست و یکم را در دست گرفته و محکم به گوش می‌فشرد و با عباراتی سست و زبانی نا تندرست، در گوشی موبایلش فریاد می‌زد و اگر بخواهم درست‌تر بگویم، زوزه می‌کشید.

قصد جسارت و توهین ندارم اما این دو صحنه، آرایش دو گونه تفکر و دو عرصهٔ زندگی است که در تجربه‌های ما وجود داشته است. اولی، دارد به نوســتالژی تبدیل می‌شــود و دومی را دائماً در گوشه و کنار، کوچه و خیابان، این جا و آن جا می‌بینیم و می‌شنویم. مسئله گوشی موبایل نیست که خود عاملی سرعت بخش به ناهنجاری‌های فرهنگی ما اســت؛ بلکه مســئله بر ســر صاحبان این ابزارها و زبانی اســت که از تأمل و تحلیل آن می‌توانیم هزاران درد نا گفته و عیب نهفته را دریابیم و به خود گوشزد کنیم.

ایــن زبــان بیمار گونه و مخبّط، آینهٔ تمام نمای اوضاع و احوال برخی از جوانان ما است.

البته همیشــه شــکاف نســلی و تفاوت میان پدران و مادران با فرزندانشــان وجود داشــته. یکی متعلق به آینده اســت و تفاوت‌ها و پیشــرفت‌ها را نمایندگــی می‌کنــد و دیگری متعلق به گذشــته و مصرّ بر ســنت‌ها و داشــته‌های عزیز و نازنینی که تصور می‌کند تا ابد باید دســت نخورده روی طاقچه یا در گوشــه گنجه یا در کنج پستو نگاهبانی شود. اما در تمام ادواری که ما می‌شناسیم، هیچ گاه فاصلهٔ میان دو نسل آن قدر زیاد نبوده که زبان یکدیگر را نفهمند. همیشــه میان این دو دایره، فصل مشــترکی وجود داشت و در یک زمینه خاکســتری، چیزی برای تقریب و تشــریک مســاعی و پیوند میان دو نسل یافته می‌شد.

اما امروز وقتی این کلمات را می‌نویســم، به یاد ســخن تکان دهندهٔ میگل اونامونو، فیلســوف شــوریدهٔ اسپانیایی میافتم که گفته بــود: «پســران که به دنیــا می‌آیند به مثابه اعــلام مرگ پدرانند». گویــی فاصلــهٔ میــان این دو به قدر «مــرگ» و «زندگی» متفاوت و باشگونه است.

باری، در ابن دار و گیر، من در میان کلمات و عبارتهای نسلی که قرار است آیندهٔ میهن ما را بسازد، در کوچه و خیابان چرخ می‌زنم تــا چیــزی بیابــم که امید دهد و نشــانی از ادب و فرهنگ و میراث شــکوهمند نیاکانمان در آن بازمانده باشــد. گاهی ســتارهای گذرا، کورسویی می‌زند اما فقط یک استثنا است. مثل یک حادثه در شبی بی ستاره که ناگهان شهابی آسمان را روشن می‌کند اما می‌دانی که این خورشــیدی ماندگار نیســت. تکه سنگی سوزان است که از یک سوی تاریکی بر آمده و به اعماق دیگر ظلمت فرو می‌رود.

در این آســمان، در جســت و جوی چه چیز باید بود؟ بیتی از فردوســی، عبارتی از گلســتان، تمثیلی از مثنوی، حکایتی از عطار، پرسشــی از خیام، ســخن نغزی از خاقانی، عبرتی از ناصر خســرو، نکتــه‌ای از صائب، شــعله‌ای از بیدل، لطیفــه‌ای از عبید، فریادی از ســیف فرغانی، شــیطنتی از ایرج، شــکایتی از مسعود سعد، شوریده کلامــی از یغمــا، نالــه‌ای از فرخی، تفاخری از بهار، تکانه‌ای از نیما، درد دلی از فروغ، وصیتی از اخوان، دادخواستی از سایه یا پنجره‌ای از سهراب؟ و.....دیگر چه؟

به جای این‌ها، کلمات زشت و ناتراشیده، در سلسله‌ای عجیب که به هیچ روی به زبان موزون پارسی نمی‌ماند و نیازمند مترجمان قهار است تا به شما بگویند که این ویروس و این بیماری در کالبد زبان ما چه کرده و چه دمل‌های چرکین بر جای نهاده است؟! اسیر عواطف شدم و از اصل سخن به دور ماندم.

دســت خودم نیســت. زمین این زبان پارســی گلستان است و بوســتان، و وقتی باران ادبیات بر زمین دل می‌ریزد حاصلش عشــق اســت و زیبایی و مروّت و ادب در وســیع‌ترین معنای آن که در بر دارندهٔ تمام نیکی‌ها است چه در نهان و چه در آداب ظاهری و رفتار روزینه من و شما. پس ترسی ندارم از این که با احساس و با خشم، از این رکاکتی سخن بگویم که برای خودش در دل زبان و فرهنگ مــا جــا باز کرده و برخی زبان شناســان هــم آن را توجیه می‌کنند و بــا عنــوان «زبان مخفی» و «ضرورت‌های گویش» در حجره‌ای از دانش «جامعه شناســی زبان» زشتی‌هایش را نهان می‌کنند و بدان میدان می‌دهند.

درک می‌کنــم کــه تحولات زبان، برآینــد فرهنگ عمومی و الزامات اجتماعی اســت. فرزندان ما قربانیاند. چندان مقصر نیستند؛ بلکه قصور و تقصیر را باید در نظام ابلاغ و تبلیغ گسترده‌ای جست و جو کرد که همچون پرده‌ای حائل عمل می‌کنند. شبانه روز مردمانی بی دفاع را با کلماتی برچیده و به ظاهر اخلاقی و آیینی مورد خطاب قرار می‌دهد و به تدریج به فرهنگ ریاکاری و تزویر دامن می‌زند. هر چه بیشتر در آن دستگاه عظیم تبلیغی و دستگاه‌های مرتبط با آن در این سو و آن سو، که در اعماق خانه‌ها و خانواده‌ها ریشه و رخنه کرده انــد، تظاهــر به اخلاقیــات و تعصبات و آداب خلاف واقع و به ظاهر آرمانی گســترش می‌یابد، جامعه بیشــتر می‌رنجد و احساس تحقیر می‌کند و نســل جوان که به راســتی حاملان فطرت پاک و شرافت و نجابتی دســت نخورده اند، آزرده خاطر می‌شــوند، رنج می‌کشند و ناگاه سر بر می‌آورند و انتقام می‌گیرند.

جوانان با تیغ پنهان. با زبان مخفی. به تمام آن دستگاه بزرگ و عظیم اخلاقی و احترام‌های دروغین و اندرزهای آمرانه و متظاهر و بی‌مدارا می‌خندند و پشت می‌کنند و می‌خواهند بگویند ما «قربانی» هســتیم اما قبل از این که ما را نابود کنید با فریاد بلندی آرامشــتان را از بین خواهیم برد. مثل همان جوانکی که داشــت در لا به لای آواز خواننــدهٔ کوچــه باغی من داد می‌زد و بیداد می‌کرد و کســی را ـ در جایــی دور دســت یــا نزدیک ـ با کلماتــی تند و رکیک خطاب قرار می‌داد...

کمی آن ســوتر پنجره‌ای باز بود و شــنیدم که تلویزیون اعلام کرد «برنامه اخلاق در خانواده آغاز شده است».



بروس لینگن در کنار سفارت

خاطرات بروس لینگن آخرین کاردار آمریکا در ایران/۲

روزی که سفارت تسخیر شد

... خیلی دیر شروع به نابود کردن اسناد کردیم. در گفتگوهایی که من داشتم، به نظر نمی‌آمد خطر آن‌قدر جدی باشد. تلقی اولیه همه ما، هم در محوطه سفارت و هم قطعا ما که در ساختمان وزارت امور خارجه بودیم، این بود که قضیه یک‌جورهایی تکرار حمله ماه فوریه است و قصد دانشجوهایی که داشتند وارد سفارت می‌شدند، باز هم این است که مدت کوتاهی آنجا بمانند و انزجارشان را از ایالات متحده و ــ از آن مهم‌تر ــ نگرانی‌شان را از مسیری نشان بدهند که دولت موقت داشت انقلابشان را هدایت می‌کرد، امیدشان را به این نشان بدهند که می‌توانند دولت موقت به رهبری بازرگان را تضعیف و بی‌ثبات کنند.

به هر حال قصدشان واقعاً همین بود. به رغم شعارهایشان که به درد تحریک کردن مردم خیابان می‌خورد، قصدشان واقعا این نبود که شاه را برگردانند. قصدشان استفاده از این تمهید برای بی‌ثبات کردن و برانداختن دولت موقت انقلاب و باز کردن راه برای ایفای نقش بیشتر عناصر تندروتر بود. (توجه شود که این دیدگاه یه مقام رسمی آمریکایی است!)

به هر صورت، اوایل هیچ به نظر نمی‌آمد اوضاع بد و وخیم است. الان که به گذشته نگاه می‌کنم، به نظرم باید نابود کردن اسناد را زودتر شروع می‌کردیم. در مقام رئیس هیات دیپلماتیک آمریکا در ایران، مسئولیت اینکه اسناد محرمانه‌مان به اندازه کافی نابود نشد، با من بود و امروز هم کماکان بابتش احساس مسئولیت می‌کنم. حجم اسنادمان خیلی زیاد بود و خیلی دیر شروع کردیم و تجهیزاتی هم که داشتیم، بهترین‌های موجود نبودند.

ما قبل‌تر در چند مورد مشابه این کار را کرده بودیم، اما باز هم نه آن‌قدری که باید. خیلی روشن، درس طبیعی که باید از حمله ماه فوریه به سفارت می‌گرفتیم این بود که لازم است کمترین رد را از امور دیپلماتیک‌مان به جا بگذاریم. هرچه کاغذ کمتر می‌داشتیم، بهتر بود. این درسی بود که گمانم بعد حمله جماعتی به سفارتمان در تایوان تا مدت کوتاهی گرفته بودیم و رعایت می‌کردیم.... کلی از کاغذها نابود نشدند، از جمله تعدادی اسناد خیلی حساس که در اختیار رئیس پایگاه بود.

البته که زمان نشان داد کلی از کاغذهایی که به نظر نمی‌آمد ضرورت و فوریتی برای نابودی داشته باشند، از جمله‌شان اطلاعات غیرمحرمانه زندگینامه‌ای، می‌توانند در موقعیتی خاص چیزهایی خیلی زیان‌بار باشند، چون روی خیلی از آن کاغذها مهر و نشان سازمان اطلاعات مرکزی (سی‌آی‌ای) داشت، حتی اگر هم غیرمحرمانه بودند. همین کافی بود تا خشم انقلابی ها برانگیخته شود، فرقی هم نمی‌کرد که اطلاعات آن اسناد ذاتا غیرمحرمانه و غیرتوصیفی بود. همین کافی بود تا احساسات خیلی از ایرانی‌ها به درد بیاید و جریحه‌دار شود.

درد واقعی همین است، دردی که من از همان زمان حسش کرده‌ام، نه اینکه امنیت‌مان، منافع استراتژیک‌مان، یا منافع سیاسی‌مان در ایران و منطقه به خطر افتاد. چیزهایی که افشا شد، تأثیر خیلی جدیی روی این‌ها نداشتند. به هر حال همان زمان هم معلوم بود رابطه ما با ایرانی‌ها قرار نیست به این زودی‌ها دوباره برقرار و تثبیت بشود. اما رنج انسانی که بسیاری از ایرانی‌ها بابت ناتوانی ما در نابود کردن اسناد گناهکاریمان بردند، این میراث امروز من را می‌آزارد.

از آن زمان به بعد همه‌مان یاد گرفته‌ایم که اگر قرار است دسته‌ای انقلابی به سفارتخانه‌تان حمله کنند، مطمئن شوید به نسبت دسته آدم‌های تهران، کمتر حرارت و شور و عزم داشته باشند، چون در ماه‌های متعاقب آن اتفاق از خیلی جهات، حرارت انقلابی، شور انقلابی و عزم انقلابی‌شان معلوم بود، به خصوص از آن سختکوشی و پشتکاری که ساعت‌ها و ساعت‌ها، روزها و روزها (و احتمالاً هنوز هم) به خرج دادند تا کلی کاغذ تکه‌پاره را نوار به نوار به همدیگر بچسبانند. از آن طرف، گمان اغلب ما این بود که حتی اگر نتوانیم سندها را بیشتر از آن نابود کنیم، هیچ‌وقت کسی عزم به هم چسباندنشان را نمی‌کند؛ اما آن‌ها کردند. نمی‌دانم رقم دقیق چیست ولی امروز بیشتر از پنجاه مجلد از آن اسناد را دارند در کتاب‌فروشی‌هایی در تهران می‌فروشند.

از خیلی جهات روز بدی بود، ولی اتفاقاتی که آن روز افتاد و اتفاقات قبل و بعدش خیلی درس داشت. اما یکی‌شان قطعا کلیشه بود: «در سفارت، در یک هیئت دیپلماتیک، کمترین رد را به جا بگذار!» در عصر کامپیوتر آدم فکر می‌کند این ممکن است. از آن طرف به نظرم امروز هم همه‌مان قبول داریم که کامپیوترها و دستگاه‌های کپی این امکان را برایمان مهیا کرده‌اند که حجم کاغذی حتی بیشتر داشته باشیم.

از اتاق وزیر تا زندان

اولین هجوم به سفارتخانه در ماه فوریه، در بحبوحه انقلاب، وضعیت خیلی خطرناکی را در پی آورد؛ آن موقع تفنگدارها در جاهایی مختلف از محوطه و دور از همدیگر مستقر بودند تا عملا بتوانند با یک رسته امنیتی گمانم ۱۵ یا ۲۰ نفره از تفنگدارها از محوطه‌ای ۲۷جریبی (حدود ۱۱۰ هزار متر مربع) دفاع کنند. من سر حمله اول آنجا نبودم. بنابراین نمی‌توانم دقیق بگویم آن زمان چند تفنگدار آنجا بودند، اما تا جایی که می‌دانم، هیچ‌وقت تعدادشان بیشتر از این نشد؛ در حمله ماه نوامبر (آبان‌ماه) به ما هم بیشتر نبود. فکر می‌کنم آن زمان ۱۶ تفنگدار داشتیم که چندتایی هم مرخصی رفته بودند به خارج از ایران.

اما در حمله ماه فوریه تفنگدارها وارد رویارویی نفر به نفر خیلی سختی شده بودند. دستور رسته امنیتی تفنگدارها همیشه در همه سفارتخانه‌ها این است که حق ندارند به تشخیص خودشان شلیک کنند، مگر تا وقتی که خودشان در خطر جانی یا جرحی باشند؛ در غیر این صورت فقط با دستور مقام ارشد حاضر در سفارت حق شلیک دارند که معمولا سفیر یا کاردار است. در تهران، سر حمله اول در ماه فوریه هم وضع همین بود، اما چون تفنگدارها دور از همدیگر در محوطه پخش بودند، نیاز به اینکه سرخود تصمیم بگیرند، برایشان پیش آمد. بعضی‌شان ناگزیر از مواجهه با موقعیت‌هایی دشوار شده بودند.

هنوز هم در مورد تعداد ایرانی‌هایی که سر آن حادثه کشته شدند، ابهام‌هایی هست، اما بنا به اطلاع ما یکی، دو نفر کشته شدند. فکر می‌کنم دست‌کم یک نفر بابت شلیک تفنگدارهای ما کشته شد. ماه فوریه، انقلابی‌هایی که ریختند تو، یکی از تفنگدارهای ما را گرفتند و برای مدتی بردند. من آن زمان آنجا نبودم اما حدود ۲۴ ساعت و تا قبل از اینکه موفق شویم برش گردانیم، وضعیت خیلی پرخطر بود.

همه این‌ها پس‌زمینه موقعیتی است که من مواجهش شدم: وقتی روز ۴ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۳ آبان‌ماه ۱۳۵۸) به آن مشکل برخوردم. من مطلقاً بهشان دستور شلیک ندادم. آن‌ها هم مطلقاً شلیک نکردند. همان اوایل ماجرا بود که بهشان دستور دادم در صورت لزوم از گاز اشک‌آور استفاده کنند، اگرچه فکر می‌کنم شاید باید زودتر از آن از گاز اشک‌آور استفاده می‌کردیم. اما ما وقتی عملا ریختند توی محوطه، از گاز اشک‌آور استفاده نکردیم؛ آن زمان پایگاه نیروهای جنگی‌مان کلا در خود کنسولگری بود. راستی آن روز صبح یک مشکل هم این بود که بعضی تفنگدارها توی اقامتگاه مسکونی تفنگدارها بودند درست پشت محوطه سفارت، آن دست خیابان و دیوارهای ما. زنگ هشدار را که زدند، آن‌ها راهی برای ورود مجدد به سفارتخانه نداشتند. یکی دوتایشان توی خود اقامتگاه دستگیر شدند و همین وضعیت را برای گرفتن این تصمیم پیچیده‌تر کرد که آیا باید تسلیم شویم یا نه. نهایتا از گاز اشک‌آور استفاده کردیم... باز هم بگویم که من داشتم از جای گرم و نرمم در ساختمان وزارت امور خارجه ایران امر و نهی می‌کردم، در آن سر شهر. من در سفارت نبودم، در نتیجه جزئیات دقیقه به دقیقه و ساعت به ساعت ماجرا را باید شخص دیگری بگوید. اما چیزی که من بر اساس مکالمات تلفنی و بی‌سیمی‌مان می‌دانم این است که یکی دو نفر از تفنگدارها عملا نتوانستند به کنسولگری برگردند و در آنجا باشند.

به هر حال، نهایتا صدها تظاهرکننده ساختمان کنسولگری را محاصره کردند، مسلح به چیزهایی مختلف... بعضی‌شان به پارچه و پرچم، بعضی به شعارهای اعتراضی، بعضی به اسلحه‌های واقعی، بعضی به دیلم‌هایی برای باز کردن پنجره زیرزمین ساختمان کنسولگری که مشرف به زمین کف محوطه بود. از همان جا بود که به زور وارد ساختمان شدند؛ داخل که آمدند، تا حدی بابت گاز اشک‌آور هراسان شده بودند، اما نه آن قدری که مانعشان بشود و جلویشان را بگیرد. تفنگدارها عقب‌نشینی کردند به طبقه اول و نهایتا هم به طبقه دوم و پشت در فولادی آنجا.

باز هم زمان گذشت و این مساله بیشتر مطرح شد که حالا که به اجبار توی سنگر طبقه دوم کنسولگری پناه گرفته‌ایم، باید چه کار کنیم. سر آخر یک جایی الن گلاسینسکی رفت پایین پله‌ها بیرون توی محوطه تا با سرکرده تظاهرکننده‌ها مذاکره کند که او را دستگیر کردند و نگه داشتند. این خبر به من را دادند. یادم نمی‌آید از آن به بعد دیگر از اتفاقات آتی آنجا خبردار شده باشم، اگرچه بعدتر جان لیمبرت مستقیماً من را در جریان قرار داد، یکی از افسرهای سیاسی سفارت و کسی که بین آدم‌های ما سلیس‌ترین فارسی را حرف می‌زد، همان کسی که بالاخره یک جا تصمیم گرفت آن در طبقه دوم را باز کند. من تمام و کمال خبر ندارم این تصمیم تا چه حد با دیگر آدم‌های مسوول سفارت یا با کسانی که در راهروی کنسولگری مسئول وضعیت شده بودند، هماهنگ شده بود. به هر حال او هم رفت بیرون و دستگیر شد. یک وقت هم به من خبر دادند که دارد از زیر در طبقه دوم، دود به داخل می‌آید، یعنی به رغم در فولادی می‌خواستند ساختمان را آتش بزنند و با خاک یکسان کنند.

این و دیگر گزارش‌ها از سفارت نشان می‌داد که هیچ راه شدنی‌ای برای دفاع از کنسولگری نیست، که به قدر کافی آن حجم از اقلامی را که من محرمانه می‌دانستم، نابود کرده‌ایم، و به اعضا دستور دادم هر وقت به این نتیجه رسیدند که دیگر هیچ کاری نمی‌شود کرد، تسلیم شوند. آن‌ها هم سرآخر تسلیم شدند. بهتر است باقی قصه را کسانی تعریف کنند که آنجا در طبقه دوم بودند.

بعد تظاهرکننده‌ها از دری که حالا باز شده بود، ریختند تو، همه آدم‌ها را خیلی شل و سست بستند، به خصوص دست‌هایشان را. چشم‌هایشان را هم بستند و مجبورشان کردند بنشینند کف زمین. اتاق اسناد محرمانه را کمی دیرتر گرفتند، اما نهایتا افراد آن اتاق هم بعد از تمام کردن کار نابودسازی اقلامشان، تسلیم شدند. بعد از دستور من برای تسلیم و اشغال طبقه دوم، معلوم بود که تماس من را هم به وضوح خاتمه دادند و هم بی‌سیم و هم تلفن قطع شد.

ما سه نفر، ویکتور تومست و مایک هالند و من، ماندیم و این حس وحشتناک که اتفاقی نه کاملا غیرمنتظره اما جدی‌ای افتاده. می‌گویم نه کاملا غیرمنتظره چون احساسمان هنوز این بود که احتمالا قرار است ماجرا چیزی شبیه اتفاقی باشد که در فوریه افتاده بود.

ما همان جا ماندیم تا شب شد. نزدیک آخر شب، دیگر داشتیم به نیمه‌شب نزدیک می‌شدیم و من هنوز نشسته بودم پشت میز وزیر امور خارجه به گفت‌وگوی تلفنی با واشنگتن؛ وزیر امور خارجه ایران مشغول تماس‌های تلفنی با کلی آدم در شهر. یک جا گفت باید برود به جلسه هیات دولت: «شما می‌خواین چی کار کنین؟» گفتم: «شما به من بگین چی کار کنم، چون شما مسئول تأمین امنیت من و همکارانم هستین. من نمی‌تونم برم بیرون تو خیابون. نمی‌خوام الان برگردم سفارت و بگیرنم.»

قبل‌ترش هم این بحث شده بود که آیا فکر خوبی است من برگردم به سفارتخانه یا نه. آن‌طور که اوضاع داشت پیش می‌رفت، این فکر خیلی سریع کنار گذاشته شد. بهتر بود من و دو همکارم همان جایی که بودیم بمانیم و ببینیم از طرف دولت می‌توانیم ماجرا را حل و فصل کنیم یا نه.

به دکتر یزدی گفتم مسئولیت اوست که به من بگوید باید چه کار کنم. گفتم نمی‌توانم بروم بیرون و بکوشم سفارتخانه کشور دیگری را راضی کنم مسئولیت من و دو همکارم را قبول کند. به هر حال، این خطر هم بود که اگر بیرون برویم، پیدایمان کنند و ما را بگیرند.

این شد که او هم گفت: «خب، بهتره شماها بمونین اینجا. ما تا صبح قضیه رو حل می‌کنیم.»

یزدی شخصاً مرا برد پایین به یکی از اتاق‌های مخصوص مهمانان دیپلماتیک. من و دو همکارم از صبح تا آن موقع هیچ چیز قابلی نخورده بودیم، فقط چای و شیرینی خشک و خرماهایی که یزدی از سفرش برای مراسم روز استقلال الجزایر سوغاتی آورده بود. هماهنگ کرد که از آشپزخانهٔ وزارت امور خارجه چیزی برایمان بیاورند بخوریم. تقریبا قبل نیمه‌شب بود ــ او رفت به جلسه هیات دولت.

در آن اتاق مجلل پر اسباب و اثاثیه فرانسوی، سعی کردیم تا جایی که می‌توانیم آرام و راحت باشیم. نوبتی سعی کردیم آن شب را روی آن مبل‌های ناراحت بخوابیم. برهه زمانی خیلی زجربار و اذیت‌کننده‌ای بود، اما ضمنا برهه‌ای زمانی هم بود که هنوز مصمم بودیم خودمان را مجاب کنیم که قضیه را حل و فصل خواهیم کرد. اعتقادمان واقعا این بود ــ یا به خودمان می‌گفتیم اعتقادمان این است.

***

فردا صبح شد. تمام شب را تلفنی با واشنگتن حرف زده بودیم. با افرادی در وزارت امور خارجه ایران رابطه دوستانه‌ای با ما داشتند، تلفنی در تماس بودیم. جابه‌جا با «کیت کوب» هم در تماس بودیم که همراه «بیل رویر» هنوز گروگان گرفته نشده بودند. آن‌ها انجمن فرهنگی ایران و آمریکا را اداره می‌کردند که جای دیگری از شهر بود و بعدتر گروگان گرفته شدند، روز دوم. رئیس واحد تشریفات وزارت امور خارجه آمد به ما سر زد؛ آدم‌های آشپزخانه آنجا هم آمدند که خیلی هم مهربان بودند.

تلفنی با سفرای دیگر کشورها در شهر هم تماس داشتیم و امکان همه این تماس‌ها را هم دفتر وزیر امور خارجه فراهم کرد. خود وزیر هم روز دوم یک بار آمد پایین ما را ببینند. یکی دو باری هم با قائم‌مقام وزیر حرف زدیم. همزمان که همه این‌ها در جریان بود، واشنگتن از طریق کسی که با من در تماس بود، مدام از ما می‌پرسید به نظرمان اوضاع چطور است و برآوردمان از ماجرا چیست؛ برآورد خودشان را هم از موضعشان در آنجا به ما می‌دادند.

ادامه دارد

پیمایش بیمارگونهٔ زبان مخفی



● مرضیه سلیمانی

در گذشته‌هایی نه چندان دور در گوشه و کنار شهرها و بلاد کشور ما حیاط‌های مشجّر و باغ و پرچین فراوان بود. تراکم جمعیت هم این چنین نبود که در میان دیواری از انسان‌های ناهمگون و نامتجانس زندانی باشیم: بی حرفی و سخنی و بی ارتباطی و الفتی و محبتی.

گاهی تک و توک آدم‌هایی را می‌دیدیم. آشنایانی که سلام و علیک می‌کردند و از حال و احوال خویش و قوم و دوستان می‌پرسیدند. در همان محله‌ها، شب‌ها، خاصه وقتی دیر هنگام از منزل خویش و قومی برمی گشتیم، گاهی اوقات آواز رندانه‌ای می‌شنیدیم. کسی برای دل خودش می‌خواند و حواسش به مشتری و مخاطب هم نبود. صدایش لای درختها، همراه نسیم پر می‌کشید و به ناکجاها می‌رفت. به این نوع آواز می‌گفتند «کوچه باغی» و خلاصه این سو و آن سو، در شهر و روستا مردم با آن آشنا بودند و صدای این «دلسوختگان» یا «عشاق» یا «خودشیفتگان» را می‌شنیدند و رد می‌شدند. اغلب صدایشان بد نبود و اگر بد بود اصلاً صدایشان را بلند نمی‌کردند. گاهی اوقات چهچهی مطابق گوشه و دستگاه‌های آواز سنتی هم می‌شنیدیم و معلوم می‌شد طرف جایی تعلیم دیده و چیزی از موسیقی بارش است.

اما رفته رفته شکل و شمایل شهرها عوض شد و تثلیثی از آهن و دود و سیمان، همه جا را تیره و تار کرد. در کنار اینها، و از همه بدتر آلودگی صوتی بود. صدای خرخر ماشین‌ها و بوق‌های نابهنگام جان هر جنبنده‌ای را می‌آزارد و گاهی چنان گوش خراش است که شنونده دچار رعشه و زلزلهٔ اعصاب می‌شود. با این حال گاه گاهی این سو و آن سو می‌شود صدای لطیفی شنید و خاطرهٔ انسان‌هایی که به واسطه زمزمه آوازی، و خواندن اشعار زیبایی به دل خود تسّلی و به گوشهای ما آرامش می‌بخشند، دوباره جان می‌گیرد.

غرض این که، چند روز پیش شامگاهان، نزدیک یکی از درختزارهای کوچکی که به نام پارک در برخی زمین‌های بایر درست شده –و چه کار خوبی هم هست– صدای زیبایی را شنیدم. زمزمه‌ای بود که اشعار حکیم عمر خیام را به زیبایی ترنم می‌کرد. سخت درگیر شدم و برای شنیدن ادامه مشتاق بودم که ناگهان قضای آسمانی نازل شد و جوانکی تلفن همراه یا همان موبایل یا بهتر بگویم بلای قرن بیست و یکم را در دست گرفته و محکم به گوش می‌فشرد و با عباراتی سست و زبانی نا تندرست، در گوشی موبایلش فریاد می‌زد و اگر بخواهم درست‌تر بگویم، زوزه می‌کشید.

قصد جسارت و توهین ندارم اما این دو صحنه، آرایش دو گونه تفکر و دو عرصهٔ زندگی است که در تجربه‌های ما وجود داشته است. اولی، دارد به نوستالژی تبدیل می‌شود و دومی را دائماً در گوشه و کنار، کوچه و خیابان، این جا و آن جا می‌بینیم و می‌شنویم. مسئله گوشی موبایل نیست که خود عاملی سرعت بخش به ناهنجاری‌های فرهنگی ما است؛ بلکه مسئله بر سر صاحبان این ابزارها و زبانی است که از تأمل و تحلیل آن می‌توانیم هزاران درد نا گفته و عیب نهفته را دریابیم و به خود گوشزد کنیم.

این زبان بیمار گونه و مخبّط، آینهٔ تمام نمای اوضاع و احوال برخی از جوانان ما است.

البته همیشه شکاف نسلی و تفاوت میان پدران و مادران با فرزندانشان وجود داشته. یکی متعلق به آینده است و تفاوت‌ها و پیشرفت‌ها را نمایندگی می‌کند و دیگری متعلق به گذشته و مصرّ بر سنت‌ها و داشته‌های عزیز و نازنینی که تصور می‌کند تا ابد باید دست نخورده روی طاقچه یا در گوشه گنجه یا در کنج پستو نگاهبانی شود. اما در تمام ادواری که ما می‌شناسیم، هیچ گاه فاصلهٔ میان دو نسل آن قدر زیاد نبوده که زبان یکدیگر را نفهمند. همیشه میان این دو دایره، فصل مشترکی وجود داشت و در یک زمینه خاکستری، چیزی برای تقریب و تشریک مساعی و پیوند میان دو نسل یافته می‌شد.

اما امروز وقتی این کلمات را می‌نویسم، به یاد سخن تکان دهندهٔ میگل اونامونو، فیلسوف شوریدهٔ اسپانیایی میافتم که گفته بود: «پسران که به دنیا می‌آیند به مثابه اعلام مرگ پدرانند». گویی فاصلهٔ میان این دو به قدر «مرگ» و «زندگی» متفاوت و باشگونه است.

باری، در این دار و گیر، من در میان کلمات و عبارتهای نسلی که قرار است آیندهٔ میهن ما را بسازد، در کوچه و خیابان چرخ می‌زنم تا چیزی بیابم که امید دهد و نشانی از ادب و فرهنگ و میراث شکوهمند نیاکانمان در آن بازمانده باشد. گاهی ستارهای گذرا، کورسویی می‌زند اما فقط یک استثنا است. مثل یک حادثه در شبی بی ستاره که ناگهان شهابی آسمان را روشن می‌کند اما می‌دانی که این خورشیدی ماندگار نیست. تکه سنگی سوزان است که از یک سوی تاریکی بر آمده و به اعماق دیگر ظلمت فرو می‌رود.

در این آسمان، در جست و جوی چه چیز باید بود؟ بیتی از فردوسی، عبارتی از گلستان، تمثیلی از مثنوی، حکایتی از عطار، پرسشی از خیام، سخن نغزی از خاقانی، عبرتی از ناصر خسرو، نکته‌ای از صائب، شعله‌ای از بیدل، لطیفه‌ای از عبید، فریادی از سیف فرغانی، شیطنتی از ایرج، شکایتی از مسعود سعد، شوریده کلامی از یغما، ناله‌ای از فرخی، تفاخری از بهار، تکانه‌ای از نیما، درد دلی از فروغ، وصیتی از اخوان، دادخواستی از سایه یا پنجره‌ای از سهراب؟ و.....دیگر چه؟

به جای این‌ها، کلمات زشت و ناتراشیده، در سلسله‌ای عجیب که به هیچ روی به زبان موزون پارسی نمی‌ماند و نیازمند مترجمان قهار است تا به شما بگویند که این ویروس و این بیماری در کالبد زبان ما چه کرده و چه دمل‌های چرکین بر جای نهاده است؟! اسیر عواطف شدم و از اصل سخن به دور ماندم.

دست خودم نیست. زمین این زبان پارسی گلستان است و بوستان، و وقتی باران ادبیات بر زمین دل می‌ریزد حاصلش عشق است و زیبایی و مروّت و ادب در وسیع‌ترین معنای آن که در بر دارندهٔ تمام نیکی‌ها است چه در نهان و چه در آداب ظاهری و رفتار روزینه من و شما. پس ترسی ندارم از این که با احساس و با خشم، از این رکاکتی سخن بگویم که برای خودش در دل زبان و فرهنگ ما جا باز کرده و برخی زبان شناسان هم آن را توجیه می‌کنند و با عنوان «زبان مخفی» و «ضرورت‌های گویش» در حجره‌ای از دانش «جامعه شناسی زبان» زشتی‌هایش را نهان می‌کنند و بدان میدان می‌دهند.

درک می‌کنم که تحولات زبان، برآیند فرهنگ عمومی و الزامات اجتماعی است. فرزندان ما قربانیاند. چندان مقصر نیستند؛ بلکه قصور و تقصیر را باید در نظام ابلاغ و تبلیغ گسترده‌ای جست و جو کرد که همچون پرده‌ای حائل عمل می‌کنند. شبانه روز مردمانی بی دفاع را با کلماتی برچیده و به ظاهر اخلاقی و آیینی مورد خطاب قرار می‌دهد و به تدریج به فرهنگ ریاکاری و تزویر دامن می‌زند. هر چه بیشتر در آن دستگاه عظیم تبلیغی و دستگاه‌های مرتبط با آن در این سو و آن سو، که در اعماق خانه‌ها و خانواده‌ها ریشه و رخنه کرده اند، تظاهر به اخلاقیات و تعصبات و آداب خلاف واقع و به ظاهر آرمانی گسترش می‌یابد، جامعه بیشتر می‌رنجد و احساس تحقیر می‌کند و نسل جوان که به راستی حاملان فطرت پاک و شرافت و نجابتی دست نخورده اند، آزرده خاطر می‌شوند، رنج می‌کشند و ناگاه سر بر می‌آورند و انتقام می‌گیرند.

جوانان با تیغ پنهان. با زبان مخفی. به تمام آن دستگاه بزرگ و عظیم اخلاقی و احترام‌های دروغین و اندرزهای آمرانه و متظاهر و بی‌مدارا می‌خندند و پشت می‌کنند و می‌خواهند بگویند ما «قربانی» هستیم اما قبل از این که ما را نابود کنید با فریاد بلندی آرامشتان را از بین خواهیم برد. مثل همان جوانکی که داشت در لا به لای آواز خوانندهٔ کوچه باغی من داد می‌زد و بیداد می‌کرد و کسی را ـ در جایی دور دست یا نزدیک ـ با کلماتی تند و رکیک خطاب قرار می‌داد...

کمی آن سوتر پنجره‌ای باز بود و شنیدم که تلویزیون اعلام کرد «برنامه اخلاق در خانواده آغاز شده است».

فرهنگی
ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات
چهارشنبه ۱۳ شهریور ۱۳۹۸- سال نودوچهارم - شماره ۲۷۳۷۱

درباره زنده یاد استاد سعید نفیسی

نفیسی در چند سطر



دکتر محمود امیدسالار

سعید نفیسی از مهم‌ترین ادبا و محققان ایرانی قرن اخیر بود. همایی(ص ۲۷۱) او را از جهت کثرت و تنوع تألیفات به جلال‌الدین سیوطی(متوفی ۹۱۰ق) تشبیه کرده است(همایی، همان‌جا). از او دو زندگی‌نامه به قلم خودش در دست است: یکی با عنوان «سرگذشت من» و دیگری با عنوان خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی (نک:منابع).

آنچه در باب زندگی او در منابع مختلف موجود است، بیشتر براساس همین زندگی نامه‌های خود نوشت فراهم آمده است. علاوه بر اینها، سالشماری هم از زندگی او در شماره ۵۵ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، که یادنامه اوست، موجود است («زندگی سعید نفیسی در چند سطر»، ص ۲۶۰). همسر او نیز دو مقاله مفید دارد که در آنها برخی از خصوصیات اخلاقی و عادات آن مرحوم را با لطافت و تیزبینی تصویر می کند(نفیسی، پریمرز،«آغاز و پایان یک زندگی» ، و «عمری با سعید نفیسی»). اما متأسفانه هیچ کدام از این نوشته‌ها از اشتباه و تناقض خالی نیست.

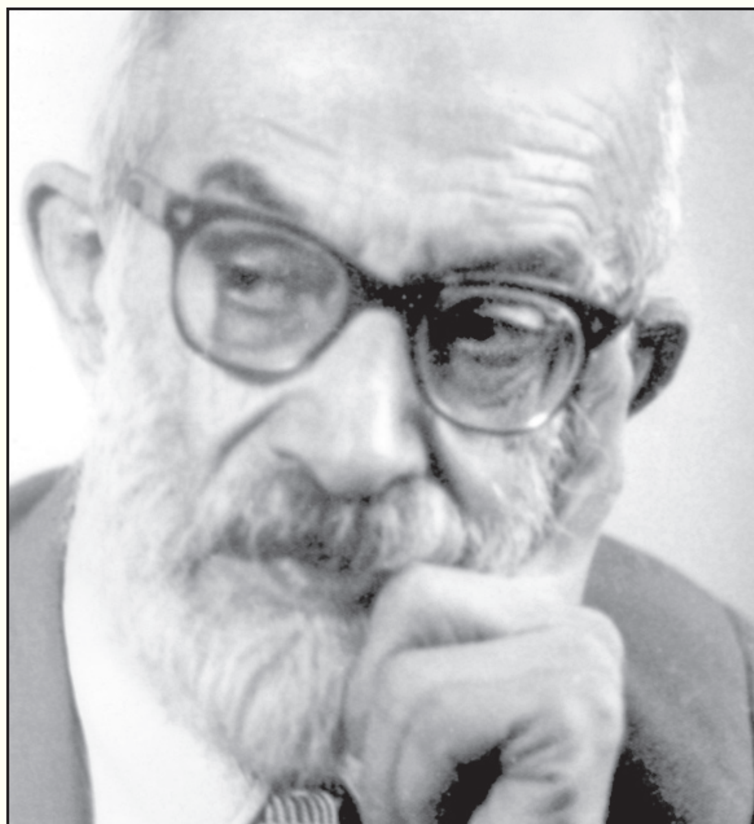
خاندان نفیسی از اعقاب حکیم برهان‌الدین نفیس‌بن عوض‌بن حکیم کرمانی(۸۱۲ـ ۸۹۰ ق)، طبیب دربار الغ بیک‌بن شاهرخ تیموری(۸۱۲ ـ ۸۵۳ ق) بوده‌اند. دو کتاب معروف برهان‌الدین در علم طب، یعنی شرح موجزالقانون علاءالدین ابوالحسن علی‌بن‌ابی‌الحزم قرشی(متوفی ۶۸۷ق)، و شرح الاسباب و العلامات نجیب الدین محمد بن علی طبیب سمرقندی(متوفی ۶۱۸ق)، از کتب معروف درسی، تا قرن چهارم ق، از اوست (نفیسی ، سعید،«شرح احوالات من و وقایع اتفاقیه تهران قدیم»، ص ۱۸؛ نک:همایی، همان‌جا). خاندان پدری نفیسی تا یازده پشت همه طبیب بوده‌اند (نفیسی، سعید، همان‌جا). پدرش، میرزا علی‌اکبرخان، ملقب به ناظم‌الاطباء (۱۲۶۳ ـ ۱۳۴۲ق)، از حاذق‌ترین پزشکان ایران در زمان قاجاریه بود و در ادب و لغت نیز دست داشت. قاموس معروف ناظم‌الاطباء، که به فرهنگ فرنودسار هم معروف است و گویا اولین فرهنگی است که تلفظ مدخلها را با حروف لاتینی به دست داده، تألیف اوست.

ناظم‌الاطباء سه بار ازدواج کرد و سعید نفیسی از همسر سوم او، جلیله جمال‌الدوله، یکی از بانوان خاندان خواجه نوری، بود.

دو همسر پیشین ناظم‌الاطباء قبلاً فوت کرده بودند، اما ناظم‌الاطباء از همسر اولش دو پسر داشت، که یکی از آنها، یعنی دکتر علی‌اصغر مودب السلطنه نفیسی، بعداً در زندگی و تعلیم و تربیت سعید نفیسی تأثیر عمیقی برجای نهاد. دکتر علی‌اصغر نفیسی بیست و دو سال از سعید نفیسی بزرگ‌تر بود و در ضمن همسر او خواهر زن پدرش بود. یعنی ناظم‌الاطباء و پسر ارشدش دو خواهر را در حباله نکاح داشتند و زن برادر سعید نفیسی در عین حال خاله او هم محسوب می‌شد(نفیسی، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، ص ۶۲۵).

سعید نفیسی فرزند ارشد ناظم‌الاطباء از همسر سومش بود(همو، «سرگذشت من»، ص ۱۰). پدرش، که از پزشکان دربار ناصرالدین شاه بود، با شاه به ییلاق جاجرود رفته بود. چون خبر ولادت فرزند طبیب به شاه رسید، شاه که از تاریخ خاندان نفیسی آگاه بود، دستور داد که او را به نام جد هشتمش، میرزا سعید شریف طبیب کرمانی، «سعید» نام نهند.

بنابراین، نام سعید را در واقع ناصرالدین شاه بر او نهاد(همان‌جا).



کتاب ایرانشهر، جامع‌ترین تحقیق در مورد شهرهای باستانی ایران

سعید نفیسی در ۱۸ خرداد ۱۲۷۴ ق در تهران به دنیا آمد. تاریخ تولد او را خود او به تقویم میلادی ۸ ژوئن ۱۸۹۶ نوشته است(همان‌جا). اما این تاریخ درست نیست، زیرا ۱۸ خردادماه ۱۲۷۴ ش برابر با ۸ ژوئن ۱۸۹۵ م است. این اشتباه در محاسبه از نوشته نفیسی به تألیفات همه کسانی که سرگذشت او را نقل کرده‌اند راه یافته است(امیدسالار، ص ۱۱۷).

طبق سنت قدیم ایران، سعید نفیسی الفبا را در شش سالگی پیش یکی از لله‌هایش یاد گرفت(نفیسی، سعید، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، ص ۵۹۳، ۶۴۵). سپس او را به مدرسه شرف، که از اولین مدارس نوین ایران بود و پدرش آن را تأسیس کرده بود، فرستادند(همان، ص ۶۶۴، ۶۶۶). اما چون این مدرسه تا سال سوم ابتدایی بیشتر نداشت، برای ادامه تحصیل به مدرسه علمیه منتقل شد و دو سال آخر دوره ابتدایی و سه سال اول متوسطه را در این مدرسه خواند.

این مدرسه از بهترین مدارس ایران آن روز و مختص به فرزندان خانواده‌های متعینی بود که نمی‌خواستند فرزندانشان را به مدارسی که اروپاییان اداره می کردند بفرستند(همان، ص ۶۷۵ـ ۶۷۷). گزارش‌های خودنوشت نفیسی از تحصیلات متوسطه‌اش دقیق نیست. زیرا یک جا می‌نویسد که دوره متوسطه را در آن مدرسه طی کرده بود (همان، ص ۶۵۱)، و جای دیگر می گوید که فقط دو سال اول متوسطه را در مدرسه علمیه خوانده است(همان، ص ۳۸۷، ۶۳۱).

عبدالعظیم قریب گرگانی در سال چهارم معلم زبان فارسی مدرسه علمیه بود و دستور زبان فارسی را، که در آن زمان تدریس آن معمول نبود، در آن مدرسه تدریس می کرد (همان، ص ۶۹۶). نفیسی زبان فرانسه را هم در این مدرسه نزد میرزا علی‌اکبر خان نقاش باشی مزین‌الدوله و عباسقلی قریب فراگرفت؛ این دومی در کلاس با شاگردان به زبان فرانسه سخن می گفته است (همان، ص ۶۴۳، ۷۰۲ـ۷۰۳). بنابراین، نفیسی، قبل از رفتن به اروپا، با زبان فرانسه آشنا بوده است. علاوه بر تحصیل در مدرسه، عربی را نزد مرحوم معتمدالعلمای طالقانی خواند.

برادر نفیسی، علی‌اصغر مودب‌الدوله، او را پس از اتمام سال سوم متوسطه در مدرسه علمیه، با برادر کوچک‌ترش، حسن، برای ادامه تحصیل به اروپا برد و سعید در پاییز سال ۱۲۸۸ش، در سن سیزده سالگی در مدرسه‌ای به نام کولژ لاتن در شهر نوشاتل سوئیس نام نویسی کرد(همو، «شرح احوالات من...» (ص ۱۰۹). در این مدرسه او را در کلاس «پنجم لاتینی» نشاندند. او در این مدرسه دانش فرانسه خود را تکمیل کرد و با زبانهای لاتینی و یونانی هم آشنا شد. پس از یک سال تحصیل در سوئیس، به صلاحدید خانواده، به فرانسه رفت و تحصیلات دبیرستان خود را در پاریس به پایان رساند(همو، «سرگذشت من»، ص ۵). در این دوران نفیسی کتابی را با عنوان معالجه تازه برای حفظ دندان و دهان، از زبان فرانسه به فارسی ترجمه کرد، و در سال ۱۲۹۰ ش در تهران به چاپ رساند.

دربارهٔ تاریخ بازگشت نفیسی به ایران، در منابع اختلاف است. بعضی آن را سال ۱۲۹۷ ش (منیب‌الرّحمان، ج VII، ص ۸۷۹؛ آرین‌پور، ج ۳، ص ۲۵۹) دانسته و بعضی دیگر آن را تا سال ۱۳۰۰ ش (مشیر سلیمی، ص ۷) به تعویق انداخته‌اند، ولی خودش به تکرار آن را سال ۱۲۹۷ ش ذکر کرده است. علّت دقیق بازگشت او از اروپا معلوم نیست. اما چون جنگ جهانی اوّل در زمان تحصیل او درگرفت، و ارسال پول برای دانشجویان ایرانی ساکن اروپا دشوار بود، بسیاری از ایشان ناگزیر پیش از اتمام تحصیلاتشان به ایران بازگشتند (نفیسی، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، ص ۴۰۵). ظاهراً نفیسی جزو این دانشجویان بوده است. بنابراین، به‌رغم گفتهٔ برخی که نفیسی در اروپا تحصیلات دانشگاهی کرده بوده («زندگانی سعید نفیسی در چند سطر»، ص ۲۵۹) و با توجّه به اینکه خود او در تقاضای اجازهٔ انتشار یک مجلّهٔ ادبی، که در سال ۱۲۹۵ ش خطاب به وزارت معارف و اوقاف نوشته، متذکّر شده که «یک قسمتی از دورهٔ عالیه را در مدارس سویس و «فاکولتهٔ پاریس» خوانده است (بهزادی، ص ۲۸۵). پس از بازگشت به ایران، و پیش از تأسیس دانشگاه تهران، او از مدرسهٔ حقوقی که در تهران تأسیس شده بود لیسانس حقوق گرفت (نفیسی، سعید، همان، ص ۷۰۴).

زندگی و تحصیلات چهارسالهٔ نفیسی در اروپا در ذهنیّت او تأثیر عمیقی بخشید، چنان‌که برخی از کارهای علمی او به تقلید از فعالیت‌های محقّقان اروپایی در شناساندن فرهنگ و تاریخ خودشان صورت گرفته است (همان، ص ۴۷۲). نفیسی بر زبان فرانسهٔ ادبی کاملاً مسلّط بود و با زبان‌های ایتالیایی، روسی، انگلیسی و لاتینی چندان آشنایی داشت که می‌توانست به آسانی از این زبان‌ها در تحقیقات خود بهره برد (نفیسی، پریمرز، «عمری با سعید نفیسی»، همان‌جا). آشنایی نفیسی با هنر و ادبیّات غربی در نوشته‌های او کاملاً مشهود است.

مثلاً در توصیفی که در بهمن ۱۳۳۴ش /فوریهٔ ۱۹۵۶ م از انشای فرج‌الله خان بهرامی نوشته است، نثر او را با برخی از خصوصیات نقاشی‌های رامبران و استادان «مکتب فلامان» (= مکتب نقاشی قرن پانزدهم و) و حال و هوای انشای او با موسیقی واگنر قیاس می کند، چنان‌که سبک نگارش صادق هدایت را با سبک ادگار آلن‌پو، نیچه، و داستایوسکی، قابل قیاس می‌بیند (نفیسی، سعید، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، ص ۱۹۳). این نوع توصیفات، که حاکی از آشنایی نویسنده با ادبیّات و هنر غربی است، پیش از نفیسی در نوشته‌های محققان ایران کمیاب است.

تأثیر ادبیات اروپایی در کارهای نفیسی در کوشش‌های اولیه‌اش در تألیف داستان‌های کوتاهی که در پاورقی برخی روزنامه‌ها در پایان جنگ جهانی اول (پاییز ۱۲۹۷ م) منتشر می کرده (همان، ص ۳۱۰، ۴۵۲، ۴۵۴) و نیز در عضویتش در جمعیت آلیانس فرانسز تهران مشهود است (همان، ص۷۰۵). نفیسی کوشش‌هایی هم در طریق اشاعهٔ هنر اُپرا انجام داد و با کمک دوستش، رضا کمال شهرزاد*، اشعار یک اُپرا کُمیک را، که خانم پری آقابابیان با عنوان «الهه» ساخته بود، سرود. این اپرا در «گراند هتل» تهران به روی صحنه رفت (همان، ص ۱۶۵). همچنین نمایشنامه‌ای در باب بدبختی دختران ایرانی و اجحافاتی که بر آنها می‌رفته است نوشت که با عنوان «آخرین قربانی یک دختر» در تهران اجرا شد (همان، ص ۶۲۴). در این دوران، نفیسی از معدود مردانی بود که به زنان آزادی‌خواه کمک می کرد و بدین کار فخر می‌ورزید (همان، ص ۱۶۹، ۱۷۳، ۶۲۳ ـ ۶۲۴).

نفیسی، پس از بازگشت به ایران، ابتدا مدّت کوتاهی به تدریس زبان فرانسه در دبیرستان‌های اقدسیهٔ و سن‌لویی پرداخت (نفیسی، سعید، «شرح‌احوالات من...»، ص ۲۲ ـ ۲۳؛ همو، خاطرات سیاسی، ادبی، جوانی، ص ۷۶.) اما فعالیت‌های فرهنگی او در این زمان منحصر به تدریس نبوده، چنان‌که، در تأسیس «دبیرستان ملّی سیروس»، با مصطفی نیرالسلطان نوایی، علی‌اصغر صدر، حبیب‌الله آموزگار شیرازی مشارکت داشته (همان، ص ۱۳۸ ـ ۱۳۹) و با چند تن از دوستان دیگرش رایگان در آن مدرسه تدریس می کرده است (همان، ص ۲۹۷ ـ ۲۹۸).

ادامه دارد

بازنگری در تاریخ: درنگی در سیطره نازی‌ها بر آلمان

هیتلر علیه استالین

● اووه کلوسمان / ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی



آدولف هیتلر با تبلیغات استادانه و خیل طرفداران جوان در سال ۱۹۳۳ حزب خود یعنی حزب نازی را به یک حزب مردمی مدرن تبدیل کرد. بدین ترتیب بود که دموکرات‌های پیر و فرسوده از ادامه راه بازماندند و از صحنه خارج شدند.

انتخابات رایش‌تاگ (پارلمان) در ۲۰ مه ۱۹۲۸ نشان داد که آلمان از یک دموکراسی پایدار برخوردار است. قوی‌ترین حزب کشور یعنی حزب سوسیال‌دموکرات ۲۸ درصد از آرا، حزب راست محافظه‌کار دویچ ناسیونال با ۱۴.۲ درصد از آرا و حزب مرکزی کاتولیک با کسب ۱۲.۱ درصد از آرا سه حزب نخست در این انتخابات بودند. اما ناسیونال‌سوسیالیست‌های افراطی حزب کارگران آلمان (NSDAP) به رهبری آن کودتاچی سابقه‌دار یعنی آدولف هیتلر با فاصله‌ای زیاد از این احزاب، تنها موفق به کسب ۸۱۰ هزار رای شدند یعنی تنها ۲.۶ درصد از کل آرای ماخوذه. بدین ترتیب این حزب توانست با استفاده از قانون احزاب کوچک آلمان ۱۲ نماینده خود را راهی رایش‌تاگ کند.

هنگامی که یکی از این نمایندگان حزب کارگر در یک برگه تبلیغاتی خود این جمله را نوشت، در آن زمان حمل بر لاف‌زنی و گزاف‌گویی شد: «ما به رایش‌تاگ می‌رویم تا به پشتوانه مردم اندیشه‌های وایماری را پایان دهیم» در ادامه اضافه کرده بود: «موسولینی هم به پارلمان راه یافت. ما به مثابه دشمن می‌آییم! و مانند گرگ در گله گوسفندان نفوذ می‌کنیم.»

تنها چهار سال بعد بود که ورق به نحو دراماتیکی برگشت. در آن زمان نام نویسنده آن اعلامیه تبلیغاتی در سراسر آلمان شنیده می‌شد. آن مرد «یوزف گوبلز» نام داشت.

حزب ناسیونال‌سوسیالیست کارگر آلمان در انتخابات رایش‌تاگ در ۳۱ جولای ۱۹۳۲ توانست ۳۷.۴ درصد از آرا نصیب خود کند و بدین ترتیب این بار شمار رای‌دهندگان به این حزب در مقایسه با چهار سال پیش از آن ۱۷ برابر افزایش نشان می‌داد.

در خلال همین انتخابات بود که بحران اقتصادی جهان نیز آغاز شد و به شدت آلمان را تحت تاثیر خود قرار داد. این بحران موجب شتاب یک جنبش توده‌ای شد، جنبشی که در سراسر جهان مشابهی نداشت و فرازوفرودهای بی‌شماری پشت سر گذاشته بود.

پس از آزادی هیتلر از زندان لاندسبرگ در دسامبر ۱۹۲۴ چنین به نظر می‌آمد که «جنبش» وی به ویرانه‌ای بدل شده باشد. یادآور می‌شود که هیتلر به جرم تلاش برای کودتا علیه دولت قانونی کشور در نوامبر ۱۹۲۳ به تحمل زندان محکوم شده بود.

هیتلر از سال ۱۹۲۵ شکل و شمایل تازه‌ای برای حزب کارگر آلمان ساخت و البته این شکل تازه بر اساس همان برنامه ۲۵ ماده‌ای بود که در سال ۱۹۲۰ اعلام شده بود. خواسته این حزب از همان آغاز کار «اتحاد همه آلمانی‌ها تحت لوای آلمان بزرگ» و جلوگیری از «ادامه مهاجرت غیرآلمانی‌ها»، «مشارکت در سود کارخانجات بزرگ» و «افزایش چشمگیر بودجه تامین معاش سالخوردگان» بود. اما بخش مبهم‌تر برنامه اعلام شده حزب هیتلر در آن بخشی بود که از «کاهش سود بانکی» و «قطع درآمدها و دستمزدهای بدون کار و زحمت» می‌گفت.

اما این خواسته کاملا روشن بود: «روزنامه‌هایی که علیه رفاه عمومی می‌نویسند باید تعطیل شوند.» در رابطه با یهودیان نیز نکته مبهمی وجود نداشت: «تنها اعضای جامعه آلمانی حق دارند که شهروند آلمان باشند و کسی می‌تواند عضو جامعه آلمانی باشد که خون آلمانی در رگ‌هایش جاری باشد.» مخلص کلام آنکه: «به همین خاطر یک یهودی نمی‌تواند عضوی از جامعه آلمانی باشد.»

گوبلز از جمله پرجنب‌وجوش‌ترین و متعصب‌ترین اعضای حزب کارگر به شمار می‌رفت و تا لحظه آخر زندگی این ویژگی‌ها را حفظ کرد. هنگامی که در نوامبر سال ۱۹۲۶ از سوی هیتلر ماموریت یافت که به «قرارگاه سرخ» برلین برود ۲۶ سال سن داشت. گوبلز که فارغ‌التحصیل رشته ادبیات آلمانی و زبان‌شناسی برجسته بود، پیش از آن در شعبه حزب در منطقه «راین رور» وظیفه هدایت تبلیغات در مناطق فقیرنشین را بر عهده داشت. در همان جا بود که اعلام کرد «مشکل اساسی زمانه ما، مشکل اجتماعی است.» حرف اصلی و اساسی گوبلز این بود: «سوسیالیسم یک جهان‌بینی متعلق به آینده است.» از سوی دیگر گوبلز عقیده داشت که سوسیالیسم نیز مانند نظریه مقابلش یعنی انترناسیونالیسم که چپ‌ها تبلیغ آن را می‌کردند: «تنها در دولت‌های ملی قابل اجرا است.»

گوبلز در برلین نیز بر اساس همین باور به رهبری حزب مشغول شد و از یک گروه گسسته و پراکنده صد نفره کار خود را آغاز کرد. او با سازماندهی اقدامات پرسروصدا و مدیریت درست کاری کرد که روزبه‌روز به شمار اعضا و طرفداران حزب افزوده شود. از جمله اقدامات گوبلز در این مقطع برگزاری یک گردهمایی با موضوع «فروپاشی طبقه بورژوا» در فوریه ۱۹۲۷ در بخش ودینگ برلین بود. این بخش از شهر اما در اختیار نیروهای کمونیست قرار داشت و در ادامه گردهمایی نیروهای گوبلز حمله وحشیانه‌ای را در همان محل سالن کنفرانس علیه طرفداران حزب کمونیست آلمان آغاز کردند و شمار زیادی از افراد به شدت مجروح شدند.

اعضای بخش موسوم به حمله حزب یا SA به صورتی وحشیانه کمونیست‌های معترض را به باد کتک گرفتند و آن‌ها را از سالن بیرون انداختند. کاملا مشخص بود که گوبلز با قصد و نیت قبلی و کاملا آگاهانه رفقای حزبی خود را روانه «محله‌های سرخ» برلین کرده است. شعبه حزب کارگر در برلین تا پایان سال ۱۹۲۷ موفق به جذب بیش از ۴ هزار عضو شد. افزون بر آن گوبلز یک نشریه جنگ‌طلبانه با ادبیات بسیار خشن به نام «حمله» را نیز منتشر می‌کرد. در زیر نام این نشریه نوشته شده بود: «برای زیردستان و علیه غارتگران». گوبلز به وسیله این نشریه در واقع «سوسیالیسم در عمل» را تبلیغ می‌کرد.

گوبلز از هم‌قطاران حزبی خود خواسته بود که اعضای بیکار حزب را برای کریسمس به خانه‌های خود دعوت کرده و به آن‌ها «نیرو و جسارت برای روزهای آینده» ببخشند. این گونه بسیج و تجهیز نیروها با سلایق هیتلر همخوانی کامل داشت و به همین خاطر گوبلز خیلی زود به یکی از کارگزاران رده بالای حزب بدل شد.

کنگره حزب که در آغاز آگوست ۱۹۲۹ در شهر نورنبرگ برگزار شد در واقع رژه و مانوری از یک جنبش در حال شکوفایی بود. در آن روز بود که ده‌ها هزار ناسیونال‌سوسیالیست در خیابان‌های شهر رژه رفتند و از سوی مردم با گل مورد استقبال قرار گرفتند. یکی از روسای منطقه‌ای حزب «مانیفست ناسیونال‌سوسیالیستی» هیتلر را برای ۱۲۰۰ عضو حاضر قرائت کرد. «پیشوا» در این مانیفست در واقع با «بورژوازی سیاسی آلمان» تسویه‌حساب می‌کرد. هیتلر نوشته بود که بورژوازی آلمان «نسخه فروپاشی و انحطاط کشور را نوشته» و اظهارنظر کرده بود که این طبقه به «ویروس‌های یهودی مبتلا شده است».

به باور هیتلر دنیای بورژوازی علیه «ایده قومی» و «اهمیت نژاد» موضع می‌گیرد. به همین خاطر او نیز مرزهای خود را با راست بورژوای سنتی آلمان معین کرده و از ناسیونال‌سوسیالیست‌ها می‌خواهد که به عنوان یک «جنبش جوان» خود را از قیدوبندهای «عده‌ای خشک‌مغز و تنگ‌نظر» دور نگه دارند و مستقل عمل کنند.

هیتلر وظیفه و تکلیف اصلی اعضای حزب را «انتشار و گسترش تبلیغات ما» اعلام و اضافه کرده بود که «اندیشه مسئولیت رهبری» باید به صورتی جدی و در همه سلول‌های حزبی مورد توجه قرار گیرد: «حزب باید سلول‌های اجرایی و مدارس عالی سازمانی تاسیس کند. بدین‌صورت است که می‌توان حزب را به سازمانی جنگی برای ملت آلمان بدل کرد.» بدین ترتیب هیتلر یک خواسته آوانگارد را برای حزبش فرمول‌بندی کرد؛ مشابه همان کاری که پیش از آن توسط لنین برای بلشویک‌ها انجام شده بود.

وظیفه جذب انقلابی‌های حرفه‌ای قهوه‌ای بیش از همه به دو نفری محول شد که دانش و درک خوبی از سازمان و تبلیغات داشتند یعنی گوبلز و گرگور اشتراسر. اشتراسر که در نوامبر ۱۹۲۹ موفقیتی چشمگیر را در انتخابات شهرداری برلین نصیب خود کرده بود، در آوریل ۱۹۳۰ به عنوان مدیر تبلیغات رایش و امور انتخابات و برگزاری گردهمایی‌های بزرگ در سراسر آلمان منصوب شد. البته همزمان و با حفظ سمت همچنان رهبری محلی حزب در برلین را نیز بر عهده داشت. اشتراسر از سال ۱۹۲۸ و به عنوان مدیر سازمان رایش در خدمت هیتلر بود.

اشتراسر و گوبلز به خوبی می‌دانستند که با چه زبانی با توده‌های کارگری صحبت کنند و می‌دانستند که این توده‌ها از چه چیزهایی به وجد و شعف می‌آیند. به همین خاطر این دو نفر یکدیگر را کامل می‌کردند. اشتراسر مانند یک طبیب ضد سرمایه‌داری به اصطلاح نسخه عملی برای توده‌ها می‌پیچید و گوبلز زبانی کارساز و مفید برای اقناع این توده‌ها به کار می‌گرفت و گفتاردرمانی می‌کرد. بدین‌صورت بود که حزب کارگر آلمان یا همان حزب نازی بر خلاف دیگر احزاب آلمانی خود را برای دورانی طوفانی و سخت مجهز کرد. شعار گوبلز این بود: «یک ناسیونالیست باید بتواند در همه شئونات و امور وارد شود.»

بحران در سیستم بسیار زودتر از آنچه که هیتلر و طرفدارانش انتظار داشتند آغاز شد و پس از سقوط بورس نیویورک در آن «جمعه سیاه» اکتبر سال ۱۹۲۹ بود که سال‌های خوش جمهوری وایمار نیز به پایان رسید.

شمار بیکاران از ۱.۵ میلیون نفر در نوامبر سال ۱۹۲۹ به ۳.۲ میلیون نفر در فوریه ۱۹۳۰ رسید. دو سال بعد یعنی در فوریه ۱۹۳۲ شش میلیون آلمانی طبق آمارهای رسمی از نعمت شغل محروم بودند. این در حالی بود که رقم واقعی بیکاران در سال ۱۹۳۲ بسیار بیشتر از این تخمین زده می‌شد و به عبارت بهتر شمار واقعی بیکاران بالغ بر ۸.۷ میلیون نفر بود. در همان زمان شمار اعضای حزب کارگر آلمان از ۲۷ هزار نفر در سال ۱۹۲۵ به ۱۳۰ هزار نفر در سال ۱۹۳۲ افزایش یافت. تا پیش از آن هیچ حزبی نتوانسته بود که در عرض هفت سال جمعیت اعضای خود را سه برابر افزایش دهد.

بدین ترتیب حزب هیتلر به یک حزب فراگیر و مردمی بدل شد و نازی‌ها در سال ۱۹۳۰ و همزمان با بحران جهانی اقتصاد کار خود را آغاز کرده و به عرصه سیاست گام نهادند. در مارس ۱۹۳۰ آخرین ائتلاف سوسیال‌دموکرات‌ها و احزاب بورژوا درهم شکست زیرا این احزاب موفق نشدند برای تامین هزینه‌های بیکاری منابعی تعریف کنند.

در این میان باج و خراجی که آلمان بر اساس قرارداد ورسای موظف به پرداخت آن بود با بحران اقتصادی و بیکاری فزاینده آلمانی‌ها دست به دست هم داده و نوعی احساس تحقیر ملی را رقم زد. آلمان در آغاز بر اساس طرح داوس و سپس بر اساس طرح یانگ یعنی دو اقتصاددان آمریکایی بدهی خود را می‌پرداخت اما گوبلز با طرح و سازماندهی تبلیغات جهت‌دار به خشم مردم دامن زد. در همین زمان داوس در مقام نصیحت به گوبلز هشدار داد: «آلمان به این صورت گرفتار فقر همیشگی خواهد شد.» اما گوبلز حتی از طرح یانگ به عنوان «برده‌داری یانگ» یاد می‌کرد.

گوبلز در پایان فوریه ۱۹۳۰ و در طی یک سخنرانی در ماگدبورگ نشان داد که تا چه اندازه می‌تواند در افزایش خواسته‌ها و اعتراض‌های مردمی موثر باشد. او از حزب نازی به عنوان تنها نیروی اپوزیسیون علیه «سیستم» یاد کرد و گفت که آلمان به یک اسباب‌بازی در دستان کنسرسیوم‌های بین‌المللی بدل شده است: «وزرای آلمانی دیگر نماینده خواسته‌های مردم نیستند و نوکری جامعه مالی بین‌المللی را می‌کنند.» او سخنانش را با این تهدید به پایان برد: «ما شما را می‌شناسیم! و شما هم ما را خواهید شناخت!»

ادامه دارد

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۳ شهریورماه ۱۳۵۸ (برابر با ۱۲ شوال ۱۳۹۹، ۴ سپتامبر ۱۹۷۹) نقل شده است

گزارش لحظه به لحظه عملیات ارتش در درگیری‌های مهاباد

در حالی که قوای نظامی و پاسداران،از دو هفته پیش خود را برای یک درگیری شـــدید در مهاباد و اطراف آن، آماده کرده بودند بعد از ظهر دیروز، ارتش و پاسداران در پی عملیاتی حساب شده و بی آنکه به مردم شهر آسیب‌های عمده برسد وارد شهر شدند و بیدرنگ در نقاط حساس شهر، استقرار یافتند. نقاط حساس شهر مهاباد، قبلا در یک شورای جنگی روی نقشه شناسایی شـــده بود و با ورود ارتش و پاسداران به شهر، قوای انتظامی، به ســـرعت، نقاط حساس مهاباد را متصرف شد.همزمان با ورود قوای ارتشی و پاسداران به شهر، هلیکوپترهای نظامی با آرایش جنگی، قوای انتظامی را زیر پوشش حفاظتی خود قرار دادند و تا زمانی که محل‌های حساس شهر، به تصرف قوای انتظامی درآید، بطور مستمر، برفراز مهاباد، پرواز می‌کردند.

شریف امامی، از هاری و بختیار به دادسرای انقلاب احضار شدند

احمد آذری قمی،دادســـتان دادسرای انقلاب اسلامی مرکز، با صدور یک آگهی به نخست‌وزیران و اعضای کابینه‌های شـــریف امامی، از هاری و بختیار ابلاغ کرد، خود را به دادسرای انقلاب معرفی کنند. متن این آگهی، به شـــرح زیر است:به کلیه نخست‌وزیران و اعضای متواری کابینه‌های شریف امامی و ازهاری و شاهپور بختیار ابلاغ می‌شود که ظرف ده روز جهت رسیدگی به وضعیت و اتهامات خود را به دادسرای انقلاب اسلامی استان مرکز واقع در زندان اوین معرفی نمایند در غیر اینصورت غیابا تحت تعقیب قرار گرفته و برای کیفر، تسلیم دادگاه انقلاب خواهند شد.

قیمت سکه طلا ۸۰۰ تومان شد

بانکِ ملی ایران امروز قیمت فروش ســـکه را مجدداً افزایش داد و بهای یک ســـکه آزادی را ۸۰۰تومان و نیم‌سکه را ۴۰۰تومان تعیین کرد.بانک ملی ایران چند روز پیش قیمت سکه را از ۷۶۰ به ۷۸۰تومان ترقی داده بود.

پاکستان، بمب اتمی نساخته است

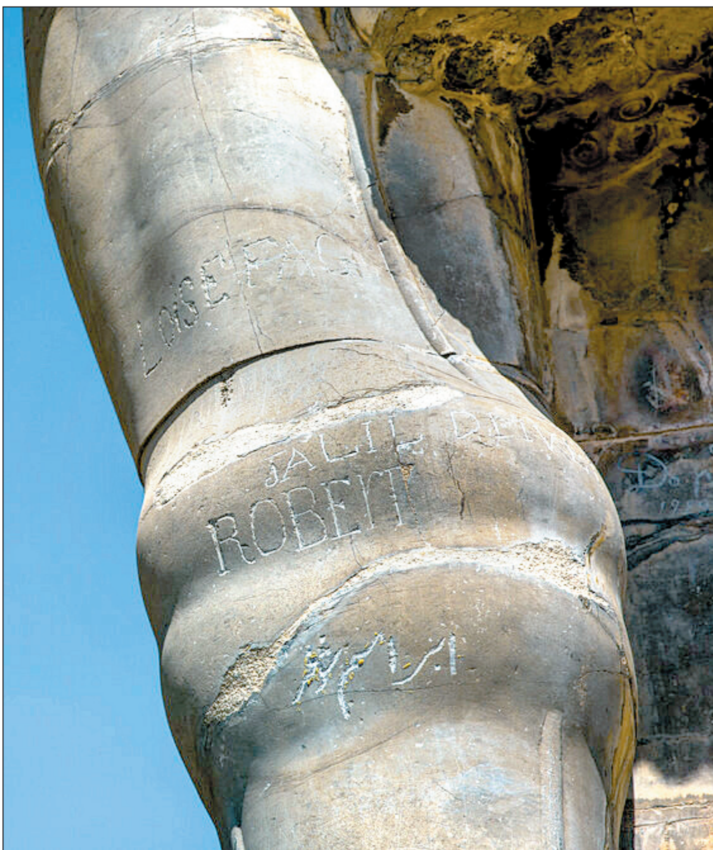
آقاشاهی، وزیر خارجه پاکستان که برای شرکت در کنفرانس کشـــورهای غیر متعهد به هاوانا آمده است، در گفتگوئی باخبرگزاری پارس، با تأکید به اهمیت ویژه‌ای که پاکستان برای گسترش و تحکیم مناسبات خود با ایران قائل است، خاطر نشان کرد که دولت متبوع وی، از آغاز انقلاب اسلامی ایران، همواره از آن جانبداری کرده اســـت. آقای شاهی خبر ســـاختن بمب اتمی توسط پاکستان را که در شماره اخیر نیوزویک به آن اشاره شده بود، بی‌اساس دانســـت و گفت: ما اصولا مخالف ورود به جرگه کشورهائی که بمب اتمی دارند، بویژه کشورهای جنوب شرقی آسیا هستیم. ما به هند و دیگر کشورها اطمینان داده‌ایم درصدد ساختن بمب اتمی نیستیم و اعلام داشته‌ایم که این برنامه، فقط در جهت مقاصد صلح‌آمیز خواهد بود.

دکتـر مکـری: دربـاره کردسـتان اسـناد فراوانـی همراه آورده‌ام

بعدازظهر دیروز دکتر مکری ســـفیر ایران در مسکو وارد تهران شد و در باویون دولتی فرودگاه مهرآباد مورد استقبال داریوش فروهر دبیر کل حزب ملت ایران و وزیر کار و امور اجتماعی و همسرش و گروهی از مقامات حزب و وزارت کار قرار گرفت.

خبرنگار سیاسی روزنامه اطلاعات که بعنوان تنها روزنامه‌نگار در پاویون دولتی حضور داشت و بین ورود دکتر مکری به تهران و تلاش‌های فروهر برای ختم برادرکشی در کردستان ارتباطی پیدا کرده بود از دکتر مکری خواست که نظر خود را به عنوان یک ایرانی کرد در مورد وقایع کردستان بگوید. دکتر مکری گفت: ـ من تا ملاقاتی با امام و دولت انجام ندهم هیچ توضیحی به شما روزنامه نگاران نخواهم داد، اما آنچه که برای من مسلم است عوامل خارجی و نوکران سرســـپرده صهیونیسم در آتش افروزی کردستان دخالت دارند، من با خود اسناد و مدارکی آوردم که نشـــان می‌دهد چگونه بعضی از خائنین به مملکت در لبـــاس آزادی‌خواهی هدف تجزیه کردستان را دارند.

قاب امروز



یادگارنویسی روی بناهای تاریخی، از تخت جمشید گرفته تا محوطه‌های جهانی کشور /عکس از:سیدوحید حسینی

سرایه

آن سرو که جایش دل غم پرور ماست
جان در غم بالاش گرفتار بلاست
از دوری او به ناخن محرومی
سد چاک زدیم سینه جایش پیداست

وحشی بافقی

پند بزرگان

یامشغول زندگی کردن‌باش یامردن.

استفن کینگ

مصمم شوید که کاری باید صورت گیرد، سپس راه‌انجام آن‌را خواهید یافت.

آبراهام لینکلن

امروز در تاریخ

شکست بزرگ ارتش روم از ایرانیان

چهارم سپتامبر سال ۳۶۳ میلادی، ۶۹ روز پس از مرگ ژولیان امپراتور روم که با ۱۴ لشکر رومی به جنگ شاپور دوم شاه ساسانی ایران شتافته بود، جانشین او «ژوویان» با صرفنظر کردن از متصرفات روم در آسیای صغیر و غرب فرات موافقت شـــاپور را به صلح به‌دست آورد تا بتواند باقیمانده لژیونرها را زنده به کشورشان بازگرداند. ژولیان برای تصرف تیسفون از فرات گذشته بود. یکی از شرایط صلح این بود که ژوویان در جریان عقب نشینی به ساحل مدیترانه به هر شهر که برسد باید به دست خود پرچم ایران را برفراز شهر به اهتزاز درآورد، و او به این تعهد عمل کرد.

درگذشت طغرل سلجوقی در «ری»

طغرل سلجوقی که با غلبه بر غزنویان، ایران خاوری و سپس همه ایران و نیز بغداد را تصرف و تا سوریه و گوشه هایی از آناتولی پیش رفته بود چهارم سپتامبر ۱۰۶۳ میلادی در «ری» و در ۷۳ سالگی درگذشت و چون فرزند نداشت آلپ ارسلان برادرزاده‌اش برجای او نشست.

نخستین اجتماع پیروان راه مصدق در میدان جلالیه تهران

۱۳ شهریور سال ۱۳۳۹ هجری برای نخستین بار پس از کودتای ۲۸ امرداد، هواداران و پیروان راه دکتر مصدق و به دعوت قبلی آنان ـ بسیاری از مردم تهران اجتماع بزرگی را در میدان جلالیه (محل پارک لاله امروز) برپا داشـــته بودند که طبق گزارش کلانتری ۱۹ پلیس تهران و پاسگاه ژاندارمری امیرآباد، نزدیک به دویســـت هزار تن در آن شرکت کرده‌بودند.

در این اجتماع سخنرانان خواستار رعایت آزادی ها مندرج در قانون اساسی، حقوق بشر مطابق اعلامیه بین المللی مربوط، برقراری دمکراسی، آزادی زندانیان‌سیاسی و بازگشت آنان به زندگی عادی و فعالیت های حرفه ای مربوط‌شدند.

تصویب لایحه تابعیت ایرانی در مجلس

مجلس ایران جلسه ۱۶ شهریور ۱۳۰۸ خود را به بحث درباره لایحه دولت پیرامون امر تابعیت اختصاص داده بود. برخی نمایندگان تاکید بر آن داشتند که با ایرانیانی که به تابعیت دولت دیگری درآیند باید به صورت تبعه خارجی رفتار شود و ایران نباید تابعیت مضاعف را بپذیرد و ســـرانجام لایحه دولت در آخر وقت آن روز به همان صورتی که به مجلس داده شده بود ـ تعریف تابعیت ـ به تصویب رسید.

www.iranianshistoryonthisday.com

جـدول شـرح در مـتـن ۵۰۶۶

غلامحسین باغبان

حل جدول ۵۰۶۵						خداوند	پارچه ابریشمی / اثری از برنارد شاو	ح	آزمایشگاه	حساسیت
										ا
										نسیم شب
										مارک معتبر / لبریز
								مادر به زبان محلی / شایسته		
جمهوری خود گردان روسیه	نوشابه گازدار قدیم		سرپیچی							اکنون / پوشانده
			مردمی / پایتخت فلزی!	همگی						
										دریاچه آفریقا
						بخشی از چشم / بسیار زیاد				سفید آذری / شکوه
		تکرار حرف					شهر سیستان / از القاب اروپایی			
		یادداشت / عدد ورزشی						از مرکبات / نفس بلند		نابغه عالم سینما
			وسیله درو							چ
				آیینه تمام نمای والدین						گوسفند قربانی

حل جدول ۵۰۶۵

				نام دخترانه	لگن لباسشویی / مقطع دبستان	ت	اسکلت	شهر حمام فین
				ن	ا	ش	ا	ک
				د	ب	ت	س	م
				ا	ت	لنگه / احسان ماندگار	ت	دیکتاتور / از حبوب آشی
				سپاسگزاری	د	و	خ	ن
وسیله شکار جانور	حداقل	خ	رئیس ایل	ت	ا	ق	و	ا
د	م	ا	از راه رسید	ش	ی	ف	ا	زمان ها / ورقه چاپی تبلیغاتی
ا	ی	ن	پدر بزرگ / شهری در یمن	ک	ی	عدد پیشتاز / پرستش خداوند	ن	ت
م	ن	رطوبت ناچیز / باز دارنده	ع	ر	خدای خورشید / تاکنون	ع	ب	هزار کیلو / نیم صدای بره
جملگی	ی	ر	د	فارسی باستان / قصر نشین	ه	ب	ن	ش
ه	م	ا	ن	ش	ن	ا	د	اولین روز هفته / دایره المعارف
م	و	د	ثانی	ا	و	د	ی	ب
ه	م	ع	خواهر پدر	ه	ز	ت	دندانه کلید	بدون درمان

سـودوکـو ۲۵۵۳

			۴					۲
		۲		۹		۴		۳
	۸			۱		۶		
۵					۴	۸	۷	۱
۳	۲	۱	۹					۴
		۶		۳			۴	
۹		۴		۵		۱		
۲					۷			

۴	۷	۹	۸	۱	۵	۲	۳	۶
۲	۳	۶	۴	۷	۹	۸	۱	۵
۸	۱	۵	۲	۳	۶	۴	۷	۹
۹	۴	۷	۵	۶	۸	۱	۲	۳
۱	۸	۲	۹	۴	۳	۵	۶	۷
۵	۶	۳	۷	۲	۱	۹	۴	۸
۳	۹	۴	۱	۵	۷	۶	۸	۲
۷	۲	۸	۶	۹	۴	۳	۵	۱
۶	۵	۱	۳	۸	۲	۷	۹	۴

حـل ۲۵۵۲